ایران

• سه‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵
• ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
• ۲۴ نوامبر ۲۰۲۶
• سال سی‌ودوم
• شماره ۹۱۸۳
• (۴ صفحه مجازی) +۱۲ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۲۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

«ایران» چرایی تأکید رئیس جمهوری بر بیان شفاف ناترازی‌ها و کمبودها را بررسی می‌کند

بیان واقعیت‌ها؛ نشانه ضعف یا مسیر جلب همراهی مردم؟

طرح مسجد محوری و حکمرانی محلی با حضور رئیس جمهوری در یکی از مساجد تهران رونمایی شد

۲ ۳

از لحظه تصادف تا بازگشت به زندگی
مسیر پرهزینه یک حادثه

۶

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی در سومین دوره جام رسانه‌ها:
«ایران قوی» یک واقعیت تاریخی و تمدنی است

۳

غلامرضا نیکخواه، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بر اثر سکته قلبی درگذشت
بدرود با مـــردی که بی‌ادعا می‌خنداند



۱۲

در صفحه جدید «فرهنگ و رسانه» اساتید دانشگاه و روزنامه‌نگاران پیشکسوت بررسی کردند

مناظره؛ گفت‌وگو برای آگاه‌تر شدن یا جدال برنده شدن

همراه با دیدگاه‌های آرش حیدری، مسعود کوثری، حمید ملک زاده ، ماشاءالله شمس الواعظین و محمد مهاجری

۸

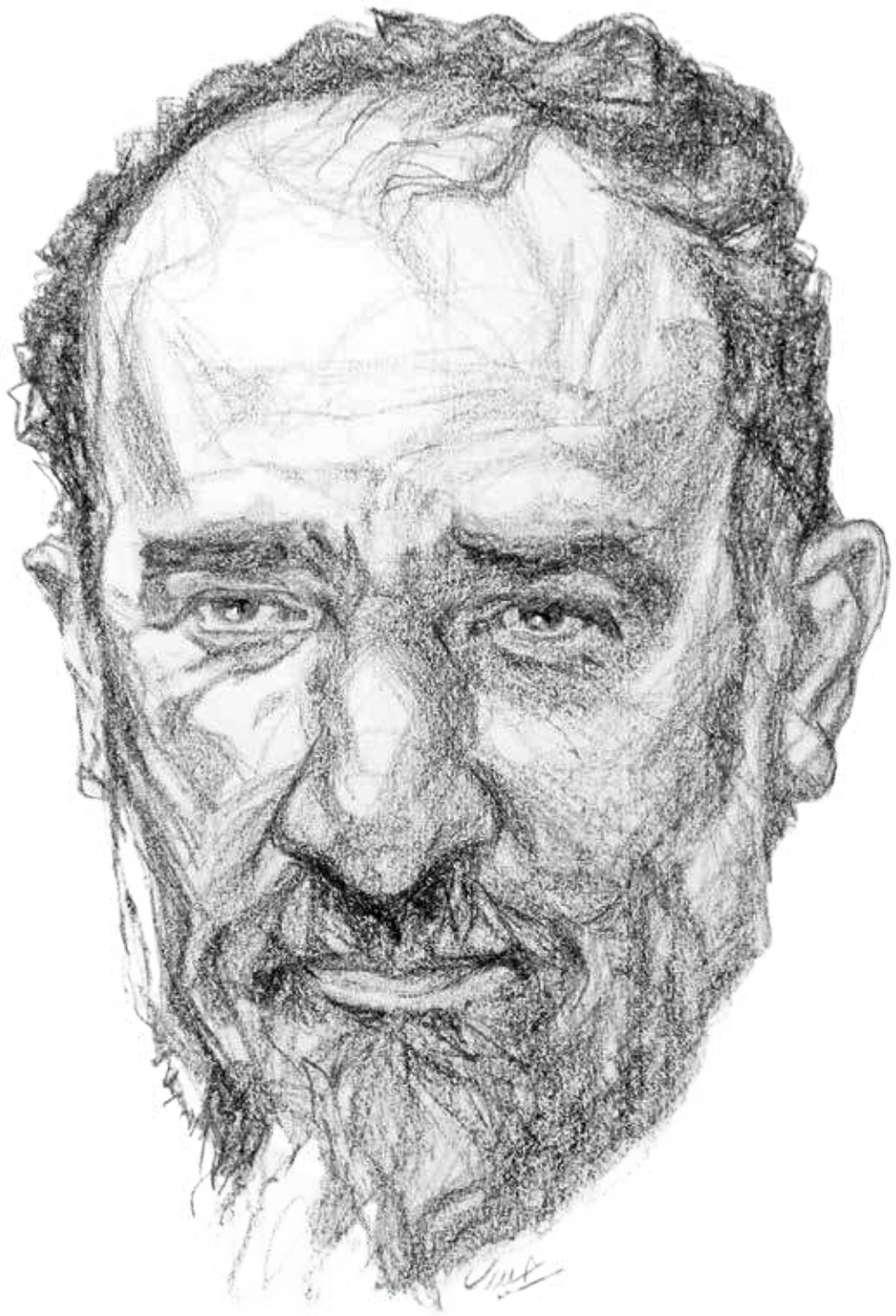
صفحات اینترنتی روزنامه ایران را بخوانید

یک پیامک راز سرقت‌ها را برملا کرد
سناریوی پسر فقیر برای سرقت طلاهای دختر پولدار
۱۳

رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران»:
آزادسازی قیمت بساط واسطه‌گری تایر را جمع می‌کند
۱۴

تورهای بی‌ضابطه، محیط‌زیست و حیات‌وحش را به خطر انداخته‌اند
میهمان ناخوانده در خانه طبیعت
۱۵

«ایران» ضرورت تداوم جوانگرایی و بازسازی کادر فنی تیم ملی فوتبال را بررسی می‌کند
آسیا با نسخه دیروز فتح نمی‌شود
۱۶



آخرین پرواز نویسنده

رضا امیرخانی یک سال پس از سقوط پاراگلایدرش در ۵۳ سالگی درگذشت

۱ ۱۰

طرح: هادی حیدری / ایران

من او

یادداشت



احمد مسجدجامعی
وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی

هر کس از خودش تصویری ماورایی دارد؛ تصویری که دوست دارد آن‌گونه زیست کند، آن‌گونه شناخته شود و دیگران با او به سخن بنشینند و خاطره‌گویی کنند. حتی با او گلاویز شوند و قهر کنند، یا او را بر فراز برند و در کنارش بنشینند و من را با آن بسنجند و ملامت یا ستایش کنند.

در واقع، هر «منی»، «اویی» دارد؛ اویی که فراتر از دنیای زمینی و ناظر بر آن است؛ اویی که دور از هیاهوی پیرامونی، «منِ بیرونی» را به خلوت خود فرامی‌خواند، از او می‌پرسد و پاسخ‌هایش را ارزیابی می‌کند. ممکن است در این آمدوشد میان ذهن و عین، من را به سخره بگیرد یا تحسین کند.

داستان «منِ او» فراتر از عشقی ناکام است؛ اما در لایه‌های عمیق‌تر، روایتی از نسبت انسان با خودش به دست می‌دهد؛ نسبتی که ممکن است در کشاکش عشق، در قالب «او» نمود یابد.

برداشت من، نه‌تنها از رمان «منِ او»، بلکه از شخصیت واقعی امیرخانی نیز این است که او دوست داشت از زبان دیگران نکاتی بشنود؛ حتی اگر آن نکات در نقد او باشد یا زمینه‌ای برای فعالیت و نوشته‌ای تازه فراهم آورد. در همین گفت‌وگوها بود که فضای اجتماعی متفاوت را رصد می‌کرد و آثاری به دست می‌داد که گاه چنین به نظر می‌رسید با اندیشه‌های پیشین او در تقابل‌اند.

یکی از هنرمندانه‌ترین و ماندگارترین نقدهای او را می‌توان در رمان «روش»، در نگاهی که به سیاست‌های شهری پایتخت در دوره‌های مختلف دارد، دید. تا آنجا که انگار با گلایدر به آسمان رفته و از آن بالا به تهران و باغ قلهک سفارت انگلیس می‌نگرد؛ باغی که با وجود مواضع روشن او درباره سیاست‌های استعماری، از منظری مثبت به آن اشاره می‌کند و یادآور می‌شود که این از معدود فضاهای مشجر تهران است که می‌تواند از دست بساز‌وبفروش‌ها و مجوزهای شهرداری در امان بماند.

این هم یادگاری است از همان گفت‌وگوی میان من و او؛ زمانی که زمانی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفت. زنده‌یاد امیرخانی آثار دیگری هم داشت که با توجه به سن‌وسال او، پرشمارند؛ اما در هیچ‌یک از آنها این‌گونه از پیوند درون و برون سخن نمی‌گفت. او نویسنده‌ای متفاوت بود؛ نویسنده‌ای که از ظاهر به باطن سفر می‌کرد و میان «من» و «او»، در عین بیگانگی، یگانگی برقرار می‌ساخت. عشق، خانه مشترک عاشق و معشوق است.

مرگ او نیز، همچون این اثر، شکلی متفاوت داشت. اگر از بالا «با گلایدر» به آن بنگریم، شاید بتوان آن را آغاز زندگی جدید ادبی او دانست. او در این ماه‌های پرتلاطم و فضای پرالتهاب، در آرامشی کامل زیست و واکنشی نشان نداد. اما شاید «من» و «او» در همین حال نیز گفت‌وگوهایی پیوسته با یکدیگر داشتند. اگر نگاهی به آثارش، سفرنامه‌ها، نامه‌ها، دلنوشته‌ها و اندیشه‌هایش داشته باشیم، به‌خوبی درمی‌یابیم که «من» و «او» آگاهانه در جدالی مداوم با یکدیگر بوده‌اند. اتفاقاً همین نکته است که او را از نگاه جزم‌اندیشان این‌سو و آن‌سو نگر متفاوت می‌کند.

شاید عمر نه‌چندان بلندش از آن رو بود که نمی‌توانست ناظر بی‌اعتنای این ناهماهنگی‌ها، بداخلاقی‌ها و نارضایتی‌های عمیق میان گفتار و کردار این و آن باشد. روانش به مینو همی شاد باد.

رؤسای قوای مجریه و مقننه درگذشت رضا امیرخانی را تسلیت گفتند

تمجید پزشکیان و قالیباف از آثار نویسنده متعهد

در پی درگذشت رضا امیرخانی، نویسنده متعهد کشورمان، رئیس جمهوری و دیگر مقامات و چهره‌های سیاسی و فرهنگی کشور، با صدور پیام‌هایی این ضایعه را تسلیت گفتند.

در همین راستا، مسعود پزشکیان در پیامی، فقدان امیرخانی را ضایعه‌ای برای جامعه فرهنگی و ادبی و دوستداران ادبیات داستانی کشور عنوان کرد و افزود: «ایشان از نویسندگانی بود که با نگاه ژرف به انسان و جامعه، زبانی خلاق و روایتی متفاوت، افق‌های تازه‌ای در داستان‌نویسی معاصر گشود.»

رئیس جمهوری تصریح کرد که بی‌تردید نام و آثار او در تاریخ ادبیات معاصر این مرز و بوم ماندگار خواهد بود و نسل‌های آینده نیز از اندیشه، خلاقیت و میراث فرهنگی او بهره خواهند برد.

در پیام پزشکیان آمده است: «ایشان از نویسندگانی بود که با نگاهی ژرف به انسان و جامعه، زبانی خلاق و روایتی متفاوت، افق‌های تازه‌ای در داستان‌نویسی معاصر گشود. آثار ماندگاری چون «داستان سیستان»، «ارمیا»، «منِ او»، «بیوتن» و «قیدار» تنها روایتگر رویدادها و شخصیت‌ها نبودند، بلکه بستری برای تأمل در مفاهیمی چون ایمان، عشق، هویت، جوانمردی، مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی فراهم آوردند. او با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبان فارسی و پیوند ادبیات با مسائل و دغدغه‌های جامعه، توانست با نسل‌های مختلف خوانندگان ارتباط برقرار کند و جایگاهی متمایز در حافظه ادبی این سرزمین به دست آورد.»

محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در پیامی، با ابراز تسلیت برای فوت امیرخانی، تصریح کرد: «امیرخانی از نویسندگانی بود که بخش مهمی از توان و خلاقیت ادبی خود را در مسیر پرداختن به هویت ایرانی، ارزش‌های ملی و دینی و مسائل جامعه به کار گرفت.»

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور نیز در پیامی با تسلیت درگذشت رضا امیرخانی، آثار و میراث ادبی او را ماندگار در حافظه فرهنگی کشور دانست. در پیام معاون اول رئیس جمهور آمده است: «آن نویسنده خلاق و اندیشمند، از چهره‌های شاخص ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بود که با قلمی تأثیرگذار، نگاهی نقادانه و دغدغه‌ای عمیق نسبت به ارزش‌های دینی، هویت ایرانی و مسائل اجتماعی، آثاری ماندگار در ادبیات داستانی کشور خلق کرد.»

عارف تصریح کرد: «آثاری همچون «ارمیا»، «منِ او»، «بیوتن» و «قیدار» و نیز نگارش اثر ارزشمند «داستان سیستان» در روایت سفر رهبر شهید انقلاب اسلامی، گواهی بر اهتمام آن مرحوم به بازتاب آرمان‌های انقلاب، فرهنگ ایثار و مقاومت و دغدغه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران است. بی‌تردید میراث ادبی و فرهنگی آن نویسنده فقید در حافظه فرهنگی کشور ماندگار خواهد ماند.»

پیام تسلیت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت درگذشت رضا امیرخانی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در پی درگذشت رضا امیرخانی، نویسنده و داستان‌نویس برجسته کشور، پیام تسلیتی صادر کرد. در متن این پیام آمده است: اناالله و انا الیه راجعون

آنچه ماه‌ها از اندیشیدن به آن گریزان بودیم، سوگمندانه به تلخیِ واقعیت پیوست و رضا امیرخانی از میان ما رفت. دریغا که چشم انتظاری بسیاری از دوستداران فرهنگ برای انتظار بهبودی او، به وصال نینجامید و سرنوشت محتوم، مجال بازگشت نویسنده‌ای را گرفت که قلم خلاق و کلام نافذ او، تحسین‌برانگیز بود. رضا امیرخانی در شمار نویسندگانی بود که در جست‌وجوی افق‌های تازه، زبان و جهان روایی ویژه خویش را آفرید. نثر پرتحرک، تخیل بارور و جسارت او در آزمودن ظرفیت‌های زبان فارسی، با دلبستگی عمیقش به فرهنگ، ایمان و هویت ایرانی و اسلامی درآمیخته بود. او از «ارمیا» و «منِ او» تا «بیوتن» و «قیدار»، قصه‌هایی ماندگار روایت کرد که نسل‌هایی از خوانندگان را با خویش همراه ساخت. این فقدان اندوه‌بار را به خانواده ارجمند امیرخانی، جامعه ادبی ایران و دوستداران آثارش تسلیت می‌گوییم و امید داریم که خداوند متعال او را در کنار محبوب حقیقی‌اش، حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) آرامش دهد.

حسب‌جان‌هم

جنگ طلبی یا استقامت و دفاع؟



سید عطاءالله مهاجرانی

گاه در اظهارنظرها، مطالبی دیده می‌شود که نشانه کژتابی واژگان یا سوءفهم مفاهیم است. انگار ایران دنبال جنگ است، یا بخشی از جریان‌های سیاسی و نهادها دنبال جنگند و نمی‌گذارند کشور و ملت روی صلح و آسایش و خیر و خوشی را ببینند! برخی دانشگاهیان و دیگرانی که مصلحت ایران و ملت ایران را در عدم جنگ افروزی می‌دانند، همین مضمون را تازگی تکرار کرده‌اند. به نظرم نباید به افراد یا جریان‌های سیاسی پرداخت، بلکه خود موضوع را باید نقد و بررسی کرد. همان حکمتی که کلیشه شده است!

مشهور است که خانم «النور روزولت» گفته است، «درباره ایده‌ها بحث کنید، نه اشخاص و جریان‌ها و رویدادها.» خانم روزولت ظاهراً این سخن را شنیده و در جایی گفته است. مطلب به سال ۱۹۰۱ باز می‌گردد. «هنری توماس باکل» تاریخدان انگلیسی این سخن را روایت کرده است. برخی، تاریخ سخن را تا سقراط به ژرفای تاریخ پیش از میلاد مسیح برده‌اند. گفته اند: «ذهن‌های بدوی و ساده و سطحی درباره اشخاص صحبت می‌کنند، ذهن‌های عادی و متوسط درباره رخدادها و ذهن‌های عالی درباره ایده‌ها و موضوعات!»؛ سخن خردمندانه‌ای است. اینکه ما گاه شاهد غوغاسالاری و هرج و مرج فکری در جامعه یا فضای مجازی پیچازی می‌شویم، برای همین است که ذهنی بدوی و منحط، به متفکری یا سیاستمداری یا هنرمند و نویسنده با نام و نشان و حسن شهرت ملی و تاریخی، ناسزا می‌گوید و جنجال! منظورم این است که درباره مقوله جنگ طلبی و دفاع، به نقد و بررسی ایده بپردازیم. اگر جهت سخن، به سوی اشخاص و جریان‌های سیاسی رفت؛ دروازه انگیزه‌شناسی و انگیخته‌یابی ظهور می‌کند و به بیراهه و سخنان بیهوده کشانده می‌شویم. ایده‌ای که مطرح شده است، این است: «جنگ بد و شرّو ویرانگر است. صلح خوب و عاقلانه است؛ الصلح خیر! پس جنگ طلب نباشیم و با آمریکا بسازیم و بهانه دست ندهیم.» این ایده با بیان‌های مختلف و در سطوح متفاوت مطرح شده و می‌شود. حال، هرکسی در جهت چنان موضعی، یعنی جنگ افروزی قرار گیرد، بسم‌الله، برایش از مصلحت و عقلانیت و با دوستان مروت با دشمنان مدارا بسرایید.

مصلحت گرایان و عقلانیت پنداران که مدام از آسیب‌های جنگ و مشکلات کشور و ملت سخن می‌گویند، تأکید می‌کنند که:

یکم: قویاً مخالف تداوم جنگند و معتقدند که «امروز جنگ را تمام کنیم بهتر از فرداست.»

دوم: ایران در این درگیری‌ها به دستاوردهای استراتژیکی مانند ایجاد بازدارندگی در تنگه هرمز، نشان دادن اراده پاسخگویی، انسجام ملی و به چالش کشیدن ابهت نظامی آمریکا دست یافته است. با پایان دادن به جنگ در شرایط فعلی این دستاوردها را تثبیت می‌کنیم و مانع از تخریب زیرساخت‌ها و تحمیل خسارت‌های بیشتر به کشور می‌شویم.

سوم: ادامه محاصره و فشارهای اقتصادی برای ایران قابل تحمل نیست، منافع اسرائیل تماماً در تداوم درگیری و جنگ تعریف می‌شود.

چهارم: محاسبات استراتژیک طرف مقابل برای جلوگیری از شروع جنگ علیه ایران، جایگاه تنگه هرمز و پیوند با اقتصاد بین‌الملل، نقش بسیار مهم‌تری نسبت به سلاح هسته‌ای یا ذخایر اورانیوم دارد. اصرار بر «مدیریت انحصاری تنگه هرمز» می‌تواند کشور را در وضعیت «جنگ دائمی» قرار دهد و بهتر است با انعطاف و دادن امتیازهای حساب‌شده، توافقی پایدار شکل بگیرد.

پنجم: بهتر است برای تداوم جنگ به افکار عمومی و همه پرسی مراجعه شود.

این پنج نکته یا مطلبی که فهرست کردم، در سخنان افراد مختلف؛ از اساتید دانشگاه تا برخی روزنامه نگاران مصلحت اندیش با مقامات سابق اجرایی و سیاسی یا سخنگویان برخی جریان‌های سیاسی دیده می‌شود. تمرکز را برایده بگذاریم و نه گویندگان و نویسندگان. اما همه گویندگان و مفسرانی که از آسیب‌های جنگ و خسارت‌های ویرانی سخن می‌گویند، به دو نکته راهبردی توجه نداشته‌اند یا تأمل نکرده‌اند.

می خواهم در این حسب حال همان دو نکته را تبیین کنم:

یکم: ایران در موقعیت دفاع است و نه در موقعیت جنگ. کسی که در موقعیت جنگ است، برای جنگی که می‌افروزد، اهداف و مصالح و منافعی را تعریف می‌کند. چنان که آمریکا و اسرائیل برای آغاز جنگ ۱۲ روزه و جنگ ۴۰ روزه و در این ایام در جنگ تنگه هرمز، برای خود اهدافی را تعریف کرده بودند. این اهداف برخی آشکار است و برخی را در لایه‌های پنهانی می‌توان شناسایی کرد:

الف: سقوط جمهوری اسلامی ایران
ب: تجزیه ایران
ج: جنگ داخلی و آشوب در ایران
د: تسلط بر منافع و منابع نفت ایران
هـ: انهدام توان موشکی بالستیک ایران
و: انهدام توانایی هسته‌ای ایران
ز: تشکیل دولت پوشالی در بخش‌هایی از قلمرو ایران، مانند مدل یوگسلاوی سابق.

کشوری که در موقعیت دفاع است، از استقلال و سرزمین و وحدت ملی و دستاوردهای علمی و فنی و صنعتی خود حمایت می‌کند. نمی‌توان گفت جنگ طلب است و شایسته است مصلحت‌اندیش باشد! مصلحت در مقاومت در برابر دشمنی است که می‌خواهد اراده خود را تحمیل کند. عدم تمییز یا تعریف «جنگ طلبی» و «دفاع» می‌تواند سوءتفاهم‌های بسیار بیافریند و فضای اندیشه و سخن را آشوب کند و البته موجب سردرگمی در جامعه شود.

آمریکا و اسرائیل در موضع جنگ طلبی هستند و ایران در موضع دفاع. بدیهی است که در جهان امروز کشتار کودکان غزه با عنوان دفاع از خود توجیه می‌شود و شهادت دانش‌آموزان میناب به عنوان مبارزه با تروریسم تفسیر می‌شود. جنگ طلبان به ندرت از اهداف خود به صراحت سخن می‌گویند. گرچه نتانیاهو گفت که چهل سال بود که دنبال طراحی جنگ علیه ایران بود. می‌دانست که در چنین جنگی بدون دخالت و حمله آمریکا اسرائیل نمی‌تواند به تنهایی اقدام کند.

در برابر چنین شخصی که ایده جنگ طلبی و تجاوز را دارد، اگر کشور و ملتی برای بقای خود و وحدت سرزمینی و ملی خویش ایستادگی و مقاومت کرد، جنگ طلب است؟ جنگ طلب کسی است که به تعبیر استراتژیست جنگ، کارل فون کلاوزویتس، می‌خواهد اراده خود را بر طرف دیگر که دشمن است تحمیل کند. همان کاری که آمریکا کوشید با جنگ علیه ایران بدان برسد که شکست خورد و نتوانست هیچ یک از اهدافش را به انجام برساند. ترامپ در دنیای الفاظ و خودشیفتگی و دلقک بازی خودش را غرق کرده است.

دوم: چگونه می‌توان به آمریکا اعتماد کرد؟ یعنی امتیاز داد؟ ایده‌ای که می‌گوید از برنامه هسته‌ای صرف نظر کنیم، دو نکته را نادیده می‌گیرد. هیچ اعتماد و منطقی وجود ندارد که اگر ایران اورانیوم غنی‌سازی شده خود را تحویل داد، با حملات بیشتری مواجه نشود. چنانکه نمونه لیبی پیش روی ماست. کشور لیبی را ویران کردند و به دست باندهای ماجراجو و غارتگر و آدمکش سپردند. مگر جنگ ۱۲ روزه و ۴۰ روزه در میانه مذاکرات اتفاق نیفتاد؟ مگر پس از امضای توافقنامه اسلام‌آباد از سوی رؤسای جمهوری آمریکا و ایران، محاصره دریایی و طرح قفس آهنین و محاصره زمینی ایران مطرح نشد؟ تا جایی که وزیر خارجه ایران، دکتر عراقچی تازگی گفته است: «تفاهمنامه اسلام‌آباد از دستور خارج شده است.»

تمام سخن بر سر اعمال اراده آمریکا و اسرائیل در غرب آسیاست و نه مذاکره اخلاقی و منصفانه. کسانی که ایران را جنگ طلب می‌دانند و تفسیر می‌کنند، در لایه پنهان سخن‌شان تسلیم طلبی مشهود است. گویی موقعیت ایران و ملت ایران و آمریکا و اسرائیل را به درستی شناسایی نکرده‌اند.

قائم‌پناه: جنگ، قدرت تمدنی ما را برجسته‌تر کرد

معاون اجرایی رئیس جمهوری، روزگذشته در نشست گفت‌وگوی مسأله محور با تشکل‌ها و سازمان‌های مردم نهاد، گفت: «مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری می‌تواند به جای اینکه با فرد فرد مردم که درخواست‌هایشان ممکن است شخصی باشد و احیاناً اجابت آنها تبعیض‌آمیز باشد، روبه‌رو شود، بهترین کار را انجام دهد و پل واسط نهادهای مدنی و نهادهای مردم‌نهاد یعنی رابط بین مردم و دولت باشد.» محمد جعفر قائم‌پناه با اشاره به اینکه ما در ایران به این گفت‌وگوها نیازمند هستیم، تصریح کرد: «باید حرف‌های یکدیگر را بشنویم و بپذیریم. این جمع ویژگی خاص دیگری نیز دارد؛ این جمع، جمع فرهنگ و هنر است. من معتقدم یکی از اصلی‌ترین پایه‌های هر تمدنی، فرهنگ و هنر است. برخی دوستان معتقدند اصل تمدن همان فرهنگ و هنر است. با این حال، ما نباید دچار مناقشه شویم. من به تمدن ایرانی خود می‌نازم، ما به نوشته‌های کوروش افتخار می‌کنیم.» او با اشاره به اینکه هنوز در دنیا، قدرت نظامی ایران به دلیل تبلیغات جهانی، به خوبی بیان و آشکار نشده است، تأکید کرد: «اکنون دیگر نامی از ناوها در خلیج فارس یا حضور در دریای عمان نیست. دلیل این حضور نبودن این است که آنها نابود خواهند شد. این یک قدرت نظامی است و همچنین قدرت مردمی است که از ریشه‌های هزارساله تمدنی ما نشأت می‌گیرد.» وی خاطرنشان کرد: «در عین حال، مسئولان ما باید پاسخگو باشند، آنها باید پاسخگوی آن چیزی باشند که حق است و آن چیزی که وظیفه قانونی آنها است. اگر کاری را نمی‌توانند انجام دهند، باید دلیل نتوانستن خود را به‌طور شفاف به شما توضیح دهند و امکانات خود را نیز مشخص کنند.» قائم‌پناه گفت: «تلاش ما این است که فرهنگ گفت‌وگو را در جامعه رواج دهیم. ما به جای فرهنگ پرخاشگری، فرهنگ گفت‌وگو را جایگزین می‌کنیم. ما به جای فرهنگ سکوت، می‌خواهیم فرهنگ گفت‌وگوی دوسویه را شکل دهیم. در همین راستا، برنامه‌ای را برای سفرهای رئیس جمهوری طراحی کرده‌ایم. البته این برنامه به دلیل جنگ، مقداری تأخیر یافته است.»

طرح مسجدمحوری و حکمرانی محلی با حضور رئیس جمهوری در یکی از مساجد تهران رونمایی شد

مسجد بهترین پایگاه ارائه خدمات اجتماعی و جلب مشارکت عمومی است



دولت

گروه سیاسی

رئیس جمهور مسعود پزشکیان صبح روزگذشته در مراسم رونمایی از «طرح مسجدمحوری و حکمرانی محلی» که با حضور وزرای کشور، فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی، فرمانده سپاه تهران و رئیس سازمان بسیج مستضعفین در یکی از مساجد منطقه ۱۵ تهران برگزار شد، اظهار کرد: «باور و اعتقاد من این است که باید با تمام وجود برای توسعه و تقویت حکمرانی مسجد و محله‌محوری وقت بگذاریم. کیفیت گفتار و عمل ما باید مبتنی بر آموزه‌هایی باشد که در آیات قرآن و نهج‌البلاغه مورد تأکید قرار گرفته است.»

پزشکیان با اشاره به ضرورت توجه به لطف، رحمت و مهربانی در ارائه خدمات و فعالیت‌های اجتماعی، یادآور شد: «در مسیر خدمت و همیاری اجتماعی باید از تکبر و غرور دور باشیم و به همسایگان و نزدیکان احترام بگذاریم. نمی‌توان مسلمان بود و به امور مسلمین رسیدگی نکرد. در حکومت اسلامی، مردم نباید با مشکل مواجه باشند. رسیدگی به مسائلی همچون سلامت، آموزش و معیشت مردم از اولویت‌های اساسی اسلام است و نباید نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت باشیم.»

رئیس دولت چهاردهم ارائه خدمات بی‌منت و همه‌جانبه به مردم را از ارکان اساسی جامعه اسلامی برشمرد و تصریح کرد: «مسجد بهترین پایگاه برای ارائه خدمات اجتماعی و جلب مشارکت عمومی است. ارائه این خدمات به تنهایی از سوی دولت امکان‌پذیر نیست و همه جامعه باید با یکدیگر تعامل و همدلی داشته باشند و دست به دست یکدیگر بدهند.»

پزشکیان با اشاره به ظرفیت گسترده مساجد، گفت: «اکنون حدود ۸۰ هزار مسجد در کشور وجود دارد که هر یک از آنها می‌توانند نقش مؤثری در ارائه خدمات حمایتی، اجتماعی و عمومی به آحاد جامعه ایفا کنند. این مردم بودند که در دوران‌های سخت، همچون جنگ‌های تحمیلی، کشور را اداره کردند و ما را به این جایگاه رساندند و دولت به تنهایی قادر به انجام این کار نبود. با عزم و اراده‌ای که ملت ایران دارند، می‌توانیم برای مشکلات راه‌حل پیدا کنیم. بنابراین، در جایگاه مسئولیت قرار گرفته‌ایم تا به مردم خدمت کنیم.»

رئیس جمهوری با تأکید بر اینکه نگاه مسئولان در ارائه خدمات و تعامل با عموم جامعه باید فراگیر و به دور از تبعیض باشد، گفت: «چنانچه به مردم، صرف‌نظر از گرایش سیاسی، قومیت، جنسیت و سن، در حوزه‌هایی همچون آموزش، درمان و معیشت خدمت‌رسانی کنیم، از ما رضایت خواهند داشت. نباید افراد را حذف کرد و باید از تمام ظرفیت‌های مردمی موجود در راستای ارائه خدمات به سایر اقشار جامعه استفاده کنیم.»

پزشکیان یادآور شد: «همه مسئولان و حکمرانان در جامعه اسلامی و علوی وظیفه دارند عدالت را اجرا کنند. با توجه به ظرفیت موجود در مساجد و محلات، به ازای هر هزار و ۲۰۰ نفر یک مسجد فعالیت می‌کند و این ظرفیت می‌تواند خدمات فراوانی به جامعه ارائه دهد. همه مسئولان و مدیران، خادم مردم هستند و قرار نیست بر مردم آقایی کنیم.»

رئیس جمهوری با اشاره به اقدامات جنایتکارانه دشمنان در ترور دانشمندان و افراد مؤثر کشور، این اقدامات را جنایتی آشکار از سوی کشورهایی دانست که مدعی دموکراسی هستند و یادآور شد: «تمام نخبگان و دانشمندانی که به شهادت رسیدند، خادم ملت ایران بودند. دشمنان با به شهادت رساندن این افراد آگاه و عالم می‌خواستند کشور را از وجود آنها بی‌بهره کنند. دانشمندان شهید و سرداران ما سالم و بی‌ادعا زندگی کردند؛ برخی از آنها حتی منزل مسکونی شخصی هم نداشتند.»

پزشکیان با برشمردن برخی از ویژگی‌های حکومت اسلامی، عدالت، مهربانی، عطوفت و انصاف را از پایه‌های اساسی آن معرفی کرد و افزود: «حرف درست را همه آحاد جامعه می‌توانند بیان کنند. ضرورت دارد با احترام با مردم سخن بگوییم و از ایجاد تقابل پرهیز کنیم. چنانچه دست به دست یکدیگر بدهیم، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت مردم وجود نخواهد داشت و هرگز آمریکا و سایر دشمنان نمی‌توانند ما را ساقط کنند؛ مگر آنکه با نادیده گرفتن مردم، خودمان زمینه تضعیف کشور را فراهم کنیم.»

رئیس جمهوری بر ضرورت هم‌افزایی و تعاملی همدلانه تأکید کرد و گفت: «توصیه می‌کنم از لقب دادن به یکدیگر، مسخره کردن و تهمت زدن که بر اساس قرآن مصداق ظلم است، دوری کنیم. اگر دستورات قرآن را اجرا می‌کردیم، اکنون مملکت گلستان بود. باید به همه فرصت داد تا بهترین کار را در مسیر شکوفایی جامعه انجام دهند.»

پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود، برقراری ارتباط و تعامل با کشورهای همسایه اسلامی را ضرورتی انکارناپذیر برشمرد و تصریح کرد: «کشورهای اسلامی همسایه، برادران دینی ما هستند. آمریکا و دشمنان با ایجاد محدودیت و تحریم، در پی به زانو درآوردن کشورمان هستند. می‌توانیم با برقراری تعامل سازنده و چندجانبه با کشورهای همسایه، مسیرهای زمینی را جایگزین سایر مسیرها کنیم و زمینه کاهش محدودیت‌ها و مشکلات را فراهم آوریم. همه باید کاری انجام دهیم تا کم‌وکاستی‌ها و مشکلات کاهش یابد. می‌توانیم با احیای مجدد کارکرد اصلی مسجد و مشارکت عمومی، بار دیگر به مردم خدمت کنیم.»

رئیس جمهوری با تقدیر از اقدامات سازمان بسیج مستضعفین، قرارگاه مساجد و تمامی مدیران اجرایی که برای گسترش حکمرانی مسجد و محله‌محوری تلاش کرده‌اند، اظهار کرد: «هیچ‌گاه نباید خود را از مردم جدا کنیم. بسیج، همان‌طور که مقام معظم رهبری شهید فرمودند، یعنی همه مردم. مردم از هر قشر و با هر عقیده‌ای در جنگ از میهن و تمامیت ارضی دفاع کردند. ضرورت دارد در میان مردم حضور یابیم و درون جامعه باشیم؛ زیرا امروز دنیا از ایستادگی مردم ایران حیرت‌زده و مبهوت شده است.»

پزشکیان تأکید کرد: «ملت ما ایستاده‌اند و ما نیز قول می‌دهیم تا پای شهادت، هر کاری که از دستمان برمی‌آید برای بهبود وضعیت اجتماعی و معیشتی انجام دهیم. بنابراین، برای تعمیق روابط باید جلسات مستمر برگزار شود. مسجد می‌تواند افرادی را تربیت کند که در آینده کشور را مدیریت کنند.»

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به طرح دشمنان برای ایجاد اختلاف و تفرقه در جامعه گفت: «دشمنان نتوانستند و نخواهند توانست با جنگ کشور ما را به زانو درآورند و وادار به تسلیم کنند. به همین علت تلاش می‌کنند با ایجاد اختلاف و تفرقه به ما آسیب بزنند. یادمان باشد اختلاف سلیقه و تفاوت در نوع زندگی همواره وجود دارد و باید تعدد اندیشه‌ها را پذیرفت. اگر اصول را بپذیریم، در فروع نیز به فهم مشترک خواهیم رسید. باید تحمل یکدیگر را داشته باشیم و مانع فعالیت یکدیگر نشویم. چنانچه وحدت و انسجام را حفظ کنیم، می‌توانیم محله، شهر، استان و کشور را آباد کنیم.»

در ابتدای این مراسم نیز حجت الاسلام والمسلمین طائب رئیس سازمان بسیج مستضعفین، حجت الاسلام والمسلمین حاج‌علی‌اکبری رئیس شورای سیاستگذاری ائمه جمعه و جماعات و اسکندر مؤمنی وزیر کشور، در سخنانی بر اهمیت حکمرانی محله و مسجدمحور و نقش اثرگذار دولت در ایجاد هماهنگی و تعامل فرابخشی تأکید کردند.»

در پایان این مراسم، رئیس جمهوری از «طرح مسجدمحوری و حکمرانی محلی» و «طرح توانمندی صندوق قرض‌الحسنه محله‌محور» رونمایی کرد.

> ضرورت دارد با احترام با مردم سخن بگوییم و از ایجاد تقابل پرهیز کنیم. باید تعدد اندیشه‌ها را پذیرفت. اگر اصول را بپذیریم، در فروع نیز به فهم مشترک خواهیم رسید. باید تحمل یکدیگر را داشته باشیم و مانع فعالیت یکدیگر نشویم. نباید افراد را حذف کرد. باید از تمام ظرفیت‌های مردمی موجود در راستای ارائه خدمات به سایر اقشار جامعه استفاده کنیم

پزشکیان در جلسه هیأت دولت:

اخبار منتشرشده در مورد اختلاف در دولت کاملاً نادرست و بی‌پایه و اساس است

رئیس جمهور پزشکیان در جلسه اخیر هیأت دولت با رد قاطع اخبار و گمانه‌زنی‌های منتشرشده درباره وجود اختلاف و چنددستگی در دولت چهاردهم، این اخبار را کاملاً نادرست، بی‌پایه و اساس و ناشی از شیطنت برخی جریان‌ها دانست و تأکید کرد که اعضای هیات دولت با همدلی و همراهی پیمان خدمت بسته‌اند در کنار یکدیگر، پیمان بسته‌اند که به مردم و کشور خدمت کنند. مسعود پزشکیان در این جلسه با تأکید بر ضرورت حفظ احترام و تقویت همکاری میان اعضای کابینه، با تمجید از جایگاه و نقش محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور، تصریح کرد که اختلاف‌نظرهای احتمالی در مسیر اداره امور کشور نیز با گفت‌وگو، همفکری و احترام متقابل قابل حل است و نباید بهانه‌ای برای اختلاف‌افکنی قرار گیرد. وی با بیان اینکه پست و مقام‌های دنیوی ماندگار نیستند و هیچ ارزشی بالاتر از انسانیت و خدمت به مردم وجود ندارد، وظیفه اصلی مسئولان را رسیدگی به مشکلات کشور و شهروندان دانست. عارف نیز با اشاره به تلاش برخی جریان‌ها برای مخدوش کردن انسجام دولت از طریق شایعه‌سازی و اختلاف‌افکنی، بر ضرورت حفظ وحدت و به‌کارگیری تمام ظرفیت‌ها برای حل مشکلات مردم تأکید کرد.

«ایران» از بزرگداشت روز جهانی فلسفه گزارش می‌دهد

تأملات فلسفی در باب میهن‌دوستی

گزارش

حمیدرضا حبیبی
گروه اندیشه

روز جهانی فلسفه که هر سال با ابتکار سازمان یونسکو و با هدف برجسته کردن نقش فلسفه در تقویت تفکر انتقادی، گفت‌وگوی عقلانی و مواجهه اندیشمندانه با مسائل انسان و جهان گرامی داشته می‌شود، فرصتی برای بازاندیشی در پرسش‌های بنیادین انسان و تأمل درباره مسائل واقعی جوامع انسانی است؛ مسائلی که هویت، اخلاق، سیاست و شیوه زندگی انسان را به پرسش می‌گیرند. در همین چارچوب، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به مناسبت بزرگداشت روز جهانی فلسفه، یکشنبه اول آذرماه، همایش «تأملات نظری درباره میهن‌دوستی» را برگزار کرد تا یکی از مهم‌ترین موضوعات زندگی جمعی، یعنی نسبت انسان با وطن خود را به بحث و تأمل فلسفی گذارد. اینکه چرا وطن خود را دوست داریم؟ تعلق به سرزمین چه مبنای اخلاقی و عقلانی دارد؟ و چگونه می‌توان میان وفاداری به وطن، تعهد به انسانیت و ارزش‌های جهان‌شمول وجه اشتراک قائل شد؟ از جمله موضوعاتی بود که در این جلسه هم‌اندیشی مورد بحث قرار گرفت.

«وطن‌دوستی» منافاتی با «دیگردوستی» ندارد

حسین معصومی همدانی، استاد پیشکسوت فلسفه علم، بحث خود را حول یک پرسش اساسی سامان داد: «چگونه می‌توان هم وطن خود را دوست داشت و هم دیگری را؟» او در مقام پاسخ به این پرسش به تمایز میان میهن‌دوستی و ناسیونالیسم اشاره کرد. معصومی همدانی معتقد است تعلق به وطن می‌تواند ریشه‌ای غریزی داشته باشد، اما باید آن را به «تعلقی آگاهانه، فرهنگی و حتی عقلانی» تبدیل کرد. این در حالی است که این تعلق در جهان جدید، با ناسیونالیسم و تعریف «دیگری» پیوند خورده است؛ اما از نظر او نمی‌توان میهن‌دوستی را با ناسیونالیسم یکی دانست. پرسش فلسفی که او در این رابطه طرح کرد این بود که چگونه می‌توان تعلق به یک سرزمین معین را با «احساس تعلق به کل نوع بشر» جمع کرد. معصومی همدانی این مسأله را در قلمرو فلسفه اخلاق و فلسفه سیاسی قرار می‌دهد و می‌گوید میهن‌دوستی باید از سطح احساس غریزی فراتر رود و به صورتی آگاهانه و نظری ارتقا یابد؛ بطوری که در آن، دوست‌داشتن وطن به معنای نفی یا دشمنی با دیگری نباشد.

خردمندی و حکمت ایرانی میراثی دوست‌داشتنی

آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد، رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم، در سخنرانی خود این پرسش را مطرح کرد که «ایران‌دوستی به چه معناست و از چه سنخی است؟» از نظر او، پاسخ به این پرسش پیش از هر دفاعی از میهن‌دوستی ضروری است، زیرا علاقه به وطن اگر صرفاً عاطفه‌ای بی‌واسطه باشد، می‌تواند به خودشیفتگی و احساس برتری نسبت به دیگر ملت‌ها و در نهایت به صورتی منفی از ناسیونالیسم بینجامد. محقق‌داماد همچنین تبیین میهن‌دوستی بر پایه مالکیت را کافی ندانست و گفت آنچه به این علاقه معنا می‌دهد، «پیوند آن سرزمین با یک تمدن ارزشمند و میراثی است که در آن شکل گرفته و پرورش یافته است». از این منظر، ایران فقط یک محدوده جغرافیایی نیست، بلکه خاستگاه و بستر پرورش سنتی از حکمت، دانش، ادب و ادبیات است؛ میراثی که چهره‌هایی چون فردوسی، سعدی، حافظ، فارابی و ملاصدرا در آن جای دارند. او با اشاره به «حکمت خسروانی» در آثار سهروردی تأکید کرد که در فهم ایران‌دوستی باید به پیشینه خردورزانه و اخلاقی ایران توجه کرد: «ما باید به پیشینه عقلانی خود توجه کنیم و بکوشیم زندگی و اندیشه‌مان بر پایه خرد و عقلانیت استوار باشد». در روایت محقق داماد، میهن‌دوستی زمانی ارزش فلسفی پیدا می‌کند که از احساس صرف فراتر رود و به شناخت و پاسداشت میراث حکمت، خردمندی و کرامت ایرانی پیوند بخورد.

میهن‌دوستی انگیزه‌ای برای آبادانی آن

سیدمحمود یوسف‌ثانی، مدیر مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، با تأکید بر ریشه‌های دینی و فرهنگی تعلق به وطن، میهن‌دوستی را از منظر پیوند انسان با زادگاه و سرزمین پرورش خود مورد توجه قرار داد. به گفته او، مفهوم وطن در آیات قرآن، روایات و متون ادبی فارسی، بیش از آنکه معنای امروزی آن در علوم سیاسی را داشته باشد، ناظر به محل زندگی، زادگاه و سرزمینی است که انسان در آن رشد کرده است. او برای نشان دادن به‌رسمیت‌شناخته شدن این تعلق در تعالیم قرآنی، به آیاتی اشاره کرد که از بیرون رانده شدن انسان‌ها از سرزمینشان سخن می‌گویند. از نظر او، تقبیح اخراج ظالمانه انسان‌ها از دیار خود، مؤید آن است که دلبستگی به محل زندگی و سرزمین، امری پذیرفته شده و قابل اعتناست. او همچنین با استناد به روایت «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» و روایات مربوط به آبادانی سرزمین‌ها، بر وجه سازنده میهن‌دوستی تأکید کرد و گفت علاقه انسان به وطن و محل زندگی در عمران و آبادانی شهرها و سرزمین‌ها نقش دارد، زیرا «اگر چنین تعلقی وجود نداشته باشد، انگیزه‌ای برای آبادانی و حفظ آن نیز باقی نمی‌ماند.»



ایران‌دوستی باید با ایران‌شناسی همراه شود

شهرام پازوکی، استاد فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، در سخنرانی خود با موضوع نسبت وطن زمینی و وطن آسمانی، با تکیه بر اندیشه مولانا، تعلق به وطن را در دو سطح زمینی و معنوی تبیین کرد. به روایت او، مولانا در داستان سه ماهی مثنوی، وطن حقیقی انسان را نه آبگیر محل سکونت، بلکه دریای بیکرانی می‌داند که نماد موطن آسمانی و جایگاه آرامش جان است. با این حال، این تلقی عرفانی به معنای بی‌اعتنایی به وطن زمینی نیست، زیرا در اندیشه مولانا، تعلق به سرزمین نیز با حضور یار و پیوندهای انسانی معنا پیدا می‌کند.

او با اشاره به نمونه‌هایی از شعر سعدی و حافظ و نیز عین‌القضات همدانی و نجم‌الدین کبری، تأکید کرد که دلبستگی به وطن زمینی در سنت عرفانی همواره حضوری جدی داشته است. او سپس وطن را فراتر از یک محدوده جغرافیایی و سیاسی دانست؛ سرزمینی که زبان فارسی، میراث فرهنگی و معنوی و پیوند انسان با ریشه‌های تاریخی در شکل‌گیری معنای آن نقش دارند. از نظر پازوکی، وطن مفهومی عمیق‌تر از یک ساختار سیاسی دارد. او همچنین جهان‌دوستی را مغایر تعلق به وطن ندانست و در پایان تأکید کرد: «ایران‌دوستی بدون ایران‌شناسی به‌درستی تحقق پیدا نمی‌کند» و در غیر این صورت ممکن است به شعارهای سیاسی فروکاسته شود.

اخلاق میهن‌دوستی

ان‌شاءالله رحمتی، استاد فلسفه در سخنرانی خود کوشید مبنایی اخلاقی برای تعلق ویژه انسان به سرزمین خود صورت‌بندی کند؛ مبنایی که نه به ناسیونالیسم و برتری‌جویی ملی بینجامد و نه در بی‌طرفی مطلق اخلاقی، مسئولیت انسان در برابر نزدیکان و هموطنان را نادیده بگیرد. او با اشاره به دیدگاه پیتر سینگر و تأکید او بر برابری منافع همه انسان‌ها، این پرسش را مطرح کرد که اگر رنج همه انسان‌ها به یک اندازه اهمیت دارد، چرا باید برای خانواده، نزدیکان و هموطنان خود مسئولیت ویژه‌ای قائل باشیم؟ پاسخ رحمتی، تکیه بر اصل «الأقرب فالأقرب» بود؛ یعنی مسئولیت اخلاقی انسان می‌تواند متناسب با مراتب نزدیکی و پیوندهای انسانی سامان یابد، بی‌آنکه مسئولیت در برابر دیگران نفی شود.

او با ارجاع به «اخلاق فضیلت» مک‌اینتایر و سنت اخلاقی و دینی، میهن را به مادر تشبیه کرد و گفت: «نسبت انسان با مادر فقط نسبتی عاطفی نیست، بلکه نسبتی وجودی و پرورشی است.» از این منظر، تعلق ویژه به وطن به معنای بی‌ارزش دانستن دیگر سرزمین‌ها نیست. او در ادامه، با اتکا به خوانش هانری کربن از جغرافیای شهودی و معنوی، از امکان تمایز میان میهن‌دوستی عام و ایران‌دوستی خاص سخن گفت؛ خوانشی که ایران را در مرکز جغرافیای معنوی مورد بحث کربن قرار می‌دهد.

میهن‌دوستی در پیوند با انسانیت معنا می‌یابد

احمد بستانی، عضو هیأت علمی دانشگاه خوارزمی، در سخنرانی خود مسأله اصلی میهن‌دوستی را چگونگی جمع میان تعلق به یک جماعت تاریخی و پایبندی به ارزش‌های جهان‌شمول انسانی دانست. به اعتقاد او، میهن‌دوستی صرفاً دوست‌داشتن یک سرزمین نیست، بلکه تعهد، تعلق خاطر و دغدغه‌مندی نسبت به تاریخ، فرهنگ و سرنوشت یک جماعت تاریخی را نیز دربرمی‌گیرد. او با اشاره به دوگانه امر خاص و امر جهان‌شمول در فلسفه سیاسی، تأکید کرد که انسان را نمی‌توان جدا از تعلقات اجتماعی، تاریخی و فرهنگی‌اش فهمید؛ همان‌طور که نمی‌توان ارزش‌های انسانی و مفهوم انسانیت را از عرصه سیاست کنار گذاشت. او با اشاره به دیدگاه‌هایی چون آرای کارل اشمیت درباره تمایز دوست و دشمن، هشدار داد که مفهوم انتزاعی انسانیت گاهی می‌تواند به ابزاری برای توجیه مداخله و سلطه قدرت‌های سیاسی تبدیل شود؛ با این حال، کنارگذاشتن مفهوم انسانیت نیز راه‌حل مناسبی نیست.

از نظر بستانی، حتی تحقق ارزش‌هایی چون دموکراسی، لیبرالیسم و عدالت اجتماعی به وجود نهادها و جماعت‌های تاریخی و نوعی همبستگی جمعی وابسته است. بنابراین، میان «تعلق ملی» و «ارزش‌های جهان‌شمول» رابطه‌ای دوسویه و در عین حال تنش‌آمیز وجود دارد. او در جمع‌بندی تأکید کرد که فلسفه سیاسی نباید در پی حذف این تنش باشد، بلکه باید به اندیشیدن مستمر درباره آن بپردازد.

آگهی مزایده عمومی
شرکت گهرخدمات
فروش دستگاه بچینگ
شرکت گهرخدمات سیرجان در نظر دارد یک دستگاه تجهیز بچینگ تولید بتن به‌همراه یک دستگاه جرثقیل برجی ثابت و دو دستگاه سیلوی فلزی دپو سیمان و متعلقات (کلیه اقلام مذکور خارج از سرویس و با وضعیت فعلی) متعلق به خود را از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند. لذا ازکلیه متقاضیان دعوت می‌شود جهت بازدید از دستگاه و دریافت اسناد مزایده، در مهلت مقرر به آدرس: استان کرمان، شهرستان سیرجان، ابتدای جاده تهران، روبه‌روی منطقه ویژه اقتصادی، جنب مرکز فنی و حرفه‌ای به واحد امور حقوقی و قراردادهای شرکت گهرخدمات مراجعه نمایند و جهت اخذ اسناد مزایده به سایت WWW.GOHARKHADAMAT.COM بخش مناقصه و مزایده مراجعه و اسناد مذکور را تهیه نمایند.
مهلت دریافت اسناد و ارائه پیشنهاد قیمت: ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۹
نشانی محل مراجعه: واحد امور حقوقی و قراردادهای شرکت گهرخدمات سیرجان.
کمیسیون معاملات شرکت گهر خدمات سیرجان

نوبت اول
ایرانول
آگهی مناقصه عمومی
خرید ۳ میلیون عدد سطل لوله‌ای
شرکت نفت ایرانول در نظر دارد خرید ۳ میلیون عدد سطل لوله‌ای خود را از طریق مناقصه عمومی و این آگهی به انجام رساند. از متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید ظرف مدت ده روز کاری از تاریخ درج آگهی جهت اخذ اسناد و شرایط عمومی مناقصه با در دست داشتن مهر شرکت و معرفی‌نامه از ساعت ۸ صبح الی ۱۲ ظهر به نشانی تهران، باقر شهر، بلوار پالایشگاه تهران (شهید تندگویان) بعد از نگهبانی اول انتهای خیابان باسکول، درب پرسنلی شرکت نفت ایرانول واحد بازرگانی داخلی مراجعه نمایند.
• همراه داشتن کارت ملی، معرفی‌نامه و مهر شرکت الزامی می‌باشد.

سایپا
مناقصه عمومی
شرکت سایپا در نظر دارد پاسخگویی موازی به تماس‌های تلفنی مازاد بر ظرفیت مرکز امور مشتریان گروه خودروسازی سایپا را به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. پیمانکاران فعال در این زمینه می‌توانند جهت شرکت در مناقصه و دریافت مشخصات پیمان، اسناد و مدارک مناقصه صرفاً به سایت اینترنتی شرکت سایپا به نشانی pur.saipacorp.com مراجعه نمایند.
(زمان پایان مناقصه پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴)
معاونت خرید گروه - مدیریت خرید غیر تولیدی و خدمات

«ایران» چرایی تأکید رئیس جمهوری بر بیان شفاف ناترازی‌ها و کمبودها را بررسی می‌کند

بیان واقعیات؛ نشانه ضعف یا مسیر جلب همراهی مردم؟

گزارش

گروه سیاسی



در هفته‌های اخیر، مسعود پزشکیان رئیس جمهوری در چند سخنرانی و نشست عمومی، تصویر نسبتاً صریحی از وضعیت اقتصادی و زیرساختی کشور و نیز ناترازی جدی موجود در حوزه انرژی، بویژه گاز و برق، ارائه کرد. واقعیاتی نظیر اینکه از حدود ۲۴۰ میلیون مترمکعب ظرفیت ازدست‌رفته تولید روزانه گاز بر اثر حملات دشمن به تأسیسات گازی، تاکنون حدود ۱۰۰ میلیون مترمکعب احیا شده و همچنان احتمال بروز کمبود انرژی در زمستان وجود دارد. بیان این واقعیات از سوی رئیس جمهوری و دیگر اعضای دولت، از اعتقاد عمیق پزشکیان به ضرورت محرم دانستن مردم و ضرورت همراهی آحاد جامعه به‌عنوان اصلی‌ترین راه عبور از بحران‌هایی حکایت دارد که عمدتاً ناشی از مسائل انباشتی‌اند و حالا با تحمیل جنگ، تحریم و محاصره از سوی دشمن تشدید شده‌اند. با این حال، این حقیقت‌گویی و صداقت با مردم با انتقاد طیف خاصی از رسانه‌ها و سیاسیون مواجه شد؛ طیفی که نه‌فقط دولت را به برجسته‌کردن مشکلات و ارسال پیام ضعف به دشمنان متهم کردند، بلکه با انکار واقعیت‌ها مدعی شدند «جریانی با ارائه اطلاعات مخدوش به رئیس جمهوری، تصویری بیش از اندازه بحرانی از وضعیت کشور ارائه می‌کند.» انتقاداتی بعضاً چنان همراه با اتهام‌زنی‌های سیاسی و حتی امنیتی که بازخوانی چرایی و اهمیت شفافیت درباره ناترازی‌ها و کمبودها را ضروری می‌سازد.

صداقت با مردم شرط بازسازی اعتماد عمومی

آنچه از مرور سخنان رئیس جمهوری در مناسبت‌های مختلف و در مواجهه با مسائل کشور می‌توان استنتاج کرد این است که پزشکیان پیش‌شرط اعتماد عمومی و مشارکت مردم در حل مسائل پیش روی کشور را بیان واقعیات و صداقت با مردم می‌داند. از نگاه او نمی‌توان با نادیده‌گرفتن مشکلات و کتمان واقعیت‌ها، آنها را از میان برد یا انتظار داشت جامعه در مسیر حل آنها با دولت همراهی کند. پزشکیان بارها و از جمله در سخنانی که روز شنبه ۳۰ آبان در جمع منتخبان استانداران، فرمانداران، شهرداران و اعضای شوراهای شهر بیان کرد، تأکید کرده است که «مردم پیش از آنکه از طریق رسانه‌ها درباره ناترازی‌ها و کمبودها بشنوند، آثار آنها را در زندگی روزمره خود لمس می‌کنند و بنابراین، پنهان‌کردن واقعیت‌ها نه‌تنها کمکی به مدیریت شرایط نمی‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش فاصله میان مردم و مسئولان و تضعیف اعتماد عمومی منجر شود.» از نگاه او، اعتماد جامعه با شعارهای امیدوارکننده و وعده‌های بزرگ ساخته نمی‌شود، بلکه نتیجه تطابق حرف و عمل مسئولان است و به همین دلیل در گذشته نیز بارها از وعده‌های غیرواقعی همچون احداث یک میلیون مسکن و یک میلیون شغل در هر سال انتقاد و بر ضرورت محاسبه منابع و امکانات پیش از اعلام برنامه‌ها تأکید کرده بود. بنابراین از رئیس جمهوری با چنین دیدگاه انتقادی نسبت به شعاردرمانی‌هایی که در گذشته جریان داشته نمی‌توان و نباید انتظار داشت که بویژه در بزنگاه چنین خطیر مسیر انکار واقعیات و دادن وعده‌های توخالی را در پیش بگیرد.

> از نگاه پزشکیان نمی‌توان با نادیده‌گرفتن مشکلات و کتمان واقعیت‌ها، آنها را از میان برد یا انتظار داشت جامعه در مسیر حل آنها با دولت همراهی کند

شناخت واقعیت‌ها مقدمه تصمیم‌گیری درست

تأکید رئیس جمهوری بر ضرورت اتکا به اطلاعات دقیق و مستند در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها آنچنان که در مراسم آغاز سرشماری نفوس و مسکن نیز از سوی او مورد اشاره قرار گرفت هنگامی که به مسائل اساسی همچون مواجهه کشور با کمبود منابع اساسی، راه‌حل‌یابی برای جبران این ناترازی‌ها و عبور از مقاطع بحرانی‌شان می‌رسد دارای اهمیت بیشتری می‌شود. چه اینکه، کشوری که با کمبود گاز، برق و آب مواجه است، برای عبور از این وضعیت ابتدا باید ابعاد واقعی مشکل، میزان منابع در دسترس، ظرفیت‌های تولید و نقاط ضعف زیرساختی خود را بشناسد. هرگونه تصمیم‌گیری بر مبنای اطلاعات غیرواقعی می‌تواند به تداوم سیاست‌های غیرکارشناسی و عدم اصلاح فرآیندهای حکمرانی در هر حوزه منتهی شود. حال آنکه بیان واقعیت‌ها با هویدا ساختن ابعاد مشکلات، ایجاد امکان شناسایی مسئولیت‌ها و زمینه یافتن راه‌حل‌های مناسب و اجرایشان با حداکثر همراهی ملی را فراهم می‌کند.

مردم؛ شرکای اصلی دولت در عبور از بحران‌ها

بخش مهمی از استدلال پزشکیان برای بیان صریح واقعیات از اعتقاد او به ضرورت مشارکت مردم در حل مشکلات نشأت می‌گیرد. منطق چنین نگاهی این است که اگر واقعیت‌ها با مردم در میان گذاشته شود و درباره آنها گفت‌وگو صورت بگیرد، می‌توان از ظرفیت جامعه برای یافتن راه‌حل استفاده کرد. این نگاه، مردم را صرفاً مخاطب تصمیمات دولت نمی‌داند، بلکه آنها را بخشی از فرآیند حل مسأله تلقی می‌کند. زیرا همراهی اجتماعی زمانی شکل می‌گیرد که شهروندان بدانند با چه مسأله‌ای مواجه‌اند، چرا برخی تصمیمات اتخاذ می‌شود و چه محدودیت‌هایی پیش روی کشور قرار دارد. در چنین شرایطی، مردم می‌توانند به جای مواجهه منفعلانه با تصمیمات، درک مشترکی از ضرورت‌ها و اولویت‌های کشور پیدا کنند و در عبور از دشواری‌ها نقش‌آفرین باشند.

اینکه پزشکیان در هفته‌های اخیر با اشاره به ناترازی گاز و آسیب‌دیدن بخشی از زیرساخت‌های تولید در جریان حملات نظامی، از احتمال بروز محدودیت در تأمین انرژی طی زمستان سخن گفته است؛ در میان گذاشتن مسأله با مردمی است که قرار است زندگی روزمره و حتی کسب و کارشان در روزهای آتی به هر نحو تحت تأثیر قطعی‌های ناشی از کمبود انرژی و ضرورت مدیریت مصرف قرار گیرد. چنین رویکردی نه تنها می‌تواند همراهی عمومی را با راه‌حل‌هایی همچون صرفه‌جویی در مصرف و اصلاح سبک زندگی به نفع عبور از این مقطع تقویت کند که مانع از بروز اعتراض‌های هر چند بحقی می‌شود که بی‌اطلاعی مردم از چرایی قطعی برق و دیگر تبعات کمبود ممکن است در پی داشته باشد. بر این اساس گفتن واقعیات نه تنها بر خلاف نظر منتقدان ارسال پیام ضعف به دشمن نیست. که برعکس، با ایجاد یک اتحاد درونی و تقویت روحیه تاب‌آوری ملی، آسیب پذیری کشور در مقابل تهدیدها و فضاسازی‌های رسانه‌ای دشمن بر مبنای اطلاعاتی که عده‌ای معتقدند بهتر است از مردم پنهان شود را به نحو معناداری کاهش می‌دهد. به بیان دیگر، گفتن از مشکلات به معنای بزرگ‌نمایی آنها یا ارائه تصویری ناامیدکننده از کشور نیست، بلکه به معنای شناخت دقیق وضع موجود برای تقویت توان ملی است. همان‌طور که در حوزه دفاعی، شناسایی نقاط ضعف و تهدیدها مقدمه تقویت توان بازدارندگی است، در حوزه اقتصادی و زیرساختی نیز نمی‌توان بدون شناخت آسیب‌پذیری‌ها به اصلاح امور و حل مسائل امیدوار بود. به این ترتیب اصرار پزشکیان بر بیان واقعیت‌ها را باید در چارچوب همین تأثیرات ارزیابی کرد؛ «تقویت اعتماد عمومی با بیان صادقانه و شفاف مسائل»، «ایجاد امکان برخورداری دولت از دیدگاه‌های نخبگانی و راه‌حل‌های کارشناسی مبتنی بر اطلاعات دقیق» و در نهایت «همراه ساختن مردم در اجرای راهکارهایی که به نتیجه رسیدن شان جز از طریق یک پذیرش همگانی در قامت یک اراده ملی ممکن و میسور نیست.»

پیام روشن خاموشی



غلامعلی دهقان
پژوهشگر تاریخ و سیاست

اقدام مسعود پزشکیان، رئیس جمهور در خاموش کردن چراغ‌های ریاست جمهوری، فراتر از یک رفتار نمادین و اقدامی ساده در جهت صرفه‌جویی در مصرف انرژی، حامل پیام‌های مهم سیاسی، اجتماعی و اعتقادی است که شایسته تأمل و توجه است.

نخستین پیام این اقدام، تأکید بر روحیه مقاومت و ایستادگی ملت ایران است. ملتی که در طول تاریخ پرافتخار خود، فراز و نشیب‌ها، دشواری‌ها و فشارهای فراوانی را پشت سر گذاشته و با تکیه بر اراده و ایمان خود به جایگاه امروز رسیده است. پیام پزشکیان این بود که ملت ایران از مشکلات و سختی‌ها هراسی ندارد و قرار نیست فشارها و دشواری‌ها، اراده این ملت را در برابر دشمنان خارجی سست کند. ما ملتی هستیم که در برابر سختی‌ها می‌ایستیم، نه اینکه با اولین فشارها سر تسلیم فرود آوریم.

پیام دوم، تأکید بر فرهنگ صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف است. ما وارثان فرهنگی هستیم که در آن قناعت، اعتدال و استفاده درست از امکانات، یک ارزش دینی و اخلاقی به شمار می‌رود. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَاتُسْرِفُوا»؛ بخورید و بیاشامید، اما اسراف نکنید. امام خمینی(ره) و رهبر شهید نیز همواره بر ساده‌زیستی، پرهیز از تجمل‌گرایی و صرفه‌جویی تأکید داشته‌اند. بنابراین، رفتار رئیس جمهوری را باید در چارچوب همین فرهنگ دینی و انقلابی ارزیابی کرد.

سومین پیام این اقدام، وفاداری به سیره حکومتی امام علی(ع) و آموزه‌های ارزشمند نهج‌البلاغه است؛ همان الگویی که همواره یکی از مهم‌ترین معیارهای عدالت‌خواهی و حکمرانی اسلامی بوده است.

امام علی(ع) در نامه تاریخی خود به مالک اشتر، فرمانروای مصر، تأکید می‌کند که حاکم باید چنان زندگی کند که ضعیف‌ترین اقشار جامعه بتوانند با او احساس همدلی و همراهی کنند. همچنین برخورد قاطع ایشان با عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، به دلیل حضور در میهمانی اشراف و ثروتمندان نشان می‌دهد که ساده‌زیستی مسئولان و فاصله نگرفتن آنان از زندگی مردم، در منطق حکومت علوی چه جایگاه مهمی دارد.

با این مقدمات، پرسش اساسی اینجاست که چرا بخشی از نیروهای خودی و جریان‌های ارزشی، در مواجهه با این اقدام رئیس جمهوری، به جای استقبال از یک رفتار مبتنی بر ساده‌زیستی و صرفه‌جویی، به انتقاد و شماتت او پرداختند؟

انتظار طبیعی این بود که اصول‌گرایان، به عنوان جریانی که همواره بر ساده‌زیستی مسئولان، حمایت از محرومان و نزدیکی سیاستمداران به توده‌های مردم تأکید داشته‌اند، از چنین اقدامی استقبال کنند. چگونه است که رفتاری با این پشتوانه روشن دینی و انقلابی، به دستاویزی برای انتقاد از رئیس جمهوری تبدیل می‌شود؟ چرا باید اجازه دهیم دیگران با طرح و القای برداشت‌های خاص خود، معیارهای اصیل انقلاب را به حاشیه برانند؟

واقعیت آن است که دشمنان ایران، همواره تحلیل‌ها و محاسبات خاص خود را دارند. آنان تا همین یک سال پیش نیز تصور نمی‌کردند توان موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی ایران به سطحی برسد که بتواند معادلات قدرت را در برابر آمریکا و متحدانش تغییر دهد. بنابراین، نباید در زمین تحلیل‌ها و فضاسازی‌های دیگران بازی کنیم و به بهانه‌های مختلف، چهره‌های خدوم، مردمی و خدمتگزار کشور را زیر سؤال ببریم یا از آنان فاصله بگیریم.

اقدام پزشکیان را می‌توان رفتاری انقلابی، اخلاقی و اسلامی دانست؛ اقدامی که در عین سادگی، حامل پیامی روشن درباره مسئولیت‌پذیری، مقاومت، صرفه‌جویی و وفاداری به آرمان‌های انقلاب است. رئیس جمهوری با این رفتار نشان داد که می‌توان در شرایط دشوار، به جای تسلیم شدن در برابر فشارها، با اصلاح الگوی مصرف و تحمل سختی‌ها، بر مواضع خود ایستادگی کرد.

البته نقد دولت و رئیس جمهوری حق رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی است و هیچ مسئولی نباید از نقد منصفانه مصون باشد؛ اما نقد نیز باید بر پایه انصاف، واقع‌بینی و پایبندی به اصول و ارزش‌هایی باشد که همواره مدعی دفاع از آنها بوده‌ایم.

با این حال، از دوستان انقلابی انتظار بیشتری می‌رفت؛ به‌ویژه از رسانه‌هایی که همواره پرچمدار دفاع از ساده‌زیستی، عدالت‌خواهی و ارزش‌های انقلاب بوده‌اند، انتظار می‌رفت به جای تضعیف این رفتار، از جنبه‌های مثبت و پیام‌های عمیق آن سخن بگویند.

نباید فراموش کنیم که اختلاف سلیقه‌های سیاسی نباید ما را از اصول مشترک انقلاب دور کند. اگر ساده‌زیستی ارزش است، باید آن را فارغ از اینکه چه کسی به آن عمل می‌کند، تحسین کنیم. اگر مقاومت فضیلت است، باید هر رفتار مسئولانه‌ای را که در جهت تقویت آن انجام می‌شود، ارج بنهیم. امروز بیش از هر زمان دیگری به همدلی، انصاف و حمایت از رفتارهای درست نیاز داریم؛ حتی اگر این رفتارها از سوی دولتی باشد که ممکن است در بسیاری از زمینه‌ها با آن اختلاف نظر داشته باشیم.

نهادینه‌سازی صرفه‌جویی با ابزارهای رسانه‌ای و هنری



حسین کنعانی مقدم
دبیرکل حزب سبز

مدیریت مصرف انرژی و پرهیز از اسراف، یکی از ضرورت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی کشور و از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است. این مسأله علاوه بر ابعاد اقتصادی، از منظر شرعی و دینی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه در آموزه‌های قرآنی، اسراف به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته و از اسراف‌کنندگان به‌عنوان برادران شیطان یاد شده است. بنابراین، صرفه‌جویی در مصرف منابع، صرفاً یک توصیه اقتصادی نیست، بلکه مسئولیتی دینی، اجتماعی و ملی محسوب می‌شود. در کنار فرهنگ‌سازی و اصلاح الگوی مصرف، برخورد قانونی با موارد آشکار اسراف و هدررفت منابع نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. البته آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، نهادینه کردن فرهنگ مصرف بهینه در جامعه است؛ موضوعی که بدون بهره‌گیری از ابزارهای مؤثر فرهنگی و رسانه‌ای به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. با این حال برای انتقال پیام‌های اجتماعی و تربیتی باید از زبان و ابزار متناسب با مخاطب استفاده کرد. هنر و رسانه از ظرفیت‌های مهمی برخوردارند که می‌توانند مفاهیم فرهنگی را به شکلی جذاب، ماندگار و اثرگذار به جامعه منتقل کنند. نمونه روشن این موضوع، تبلیغات قدیمی صرفه‌جویی در مصرف برق با حضور شخصیت «آقای برقی» و شعار ماندگار «هرگز نشه فراموش، لامپ اضافی خاموش» است. این پیام به‌تدریج وارد فرهنگ خانوادگی شد و به تذکری روزمره در خانه‌ها تبدیل گردید. در این میان، مسئولیت دستگاه‌های دولتی و مدیران کشور اهمیت مضاعفی دارد. وقتی سخن از مدیریت مصرف انرژی به میان می‌آید، پیش از مطالبه همراهی مردم، باید دستگاه‌های اجرایی و مجموعه‌های دولتی در رعایت الگوی صحیح مصرف پیشگام باشند. تأکید رئیس جمهوری بر خاموش کردن چراغ‌های اضافی و رعایت مصرف بهینه نیز نشان‌دهنده اهمیت این موضوع در سطح مدیریت اجرایی کشور است. با این حال دغدغه رئیس جمهوری درباره مدیریت مصرف انرژی باید با یک برنامه رسانه‌ای و فرهنگی منسجم همراه شود. در این مسیر، اطرافیان رئیس جمهوری، مدیران میانی، دستگاه‌های اجرایی و مجموعه‌های مسئول اطلاع‌رسانی وظیفه دارند از ظرفیت کارشناسان رسانه، هنرمندان، فعالان فرهنگی و متخصصان ارتباطات برای انتقال درست این پیام استفاده کنند. صرف دعوت مستقیم رئیس جمهوری از مردم برای صرفه‌جویی کافی نیست؛ بلکه این دعوت باید به مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی، تبلیغات خلاقانه و اقدامات فرهنگی در سطح جامعه تبدیل شود. مردم زمانی بیشترین همراهی را خواهند داشت که ضرورت صرفه‌جویی را در رفتار مسئولان و عملکرد دستگاه‌های دولتی نیز مشاهده کنند. بنابراین مدیریت مصرف انرژی نیازمند ترکیبی از مسئولیت‌پذیری دولتی، مشارکت عمومی و فرهنگ‌سازی هوشمندانه است. باید واقعیت‌های حوزه انرژی را بدون بزرگ‌نمایی و سیاه‌نمایی بیان کرد و با استفاده از زبان هنر و رسانه، صرفه‌جویی را از یک توصیه مقطعی به یک فرهنگ عمومی و ماندگار تبدیل کرد.

یادداشت



علی متقیان
صاحب نظر در حوزه سیاست

چراغی که برای ایران روشن است و مسئولیت ما

این روزها نور حداقلی اتاق کار رئیس جمهوری و کار کردن دکتر پزشکیان با چراغ مطالعه و لباس گرم، نقل مجالس دوستان و رفقا و البته رقیبان هم شده است. بعضی رئیس جمهوری را بابت این شیوه تحسین کردند، بعضی این کار را به سخره گرفتند و عده دیگر هم قدری جلوتر رفته، آن را دون شأن و وهن نظام دانستند. آنچه در این باره می‌گویند و می‌نویسند عموماً در همین سه دسته است.

این که هر کسی می‌تواند برداشت خود از عمل و سخن عالی‌ترین مقام اجرایی و دومین مقام کشور مطابق قانون اساسی را، آزادانه به قلم و زبان و بیان بیاورد، دستاورد انقلاب شکوهمند اسلامی است. همچنان که نقد حاکم، اجازه‌ای است که اسلام عزیز صادر فرموده، البته با قید این محدودیت که مبتنی بر صدق، از خیرخواهی برای شخص نقد شونده و کشور و خالی از ظن و گمان باشد.

اما همه کسانی که می‌خواهند له یا علیه این اقدام رئیس جمهوری چیزی بگویند یا چیزی گفته‌اند، باید این را درنظر داشته باشند که این عمل، یک تصمیم آنی، لحظه‌ای و ناشی از نوعی تعارف سیاسی و اجتماعی با مردم نیست. این کار، نتیجه مقدمات و زمینه‌هایی است که آن زمینه‌ها و مقدمات رئیس جمهوری را واداشته است تا این شیوه کار در دفتر خود را انتخاب کند.

همگان می‌دانند که تجاوز نظامی دشمنان کودک‌کش صهیونی-آمریکایی، خسارت‌های زیادی به تأسیسات انرژی کشور وارد کرده، تا جایی که کمبودها در این زمینه را به مرحله‌ای حساس رسانده است. در این شرایط، رئیس جمهوری به عنوان مهم‌ترین سیاست‌گذار اجرایی کشور، طبیعتاً همه مردم و همه بخش‌های کشور را به صرفه‌جویی و مدیریت بهینه مصرف دعوت می‌کند، تا کشور بتواند با سهولت از این وضعیت عبور کند.

در این صورت، چطور ممکن است شخص یا مقامی که مردم را به همراهی و همدلی در صرفه‌جویی مصرف گاز و برق دعوت می‌کند، خودش این توصیه را رعایت نکند؟

طبیعی است که او باید اولین کسی باشد که به توصیه خودش عمل کند و اولین کسی باشد که خودش در مصرف انرژی همان‌طور رفتار کند که مردم را به آن دعوت کرده است.

مگر این، یکی از معضلات دیرینه ما نبود که برخی از مدیران رده‌های مختلف، مردم را به چیزی دعوت می‌کردند که خودشان به آن عمل نمی‌کردند؟ پزشکیان نه‌تنها این سنت را شکست، بلکه در عمل به آنچه خودش توصیه و مردم را به آن دعوت کرده است، به عالی‌ترین درجه پیشگام شد.

فرمان الهی نیز همین را از مؤمنان می‌خواهد. قرآن کریم در آیه دوم سوره مبارکه «صف»، می‌فرماید: «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفعَلُون:» «ای مؤمنان، چرا چیزی را می‌گویید که خود بدان عمل نمی‌کنید؟» به عبارت دقیق‌تر، مطابق این آیه شریفه، مؤمنان نباید آنچه را خودشان به آن عمل نمی‌کنند بر زبان بیاورند و به دیگران توصیه کنند. امام علی(ع) نیز در نهج‌البلاغه، بارها به حکام هشدار داده و نهیب زده‌اند که باید زندگی‌شان مطابق زندگی معمولی‌ترین فرد در جامعه باشد، تا بتوانند نیازها و رنج‌های جامعه را به‌خوبی لمس کنند و از مشکلاتش غافل نشوند.

آیا عمل رئیس جمهور پزشکیان، چیزی غیر از عمل به دستورات قرآن کریم و امام علی(ع) است؟ رئیس جمهوری با این اقدام نه‌تنها نشان داد پیش از آن‌که چیزی را از مردم بخواهد و به مردم توصیه کند، خودش آن توصیه را به عالی‌ترین شکل عمل می‌کند، بلکه با این کار به همه مدیران اجرایی کشور در همه سطوح نشان داد که رئیس قوه مجریه در این برنامه جدی است و از خودش شروع کرده است. بنابراین، مدیران نیز نه‌تنها می‌توانند، بلکه موظف هستند تا در مدیریت مصرف انرژی، رئیس قوه مجریه را الگوی خود قرار دهند و به این ترتیب هیچ بهانه‌ای از آنان پذیرفته نیست.

همچنین رئیس جمهوری با این کار، به هم‌میهنان عزیزی که ممکن است در آینده با کمبود انرژی روبه‌رو شوند، اعلام کرده با آنان همدل است و مشکلات آنان را با همه وجود لمس می‌کند. یعنی که؛ رئیس جمهوری شما درد شما را می‌داند و با وجود این که انرژی محل کار او تأمین است، باز هم اتاق خود را سرد و کم‌نور نگه داشته است تا شرمنده پیرمرد و پیرزنی نشود که در دورترین نقطه از ایران زندگی می‌کنند.

البته استفاده حداقلی رئیس جمهوری از انرژی در دفتر کار و محل زندگی‌اش، جایگزین تلاش‌های همه بخش‌های دولت برای رفع کاستی‌ها و تأمین انرژی نیست. اما نکته این است که قدردانی از تلاش کارکنان بخش نفت و گاز و برق ایران برای جبران کمبودها، نه با سخن، بلکه با عمل ممکن است و مصرف بهینه که رئیس جمهوری پیشگام شد، بهترین راه قدردانی از تلاش‌های شبانه‌روزی کارکنان پارس جنوبی برای تأمین گاز ایران است.

به منتقدان، که البته جزو دلسوزان کشور هستند، باید گفت؛ مردم ما در انتخابات ریاست جمهوری فردی را برگزیدند که صداقت، ساده‌زیستی، مردمداری و پیروی از مولای متقیان(ع) را سرلوحه خویش قرار داده است. دوست و دشمن هم اذعان دارند که پزشکیان در اداره کشور و گفتار و عمل صادق است. اما، حال که او منتخب مردم و «رئیس جمهوری اسلامی ایران» است، باید در انتقاد راه انصاف را در پیش گیرند. زیرا مردم عزیز ما، درست و نادرست را به‌خوبی تشخیص می‌دهند و می‌فهمند یک مدیر، کجا صادق است و کجا نیست.

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی در سومین دوره جام رسانه:

«ایران قوی» یک واقعیت تاریخی و تمدنی است

خبر

سومین دوره جام رسانه امید با حضور حدود ۵۰۰ فعال رسانه‌ای، از جمله ۳۱۳ منتخب رسانه‌ای از ۳۱ استان کشور و نمایندگانی از حدود ۱۲ کشور، به صورت بین‌المللی برگزار شد.

این رویداد ۳۶ ساعته با محوریت تولید و انتشار محتوای امیدآفرین، روایت پیشرفت‌های ایران و انعکاس دستاوردهای کشور، از صبح یکشنبه هفته جاری در برج میلاد تهران آغاز شد و شامگاه دوشنبه به پایان رسید.

شرکت‌کنندگان در قالب گروه‌های رسانه‌ای، در حوزه‌های مختلف به تولید و انتشار محتوا پرداختند و عملکرد آنها با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی پایش و ارزیابی شد.

حسین جابری‌انصاری مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی، روز گذشته در این رویداد حاضر شد و در سخنانی، با تأکید بر اینکه استقلال و اقتدار ایران حاصل یک مطالبه تاریخی و اراده عمومی ملت است، گفت: «جمهوری اسلامی پاسخی به دو قرن مشکلات داخلی و فشارهای خارجی برای تضعیف ایران بود و امروز نیز انسجام ملی و اتحاد همه ایرانیان، مسیر حفظ و تقویت استقلال و عظمت کشور است.»

مدیرعامل ایرنا با اشاره به مفهوم «ایران قوی» اظهار کرد: «ایران قوی صرفاً یک شعار یا آرزو نیست، بلکه یک واقعیت تاریخی، تمدنی و یک امتداد تاریخی است. ایران علاوه بر برخورداری از یک ملت تاریخی، سرزمینی با پیشینه تمدنی و عناصر متعدد قدرت بوده که در طول تاریخ ظرفیت‌های بزرگی در خود داشته است.»

جابری‌انصاری در ادامه، با اشاره به تحولات حدود دو قرن اخیر افزود: «ایران در این دوره با دو مشکل اساسی مواجه شد: اول، اختلافات داخلی و فروپاشی‌های درونی و دوم، فشارها و مداخلات خارجی که به‌تدریج عمیق‌تر شد. تقاطع این دو عامل موجب تضعیف دولت و قدرت ایران، فرسایش توان ملی و افزایش نفوذ قدرت‌های خارجی شد، به‌گونه‌ای که قدرت‌های بین‌المللی در تصمیم‌گیری‌ها و حکمرانی کشور اعمال نفوذ می‌کردند.»

وی همچنین با بیان اینکه مطالبات نخبگان و مردم ایران در بستر انقلاب اسلامی در قالب دو شعار استقلال و آزادی متبلور شد، گفت: «انقلاب اسلامی و شکل‌گیری جمهوری اسلامی، پاسخی تاریخی به مشکلات و مطالبات انباشته‌شده ملت ایران در دو قرن گذشته بود و زمینه احیای قدرت ملی، استقلال و بازگشت ایران به جایگاه تاریخی خود را فراهم کرد.» مدیرعامل ایرنا با اشاره به تلاش رهبران انقلاب اسلامی برای احیای اقتدار کشور تصریح کرد: «از بنیانگذار انقلاب اسلامی تا رهبر شهید، تلاش برای بازسازی قدرت ایران، حفظ استقلال و تأثیرگذاری ملت بر سرنوشت ملی خود در دستورکار بوده است. این مسیر حتی تا پای جان و شهادت رهبر کشور برای دفاع از استقلال و عظمت ایران ادامه یافته است.» وی ادامه داد: «اراده بازسازی قدرت و عظمت ایران، محدود به رهبران و نخبگان نیست، بلکه در میان توده‌های مردم نیز وجود دارد. این اراده در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و پس از آن در مقاطع مختلف، از جنگ تحمیلی تا جنگ اخیر، خود را نشان داده است. بنابراین، ایستادگی ملت ایران برای حفظ استقلال و تمامیت کشور، اتفاقی گذرا یا تصمیمی مقطعی نیست، بلکه ریشه در مطالبات تاریخی و اراده عمومی مردم دارد.»



جابری‌انصاری در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به حضور و ایستادگی مردم در جنگ‌های اخیر خاطرنشان کرد: «با وجود اختلاف‌نظرها، تفاوت‌ها و مشکلات داخلی، متوسط و معدل جامعه ایرانی در بزنگاه‌های تاریخی پای کشور خود ایستاده و اجازه نداده است دشمنان ایران و اسلام برنامه‌های خود را برای بازگرداندن کشور به دوران وابستگی و سلب استقلال عملی کنند.»

مدیرعامل خبرگزاری جمهوری اسلامی در پایان سخنان خود، انسجام و اتحاد ملی را شرط تداوم این مسیر دانست و گفت: «راه موفقیت و تکمیل مسیر استقلال و اقتدار ایران، تقویت انسجام ملی و ایجاد مفاهمه مشترک میان همه ایرانیان است. شعار «هر ایرانی یک بسیجی» نیز نباید صرفاً در معنای سازمانی و تشکیلاتی آن محدود شود؛ بسیج در معنای تاریخی، تمدنی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، متعلق به همه ملت ایران و نخبگان کشور است.»

پاسخ سخنگوی وزارت امور خارجه به توهمات وزیر خزانه داری آمریکا:

زخم شیر، نشانه مقاومت در برابر کفتارها است

درباره ایران، در جایی جز تهران تصمیم گرفته نمی‌شود

گزارش

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه ایران درباره ادامه اظهارات توهین‌آمیز مقامات آمریکایی علیه مردم ایران، از جمله اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا که ایرانیان را به حیوانات زخم‌خورده تشبیه کرده و مدعی شده بود به دلیل نگرانی از ارعاب ایران در یک پایگاه نظامی مخفی شده است، گفت: «نمی‌توان انتظار داشت شیری که در مواجهه با کفتارها چنگ و دندان نشان داده و از خودش دفاع کرده، زخم برنداشته باشد؛ این زخم نشانه مقاومت است.» وی افزود: «البته که این شیر چنگ و دندانش را تیزتر کرده است.» بقایی همچنین اظهار کرد: «باید دید حیوانات زخمی چه کسانی هستند. حیوانات زخمی کسانی هستند که جنگ را باختند.» سخنگوی وزارت امور خارجه دیروز در ابتدای نشست هفتگی خود با خبرنگاران، یاد کودکانی را که در تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی در یک سال و نیم گذشته جان خود را در راه ایران فدا کردند و به خیل شهیدان ایران‌زمین پیوستند، گرامی داشت. وی با اشاره به ضرورت زنده نگه داشتن یاد این کودکان گفت: «تصویر آنها باید مدام در مقابل چشمان ما باشد تا بدانیم در هر وضعی که هستیم و هر نفسی که می‌کشیم، در ایران عزیز، چه پاکان و فرشتگانی هستند.» بقایی همچنین به خانواده‌های داغدار این کودکان تسلیت گفت و با اشاره به جای خالی آنان در میان خانواده‌ها، هم‌کلاسی‌ها، معلمان و مدارسشان، بر یادآوری فقدان این عزیزان تأکید کرد.

مخالفت با حضور نیروهای ثالث در مرزهای ایران

بقایی در پاسخ به پرسشی درباره آغاز اجرای مسیر ترامپ از سوی ارمنستان و راهبرد ایران در این زمینه، تأکید کرد که تهران صرفاً به اطمینان‌های طرف ارمنستانی اکتفا نخواهد کرد. وی تصریح کرد: «قرار نیست فقط به قول و قرار دیگران اکتفا کنیم. این موضوع وزارت خارجه نیست و موضوع حاکمیتی است و همه بخش‌های ذی‌ربط در کشور با دقت آن را رصد می‌کنند و هر جا لازم باشد، برخورد خواهند کرد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه با تأکید بر اینکه موضع اصولی ایران در این خصوص تغییری نکرده است، حمایت تهران از گسترش ارتباطات اقتصادی و رفع انسداد مسیرهای مواصلاتی در قفقاز جنوبی را مشروط به رعایت منافع کشورهای منطقه و حفظ ژئوپلتیک آن دانست و گفت: «به هیچ نیروی مخل امنیت و هیچ طرف ثالثی اجازه داده نشود که امنیت منطقه را برهم بزند و در روابط خوب همسایگی بین ایران و کشورهای منطقه اخلال ایجاد کند.» وی همچنین تأکید کرد: «حضور هیچ نیروی نظامی یا امنیتی در جوار مرزهای ایران قابل قبول نیست.»

شنژن؛ تصمیم‌گیری درباره ایران در جایی غیر از تهران انجام نمی‌شود

بقایی درباره نشست شنژن و احتمال طرح موضوع ایران در گفت‌وگوهای میان رهبران آمریکا، روسیه و چین، با اشاره به روابط خوب تهران با مسکو و پکن تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران امروز نشان داده که خودش نه‌تنها بازیگر فعال است، بلکه بازی‌ساز است.» وی با بیان اینکه ایران پیش و پس از برگزاری این نشست از طریق سفارتخانه‌ها با طرف‌های روسی و چینی گفت‌وگو کرده است، افزود: «اطمینان داریم در چنین نشست‌هایی یکی از دغدغه‌های هر کشوری که با آمریکا صحبت می‌کند، سؤال کردن درباره رویکردهای آمریکا، یکجانبه‌گرایی آن و فجایعی است که به خاطر آمریکا در منطقه ما و دیگر مناطق ایجاد شده است.»

سخنگوی وزارت امور خارجه با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی ایران درباره مسائل مربوط به خود مستقلاً تصمیم می‌گیرد، تصریح کرد: «اطمینان داریم خودمان در خصوص خودمان تصمیم می‌گیریم. تصمیم در خصوص ایران در جایی غیر از ایران صورت نخواهد گرفت.»

استفاده از همه ابزارها برای مقابله با محاصره دریایی

بقایی درباره تداوم محاصره دریایی علیه ایران، با تأکید بر اینکه تهران این اقدام را تحمل نخواهد کرد، تصریح کرد: «از همه ابزارها برای مقابله با تعرضات آمریکا استفاده می‌کنیم.» وی محاصره دریایی اعلام‌شده از سوی آمریکا را مصداق تجاوز نظامی علیه ایران دانست و گفت که تحریم‌های اعمال‌شده در ماه‌های اخیر با تحریم‌های گذشته متفاوت است، چرا که در امتداد تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران قرار دارد.

> جمهوری اسلامی ایران تا به امروز عضو معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بوده و مادامی که عضو آن است، به تعهدات مندرج در آن پایبند خواهد بود

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به حق ایران بر اساس منشور ملل متحد برای استفاده از ابزارهای مقابله با این اقدامات، اظهار کرد: «ایران طبق منشور محق است از همه ابزارها استفاده کند.» وی افزود: «ترکیبی از تدابیر سیاسی، اقتصادی و نظامی برای فائق آمدن به محاصره دریایی آمریکا و به شیوه‌ای که اقتضا کند و در زمانی که مرا جع ذی‌صلاح ایران تصمیم بگیرند، اقدامات اجرایی صورت خواهد گرفت.»



چنین غلطی نخواهند کرد

این دیپلمات ارشد با رد ادعاهای مطرح‌شده پیرامون ساخت بمب کثیف از سوی ایران و احتمال حمله به سدهای کشور تصریح کرد: «چنین غلطی نخواهند کرد.» وی انتشار گزارش یک نشریه آمریکایی در این زمینه را اقدامی غیرحرفه‌ای و غیراخلاقی خواند و گفت این گزارش که هیچ مبنایی در واقعیت ندارد، در راستای جنگ روانی آمریکا و توجیه نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی منتشر شده است.

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به واکنش نویسندگان گزارش و نشریه منتشرکننده آن افزود: «شاهد بودید حتی نویسندگان این گزارش و نشریه‌ای که آن را منتشر کرد، متوجه خطای بزرگی که صورت دادند، شدند.» بقایی ادامه داد: «سعی می‌شود با انتشار چنین گزارش‌های دروغی به نوعی اقدام قبلی خود را توجیه کنند.»

عضو ان‌پی‌تی هستیم تصمیمی برای خروج ابلاغ نشده است

بقایی در پاسخ به پرسشی درباره احتمال خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) با اشاره به سابقه عضویت کشورمان از سال ۱۹۷۰، تأکید کرد که ایران همواره به تعهدات خود پایبند بوده است. وی با انتقاد از عملکرد کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای، بویژه آمریکا، در اجرای تعهداتشان، گفت این کشورها معاهده را از معنا تهی کرده‌اند و تناقضی ایجاد شده است که بر اساس آن، کشورهای عضو باید در برابر کشورهایی پاسخگو باشند که خود عضو معاهده نیستند، اما زرادخانه هسته‌ای دارند.

سخنگوی وزارت امور خارجه با اشاره به شکل‌گیری بحث‌هایی در داخل کشور درباره ضرورت تداوم عضویت ایران در ان‌پی‌تی، گفت: «ما به این بحث احترام می‌گذاریم.» وی در عین حال تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران تا به امروز عضو معاهده بوده و مادامی که عضو آن است، به تعهدات مندرج در آن پایبند خواهد بود.» بقایی همچنین تصریح کرد: «تاکنون تصمیمی در این خصوص ابلاغ نشده است.»

یادداشت

بازی آمریکا با زمان برای تغییر معادله منطقه



نوذر شفیعی
استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

وضعیت کنونی روابط ایران و آمریکا را می‌توان وضعیت «نه جنگ، نه صلح» توصیف کرد؛ شرایطی که دو طرف رویکرد متفاوتی نسبت به آن دارند. از نگاه من، ایران این وضعیت را مطلوب ارزیابی نمی‌کند و به همین دلیل تلاش می‌کند آن را تغییر دهد؛ در مقابل، آمریکایی‌ها دقیقاً در پی حفظ همین شرایط هستند. واشنگتن از یک سو با استقرار نیروهای نظامی در محیط منطقه‌ای پیرامون ایران، نشانه‌های تقابل نظامی را حفظ کرده و از سوی دیگر، فشارهای اقتصادی را علیه کشورمان ادامه می‌دهد. در واقع، سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران در طول زمان وارد مراحل تازه‌ای شده است. این سیاست ابتدا با عنوان «فشار حداکثری» دنبال می‌شد، سپس به مرحله «طرد اقتصادی» رسید و اکنون لایه دیگری نیز به آن اضافه شده که می‌توان از آن با عنوان «پرده آهنین» یاد کرد. به این معنا که آمریکایی‌ها همچنان بر محور فشار اقتصادی علیه ایران متمرکز هستند و تلاش می‌کنند این فشارها را تشدید کنند. به نظر من، دست‌کم در یکی دو ماه آینده، همین سیاست آمریکا ادامه خواهد داشت؛ مگر آنکه اتفاق خاصی رخ دهد و به تغییر وضعیت موجود منجر شود. اینکه پس از این دوره چه اتفاقی رخ خواهد داد، تا حد زیادی به میزان تاب‌آوری اقتصادی ایران بستگی دارد. به عبارت دیگر، اقدام احتمالی آمریکا پس از حدود دو ماه آینده یا به تعبیر دونالد ترامپ، پس از آغاز سال نو میلادی، تابع این خواهد بود که ایران تا چه اندازه بتواند فشارهای اقتصادی را تحمل کند. آمریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیده‌اند که تاب‌آوری نظامی ایران بالاست؛ بنابراین، اکنون تلاش می‌کنند با تمرکز بر حوزه اقتصاد، این ظرفیت را تضعیف کنند. از نگاه آمریکا، کاهش تاب‌آوری اقتصادی ایران دو کارکرد اصلی دارد: اول، افزایش نارضایتی عمومی و دوم، تضعیف پشتوانه اقتصادی نیروهای نظامی کشور. طبیعتاً اقتصادی که تحت فشار و ضعف قرار دارد، توان کمتری برای پشتیبانی و تأمین نیازهای بخش نظامی خواهد داشت. بنابراین، امید آمریکایی‌ها این است که فشارهای اقتصادی در نهایت تاب‌آوری ایران را با چالش مواجه کند و پیامدهای آن در دو حوزه بروز پیدا کند: از یک سو، افزایش اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی و از سوی دیگر، تضعیف توان نیروهای نظامی. البته این سناریویی است که پیشتر هم تجربه کرده و در تحقق اهداف آن ناکام ماندند. در همین راستا باید توجه داشت که نگاه اسرائیل و آمریکا به ایران یکسان نیست. اسرائیل در مسیر سیاست جنگ‌طلبانه‌اش ایران را یک تهدید وجودی برای خود تلقی می‌کند، در حالی که آمریکا چنین برداشتی ندارد و ایران را تهدیدی وجودی برای ایالات متحده نمی‌داند. از همین رو، اهداف و محاسبات این دو بازیگر در قبال جمهوری اسلامی ایران، اگرچه در برخی زمینه‌ها همپوشانی دارد، اما کاملاً یکسان نیست. کمال مطلوب اسرائیل، سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران است و در مرتبه بعد، از بین بردن برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران را دنبال می‌کند. در همین چارچوب، تمام تلاش تل‌آویو بر این متمرکز است که آمریکا را نیز با خود همراه کند. همراهی واشنگتن برای اسرائیل به معنای توزیع مسئولیت و خسارت‌های احتمالی یک درگیری نظامی است. به این معنا که در صورت وقوع جنگ میان ایران، اسرائیل و آمریکا، بخشی از توان موشکی ایران متوجه کشورهای عربی، بخشی متوجه پایگاه‌های نظامی آمریکا و بخشی نیز متوجه اسرائیل خواهد شد. بنابراین، اسرائیل تلاش می‌کند از طریق وارد کردن آمریکا و کشورهای عربی به این معادله، بخشی از فشار نظامی احتمالی ایران را میان بازیگران دیگر توزیع کند.

از این منظر، میان بنیامین نتانیاهو و آیزنکوت نیز در اصل دشمنی با ایران تفاوت تعیین‌کننده‌ای وجود ندارد؛ هرچند ممکن است در برخی جزئیات و شیوه‌های مواجهه با ایران اختلاف نظرهایی داشته باشند. در واقع، هر دو در این زمینه اشتراک نظر دارند و آنچه مبنای رویکردشان قرار گرفته، تقابل با جمهوری اسلامی ایران است.

با این حال، یکی از مؤلفه‌های مهم در محاسبات اسرائیل و آمریکا، زمان است. به نظر می‌رسد هر دو طرف تمایل دارند پیش از تحویل دولت از سوی نتانیاهو و پیش از واگذاری کنترل کنگره به دموکرات‌ها از سوی ترامپ، تحولات موردنظرشان را رقم بزنند. البته انگیزه‌های این دو برای استفاده از این فرصت زمانی متفاوت است. اسرائیل می‌خواهد پیش از پایان دوره دولت نتانیاهو، دولت بعدی را نیز درگیر بحران ایران کند و به این ترتیب، مسأله ایران را به یکی از چالش‌های اصلی دولت آینده تبدیل کند. در مقابل، ترامپ نیز با توجه به احتمال بروز محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی از سوی جمهوری‌خواهان در آینده، ممکن است بخواهد پیش از تغییر شرایط سیاسی در کنگره، اقدام نظامی را آغاز کند. البته اختیارات رئیس‌جمهوری آمریکا در این زمینه مشخص است و کنگره نیز نمی‌تواند به‌سادگی بر تصمیمات وی تأثیر بگذارد. البته مسیر سختی که ترامپ در پیش دارد ذیل توان بازدارندگی تهران در مواجهه با سناریوهای چند وجهی طرف مقابل سخت‌تر هم شده و همین موضوع شکاف‌ها میان موافقان و مخالفان جنگ علیه ایران را در واشنگتن بیشتر کرده است.

نوبت اول

پست بانک ایران

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

اجاره ۱۰ دستگاه خودرو بدون راننده به‌صورت شبانه روزی (۲۴ ساعته)
پست بانک ایران سال ۱۴۰۵

پست بانک ایران در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به‌شماره ۱۴۰۵/۲۰ در رابطه با اجاره ۱۰ دستگاه خودرو بدون راننده به‌صورت شبانه روزی (۲۴ ساعته) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۱۵۴۹۰۰۰۰۲۱ برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام را در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

انتشار مناقصه در سامانه روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ می‌باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۳:۰۰ روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۴
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴
زمان بازگشایی پاکت‌های الف، ب و ج: ساعت ۱۰:۰۰ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۵
یادآوری ۱: اصل تضمین (پاکت "الف") می‌بایستی حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ تحویل دبیرخانه کمیسیون معاملات واقع در آدرس ذیل گردد.
جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و تحویل پاکت الف به آدرس خیابان قائم مقام فراهانی، بالاتر از تقاطع شهید مطهری، کوچه عرفان، پلاک ۱، طبقه سوم، دبیرخانه کمیسیون معاملات مراجعه یا با تلفن: ۸۱۵۶۱۰۶۸ تماس حاصل فرمایید.

م الف ۲۸۳۸ شناسه ۲۳۳۲۶۳۱

JPPC پتروشیمی جم‌پیلن

آگهی مناقصه عمومی خرید آمبولانس
به‌شماره ۰۹-۱۴۰۵

شرکت پتروشیمی جم پیلن (سهامی عام) در نظر دارد نسبت به انجام موضوع به‌شرح ذیل مطابق با مشخصات و براساس شرایط مندرج در مدارک و اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با تأیید فنی اقدام نماید.
موضوع مناقصه: خرید یک دستگاه آمبولانس دیزلی تیپ(کلاس) C، یورو ۵، برند تویوتا با تجهیزات جانبی ایمنی مورد نیاز کارخانه شرکت پتروشیمی جم‌پیلن.
الف: دریافت اسناد:
بدین‌وسیله کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند پس از انتشار آگهی در روزنامه با ارائه معرفی‌نامه معتبر و فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۲۶۶۳۱۳۰۱۲۱ و شماره شبا IR ۳۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۲۶۶۳۱۳۰۱۲۱ بانک تجارت شعبه پتروشیمی جم، جهت خرید اسناد مناقصه حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۱ به نشانی: عسلویه- مجتمع پتروشیمی جم(الفین دهم)- شرکت پتروشیمی جم پیلن - امور قراردادها و مناقصات یا در تهران به نشانی شهرک قدس - بلوار فرحزادی - بلوار ایوانک - خیابان شجریان شمالی -پلاک ۵ - شرکت پتروشیمی جم پیلن - طبقه اول - واحد امور حقوقی و پیمانها مراجعه نمایند.
شماره تماس جهت هماهنگی: ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۶ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۵ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۴ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۱۳
ب: مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه:
تضمین شرکت در مناقصه، مبلغ ۴/۳۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی از بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز لازم و مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
پ: محل و مهلت تحویل پاکت‌های پیشنهادی:
اسناد مناقصه بایستی توسط اشخاص مجاز تکمیل، امضا و ممهور شود و حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۳ نسبت به تحویل پاکات در تهران به نشانی شهرک قدس، بلوار فرحزادی، بلوار ایوانک، خیابان شجریان شمالی، پلاک ۵، شرکت پتروشیمی جم پیلن، طبقه چهارم، واحد حراست اقدام گردد. ضمناً محل گشایش پاکات پیشنهادی، سالن کنفرانس شرکت پتروشیمی جم پیلن می‌باشد.
تذکر۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضاء مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تذکر۳: هزینه انتشار این آگهی بر عهده برنده نهایی مناقصه خواهد بود.
تذکر۴: شرکت پتروشیمی جم پیلن در قبول یا رد هر یک یا تمام پیشنهادها در هر مرحله از مناقصه بدون ذکر دلیل مختار است.

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی جم پیلن (سهامی عام)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

هم‌زمان با ارزیابی کیفی پایانه‌های کانتینری استان خراسان رضوی، خراسان جنوبی، گلستان، خراسان شمالی و سمنان در سال ۱۴۰۵

سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی در نظر دارد باستناد ماده۷ مستندسازی فراخوان آیین‌نامه اجرایی نظام مستندسازی و اطلاع‌رسانی مناقصات، تجدید مناقصه عمومی **یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی پایانه‌های کانتینری استان‌های خراسان رضوی، خراسان جنوبی، گلستان، خراسان شمالی و سمنان در سال ۱۴۰۵سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی** را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۱۰۵۳۰۰۰۰۱۷ برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضا الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه انجام دهند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ساعت۱۱:۰۰روز شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ می‌باشد.
مهلت زمانی دانلود دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت۱۹:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۹
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت۱۰:۰۰ روز سه‌شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۲۴
زمان بازگشایی پاکت‌های ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰:۳۰صبح سه‌شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۲۴
شرکت‌کنندگان می‌بایست تا ساعت ۱۰:۰۰مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۴نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگذاری در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تحویل اصل پاکت الف (ضمانت‌نامه شرکت در فرآیند ارجاع کار) لاک و مهرشده به اداره کل رفاه، پشتیبانی، توسعه و تجهیز درمهلت مذکور و دریافت رسید مربوطه اقدام نمایند.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف وصورت‌های مالی حسابرسی شده ۰۲۱۲۷۶۵۲۸۷۶
آدرس: خ ولی عصر، روبه‌روی پارک ملت، خیابان شهید انصاری (صداقت سابق)، پلاک ۶۷، طبقه همکف تلفن: ۲۷۶۵۲۳۸۸
شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۷۴۲۴۴
مبلغ ضمانت‌نامه ارجاع کار: ۳/۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شماره حساب: ۶۸۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۰۰۵۰۶۳۷۰۷۸۳ به‌نام تمرکز وجوه سپرده سازان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

www.tamliki.ir
سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی
م الف ۲۸۴۹ شناسه ۲۳۳۲۸۵۱

JPPC پتروشیمی جم‌پیلن

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
به‌شماره ۱۰-۱۴۰۵

شرکت پتروشیمی جم پیلن (سهامی عام) در نظر دارد نسبت به انجام موضوع به‌شرح ذیل مطابق با مشخصات و براساس شرایط مندرج در مدارک و اسناد مناقصه از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای اقدام نماید.
موضوع مناقصه: انجام پروژه اجرای کامل عملیات ساختمانی و تأسیساتی ساختمان الحاقی آزمایشگاه (شامل سازه، معماری، برق، مکانیک، شبکه و ابزاردقیق)
الف: دریافت اسناد:
بدین‌وسیله کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند پس از انتشار آگهی در روزنامه با ارائه معرفی‌نامه معتبر و فیش واریزی به مبلغ ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب شماره ۲۶۶۳۱۳۰۱۲۱ و شماره شبا IR ۳۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۲۶۶۳۱۳۰۱۲۱ بانک تجارت شعبه پتروشیمی جم، جهت خرید اسناد مزایده حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۱ به نشانی: عسلویه- مجتمع پتروشیمی جم (الفین دهم)- شرکت پتروشیمی جم پیلن - امور قراردادها و مناقصات یا در تهران به نشانی شهرک قدس - بلوار فرحزادی - بلوار ایوانک - خیابان شجریان شمالی - پلاک ۵ - شرکت پتروشیمی جم پیلن - طبقه اول - واحد امور حقوقی و پیمانها مراجعه نمایند.
شماره تماس جهت هماهنگی: ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۶ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۵ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۲۴ یا ۰۲۱-۸۴۲۸۷۴۱۳
ب: مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه:
تضمین شرکت در مناقصه، مبلغ ۲/۱۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی از بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز لازم و مورد تأیید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.
پ: محل و مهلت تحویل پاکت‌های پیشنهادی:
اسناد مناقصه بایستی توسط اشخاص مجاز تکمیل، امضا و ممهور شود و حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۳ نسبت به تحویل پاکات در تهران به نشانی شهرک قدس، بلوار فرحزادی، بلوار ایوانک، خیابان شجریان شمالی، پلاک ۵، شرکت پتروشیمی جم پیلن، طبقه چهارم، واحد حراست اقدام گردد. ضمناً محل گشایش پاکات پیشنهادی، سالن کنفرانس شرکت پتروشیمی جم پیلن می‌باشد.
تذکر۱: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضا مشروط و مخدوش و سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در اسناد مناقصه واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۲: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تذکر۳: هزینه انتشار این آگهی بر عهده برنده نهایی مناقصه خواهد بود.
تذکر۴: شرکت پتروشیمی جم پیلن در قبول یا رد هر یک یا تمام پیشنهادها در هر مرحله از مناقصه بدون ذکر دلیل مختار است.

روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت پتروشیمی جم پیلن (سهامی عام)

بازخوانی تحریم‌های ایران از اقتصاد سیاسی تا ژئواکونومی

شیمی‌درمانی دیپلماتیک با تحریم‌ها

یادداشت



فرشید فرحناکیان
دکترای حقوق نفت و گاز

تحریم‌ها لزوماً برای حل یک مسأله طراحی نشده‌اند؛ گاهی هدف واقعی آنها کوچک‌تر کردن مسأله است. این شاید مهم‌ترین گزاره درباره کارکرد تحریم‌ها باشد؛ گزاره‌ای که اگر در مورد ایران جدی گرفته شود، تصویر متفاوتی از چهار دهه تحریم اقتصادی به دست می‌دهد.

در نگاه متعارف و در مورد ایران تحریم زمانی موفق است که کشور هدف را وادار به تغییر رفتار کند؛ برنامه هسته‌ای متوقف شود، حمایت از متحدان منطقه‌ای کاهش یابد، توان موشکی محدود شود یا حتی ساختار سیاسی تغییر کند. مقاله «تحریم‌ها چه چیزی را درست انجام می‌دهند؟» اما استدلال می‌کند که این معیار، بیش‌ازحد حداکثری است.

تحریم‌ها ممکن است نتوانند یک تهدید را حذف کنند، اما می‌توانند ظرفیت اقتصادی، مالی و نظامی آن را کاهش دهند، سرعت رشد آن را پایین بیاورند و هزینه ادامه رفتار را افزایش دهند. از این منظر، تحریم نه یک «گلوله نقره‌ای» (Silver Bullet) که ابزاری برای مدیریت تهدید است. مسأله ایران دقیقاً از همین نقطه آغاز می‌شود: تحریم‌ها توان اقتصادی ایران را کاهش دادند، اما نتوانستند این کاهش توان را به تغییر پایدار در رفتار راهبردی تبدیل کنند.

تعریف هدف به شکل حل مسأله

یکی از خطاهای اصلی در ارزیابی تحریم‌های ایران، تعریف هدف به شکل «حل مسأله» است. اگر هدف از تحریم این باشد که ایران دیگر توانایی مقاومت، توسعه فناوری، فروش نفت یا تأمین مالی فعالیت‌های راهبردی را نداشته باشد، تحریم می‌تواند تا حد زیادی مؤثر باشد؛ اما اگر هدف این باشد که تهران تمام محاسبات امنیتی، منطقه‌ای و ژئوپلتیک خود را تغییر دهد، تحریم با محدودیت جدی مواجه می‌شود.

باید میان دو مفهوم تفاوت مهمی قائل شد: کاهش ظرفیت مقاومت (Reducing Capacity to Resist) و کاهش اراده مقاومت (Reducing Will to Resist). تحریم‌ها می‌توانند اولی را هدف قرار دهند؛ اما لزوماً دومی را تغییر نمی‌دهند. فشار اقتصادی شدید حتی ممکن است در برخی شرایط اراده سیاسی برای مقاومت را تقویت کند. جنگ اگرچه ظرفیت مقاومت را کاهش می‌دهد؛ اما به دلیل ایجاد احساس تهدید، احتمال سخت‌تر شدن اراده طرف مقابل بیشتر است؛ بنابراین اولین دلیل محدودیت تحریم‌های ایران این است که کاهش توان اقتصادی با تغییر اراده سیاسی یکی نیست.

تحریم از اقتصاد سیاسی به ژئواکونومی

اینجا نقطه‌ای است که تحلیل تحریم از اقتصاد سیاسی به ژئواکونومی وارد می‌شود. اقتصاد را می‌توان تحریم کرد؛ اما جغرافیا را نمی‌توان تحریم کرد. ایران همچنان در موقعیتی قرار دارد که میان خلیج فارس، دریای عمان، آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه قرار گرفته و در مجاورت یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی جهان است. این موقعیت جغرافیایی، حتی در شرایط فشار اقتصادی، نوعی قدرت ساختاری ایجاد می‌کند. جنگ تحمیلی ۲۰۲۶ برخلاف هدف اعلامی خود نه‌تنها نتوانست مسأله ایران را حذف کند، بلکه نشان داد ایران می‌تواند بر اقتصاد جهانی اثر بگذارد؛ ازجمله از طریق تنگه هرمز و زیرساخت‌های نفت، گاز و حمل‌ونقل منطقه‌ای. این نکته برای فهم تحریم‌های ایران بسیار مهم است: تحریم ممکن است ظرفیت تولید و صادرات را کاهش دهد، اما الزاماً توانایی اثرگذاری بر جریان‌های اقتصادی را از بین نمی‌برد. به عبارت دیگر، قدرت یک کشور فقط در اندازه تولید ناخالص داخلی یا ذخایر ارزی آن نبوده و بخشی از قدرت در موقعیت آن در شبکه جریان‌های جهانی قرار دارد.

شکست حذف ایران از شبکه جهانی

تحریم زمانی بیشترین قدرت را دارد که کشور هدف بتواند واقعاً از شبکه اقتصادی جهانی جدا شود. تحریم الزاماً به انزوای کامل منجر نمی‌شود، گاهی تنها هزینه و پیچیدگی مبادلات (Higher Transaction Cost) را افزایش می‌دهد. تحریم ممکن است نتواند جریان اقتصادی را متوقف کند اما می‌تواند آن را گران‌تر، پیچیده‌تر و پرریسک‌تر کند. این همان جایی است که مفهوم هزینه جریان (Flow Cost) اهمیت پیدا می‌کند. نفت ممکن است همچنان فروخته شود، اما با تخفیف، بیمه پیچیده‌تر، حمل‌ونقل پرریسک‌تر، واسطه‌های بیشتر و هزینه مالی بالاتر. ایران به طور کامل از اقتصاد جهانی حذف نشد. فروش نفت، تجارت با چین، استفاده از واسطه‌ها، تغییر مسیرهای تجاری، شبکه‌های مالی جایگزین و سازوکارهای غیرمستقیم، بخشی از اقتصاد ایران را در شبکه تجارت جهانی حفظ کردند. پس ممکن است تحریم‌ها از منظر «قطع صادرات» شکست‌خورده باشند.

> انتظار اینکه یک ابزار اقتصادی بتواند همزمان یک کشور را از نظر اقتصادی تضعیف کند، رفتار منطقه‌ای آن را تغییر دهد، برنامه موشکی آن را محدود کند، برنامه هسته‌ای را متوقف کند و ساختار سیاسی را نیز دگرگون سازد نشان از هدف شکست خورده‌ای بوده است

شکست اعتبار تعهد

تجربه برجام یک فرمول مهم را نشان می‌دهد: تحریم‌ها، فشار اقتصادی، ایجاد انگیزه سیاسی، مذاکره، امتیازات قابل راستی‌آزمایی و رفع تحریم‌ها. در این «چرخه فشار تا توافق»، تحریم به‌تنهایی هدف نهایی نیست بلکه ابزاری برای ایجاد فشار و سپس تبدیل آن فشار به انگیزه سیاسی برای مذاکره و توافق است. از این منظر، مشکل اساسی در ادامه مسیر، نه فقدان قدرت تحریم که شکست در حفظ و تکمیل این چرخه بود.

در سال ۲۰۱۸، آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شد و تحریم‌ها بازگشتند. این اتفاق یک پیامد مهم داشت: ایران دوباره برنامه هسته‌ای خود را از سر گرفت. از منظر ژئواکونومیک، این مسأله را می‌توان «مسأله اعتبار تعهد» (Credibility Problem) دانست. تحریم تنها زمانی می‌تواند ابزار مذاکره باشد که طرف مقابل باور کند این فرآیند امتیاز در برابر امتیاز و نه «امتیاز امروز و تحریم بیشتر فردا» است. اگر رفع تحریم به یک تعهد غیرقابل اتکا تبدیل شود، انگیزه کشور هدف برای واگذاری دارایی‌های راهبردی خود کاهش پیدا می‌کند.



خطای کلاسیک راهبرد حداکثری

تحریم‌های ایران به‌تدریج مأموریت‌های متعددی پیدا کردند و برنامه هسته‌ای، موشک‌های بالستیک، فعالیت‌های منطقه‌ای و متحدان منطقه‌ای را شامل شدند. این همان خطای کلاسیک راهبرد حداکثری (Maximalist Strategy) یعنی انتظار دستیابی به همه اهداف از طریق یک ابزار واحد است. برجام عمدتاً مسأله هسته‌ای را مدیریت کرد و همین مدیریت محدود، از یک «راه‌حل جامع اما غیرممکن» واقع‌بینانه‌تر بود. شاید بخش قابل‌توجهی از چیزی که «شکست تحریم‌های ایران» نامیده می‌شود، درواقع شکست معیار سنجش تحریم‌هاست. تحریم‌ها ممکن است رشد اقتصادی را کاهش دهند، ظرفیت مالی دولت را محدود کنند، توان نظامی را فرسوده، دسترسی به فناوری را دشوار، هزینه تجارت و تأمین مالی را افزایش داده، سرعت توسعه برنامه‌های راهبردی را کاهش و در نهایت کشور هدف را به مذاکره وادار کنند. اما اینها الزاماً به معنای تغییر رژیم یا تغییر کامل رفتار ژئوپلتیک نیست. مقاله فوق‌الذکر در فارن افرز برای توضیح این مسأله از استعاره شیمی‌درمانی دیپلماتیک (Diplomatic Chemotherapy) استفاده می‌کند.

تحریم به عنوان ابزار مهار

درس اصلی این مقاله برای سیاست تحریمی آمریکا شاید همین باشد: قدرت تحریم را نباید با توانایی آن برای حذف یک کشور یا یک تهدید اشتباه گرفت. تحریم را نباید ابزار حذف دانست؛ تحریم در اصل ابزار مهار (Containment) است: کاهش ظرفیت، افزایش هزینه و خرید زمان برای دیپلماسی. در مورد ایران، تحریم توانست هزینه اقتصادی ایجاد کند، رشد را کاهش دهد و در مقطعی زمینه مذاکره هسته‌ای را فراهم کند، اما نتوانست جغرافیا، انگیزه‌های امنیتی، شبکه‌های منطقه‌ای و اراده سیاسی ایران را از بین ببرد.

از این منظر، خطای اصلی واشنگتن آن بود که تصور کرد «فشار اقتصادی» الزاماً به خروجی «تغییر راهبردی» منجر خواهد شد. شاید بتوان اقتصاد را تحت‌فشار قرار داد اما رفتار راهبردی را تغییر نمی‌دهد زیرا تحریم باید با این واقعیت ژئواکونومیک طراحی شود که در جهان شبکه‌ای امروز، کشورها به طور قهری با حذف از اقتصاد جهانی شکست نمی‌خورند؛ آنها می‌توانند با تغییر مسیر، یافتن شریک، ساختن شبکه جایگزین و انتقال هزینه، خود را با فشار تطبیق دهند. بنابراین، مسأله اصلی تحریم‌های ایران این است، به اندازه‌ای که سیاست‌گذاران و طراحان از آنها انتظار داشتند، عمل نکردند. تحریم نتوانست اراده را حذف کند و این شاید مهم‌ترین درس ژئواکونومیک تجربه ایران باشد: قدرت اقتصادی برای ایجاد هزینه کافی است؛ اما برای ایجاد تغییر راهبردی، هزینه باید به یک مسیر معتبر برای توافق تبدیل شود.

بدون روتوش



محمد محسن فایضی
کارشناس مسائل فلسطین

جنگ سوم و اختلاف تحلیل در اسرائیل

برخلاف تصویری که نتانیاهو تلاش می‌کند به جهان مخابره کند، در داخل این رژیم نه درباره زمان ماجراجویی احتمالی علیه ایران اجماع وجود دارد، نه درباره هدف آن و نه حتی درباره امکان دستیابی به نتیجه‌ای تعیین‌کننده. مرور مواضع یک هفته اخیر چهره‌های سیاسی، نظامی و امنیتی اسرائیل نشان می‌دهد ماجرا پیچیده‌تر از یک تصمیم ساده برای حمله است؛ یک دلیل این پیچیدگی هم تجربه دو جنگ گذشته است. با کمی ساده‌سازی می توان مجموعه نظرات را در چهارگروه دسته‌بندی کرد:

دسته اول؛ طرفداران فشار حداکثری و تغییر معادله: در این طیف، نتانیاهو و نزدیکانش قرار دارند؛ جریانی که معتقد است فشار نظامی و اقتصادی باید تا جایی ادامه پیدا کند که ایران به پذیرش خواسته‌های اسرائیل و آمریکا وادار شود. ران درمر، وزیر پیشین امور راهبردی اسرائیل، در اظهارات اخیر خود از ترکیب تهدید نظامی، تحریم‌های فلج‌کننده و حمایت از معارضان داخلی دفاع کرده است. این نگاه، مسأله را از مهار یک تهدید نظامی فراتر می‌برد و به پروژه تغییر ساختار سیاسی ایران و رژیم چنج نزدیک می‌کند. برای این جریان، جنگ نه پایان یک بحران، بلکه ابزاری برای بازآرایی نظم منطقه‌ای است.

دسته دوم؛ مخالفان نبرد گسترده نظامی: تامیر هایمن، رئیس پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل (آمان) و رئیس کنونی مرکز مطالعات امنیت ملی (INSS)، از جمله چهره‌هایی است که تهدید ایران را جدی برجسته‌سازی می‌کند، اما درباره کارآمدی حمله دوباره تردید دارد. او می گوید با حمله هوایی تغییر حکومت ایران امکان‌پذیر نیست. عاموس هارئل، تحلیلگر نظامی هاآرتص نیز از اختلاف میان ارزیابی امنیتی ارتش و شتاب سیاسی برای حمله نوشته است: «تهدید ایران واقعی است، اما لزوماً فوریت عملیاتی ندارد. در این نگاه، مسأله انکار تهدید نیست؛ مسأله این است که آیا حمله در این مقطع، دستاوردی متناسب با هزینه‌هایش خواهد داشت؟»

دسته سوم؛ هشداردهندگان درباره شکست راهبردی جنگ: اسرائیل زیو ژنرال شناخته شده و رئیس پیشین اداره عملیات ارتش، تکرار حملات را راه‌حل قطعی نمی‌داند. از نگاه او، ضربات نظامی ممکن است به جای تسلیم ایران، اراده مقاومت را تقویت و امکان توافق را دشوارتر کند. دنی سیترینوویچ، مسئول پیشین میز ایران در دستگاه اطلاعاتی اسرائیل نیز حتی در مورد محاصره اقتصادی هم هشدار می‌دهد: «محاصره می‌تواند مؤثر باشد، اما ابزار است، نه هدف و هیچ تضمینی وجود ندارد که فشار اقتصادی به تسلیم یا فروپاشی سیاسی منجر شود. این همان تناقضی است که در محاسبات اسرائیل دیده می‌شود: برتری نظامی الزاماً به معنای توانایی تحمیل نتیجه سیاسی نیست.»

دسته چهارم؛ منتقدان سیاسی و بیم از استفاده ابزاری از جنگ: در این طیف، بن کاسپیت، گادی آیزنکوت و آویگدور لیبرمن قرار دارند. کاسپیت انگیزه‌های شخصی و سیاسی نتانیاهو را در تلاش برای آغاز جنگ زیر سؤال برده است. آیزنکوت هشدار داده که نباید ارتش به ابزار بقای سیاسی نخست‌وزیر تبدیل شود و لیبرمن نیز درباره حمله یک‌جانبه و بدون ضرورت فوری ابراز نگرانی کرده است. رون بن‌یشای، تحلیلگر نظامی، هم به امکان استفاده سیاسی از اطلاعات امنیتی برای متقاعد کردن ترامپ یا پیشبرد اهداف داخلی نتانیاهو اشاره کرده است. این چهار طیف، با وجود تفاوت‌هایشان، یک واقعیت را آشکار می‌کنند: اسرائیل هنوز پاسخ روشنی برای پرسش اصلی ندارد: جنگ سوم قرار است دقیقاً چه چیزی را تغییر دهد و چگونه به پایان برسد؟

آگهی مناقصه شماره ب-۰۲-۱۴۰۵

مناقصه‌گزار: صنایع شهید چمران
موضوع: صنایع شهید چمران در نظردارد نسبت به خرید و ساخت قطعات (شامل متریال وماشینکاری) به‌شرح جدول ذیل از تأمین‌کنندگان وپیمانکاران واجد شرایط اقدام نماید.
مهلت تحویل اسناد مناقصه: طی دو هفته از انتشار آگهی
اوقات تحویل اسناد مناقصه: روزهای شنبه الی چهارشنبه از ساعت ۸ الی ۱۶
تضمین شرکت در مناقصه معادل ۵٪ قیمت پیشنهادی و به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی، چک تضمین شده بانکی و یا واریز نقدی
- هزینه آگهی به‌عهده برنده/برندگان مناقصه می‌باشد.
- داشتن گواهی‌نامه سمتای مرتبط با حوزه فعالیت جهت شرکت‌کنندگان در مناقصه الزامی است.
- مناقصه‌گزار در رد یا قبول تمام و یا هر یک از پیشنهادها مختار می‌باشد.
- مشخصات دقیق تکمیلی طبق اسناد تحویلی می‌باشد.
- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۷۷۰۰۶۴۲۰ و ۷۷۳۱۰۲۷۳ تماس حاصل فرمایید.
- شماره تماس واحد بازرگانی جهت خرید انواع ورق فولادی ۷۷۰۰۰۶۰۵

ردیف	کد قطعه	تعداد	شرح خدمات
۱	GU-01-03	جفت۱۰۰	خرید
۲	GU-01-04	جفت۱۰۰	خرید
۳	GU-01-05	جفت۱۰۰	خرید
۴	GU-01-06	جفت۱۰۰	خرید
۵	GU-01-07	جفت۱۰۰	خرید
۶	GU-01-08	جفت۱۰۰	خرید
۷	GU-01-09	جفت۱۰۰	خرید
۸	GU-01-10	جفت۱۰۰	خرید
۹	سه مجموعه الکترومکانیکی	جفت۳۰۰	خرید
۱۰	Cs-01-02-01-01	۱۰۰۰	خدمات
۱۱	Cs-01-05-01-01	۱۰۰۰	خرید
۱۲	Cs-01-01-00-03	۳۰۰۰	خرید
۱۳	TG7-101	عدد۵۰	خدمات
۱۴	TG7-001	عدد۵۰	خدمات
۱۵	TG7-085	عدد۵۰	خدمات
۱۶	فرمان کنترلی	دست۳۰۰	خرید(ساختنی)
۱۷	خرید انواع ورق فولادی	تن۴۰	خرید

آگهی مناقصه
نوبت اول
شهر فرودگاهی امام خمینی
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای یکپارچه
شماره ۱۴۰۵/۱۹ IKAC

موضوع: انجام عملیات برف روبی لند ساید و ایرساید شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی (ره)

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص) در نظر دارد نسبت به برگزاری مناقصه با موضوع «انجام عملیات برف‌روبی لندساید و ایرساید شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره)» از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به‌شرح زیر اقدام نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از مرحله دریافت اسناد ارزیابی پیمانکاران و اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه مذکور به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت در سامانه ستاد، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی در سامانه یاد شده جهت شرکت در مناقصه اقدام نمایند.

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت شهر فرودگاهی امام‌خمینی(ره) (سهامی خاص)- معاونت توسعه زیرساخت
نشانی: تهران، بزرگراه خلیج‌فارس، کیلومتر ۳۰، شرکت شهر فرودگاهی امام‌خمینی(ره)(سهامی خاص)
۲-شرایط متقاضی: دارا بودن گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری پایه ۵ رشته راه و ترابری از سازمان برنامه بودجه کشور دارای اعتبار و سایر شرایط ذکر شده در اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه.
۳- نحوه دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه:
- **تاریخ‌های چاپ آگهی:** نوبت اول (۱۴۰۵/۰۹/۰۳) - نوبت دوم (۱۴۰۵/۰۹/۰۴)
- **شماره فراخوان در سامانه ستاد:** ۲۰۰۵۰۰۱۶۲۱۰۰۰۰۲۵
- **مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد:** ۱۴۰۵/۰۹/۰۴ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۸
- **مهلت ثبت اسناد در سامانه ستاد و تحویل اصل پاکت «الف»:** تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۲
- **محل تحویل اصل پاکت «الف»:** دبیرخانه شرکت به نشانی مندرج در بند ۱

۴- مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ۹،۰۵۳،۵۲۰،۰۰۰ ریال
درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر متقاضیان می‌توانند با تلفن ۵۱۰۰۸۸۴۵ با دفتر پیمان و امور قراردادها تماس حاصل نمایند.

شرکت شهر فرودگاهی امام خمینی(ره) (سهامی خاص)

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول
۵۲۵۱۴۷۱۵
KSC

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد انجام فعالیت اجرایی ذیل را طبق شرح کار و خدمات تدوین شده مندرج در اسناد مناقصه پس از ارزیابی کیفی از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لازم به ذکر است با توجه به اینکه اعلام آمادگی و دریافت اسناد مناقصه از طریق وب‌سایت مدیریت تأمین‌کنندگان به آدرس الکترونیکی https://pim.ksc.ir انجام خواهد شد، ضروری است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

الف - موضوع مناقصه: ساخت کارگاه نسوز سایر نواحی و محوطه‌سازی شرق گندله‌سازی ۲
ب - شرح مختصری از مشخصات و مقادیر کار: ساخت سوله جهت انبارش اقلام مربوط به کارگاه نسوز و احداث ساختمان دو طبقه اسکلت فلزی جهت استقرار پرسنل و شیفت سرویس و اجرای محوطه سازی
ج - محل اجرای خدمات و مدت انجام کار: محل انجام خدمات / پروژه در واحد پروژه‌های ساختمانی و سازه شرکت فولاد خوزستان و مدت اجرای قرارداد از تاریخ ابلاغ شروع به‌کار توسط کارفرما **۱۸ ماه** می‌باشد.
د - شرایط مناقصه‌گران متقاضی:
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه (با توجه به نوع مناقصه)
- دارا بودن رتبه‌بندی متناسب با موضوع مناقصه از سازمان برنامه و بودجه کشور (حسب مورد)
- داشتن سابقه مفید در رابطه با موضوع مناقصه و حسن شهرت در فعالیت‌های گذشته براساس رزومه کاری و توان فنی و مهندسی
- دارا بودن صلاحیت ایمنی معتبر از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اساس ماده ۲ و ۳ آیین‌نامه ایمنی امور پیمانکاری مصوب وزارت کار و امور اجتماعی در تاریخ ۱۳۸۹/۰۳/۰۵
- دارا بودن گواهی صلاحیت معتبر از اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی موضوع تصویب‌نامه شماره ۳۸۳۲۶ /ت ۲۷۰۵۶ هـ مورخ ۸۱/۰۹/۰۵ هیأت محترم وزیران درخصوص انجام خدمات موضوع مناقصه
- توانایی ارائه ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۱۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ (ریال)
- توانایی تهیه ضمانت‌نامه انجام تعهدات (درصورت برنده شدن) به میزان ۵٪ بار مالی پیمان براساس نرخ پیشنهادی
- **در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر اولویت با شرکت‌های بومی استانی است.**

تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه از اساسنامه شرکت‌نامه و آگهی تأسیس و آخرین آگهی تغییرات ثبت شده در روزنامه رسمی کشور و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

هـ - محل و مهلت و چگونگی دریافت مدارک مناقصه‌گران:
از کلیه متقاضیان دعوت به‌عمل می‌آید پس از انتشار آگهی در این فراخوان و حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۶ با مراجعه به نشانی اینترنتی فوق‌الذکر ضمن تکمیل فرآیند ثبت‌نام و تأیید نهایی آن و ارسال درخواست اعلام آمادگی از طریق وب‌سایت مذکور نسبت به بارگذاری مدارک مورد نیاز به‌همراه مستندات مربوطه مطابق با اطلاعات درخواست شده در وب‌سایت اقدام نمایید تا ارزیابی لازم وفق آیین‌نامه و دستورالعمل ارزیابی کیفی شرکت فولاد خوزستان بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به‌عمل آید.
تأکید می‌گردد اعلام آمادگی و ارسال مدارک، هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه‌های آتی این شرکت ایجاد ننموده و مدارک الصاقی و همچنین کسب امتیاز براساس معیارهای ارزیابی کیفی و توانمندی‌های بهداشتی و زیست‌محیطی (HSE) می‌باشد.
ضمناً اسناد مناقصه برای متقاضیان واجد شرایط در مرحله ارزیابی کیفی نیز از طریق آدرس مذکور قابل دریافت خواهد بود. همچنین زمان برگزاری جلسه توجیهی (سایت ویزیت) پیش از اعلام قیمت، زمان تحویل و گشایش پاکات در اسناد مناقصه درج شده است.
(ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.)

و - نام و نشانی کارفرما:
خوزستان- اهواز - ابتدای بزرگراه خلیج‌فارس - بلوار فولاد خوزستان - شرکت فولاد خوزستان - کدپستی: ۶۱۷۸۸-۱۳۱۱۱
ضمناً متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۰۹۸۶۱۳۲۱۳۶۴۶۴ آقا / خانم **سید احمد فاضلی** (کارشناس امور قراردادها) تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
نوبت اول
شماره ۱۴۰۵-۱۹
کد سامانه ستاد ایران :۲۰۰۵۰۰۱۰۴۵۰۰۰۰۲۱ - کد پایگاه ملی مناقصات : ۱۰۵،۴۵۷،۵۳۳

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان سمنان
(سهامی خاص)

شرکت گاز استان سمنان در نظر دارد مناقصه بازسازی و ایمن‌سازی خطوط و تأسیسات آسیب دیده در اثر سیلاب در سطح شهرستان‌های مرکز و غرب استان را با مشخصات ذیل به مناقصه بگذارد.

عنوان	شرح
نام و نشانی مناقصه‌گزار	شرکت گاز استان سمنان به نشانی: سمنان-بلوار شهید اخلاقی-نبش خیابان دهه فجر
نوع، کمیت و کیفیت کالا یا خدمات	مناقصه بازسازی و ایمن‌سازی خطوط و تأسیسات آسیب دیده در اثر سیلاب در سطح شهرستان‌های مرکز و غرب استان (سمنان، سرخه، مهدیشهر، آرادان، گرمسار و توابع آنها) در مصالح مصرفی پروژه می‌بایست قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	مبلغ ۲،۱۱۸،۷۷۳،۰۰۰ ریال ضمانت‌نامه بانکی معتبر (به غیر از بانک‌های پاسارگاد و گردشگری) با وجه نقد، مندرج در آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی و اصلاحیه‌های آن می باشد.
زمان و نحوه دریافت اسناد مناقصه	از ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ لغایت ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ - از طریق مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir
زمان و مکان عودت اسناد مناقصه	حداکثر تا ساعت ۱۱:۰۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷ در سامانه فوق‌الذکر
زمان و محل گشایش پاکات (الف،ب،ج)	جلسه گشایش پاکات (الف،ب،ج) مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷ ساعت ۱۱:۳۰ می‌باشد. لذا دعوت به عمل می‌آید درصورت تمایل به حضور در جلسه، نماینده تام‌الاختیار خود را کتباً معرفی نمایید.
تلفن و نمابر امور حقوقی و پیمان‌ها	۰۲۳-۳۳۴۵۳۸۴۴ نمابر ۴۷۵۰ داخلی ۲۳-۳۱۹۲۰۰۰۰

جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه فرمایید.

روابط عمومی شرکت گاز استان سمنان
پیام ایمنی: هنگام جمع آوری بخاری، انتهای شیر گاز را با دربوش مناسب مسدود نمایید.
شماره ۲۳۳۳۱۲۰۹

از لحظه تصادف تا بازگشت به زندگی؛

مسیر پرهزینه یک حادثه

گزارش

نرگس جلیلیان

صدای آژیر آمبولانس، چراغ‌های گردان خودروهای امدادی و چند نفر که کنار یک خودروی مچاله‌شده ایستاده‌اند؛ صحنه‌ای که برای بسیاری از مردم شاید تنها چند دقیقه از یک روز معمولی باشد، اما برای یک خانواده می‌تواند آغاز ماه‌ها نگرانی، درمان، هزینه و انتظار باشد. تصادف معمولاً در چند ثانیه اتفاق می‌افتد، اما پیامدهای آن در بسیاری از موارد ماه‌ها و حتی سال‌ها ادامه پیدا می‌کند.

یک شکستگی ساده ممکن است فرد را برای هفته‌ها از کار دور کند، یک آسیب نخاعی می‌تواند مسیر زندگی یک خانواده را تغییر دهد و حتی یک مصدومیت ظاهراً جزئی ممکن است نیازمند جلسات متعدد فیزیوتراپی و توانبخشی باشد.

به همین دلیل، وقتی از تصادفات رانندگی صحبت می‌کنیم، نباید تنها تعداد جان‌باختگان را ببینیم. پشت هر مصدوم، یک خانواده قرار دارد؛ خانواده‌ای که ممکن است بخشی از درآمد خود را از دست بدهد، هزینه درمان پرداخت کند، برای رفت‌وآمد بیمار برنامه‌ریزی کند و در موارد شدیدتر، نقش مراقب دائمی یک عضو خانواده را برعهده بگیرد.

بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال ۱۴۰۲ حدود ۲۰ هزار نفر در حوادث رانندگی جان خود را از دست دادند؛ این رقم در سال ۱۴۰۳ به حدود ۱۹ هزار و ۴۰۰ نفر و در سال ۱۴۰۴ به حدود ۱۹ هزار و ۵۰۰ نفر رسید. همچنین در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۵ حدود ۱۰ هزار و ۳۰۰ فوتی ناشی از تصادفات ثبت شده است.

همچنین طبق اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور، حوادث رانندگی در سال ۱۴۰۴، ۱۹هزار و ۵۴۰ نفر را به کام مرگ کشاند.

از این تعداد، ۱۵ هزار و ۶۶۰ نفر مرد و سه هزار و ۸۸۰ نفر زن بودند.

در این مدت استان‌های تهران با هزار و ۵۶۵، فارس با هزار و ۵۴۳ و سیستان و بلوچستان با هزار و ۳۹۰ فوتی بیشترین و استان‌های ایلام با ۱۹۳، کهگیلویه و بویراحمد با ۲۲۲ و قم با ۲۷۸ فوتی به ترتیب کمترین آمار تلفات تصادفات را داشته‌اند.

حادثه‌ای که از خیابان وارد خانه می‌شود

تصادف برای مصدوم در همان لحظه برخورد اتفاق می‌افتد، اما برای خانواده او شاید از همان لحظه‌ای آغاز شود که تلفن زنگ می‌خورد.

رضا عباسی ۳۷ ساله، یکی از مصدومانی است که روایت زندگی او پس از یک حادثه رانندگی می‌تواند تصویر روشن‌تری از این ماجرا ارائه کند. او در مسیر بازگشت از محل کار با یک خودرو برخورد کرده و با آسیب به پا و کمر راهی بیمارستان شده است.

او می‌گوید: فکر می‌کردم چند روزی بیمارستان می‌مانم و بعد سر کار برمی‌گردم. اما وقتی پزشک گفت باید مدتی استراحت کنم و بعد هم فیزیوتراپی داشته باشم، تازه متوجه شدم ماجرا طولانی‌تر از چیزی است که فکر می‌کردم. پر واضح است که برای فردی که درآمد ماهانه‌اش وابسته به حضور روزانه در محل کار است، چند هفته خانه‌نشینی فقط به معنای استراحت نیست؛ به معنای کاهش یا توقف درآمد است. همسر او نیز در این مدت تاچار شده بخشی از امور روزمره زندگی را برعهده بگیرد. هزینه رفت‌وآمد به مراکز درمانی، دارو، جلسات توانبخشی و هزینه‌های جانبی نیز به مخارج معمول خانواده اضافه شده است.

این همان بخش کمتر دیده‌شده تصادفات است؛ هزینه‌ای که در لحظه وقوع حادثه دیده نمی‌شود، اما بعد از خاموش شدن آژیر آمبولانس تازه خودش را نشان می‌دهد.

اورژانس؛ اولین حلقه زنجیره نجات

از نگاه متخصصان طب اورژانس، نخستین دقایق پس از حادثه اهمیت زیادی دارد. ارزیابی سریع وضعیت مصدوم، کنترل خونریزی، توجه به آسیب‌های مغزی و نخاعی و انتقال ایمن بیمار می‌تواند در تعیین سرنوشت او مؤثر باشد.

کاوه رحمانی، متخصص طب اورژانس درباره اشتباهی که گاهی در صحنه تصادف رخ می‌دهد، می‌گوید: یکی از مشکلات این است که اطرافیان می‌خواهند خیلی سریع به مصدوم کمک کنند، اما ممکن است جابه‌جایی نادرست، به‌خصوص در آسیب‌های ستون فقرات، وضعیت بیمار را بدتر کند. بهترین کار این است که با اورژانس تماس گرفته شود و تا حد امکان دستورات نیروهای امدادی رعایت شود.

به گفته دکتر رحمانی تصور اینکه مصدوم حتماً باید خونریزی شدید یا شکستگی واضح داشته باشد تا وضعیتش جدی تلقی شود، اشتباه است. برخی آسیب‌های داخلی یا مغزی ممکن است در دقایق نخست به‌طور کامل قابل مشاهده نباشند. این مرحله اما فقط آغاز مسیر درمان است.

وقتی بیمار از بیمارستان مرخص می‌شود

بسیاری تصور می‌کنند با ترخیص بیمار، پرونده تصادف بسته می‌شود. در حالی که برای تعداد قابل توجهی از مصدومان، ترخیص از بیمارستان تازه شروع مرحله دیگری است؛ مرحله توانبخشی.

دکتر پیمان حسینی، متخصص طب فیزیکی و توانبخشی در این باره می‌گوید: هدف توانبخشی فقط این نیست که درد بیمار کمتر شود. ما تلاش می‌کنیم فرد تا حد امکان توانایی‌های قبلی خود را به دست بیاورد و بتواند به زندگی خانوادگی و اجتماعی و درصورت امکان به کار بازگردد.

از نظر این پزشک، مدت زمان بازگشت به زندگی عادی به نوع آسیب، سن، شرایط جسمی فرد، شدت حادثه و میزان همکاری بیمار در روند درمان بستگی دارد.

گاهی بیمار باید هفته‌ها یا ماه‌ها تمرین کند تا بتواند حرکاتی را که پیش از حادثه کاملاً عادی به نظر می‌رسید، دوباره انجام دهد؛ از راه رفتن گرفته تا بالا رفتن از پله، نشستن طولانی‌مدت یا حتی انجام کارهای ساده روزمره.

اینجاست که تفاوت میان «مصدومیت» و «معلولیت ناشی از حادثه» نیز اهمیت پیدا می‌کند. هرچه آسیب شدیدتر باشد، نیاز به خدمات تخصصی‌تر و طولانی‌تر می‌شود و طبیعتاً فشار بیشتری بر خانواده وارد می‌کند.

هزینه‌ای که در قبض بیمارستان دیده نمی‌شود

یک تصادف فقط هزینه آمبولانس، بیمارستان، جراحی و دارو نیست به‌طوری که گاهی مهمترین هزینه، درآمدی است که در دوران بیماری از دست می‌رود.

اگر فرد حادثه‌دیده کارگر، راننده، فروشنده، کارمند یا صاحب یک کسب‌وکار کوچک باشد، غیبت او می‌تواند مستقیماً درآمد خانواده را کاهش دهد.

در طرف مقابل، ممکن است یکی از اعضای خانواده نیز مجبور شود برای مراقبت از بیمار از کار خود کم کند یا حتی موقتاً کار را کنار بگذارد.

جاوید شیروانی، کارشناس حوزه ایمنی ترافیک با اشاره به همین موضوع می‌گوید: وقتی درباره هزینه تصادف صحبت می‌کنیم، نباید فقط هزینه تعمیر خودرو یا درمان بیمار را محاسبه کنیم. زمان از دست‌رفته، کاهش بهره‌وری، غیبت از کار، هزینه مراقبت از مصدوم و آسیب‌های اجتماعی هم بخشی از هزینه واقعی تصادف هستند.

به اعتقاد شیروانی تصادف در بسیاری از موارد یک زنجیره ایجاد می‌کند: حادثه، مصدومیت، درمان، غیبت از کار، کاهش درآمد، فشار اقتصادی و در برخی موارد مشکلات روحی و خانوادگی.

پشت هر مصدوم، یک خانواده ایستاده است

خانواده‌ها معمولاً اولین کسانی هستند که اثرات طولانی‌مدت تصادف را لمس می‌کنند به‌طوری که مادر یا همسر مصدوم ممکن است ساعت‌ها در بیمارستان بماند.

پدر خانواده ممکن است برای تأمین هزینه‌های درمان، اضافه‌کاری بیشتری انجام دهد. فرزندان نیز ممکن است تغییر شرایط اقتصادی و روحی خانه را احساس کنند.

همسر رضا عباسی که در تصادف رانندگی مصدوم شده بود، می‌گوید: «روزهای اول همه فکر می‌کردیم مهم این است که حالش خوب شود. بعد که شرایط کمی ثابت شد، تازه متوجه شدیم باید برای ادامه درمان، رفت‌وآمد و هزینه‌های زندگی هم فکری کنیم.

این جمله شاید ساده باشد، اما بخش مهمی از واقعیت تصادفات را نشان می‌دهد؛ بحران اصلی همیشه در همان لحظه حادثه دیده نمی‌شود.

چه کسانی بیشتر در معرض خطرند؟

تصادفات یک علت واحد ندارند. رفتار راننده، سرعت، خستگی، استفاده نکردن از کمربند ایمنی، استفاده از تلفن همراه، شرایط خودرو، وضعیت جاده، روشنایی، وضعیت آب‌وهوا و نحوه امدادرسانی همگی می‌توانند در شدت پیامدها نقش داشته باشند.

سازمان جهانی بهداشت نیز تأکید می‌کند که ایمنی ترافیکی تنها به رفتار راننده محدود نیست و باید مجموعه‌ای از عوامل شامل خودرو، جاده، قوانین، اجرای قانون و رفتار کاربران راه در کنار یکدیگر دیده شوند.

در سطح جهانی، حوادث ترافیکی همچنان یکی از مهمترین علل مرگ در گروه سنی ۵ تا ۲۹ سال محسوب می‌شوند.

سازمان جهانی بهداشت همچنین اعلام کرده است که بیش از نیمی از قربانیان حوادث جاده‌ای در جهان را عابران پیاده، دوچرخه‌سواران و موتورسواران تشکیل می‌دهند؛ گروه‌هایی که در برابر برخورد با خودرو آسیب‌پذیری بیشتری دارند.

در ایران نیز داده‌های سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهد نرخ مرگ‌ومیر ناشی از آسیب‌های جاده‌ای همچنان قابل توجه است و این موضوع را نمی‌توان تنها یک مسئله حمل‌ونقل دانست؛ بلکه باید آن را بخشی از مسئله سلامت عمومی و پیشگیری از آسیب‌ها دانست.

تصادف؛ مسئله‌ای فراتر از جاده

وقتی خودروی تصادفی از صحنه منتقل می‌شود و خیابان دوباره به وضعیت عادی برمی‌گردد، حادثه برای جامعه تمام نشده است.

یک مصدوم ممکن است ماه‌ها درگیر درمان باشد. یک خانواده ممکن است بخشی از درآمدش را از دست بدهد. یک کارفرما ممکن است با غیبت نیروی خود مواجه شود و نظام سلامت نیز هزینه قابل توجهی برای درمان و بازتوانی پرداخت کند. بنابراین، پیشگیری از تصادفات فقط به معنای کاهش تعداد فوتی‌ها نیست؛ هر مصدومیتی که پیشگیری شود، از یک خانواده در برابر مجموعه‌ای از هزینه‌های جسمی، روانی و اقتصادی محافظت شده است.

جاوید شیروانی، کارشناس ایمنی ترافیک در پایان می‌گوید: اگر بخواهیم تصادفات را فقط بعد از وقوع مدیریت کنیم، همیشه چند قدم عقب‌تر هستیم. نقطه اصلی، پیشگیری است؛ یعنی جاده ایمن‌تر، خودروی ایمن‌تر، قوانین مؤثرتر، نظارت جدی‌تر و در نهایت رفتار مسؤولانه‌تر کاربران راه. شاید مهمترین نکته همین باشد: تصادف در چند ثانیه رخ می‌دهد، اما آثار آن می‌تواند ماه‌ها در خانه‌ای ادامه داشته باشد که هیچ‌کس آن را در صحنه حادثه نمی‌بیند. از همین منظر، هر کمربند بسته‌شده، هر سرعتی که کنترل می‌شود، هر راننده‌ای که هنگام خستگی پشت فرمان نمی‌نشیند و هر جاده‌ای که یک نقطه پرخطر آن اصلاح می‌شود، فقط یک اقدام ایمنی نیست؛ بلکه می‌تواند از شکل‌گیری یک بحران خانوادگی، اقتصادی و درمانی جلوگیری کند.

تصادف شاید در جاده اتفاق بیفتد، اما هزینه واقعی آن گاهی تا مدت‌ها در خانه، محل کار، بیمارستان و مرکز توانبخشی ادامه دارد.



آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شماره مناقصه ۱۴۰۵-۱۰۱-۰۲-۰۱-۰۰۸ نوبت دوم

- نام دستگاه مناقصه‌گزار: شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران
- موضوع مناقصه: خرید ۹ ردیف انواع لیفتر بار و لاینرهد پلیت بالمیل خط سه چاهون کارخانه فرآوری
- مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ریال (سه میلیارد ریال) است به‌صورت:

الف) ضمانت‌نامه بانکی

ب) ضمانت‌نامه‌های صادر شده از سوی مؤسسات اعتباری غیر بانکی که دارای مجوز لازم از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند.

ج) وجه نقد واریز به‌حساب سیبا ۰۱۰۵۱۸۱۷۶۶۰۰۹ نزد بانک ملی ایران شعبه آهنشهر کد ۳۵۶۵

د) انواع اوراق مشارکت

در وجه شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران قابل وصول در کلیه بانک‌ها

- زمان دریافت اسناد: از تاریخ نشر آگهی نوبت اول از تاریخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۰۹
- محل تحویل اسناد مناقصه:

آدرس: یزد - میدان امام حسین(ع) - جنب بنیاد شهید - ساختمان شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- بافق کدپستی: ۸۹۱۶۷۱۵۷۶۵ دبیرخانه کمیسیون معاملات تلفن تماس (۰۳۵-۳۶۲۸۵۶۳۰)

- زمان تحویل اسناد مناقصه: تا پایان وقت اداری ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۱
- نحوه دریافت اسناد: به‌صورت اینترنتی براساس شرایط مندرج در سایت WWW.ICIOC.ir

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۵-۳۱۴۵۴۴۷۸ تماس حاصل نمایید.

شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران

آگهی مزایده عمومی

شماره مزایده: ۱۴۰۵-۲۱۱-۰۲-۰۱-۰۰۱-۰۰۹ نوبت دوم

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- بافق در نظر دارد تعدادی از اقلام مازاد و اسقاطی خود را طبق شرح جدول ذیل از طریق مزایده عمومی به‌فروش برساند.

شماره پارت	شرح کالا	مقدار	توضیحات
۱	کابل مسی روکش‌دار فشار قوی فرسوده و اسقاطی	۴۰ تن	میزان ذکر شده تقریبی می‌باشد
۲	نوار نقاله تعویضی و اسقاطی	۵۰۰ متر	میزان ذکر شده تقریبی می‌باشد
۳	باطری اسقاطی خودرویی و بویی اس	۱۰۰ هزار آمپر	میزان ذکر شده تقریبی می‌باشد
۴	لاستیک اسقاطی خودرویی سبک و سنگین	۷۰ تن	میزان ذکر شده تقریبی می‌باشد
۵	بشکه خالی ۲۰۰لیتری روغنی و گریسی	۱۲۰۰ عدد	وضعیت سالم می‌باشد
۶	ضایعات اسکلتی کولر اسقاطی		

- مبلغ و نوع سپرده شرکت در مزایده: به میزان ۱۰٪(ده درصد) جمع کل مبلغ پیشنهادی هر پارت به‌شرح ذیل:

الف) ضمانت‌نامه بانکی معتبر و یا صادر شده از سوی مؤسسات اعتباری غیر بانکی که دارای مجوز لازم از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هستند.

ب) واریز وجه نقد به‌حساب شماره IR۹۳۰۱۲۰۰۰۰۰۰۰۸۶۶۴۳۵۷۸۴۳ بانک ملت یا شبا به‌شماره

- نحوه خرید اسناد: ارسال درخواست کتبی خرید اسناد مزایده به آدرس ایمیل sale@icioc.ir
- زمان خرید اسناد مزایده: از تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۱۱
- زمان بازدید اقلام مزایده: متقاضیان محترم می‌توانند جهت بازدید همه روزه به استثنای ایام تعطیل رسمی، پنج‌شنبه و جمعه از تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ لغایت ۱۴۰۵/۰۹/۱۶ از ساعت ۷ صبح الی ۱۳ به آدرس: یزد- بافق- شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- ساختمان اداره مرکزی - امور فروش مراجعه نمایند.
- آخرین مهلت تحویل اسناد مزایده و قیمت پیشنهادی: تا پایان ساعت اداری ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۶
- تاریخ بازگشایی پاکات: روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۷ (حضور شرکت‌کنندگان در جلسه بازگشایی پاکات بلامانع می‌باشد.)
- محل تحویل اسناد مزایده: یزد- میدان امام حسین(ع)- بلوار شهید بهشتی-جنب بنیاد شهید- ساختمان شرکت سنگ آهن مرکزی ایران- بافق - کمیسیون معاملات - کدپستی ۸۹۱۶۷۱۵۷۶۵

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۳۵-۳۱۴۵۴۴۸۶ تماس حاصل فرمایید.

شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران-بافق

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

(همراه با ارزیابی کیفی) شماره ۲/ع/۱۴۰۵

نوبت دوم

مدیریت امور شعب بانک کشاورزی در منطقه دو تهران در نظر دارد براساس قانون برگزاری مناقصات و بنا بر آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون مذکور؛ نسبت به برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی؛ از طریق تأمین‌کنندگان صاحب صلاحیت و دارای سوابق کاری درخصوص موضوع مناقصه در بستر سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تحت شماره ۲۰۰۵۰۰۱۰۲۴۰۰۰۰۴۹ به‌شرح ذیل اقدام نماید:

۱. نام و نشانی مناقصه‌گزار: مدیریت شعب بانک کشاورزی در منطقه ۲ تهران؛ به آدرس تهران، خیابان ستارخان، نبش خیابان حبیب‌اللهی
۲. موضوع مناقصه: خرید ۱۸۵ دستگاه مینی کیس به‌همراه موس و کیبورد
۳. مدت و محل اجرا: محل و مدت انجام کار به‌شرح اسناد مناقصه می‌باشد.
۴. مبلغ برآورد مناقصه: ۴۲۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۵. نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: یک فقره ضمانت‌نامه بانکی (به غیر از بانک کشاورزی) دارای حداقل ۳ ماه اعتبار و یا واریز وجه به‌شماره حساب مندرج در سامانه به مبلغ ۲۱/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (بیست و یک میلیارد و یکصد و پنجاه میلیون ریال) به نفع بانک کشاورزی.
۶. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی، از تأمین‌کنندگان صاحب صلاحیت که حداقل امتیاز کیفی لازم را کسب نموده باشند جهت حضور درجلسه گشایش پاکات دعوت به‌عمل خواهد آمد. اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴
۷. مهلت خرید اسناد مناقصه: تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ می‌باشد.
۸. مهلت ارسال و بارگذاری اسناد: از ساعت ۸ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۱ لغایت ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۴ می‌باشد.
۹. محل و تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۵ در محل سالن جلسات در نشانی مناقصه‌گزار می‌باشد.
۱۰. محل و تاریخ بازگشایی اسناد الف، ب و ج درخصوص متقاضیانی که ارزیابی کیفی ایشان تأیید گردیده است: ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۳۰ در محل سالن جلسات در نشانی مناقصه‌گزار می‌باشد.
۱۱. اعلام برنده پس از تأیید فرآیند مناقصه توسط کمیسیون معاملات بانک می‌باشد.
۱۲. هزینه فروش اسناد مناقصه ۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال در وجه بانک کشاورزی به‌شماره حساب مندرج در سامانه ستاد به‌نام بانک کشاورزی می‌باشد.
۱۳. مناقصه‌گزار در رد یا قبول پیشنهاد مختار است.
۱۴. درصورت انصراف برنده اول پس از انعقاد قرارداد؛ سپرده ایشان به نفع مناقصه‌گزار ضبط خواهد شد.
۱۵. هزینه چاپ و نشر آگهی مناقصه (نوبت اول و دوم) به‌عهده برنده مناقصه می‌باشد.
۱۶. سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است.
۱۷. متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱-۶۶۵۵۴۶۴۷ واحد خدمات تماس حاصل فرمایند.

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

یک مرحله‌ای

نوبت دوم

وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید اندیشه

شرکت عمران شهر جدید اندیشه وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد به‌منظور واگذاری وظایف پشتیبانی و خدماتی جهت انجام امور نظافت، آبدارچی، باغبان و... در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران، شهر جدید اینچه برون واقع در استان گلستان، شهر جدید مهرگان واقع در استان قزوین، شهر جدید اکباتانا واقع در استان همدان، شهرک اعتمادیه واقع در استان تهران را براساس مشخصات و شرایط کلی ذیل به شرکت‌های خدماتی، پشتیبانی دارای مجوز و گواهی صلاحیت معتبر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار نماید.

نام و نشانی کارفرما: شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران شهر جدید اندیشه فاز ۳ بلوار آزادی تلفن تماس: ۶۵۵۵۳۵۵۱و۲ و با نمابر: ۶۵۵۶۳۵۱۱ نشانی تارنما: https://andisheh.ntdc.ir /

موضوع فراخوان: واگذاری وظایف پشتیبانی و خدماتی جهت انجام امور نظافت، آبدارچی، باغبان و... در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران، شهر جدید اینچه برون واقع در استان گلستان، شهر جدید مهرگان واقع در استان قزوین، شهر جدید اکباتانا واقع در استان همدان، شهرک اعتمادیه واقع در استان تهران

شرایط: کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات قیمت و بازگشایی پاکات نیز از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت(ستاد) به آدرس https://www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۵۰۰۰۰۲ انجام خواهد شد.

محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۲ تا ساعت ۱۱:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۴ نسبت به دریافت اسناد مذکور از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند.

محل، زمان و مهلت تحویل اسناد: متقاضیان پس از دریافت اسناد و تکمیل آنها باید مدارک و مستندات را حداکثر تا ساعت ۱۱:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.

محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد: جلسه بازگشایی پاکات مذکور در ساعت:۱۱:۳۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه (طبقه اول سالن کنفرانس) به نشانی مندرج در بند فوق تشکیل می‌گردد.

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۸٫۴۶۰٫۲۸۰٫۲۷۰ ریال بوده که به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نفع کارفرما و یا ارائه فیش واریز نقدی به‌حساب شبا شماره IR ۳۰۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۳۷۶۰۷۱۴۴۱۸۸ به‌نام تمرکز وجوه سپرده شرکت عمران شهر جدید اندیشه نزد بانک مرکزی قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران قابل قبول می‌باشد و درصورت ارائه ضمانت‌نامه بانکی مدت اعتبار آن بایستی حداقل سه ماه پس از تاریخ افتتاح و گشایش پاکات پیشنهاد بوده و برای مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید اندیشه

چاپ نوبت اول ۱۴۰۵/۰۹/۰۲
چاپ نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۹/۰۳



از مسائل بدخیم تا راه‌حل‌های جمعی

نظام جامع پیشنهادهای دولت
سازوکاری برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های فکری و تخصصی کشور

یادداشت


متین رمضان خواه
معاون مطالعات دفتر هیأت دولت

مسائل بدخیم یا پیچیده و سرکش (Wicked Problems) به دسته‌ای از مسائل اجتماعی، اقتصادی و حکمرانی اطلاق می‌شوند که به دلیل ماهیت چندبعدی، درهم‌تنیدگی عوامل، تعارض منافع ذی‌نفعان و نبود قطعیت در روابط علّی، فاقد تعریف واحد و راه‌حل قطعی هستند. این مفهوم اولین‌بار در سال ۱۹۷۳ میلادی از سوی «هورست ریتل» و «ملوین وبر»، در حوزه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری عمومی صورت‌بندی شد. برخلاف مسائل ساده یا فنی که می‌توان برای آنها راه‌حل‌های مشخص و قابل ارزیابی ارائه کرد، در مسائل بدخیم حتی تعریف مسأله نیز محل اختلاف است و هرگونه مداخله برای حل آن ممکن است پیامدهای پیش‌بینی‌نشده‌ای ایجاد کند یا به پیدایش مسائل جدید بینجامد. پدیده‌هایی مانند فقر ساختاری، نابرابری اجتماعی، بحران اعتماد عمومی، تغییرات اقلیمی و بحران آب از نمونه‌های بارز این مسائل محسوب می‌شوند. از منظر حکمرانی، مواجهه مؤثر با مسائل بدخیم مستلزم عبور از الگوهای خطی و بخشی سیاست‌گذاری و حرکت به سوی حکمرانی مشارکتی، تفکر سیستمی، هماهنگی بین‌بخشی، یادگیری مستمر و سیاست‌گذاری انطباق‌پذیر است. در چنین رویکردی، هدف الزاماً دستیابی به راه‌حلی نهایی و دائمی نیست، بلکه مدیریت تعارض‌ها، کاهش پیامدهای نامطلوب و افزایش ظرفیت نظام حکمرانی برای مواجهه مستمر با پیچیدگی‌هاست.

امروز یکی از ضرورت‌های اساسی در اداره کشور سراغ گرفتن از همین مسائل بدخیم است، مسائلی که عمری دراز و ساختار پیچیده و چندلایه دارند و حل آنها از مسیرها و توصیه‌های رایج نمی‌گذرد و عموماً در فاصله زمانی اندک حل و فصل نمی‌شوند، بلکه نیازمند صبوری در تصمیم‌سازی و عزم جدید در تصمیم‌گیری هستند و حل‌شان نیز فرآیندی مرحله‌ای و گام به گام دارد تا در هر مرحله و هر تصمیم بخشی از مسائل به سطح ضعیف‌تر و حساس‌تر و در نهایت به حل نزدیک شوند. از این‌رو استفاده حداکثری از ظرفیت‌های علمی، فکری، تخصصی و تجربی موجود در جامعه برای شناسایی مسائل و ارائه راهکارهای عملیاتی ضروری است.

پیچیدگی مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اجرایی کشور و ارتباط متقابل آنها با یکدیگر ایجاب می‌کند که فرآیند تصمیم‌سازی دولت، علاوه بر ظرفیت‌های رسمی دستگاه‌های اجرایی، از دانش و تجربه دانشگاهیان، پژوهشگران، صاحبنظران، تشکل‌ها و عموم شهروندان نیز بهره‌مند شود. در واقع، بخش قابل توجهی از ظرفیت حل مسائل کشور در میان مجموعه‌هایی قرار دارد که اگرچه لزوماً در ساختار رسمی تصمیم‌گیری حضور ندارند، اما به واسطه برخورداری از دانش تخصصی، تجربه عملی یا ارتباط مستقیم با مسائل، می‌توانند پیشنهادهای ارزشمندی برای بهبود امور ارائه کنند.

از سوی دیگر، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها مستلزم وجود سازوکاری مشخص برای دریافت، بررسی، ارزیابی و پیگیری پیشنهادهاست. دریافت پراکنده ایده‌ها و طرح‌ها، بدون برخورداری از فرآیندی منظم برای بررسی کارشناسی و تعیین مسیر تصمیم‌گیری، نمی‌تواند به‌تنهایی زمینه استفاده مؤثر از ظرفیت‌های موجود را فراهم سازد. ازاین رو، ضرورت دارد ارتباط میان پیشنهاددهندگان و ساختار تصمیم‌گیری دولت در چارچوبی روشن، منسجم و قابل پیگیری سامان یابد.

بر همین اساس، «نظام جامع پیشنهادهای دولت» در دفتر هیأت دولت طراحی شده است. هدف از این نظام، ایجاد مسیری مشخص برای دریافت ایده‌ها و پیشنهادهای ناظر بر مسائل کشور، بررسی تخصصی آن‌ها، تبدیل پیشنهادهای واجد شرایط به طرح‌های قابل تصمیم‌گیری و پیگیری اجرای طرح‌های پذیرفته‌شده است. این نظام می‌کوشد ظرفیت‌های علمی و تجربی کشور را در خدمت بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی، ارتقای کیفیت تصمیم‌ها، افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و تسریع در ارائه خدمات عمومی قرار دهد. یکی از اهداف اصلی این نظام، فراهم‌کردن امکان استفاده هدفمند از پیشنهادهایی است که می‌توانند به اصلاح فرآیندهای اداری، رفع موانع اجرایی، افزایش کارآمدی دستگاه‌ها و حل مسائل عمومی منجر شوند. در این چارچوب، پیشنهادها صرفاً به ایده‌های نوآورانه محدود نیستند، بلکه هر طرحی که بتواند مسأله‌ای مشخص را شناسایی و برای آن راهکاری قابل اجرا ارائه کند، می‌تواند در فرآیند بررسی قرار گیرد. هدف دیگر، ایجاد انسجام در دریافت و بررسی پیشنهادها و جلوگیری از موازی‌کاری است. در بسیاری از موضوعات، ممکن است دستگاه‌ها، مراکز پژوهشی یا صاحبنظران مختلف به‌صورت مستقل به بررسی یک مسأله پرداخته باشند. تجمیع این ظرفیت‌ها و ایجاد ارتباط میان پیشنهادهای مشابه، امکان استفاده بهتر از مطالعات انجام‌شده و منابع کارشناسی کشور را فراهم می‌کند. همچنین پاسخگویی به پیشنهاددهندگان، اطلاع‌رسانی درباره نتایج بررسی‌ها و پیگیری اجرای طرح‌های پذیرفته‌شده از دیگر اهداف این نظام است. بر این اساس، فرآیند بررسی نباید به دریافت یک طرح و اعلام پذیرش یا رد آن محدود شود، بلکه لازم است مسیر مشخصی برای تکمیل، ارجاع، اجرا و ارزیابی نتایج وجود داشته باشد.

> بخش قابل توجهی از ظرفیت حل مسائل کشور در میان مجموعه‌هایی قرار دارد که اگرچه لزوماً در ساختار رسمی تصمیم‌گیری حضور ندارند، اما به واسطه برخورداری از دانش تخصصی، تجربه عملی یا ارتباط مستقیم با مسائل، می‌توانند پیشنهادهای ارزشمندی برای بهبود امور ارائه کنند

چهار مسیر دریافت پیشنهادها

برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف کشور، چهار مسیر اصلی برای دریافت پیشنهادها پیش‌بینی شده است.

نخست؛ نخبگان، استادان دانشگاه، پژوهشگران و صاحبنظران علمی و تخصصی هستند. این گروه با برخورداری از دانش نظری، تجربه پژوهشی و توانایی تحلیل مسائل، می‌توانند در شناسایی ریشه‌های مشکلات و ارائه راهکارهای تخصصی نقش مؤثری ایفا کنند. یکی از کارکردهای مهم نظام پیشنهادها، فراهم‌کردن زمینه استفاده عملی از نتایج پژوهش‌ها و مطالعات علمی در فرآیند تصمیم‌سازی دولت است.

دوم؛ دستگاه‌های اجرایی عضو دولت و استانداری‌ها هستند. این مجموعه‌ها به دلیل ارتباط مستقیم با مسائل اجرایی، شناخت محدودیت‌های اداری و آگاهی از امکانات و ظرفیت‌های موجود، می‌توانند پیشنهادهایی متناسب با شرایط واقعی کشور ارائه کنند. بهره‌گیری از تجربیات دستگاه‌های اجرایی، بویژه در زمینه اصلاح فرآیندها، کاهش هزینه‌ها و رفع موانع ارائه خدمات، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

سوم؛ جامعه مدنی شامل اصناف، تشکل‌ها، انجمن‌ها و احزاب سیاسی و اجتماعی است. این مجموعه‌ها به دلیل ارتباط با گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، می‌توانند مسائل و مطالبات موجود را شناسایی و در قالب پیشنهادهای مشخص به دولت منتقل کنند.

چهارم؛ عموم شهروندان هستند. بسیاری از مشکلات اجرایی و نارسایی‌های موجود در ارائه خدمات عمومی، بیش از هر گروه دیگری برای استفاده‌کنندگان از این خدمات ملموس است. پیش‌بینی مسیرهای ارتباطی الکترونیکی برای دریافت پیشنهادهای شهروندان، می‌تواند زمینه استفاده از این تجربیات را فراهم کند.

در مجموع، هدف از تنوع‌بخشی به مبادی دریافت پیشنهادها آن است که هیچ ظرفیت مؤثری در شناسایی مسائل و ارائه راهکارهای مناسب، صرفاً به دلیل قرار نداشتن در ساختار رسمی دولت نادیده گرفته نشود.

ویژگی‌های پیشنهادها و راه‌های انتقال آنها

موضوع نظام جامع پیشنهادهای دولت، دریافت طرح‌هایی است که ناظر بر حل مسائل عمومی، اصلاح فرآیندهای اجرایی، بهبود عملکرد دستگاه‌ها یا ارائه راهکارهای جدید برای مواجهه با چالش‌های ملی، بخشی و منطقه‌ای باشند. پیشنهاددهنده باید مشخص کند چه مسأله‌ای وجود دارد، علت شکل‌گیری یا تداوم آن چیست، چه اقداماتی برای حل آن پیشنهاد می‌شود، اجرای راهکار به چه امکانات و هماهنگی‌هایی نیاز دارد و چه نتایجی از اجرای آن انتظار می‌رود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام جامع پیشنهادهای دولت، پیش‌بینی فرآیندی مشخص برای بررسی طرح‌ها از زمان دریافت تا تعیین مسیر تصمیم‌گیری است. در مرحله اول، پیشنهادهای دریافتی به‌صورت رسمی ثبت و برای هر پیشنهاد شناسه اختصاصی تعیین می‌شود. اطلاعات مربوط به موضوع، حوزه تخصصی، مشخصات پیشنهاددهنده و دامنه اثرگذاری طرح نیز ثبت خواهد شد. این اقدام، امکان ساماندهی و پیگیری پیشنهادها را نیز فراهم می‌کند.

در مرحله دوم، طرح‌ها مورد بررسی و غربالگری اولیه قرار می‌گیرند. هدف از این مرحله، شناسایی پیشنهادهایی است که از حداقل شرایط علمی، تخصصی و اجرایی برخوردارند و امکان بررسی بیشتر آنها وجود دارد. برای این منظور، چهار کارگروه تخصصی در معاونت مطالعات کاربردی دفتر هیأت دولت پیش‌بینی شده است که حوزه‌های اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و بین‌الملل و انرژی، محیط زیست و امور زیربنایی را پوشش می‌دهند. در این مرحله، ارتباط موضوع با اولویت‌های کشور، میزان نوآوری، انسجام طرح و قابلیت اولیه اجرای آن بررسی می‌شود. پیشنهادهایی که فاقد شرایط لازم باشند یا موضوع آنها پیش‌تر در دستور کار قرار گرفته باشد، با ارائه توضیح مستدل به پیشنهاددهنده تعیین تکلیف می‌شوند. طرح‌هایی که از بررسی اولیه عبور کنند، وارد مرحله بررسی تخصصی خواهند شد. در این مرحله، کارشناسان ابعاد مختلف پیشنهاد را با دقت بیشتری بررسی می‌کنند. همچنین در صورت نیاز، از پیشنهاددهنده برای ارائه توضیحات تکمیلی، اصلاح بخش‌هایی از طرح یا تکمیل مستندات دعوت خواهد شد.

پس از تکمیل بررسی‌های تخصصی، طرح‌ها وارد مرحله ارزیابی ثانویه می‌شوند. در این مرحله، امکان‌پذیری اجرایی، هزینه و فایده، آثار اقتصادی و اجتماعی، پیامدهای نهادی و میزان انطباق پیشنهاد با سیاست‌های کلان و اسناد بالادستی مورد توجه قرار می‌گیرد. نتیجه این فرآیند، شناسایی طرح‌هایی است که از پشتوانه کارشناسی کافی برخوردارند و می‌توانند متناسب با موضوع و سطح اثرگذاری، در مسیر تصمیم‌گیری قرار گیرند. طبیعی است که همه پیشنهادهای دریافتی از نظر دامنه اثرگذاری و سطح تصمیم‌گیری یکسان نیستند. برخی از طرح‌ها ممکن است به اصلاح یک فرآیند محدود در یک قوه مجریه مربوط باشند، در حالی که اجرای برخی دیگر مستلزم هماهنگی چند وزارتخانه یا اتخاذ تصمیم در سطح هیأت دولت است.

سه طبقه‌بندی برای طرح‌های پیشنهادی

بر همین اساس، طرح‌های تأییدشده در سه سطح کلان، میانی و خُرد طبقه‌بندی می‌شوند. طرح‌های کلان، پیشنهادهایی هستند که آثار ملی و بین‌بخشی دارند یا اجرای آنها مستلزم تصمیم‌گیری در سطح عالی دولت است. بدین ترتیب این طرح‌ها متناسب با موضوع به کمیسیون‌های مرتبط هیأت دولت یا شورای خبرگان پیش‌بینی‌شده ارجاع می‌شوند و پس از بررسی کارشناسی و تأیید، امکان طرح در صحن هیأت دولت را خواهند داشت.

طرح‌های میانی، پیشنهادهایی هستند که دامنه اثرگذاری آنها در سطح یک بخش، وزارتخانه یا منطقه قرار دارد و برای اجرا لزوماً به تصمیم‌گیری در صحن هیأت دولت نیاز ندارند. این طرح‌ها به دستگاه‌های اجرایی مسئول، وزارتخانه‌های مرتبط یا استانداری‌ها ارجاع می‌شوند. طرح‌های خُرد نیز شامل پیشنهادهایی با دامنه اجرایی محدودتر هستند که می‌توانند در سطح عملیاتی و با استفاده از اختیارات دستگاه‌های مسئول پیگیری شوند.

با این رمزینه
متن کامل مقاله را بخوانید.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی
دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۵/۱۳

بانک رفاه کارگران
REFAH KARGARAN BANK

بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به واگذاری «خرید تعداد ۲۰۶ دستگاه کیوسک بانکی با قابلیت صدور آنی کارت بانکی به‌صورت خود خدمات به انضمام آماده‌سازی محل نصب، حمل، جانمایی، نصب و راه‌اندازی به‌همراه نرم‌افزارهای مربوطه در سراسر کشور» از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط اقدام نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۱ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال واریز شده به‌حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به‌نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران در ساعات اداری به اداره تدارکات بانک به آدرس تهران، بلوار کشاورز، روبه‌روی بیمارستان پارس، پلاک ۱۵۲، ساختمان بانک رفاه کارگران، طبقه ششم گروه کارشناسی مناقصات مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه به میزان ۷۷،۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هفتاد و هفت میلیارد و دویست و پنجاه میلیون ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر ارائه گردد.

ضمناً پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۵ توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات بانک در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، پایین‌تر از میدان ونک، پلاک ۲۵۸۴، طبقه منفی یک مفتوح خواهد گردید.

بانک رفاه کارگران - اداره تدارکات

آگهی مناقصه عمومی تجدید شده
(با اصلاحیه اسناد) شماره ۱۴۰۵/۲۱/ع

شرکت صنایع و معدنی گل گهر

شرکت معدنی و صنعتی گل گهر (سهامی عام) در نظر دارد **«خدمات مهندسی، تأمین کالا، ساخت و نصب تجهیزات به‌صورت توأم (EPC) برای دو دستگاه آسانسور صنعتی مدیریت فرآوری»** را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت واجد شرایط دارای صلاحیت واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وب‌سایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه نموده و اسناد اصلاح شده را دریافت نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۳:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۵ در محل دفترکمیسیون معاملات مجتمع معدنی و صنعتی گل گهر (کیلومتر ۵۰ جاده شیراز) و یا دبیرخانه دفتر تهران به نشانی: سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه شماره ۱۶ غربی (کوروش)، پلاک ۴۸، طبقه ۴ می‌باشد. ضمناً بازدید از محل اجرای موضوع قرارداد روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ مقرر شده است و شرکت در آن الزامی می‌باشد. شایان ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۵/۷۲۵/د مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۵ موضوع ابلاغ بند ۷ صورتجلسه شماره ۲۶۴ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۶ شورای اسلامی شهر نسبت به برگزاری مزایده عمومی ذیل به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط (برابر شرایط مندرج در پاکت ب اسناد مزایده) اقدام نماید.

۱- موضوع مزایده: عبارت است از واگذاری امتیاز بهره‌برداری از مجموعه چند منظوره ورزشی ولایت برای مدت سه سال به‌صورت اجاره بها (با بازدید از مجموعه الزامی است.)

۲- مبلغ پایه اجاره: مبلغ پایه کارشناسی شده طبق گزارش کارشناس رسمی دادگستری به‌شماره الف/ ۹۵۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۳۰ برای مدت سه سال به‌شرح جدول ذیل می‌باشد.

مجموعه ورزشی ولایت	سال اول	سال دوم	سال سوم
پایه اجاره ماهانه (ریال)	۷،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۰،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۴،۷۰۰،۰۰۰،۰۰۰
جمع اجاره سالانه (ریال)	۹۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۲۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۱۷۶،۴۰۰،۰۰۰،۰۰۰

• تبصره: اجاره سال دوم با ۴۰٪ افزایش نسبت به سال اول و اجاره سال سوم با ۴۰٪ افزایش نسبت به سال دوم محاسبه می‌گردد.

۳- تضمین شرکت در مزایده: سپرده شرکت در مزایده ۱۹،۶۲۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌بایست تا پایان مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت به یکی از صورت‌های ذیل به واحد دبیرخانه شهرداری تسلیم و شماره ثبت پاکت الف را دریافت نمایید.

الف) رسید بانکی واریز وجه مزبور به‌شماره حساب سپرده ضمانت شرکت در مزایده ۰۱۱۳۹۹۴۴۵۶۰۰۱ نزد بانک ملی شعبه شهراندیشه کد ۲۲۱۷ ب) ضمانت‌نامه بانکی

• تبصره ۱: ضمانت‌نامه ارائه شده می‌بایست در زمان بازگشایی پاکات مزایده دارای اعتبار بوده و برای مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

• تبصره ۲: به پیشنهادهایی که سپرده شرکت در مزایده آنها به غیر از موارد فوق باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴- مدارک لازم جهت دریافت اسناد مزایده: متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده می‌بایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir اقدام نمایند.

۵- مهلت و محل دریافت اسناد مزایده: از تاریخ انتشار آگهی لغایت پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ و محل دریافت آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir می‌باشد.

۶- مهلت و محل تسلیم پیشنهادات: متقاضیان می‌بایست پاکت‌های پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در کاربرگ مزایده تنظیم شده است را حداکثر تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir بارگذاری نمایند.

• تذکر: در جلسه بازگشایی صرفاً اسناد دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است.

۷- تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۲ از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت www.setadiran.ir می‌باشد.

۸- شهرداری اندیشه در رد یا قبول تمام پیشنهادات بدون ذکر دلیل مختار می‌باشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر بازدید اینجا شود

• چاپ نوبت اول ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ • چاپ نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۹/۱۰

بهروز کاویانی - شهردار شهر اندیشه

آگهی مزایده

سیمکات Simcat
شرکت تولیدی سیم و کابل تبریز (سهامی عام)

شرکت تولیدی سیم و کابل تبریز - سیمکات (سهامی عام) در نظر دارد اقلام راکد و ضایعات خود را به‌شرح زیر از طریق انجام مزایده عمومی به‌فروش رساند، متقاضیان محترم می‌توانند در روزهای غیر تعطیل از تاریخ درج در آگهی به مدت ۴ روز از ساعت ۹ صبح تا ۱۶ بعدازظهر ضمن بازدید از اقلام مزایده نسبت به دریافت اسناد شرکت در مزایده اقدام و پیشنهادهای خود را مطابق رویه اعلامی حداکثر تا آخر وقت اداری مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ به واحد حراست واقع در محل کارخانه تبریز تحویل نمایند.

شرکت، در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.

ردیف	اجناس ضایعاتی	مقدار	واحد	محل بازدید
۱	ضایعات کلوخی فیلر	۱۶۷۲	کیلوگرم	تبریز- کیلومتر ۵ جاده تهران-روبه‌روی پارک آبی هلیا
۲	ضایعات فولادی	۲۷۴۸	کیلوگرم	
۳	خاک کوره آلومینیوم	۷۶۱۴۱	کیلوگرم	
۴	کلوخی xlpe	۱۹۵۶۴	کیلوگرم	
۵	ضایعات کابل آلومینیومی	۳۰۰۰	کیلوگرم	
۶	ضایعات xlpe + ST (فولادی عایقدار)	۹۵۰۸	کیلوگرم	
۷	گرانول خاک آلود	۴۲	کیلوگرم	
۸	ضایعات کلوخی گرانول‌سازی	۵۹۵۰	کیلوگرم	
۹	ضایعات کلوخی pvc تولید	۵۰۰۰+۲۴۶۱۴	کیلوگرم	
۱۰	تخته و فلنج ضایعاتی	۱۰۰۰	کیلوگرم	
۱۱	آهن آلات	۱۲۰۰۰	کیلوگرم	
۱۲	پالت پلاستیکی	۱۳۰	عدد	
۱۳	بشکه خالی ضایعاتی	۱۳۷	عدد	
۱۴	پودر گرافیت	۴۰۰۰	کیلوگرم	

آدرس بازدید در تبریز (محل کارخانه): تبریز- کیلومتر ۵ جاده تهران-روبه‌روی پارک آبی هلیا

• متقاضیان خرید خاک کوره آلومینیوم، بایستی دارای مجوزهای لازم از سازمان محیط زیست باشند.

آگهی مزایده

سیمکات Simcat
شرکت تولیدی سیم و کابل تبریز (سهامی عام)

شرکت تولیدی سیم و کابل تبریز - سیمکات (سهامی عام) در نظر دارد اقلام راکد و ضایعات خود را در سایت قزوین به‌شرح زیر از طریق انجام مزایده عمومی به‌فروش رساند، متقاضیان محترم می‌توانند در روزهای غیر تعطیل از تاریخ درج در آگهی به مدت ۴ روز از ساعت ۹ صبح تا ۱۶ بعداز ظهر ضمن بازدید از اقلام مزایده نسبت به دریافت اسناد شرکت در مزایده اقدام و پیشنهادهای خود را مطابق رویه اعلامی حداکثر تا آخر وقت اداری مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۸ به واحد حراست واقع در محل کارخانه قزوین تحویل نمایند.

شرکت، در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می‌باشد.

ردیف	اجناس ضایعاتی	مقدار	واحد	محل بازدید
۱	سیم فولادی ۰/۵	۱۸۵۴	کیلوگرم	قزوین- کیلومتر ۶ جاده قدیم قزوین به تهران- جنب شرکت تیک تاک
۲	ضایعات مواد پی وی سی	۴۳۱۱	کیلوگرم	
۳	ضایعات سیم قلعی	۵۰۰	کیلوگرم	
۴	آهن‌آلات	۱۵۰۰۰	کیلوگرم	
۵	تخته و فلنج ضایعاتی (پالت چوبی)	۱۰۰۰	کیلوگرم	
۶	ضایعات لجن مس	۵۰۰	کیلوگرم	

آدرس بازدید در قزوین (محل کارخانه): قزوین - کیلومتر ۶ جاده قدیم قزوین به تهران - جنب شرکت تیک تاک

تولد یک صفحه

جایی که رسانه، فرهنگ و زندگی به هم می‌رسند

درگاه

رضا صانعی
دبیر گروه فرهنگ و رسانه

در جهانی به سرعی بزیم که دیگر فقط از رسانه‌ها استفاده نمی‌کنیم، با آنها زندگی می‌کنیم. کافی است کسی به زندگی روزمره‌مان نگاه کنیم. به لحظه‌هایی که به‌ما مرور اخبار و شبکه‌های اجتماعی آغاز می‌شوند. به سلیقه‌هایی که تحت تأثیر تصاویر و روایت‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرند. به روابطی که در فضای مجازی شکل می‌گیرند، حفظ و صیانت از آنها به تهدیدی جدی تبدیل شده است. اما فارغ از ضوابط اجرایی، اخلاق محاوره و مناظره قرار دارد؛ اصولی که رعایت آنها به تهدیدی حرفه‌ای برای همه‌ی ما تبدیل شود و مجری نیز وظیفه نظارت بر اجرای آنها را برعهده دارد.

یکی از مهم‌ترین الزامات حرفه‌ای در برگزاری مناظره، آگاهی قبلی مجری از دیدگاه‌ها و مواضع یک‌دیگر است. فرار نیست میهمانان بدون شناخت قبلی وارد گفت‌وگو شوند و نیاز دارند تا با نظرات طرف مقابل آشنا شوند. بسیاری از دیدگاه‌های افراد پیش‌تر در قالب مقاله، مصاحبه یا اظهارنظرهای رسانه‌ای منتشر شده است. بنابراین، انتظار می‌رود هر یک از میهمانان پیش از حضور در برنامه، مواضع طرف مقابل را مطالعه کرده باشند. این موضوع صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه از الزامات حرفه‌ای یک گفت‌وگوی رسانه‌ای محسوب می‌شود. هدف از این مطالعه، پرسیدن سؤال‌های تکراری که پاسخ آنها را می‌توان در منابع دیگر یافت نیست، بلکه طراحی پرسش‌هایی است که بتوانند تناقض‌ها، نقاط ضعف یا ابهام‌های استدلالی را آشکار کنند. مجری بدون این آمادگی، ناچار است یا نقش تماشاگر منفعل را بازی کند یا به‌ناچار وارد جدل‌های سطحی شود؛ هیچ‌کدام به نفع مخاطب نیست.

بی‌وقفه، در حال بازتعریف جهان زیسته ماست. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، این تأثیر شکل و ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. رسانه‌ها دیگر فقط ابزار اطلاع‌رسانی یا سرگرمی نیستند. آنها سبک زندگی می‌سازند، ذائقه فرهنگی شکل می‌دهند، الگوهای رفتاری را عادی‌سازی می‌کنند و حتی در تعریف ما از موفقیت، خوشبختی، زیبایی و هویت نقش دارند. آنچه در فضای مجازی اتفاق می‌افتد، چه در صورتی که به اینجا خلاصه نشود، به‌سرعت به زندگی واقعی راه پیدا می‌کند و بسیاری از تصمیم‌های خانوادگی، روابط انسانی، سلیقه‌ها و انتخاب‌های این صفحه، مسأله سواد رسانه‌ای است. در روزگاری که با انبوهی از اطلاعات، تصاویر، اخبار و روایت‌های گاه متناقض روبه‌رو هستیم، صرف دسترسی به رسانه و توانایی استفاده از آن کافی نیست. بیش از هرزمان دیگری به مهارت تشخیص، تحلیل و مواجهه آگاهانه و نقادانه با پیام‌های رسانه‌ای نیاز داریم. مهارتی که بدون آن، به‌سادگی می‌توانیم به مصرف‌کنندگان منفعل جهان رسانه‌ای تبدیل شویم. باور داریم روزنامه‌نگاری امروز نمی‌تواند فقط به بازتاب اخبار و تحولات رسانه‌ای بسنده کند. در جهانی که رسانه خود در ساختن واقعیت اجتماعی نقش دارند، وظیفه روزنامه‌نگاری، فراتر از خبرسانی، کمک به فهم این واقعیت و آشکار کردن لایه‌های پنهان آن است. این صفحه تلاشی است برای ایجاد پیوند میان روزنامه‌نگاری و مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای؛ فرصتی برای طرح پرسش‌های تازه، شنیدن صداهای کارشناسی و نگاهی انتقادی و مسأله‌مند به تحولاتی که زندگی ما را می‌سازند. می‌خواهیم از رسانه‌ها حرف بزنیم، اما نه فقط از فناوری‌ها، پلتفرم‌ها و ابزارهای ارتباطی، بلکه از تأثیر آنها بر زندگی، فرهنگ و تجربه زیسته فردی و جمعی. در این مسیر، به سراغ پژوهشگران حوزه ارتباطات، اساتید روزنامه‌نگاری و کنشگران رسانه، صاحب نظران مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای می‌رویم تا با اتکا به دیدگاه‌ها و پژوهش‌های آنها، نسبت میان رسانه و فرهنگ را در بستر جامعه ایرانی واکاوی کنیم. از خانواده، روابط اجتماعی و سبک زندگی تا هویت، هنر، سرگرمی، اخلاق و تغییرات نسلی. یکی از دغدغه‌های جدی

تولد یک صفحه

جایی که رسانه، فرهنگ و زندگی به هم می‌رسند

درگاه

رضا صانعی
دبیر گروه فرهنگ و رسانه

در جهانی به سرعی بزیم که دیگر فقط از رسانه‌ها استفاده نمی‌کنیم، با آنها زندگی می‌کنیم. کافی است کسی به زندگی روزمره‌مان نگاه کنیم. به لحظه‌هایی که به‌ما مرور اخبار و شبکه‌های اجتماعی آغاز می‌شوند. به سلیقه‌هایی که تحت تأثیر تصاویر و روایت‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرند. به روابطی که در فضای مجازی شکل می‌گیرند، حفظ و صیانت از آنها به تهدیدی جدی تبدیل شده است. اما فارغ از ضوابط اجرایی، اخلاق محاوره و مناظره قرار دارد؛ اصولی که رعایت آنها به تهدیدی حرفه‌ای برای همه‌ی ما تبدیل شود و مجری نیز وظیفه نظارت بر اجرای آنها را برعهده دارد.

یکی از مهم‌ترین الزامات حرفه‌ای در برگزاری مناظره، آگاهی قبلی مجری از دیدگاه‌ها و مواضع یک‌دیگر است. فرار نیست میهمانان بدون شناخت قبلی وارد گفت‌وگو شوند و نیاز دارند تا از نظرات طرف مقابل آگاه شوند. بسیاری از دیدگاه‌های افراد پیش‌تر در قالب مقاله، مصاحبه یا اظهارنظرهای رسانه‌ای منتشر شده است. بنابراین، انتظار می‌رود هر یک از میهمانان پیش از حضور در برنامه، مواضع طرف مقابل را مطالعه کرده باشند. این موضوع صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه از الزامات حرفه‌ای یک گفت‌وگوی رسانه‌ای محسوب می‌شود. هدف از گفت‌وگو این است که مخاطب با دیدگاه‌ها و استدلال‌های طرف مقابل آشنا شود و بتواند قضاوت آگاهانه‌تری داشته باشد. اگر میهمان‌ها از مواضع یک‌دیگر بی‌اطلاع باشند، مجری ناچار است بخشی از زمان برنامه را صرف توضیح مواضع اولیه کند و عملاً از عمق بحث کاسته می‌شود.

مجری همچنین باید از پیش‌فرض‌ها و قضاوت‌های شتاب‌زده خود جلوگیری کند. او نباید با لحن یا سؤال‌هایش جهت‌گیری آشکار نسبت به یکی از طرفین نشان دهد. بی‌طرفی به معنای بی‌تفاوتی نیست، بلکه به معنای توانایی در مدیریت گفت‌وگو بدون تحمیل دیدگاه شخصی است. مجری خوب کسی است که بتواند از هر دو طرف توضیح بخواهد، ابهام‌ها را برطرف کند و مخاطب را در قضاوت یاری دهد، نه اینکه خود به داور بحث تبدیل شود.

مدیریت زمان نیز یکی از مهم‌ترین وظایف مجری است. در برنامه‌های زنده، هر دقیقه ارزش مشخصی دارد و اگر یک میهمان بیش از حد وقت بگیرد، دیگران فرصت کافی برای بیان دیدگاه‌های خود نخواهند داشت. مجری باید با قاطعیت و احترام، زمان‌بندی را حفظ کند و اجازه ندهد بحث به تکرار مکررات یا حاشیه‌های بی‌ربط کشیده شود. البته این کار نباید به قطع‌کردن مکرر صحبت‌ها یا برخورد تند منجر شود. مجری خوب می‌داند چگونه با لحنی آرام و مسلط، گفت‌وگو را هدایت کند.

در نهایت، ارزش یک مناظره را نباید صرفاً به میزان هیجان، حاشیه یا بازدید آن در فضای مجازی سنجید. معیار اصلی، میزان آگاهی است که یک مناظره منتقل می‌شود و فرصتی که برای شنیدن و ارزیابی دیدگاه‌های متفاوت در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. برخی مناظره‌ها بلافاصله پس از پخش، به موضوع روز تبدیل می‌شوند و بازنشر گسترده‌ای پیدا می‌کنند، اما ارزش واقعی آنها در میزان آگاهی‌بخشی و روشنگری آنها در زمان پخش است. مناظره‌ای که مخاطب را با دیدگاه‌های مختلف آشنا کند، حتی اگر بحث‌برانگیز باشد، ارزشمندتر از مناظره‌ای است که صرفاً برای جذب مخاطب طراحی شده باشد.

در نهایت، مناظره زمانی به رسانه‌ای برای گفت‌وگوی تمدن‌ها تبدیل می‌شود که بتواند از رسانه به‌عنوان ابزاری برای تولید فرهنگ، هویت فکری و غلبه عبور کند. در ساختن جهانی که در آن هر دیدگاهی، حتی اگر با ما متفاوت باشد، حق دارد شنیده شود و هر مخاطبی فرصت دارد تا بدون اجبار، دیدگاه خود را بسازد. در چنین جهانی، رسانه دیگر صرفاً ابزار نیست، بلکه به فضایی برای زندگی مشترک تبدیل می‌شود.

پرونده‌ای برای مناظره‌های اینترنتی

مناظره در عصر شبکه‌های اجتماعی؛ از گفت‌وگو تا تقابل

مناظره در ذات خود، فرصتی برای مواجهه اندیشه‌ها، سنجش استدلال‌ها و رسیدن به فهمی عمیق‌تر از مسائل است؛ اما آنچه امروز در فضای شبکه‌های اجتماعی با عنوان مناظره شاهد آن هستیم، همیشه نسبتی با این کارکرد اصیل ندارد. گسترش بسترهای ارتباطی دیجیتال، امکان گفت‌وگو و مشارکت عمومی را افزایش داده، اما در کنار این فرصت، زمینه‌ساز شکل‌گیری آسیب‌ها و انحرافاتی نیز شده است که کیفیت گفت‌وگوهای جمعی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در بسیاری از مناظره‌های اینترنتی، جای استدلال را هیجان، جای شنیدن را پرخاشگویی شتاب‌زده و جای نقد منصفانه را تخریب و برچسب‌زنی می‌گیرد. منطق دنبال‌شدن، جذب مخاطب و دیده‌شدن است، نه فهمیده‌شدن. جذب مخاطب و دیده‌شدن، گاه بیش از حقیقت‌جویی و اقناع، گفت‌وگو و مشارکت عمومی را شکل می‌دهد. در چنین فضایی، کاربران به‌جای آنکه در پی فهم دیدگاه مخالف باشند، می‌کوشند برنده میدان باشند؛ حتی اگر این پیروزی به بهای تحریف واقعیت یا تشدید شکاف‌های اجتماعی تمام شود. این پرونده تلاشی است برای واکاوی ابعاد مختلف این پدیده؛ از چرایی افول اخلاق گفت‌وگو و غلبه هیجان بر عقلانیت تا نقش الگوریتم‌ها، سوگیری‌های شناختی و فرهنگ هواداری در شکل‌گیری مناظره‌های مخرب. هدف، نفی مناظره نیست، بلکه بازگرداندن آن به جایگاه خود؛ جایگاهی که در آن، گفت‌وگو نه جنگ است و نه تبلیغ، بلکه فرصتی برای آزمودن ایده‌ها در برابر نقد و رشد فکری جامعه است.

اخلاق و حرفه‌ای‌گرایی؛ الزامات گفت‌وگوها و مناظره‌های رسانه‌ای

یادداشت

ماشاءالله شمس الواعظین
روزنامه‌نگار و فعال رسانه‌ای

از مناظره باید ایجاد ارزش افزوده کلامی برای مخاطب باشد، نه تکرار مطالبی که طرفین بارها بیان کرده‌اند. آگاهی از دیدگاه‌های یکدیگر به میهمانان کمک می‌کند از تکرار مواضع شناخته‌شده عبور کنند و به طرح استدلال‌های تازه و زوایای کمتر دیده‌شده موضوع بپردازند. مخاطب باید پس از شنیدن یک مناظره احساس کند نکته‌ای جدید آموخته است؛ نه غیر این صورت، گفت‌وگو به تکرار سخنان گذشته محدود می‌شود و از ارزش رسانه‌ای خود کاسته می‌شود.

بنابراین، در حال بازتعریف جهان زیسته ماست. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، این تأثیرشکل و ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. رسانه‌ها دیگر فقط ابزار اطلاع‌رسانی یا سرگرمی نیستند، آنها سبک زندگی می‌سازند، ذائقه فرهنگی شکل می‌دهند، الگوهای رفتاری را عادی‌سازی می‌کنند و حتی در تعریف ما از موفقیت، خوشبختی، زیبایی و هویت نقش دارند. آنچه در فضای مجازی اتفاق می‌افتد، چه در صورتی که به ابعاد جدّیت داشته باشد، قابل استناد است. مسأله زمانی ایجاد می‌شود که صفت‌ها یا هدف تخریب، ارزش‌گذاری یا جهت‌دهی به قضاوت مخاطب به کار گرفته شده باشند. همچنین، میزان‌های ارزشی و اخلاقی حرفه‌ای در مناظره‌ها دانست؛ زیرا مخاطب با تصویری ناقص و گمراه‌کننده مواجه می‌شود که حق او برای برخورد با چنین تخلفاتی، لزوماً ارث و دانستن مرحله به سرانع مراجعه قضایی رفت. وجود نهادهای صنفی و حرفه‌ای مستقل می‌تواند زمینه مناسبی برای پیگیری این مسائل فراهم کند.

اصل اخلاقی مهم دیگر در مناظره‌ها، برهیز از این تصور است که برگزارکنندگان یا میهمانان یک برنامه، تنها برای مخاطبِ حاضر در استدیو برنامه‌ریزی نشده‌اند. بنابراین، انتظار می‌رود هر یک از میهمانان پیش از حضور در برنامه، مواضع طرف مقابل را مطالعه کرده باشند. این موضوع صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه از الزامات حرفه‌ای یک گفت‌وگوی رسانه‌ای محسوب می‌شود. هدف از گفت‌وگو این است که مخاطب با دیدگاه‌ها و استدلال‌های طرف مقابل آشنا شود و بتواند قضاوت آگاهانه‌تری داشته باشد. اگر میهمان‌ها از مواضع یک‌دیگر بی‌اطلاع باشند، مجری ناچار است بخشی از زمان برنامه را صرف توضیح مواضع اولیه کند و عملاً از عمق بحث کاسته می‌شود.

مجری همچنین باید از پیش‌فرض‌ها و قضاوت‌های شتاب‌زده خود جلوگیری کند. او نباید با لحن یا سؤال‌هایش جهت‌گیری آشکار نسبت به یکی از طرفین نشان دهد. بی‌طرفی به معنای بی‌تفاوتی نیست، بلکه به معنای توانایی در مدیریت گفت‌وگو بدون تحمیل دیدگاه شخصی است. مجری خوب کسی است که بتواند از هر دو طرف توضیح بخواهد، ابهام‌ها را برطرف کند و مخاطب را در قضاوت یاری دهد، نه اینکه خود به داور بحث تبدیل شود.

مدیریت زمان نیز یکی از مهم‌ترین وظایف مجری است. در برنامه‌های زنده، هر دقیقه ارزش مشخصی دارد و اگر یک میهمان بیش از حد وقت بگیرد، دیگران فرصت کافی برای بیان دیدگاه‌های خود نخواهند داشت. مجری باید با قاطعیت و احترام، زمان‌بندی را حفظ کند و اجازه ندهد بحث به تکرار مکررات یا حاشیه‌های بی‌ربط کشیده شود. البته این کار نباید به قطع‌کردن مکرر صحبت‌ها یا برخورد تند منجر شود. مجری خوب می‌داند چگونه با لحنی آرام و مسلط، گفت‌وگو را هدایت کند.

در نهایت، ارزش یک مناظره را نباید صرفاً به میزان هیجان، حاشیه یا بازدید آن در فضای مجازی سنجید. معیار اصلی، میزان آگاهی است که یک مناظره منتقل می‌شود و فرصتی که برای شنیدن و ارزیابی دیدگاه‌های متفاوت در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. برخی مناظره‌ها بلافاصله پس از پخش، به موضوع روز تبدیل می‌شوند و بازنشر گسترده‌ای پیدا می‌کنند، اما ارزش واقعی آنها در میزان آگاهی‌بخشی و روشنگری آنها در زمان پخش است. مناظره‌ای که مخاطب را با دیدگاه‌های مختلف آشنا کند، حتی اگر بحث‌برانگیز باشد، ارزشمندتر از مناظره‌ای است که صرفاً برای جذب مخاطب طراحی شده باشد.

در نهایت، رسانه زمانی به بستری برای گفت‌وگوی تمدن‌ها تبدیل می‌شود که بتواند از رسانه به‌عنوان ابزاری برای تولید فرهنگ، هویت فکری و غلبه عبور کند. در ساختن جهانی که در آن هر دیدگاهی، حتی اگر با ما متفاوت باشد، حق دارد شنیده شود و هر مخاطبی فرصت دارد تا بدون اجبار، دیدگاه خود را بسازد. در چنین جهانی، رسانه دیگر صرفاً ابزار نیست، بلکه به فضایی برای زندگی مشترک تبدیل می‌شود.



مسعود کوثری در گفت‌وگو با «ایران» از تأثیر اقتصاد توجه بر مناظره‌های اینترنتی و رسانه‌ای شدن روشنفکری می‌گوید

مناظره؛ گفت‌وگو برای آگاه ترشدن یا جدال برنده شدن

گفت‌وگو

گروه فرهنگ و رسانه

شبکه‌های اجتماعی فرار بود فرصتی تازه برای گفت‌وگو، روشنفکری نیرزاد پیدا می‌کنند. دکتر مسعود کوثری، پژوهشگر حوزه ارتباطات و مدیر گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران، در این گفت‌وگو با بررسی تأثیر منطق رسانه‌های نوین و اقتصاد توجه بر فرهنگ گفت‌وگو، معتقد است رسانه‌ای بودن به‌تدریج جای روشنفکربودن و تولید اندیشه را می‌گیرد و فرهنگ هواداری به عرصه صاحبان رأی تبدیل شده‌اند. در چنین فضایی، گاه نمایش پیروزی برقلیب جای حقیقت‌جویی راگرفته و اندیشه نیز به محتوایی برای مصرف سریع و جلب توجه تبدیل شده است. او ضمن نقد مناظره‌های کلادیاتوری و غلبه هیجان بر عقلانیت، بر ضرورت بازگشت گفت‌وگو به فضاهای واقعی، مستندسازی مباحث و تبدیل مناظره‌های رسانه‌ای به فرصتی برای مطالعه، تفکر و آگاهی عمومی تأکید می‌کند.

یک- نهمد سال پیش، ابوحامد غزالی، در مقام نقد اخلاقی مناظره برآمد و از آفات آن سخن گفت، مسأله‌ای صرفاً مخالفت با یک شیوه بحث یا انکار ضرورت گفت‌وگو نبود؛ او چیزی را تشخیص داده بود که امهیتش از صورت ظاهری مناظره فراتر می‌رفت؛ ممکن است عملی به نام علم انجام شود، اما غایبت آن هیچ نسبتی با حقیقت نداشته باشد. غزالی مناظره را به اعتبار میل و غایتی که آن به حرکت درمی‌آورد، موضوع نقد قرار می‌دهد. اهمیت این نمایز در زمانه ما دوچندان شده است؛ زمانه‌ای که در آن مناظره نه‌تنها از میان نرفته، بلکه به یکی از فرم‌های مسلط حضور عمومی تبدیل شده است. گویی هرچه افق معنایی جامعه تیره‌تر و فضا پوچ‌گرایانه‌تر می‌شود، میل به مناظره و تماشای آن افزایش می‌یابد. این تناقض ظاهری، خود نشانه‌ای از یک دگرگونی عمیق‌تر است؛ مناظره از شیوه جست‌وجوی حقیقت به شیوه نمایش موضع، از مواجهه معرفتی به مواجهه عاطفی و از گفت‌وگو به مناسکی برای تولید هیجان جمعی تغییر ماهیت داده است.

دو- تماشاگر به میدان می‌آید تا شاهد پرتاب کلمات به مثابه تیر و گرز باشد؛ تا ببیند چه کسی دیگری را زمینگیر می‌کند، چه کسی در لحظه مناسب ضربه نهایی را وارد می‌آورد و چه کسی در برابر ضربات طرف مقابل تاب می‌آورد. آنچه اهمیت دارد، نه کیفیت استدلال، بلکه کیفیت ضربه است. در چنین شرایطی، فرسایش مخاطب برای تفکر مستقل آغاز گاه آگاهی می‌یابد، نه نقطه پایان آن. مخاطب دیگر نه برای یادگیری، بلکه برای تماشای یک برنامه، صرفاً به هوادار یکی از طرفین تبدیل شود؛ تلاش شد تا هوادار طرف مقابل را به سکوت وادارد و در نهایت، رسانه به نمایش‌دهنده قدرت تبدیل شود. در این وضعیت، حتی اگر مناظره به ظاهر آموزشی یا روشنگرانه باشد، عملاً در خدمت تقویت یک روایت خاص و تثبیت موقعیت برتر یک طرف عمل می‌کند.

سه- در جامعه مصرفی، علم نیز از منطق عمومی کالایی‌شدن مصون نمی‌ماند. دانش، به جای آنکه فرآیندی زمان‌بر برای شکل‌گیری فهم باشد، به بسته‌ای مصرف برای جلب توجه تبدیل شده است. در چنین فضایی، دانشمند یا متخصص نیز ناچار است برای دیده‌شدن، خود را به شکلی متناسب با منطق رسانه عرضه کند. این تغییر، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند علوم اجتماعی و انسانی، پیامدهای جدی دارد. در این حوزه‌ها، مفاهیم اغلب نیازمند زمان، زمینه و بحث‌های تدریجی هستند تا معنا پیدا کنند. اما در فضای رسانه‌ای، این مفاهیم یا ساده‌سازی می‌شوند یا به ابزارهایی برای اثبات یک موضع تبدیل می‌شوند. نتیجه، نوعی از دانش است که بیشتر برای دیده‌شدن تولید می‌شود تا برای فهم‌شدن.

چهار- مسأله کین‌توزی در اینجا محوری است. سوژه کین‌توز پیش از آنکه سوژه کنش باشد، سوژه واکنش است. او در انتظار دیگری است تا موضع بگیرد، سخنی بگوید یا خطایی مرتکب شود و او بتواند با واکنشی متناسب، احساس برتری و احقاق حق کند. مناظره در برابر ضربات طرف مقابل تاب چنین قضایی به تکنولوژی نفرت و واکنشگری تبدیل می‌شود. تراکم خشم و تداوم خشونت‌ها، اضطراب‌ها و طرد سیستماتیک، به به ابزار آسیب‌رسانی فضاهای واقعی مستندسازی می‌شود. استدلال دیگر برای گشودن افق فهم به کار نمی‌رود، بلکه به مهماتی برای شکست حریف بدل می‌شود. سکوت طرف مقابل به‌منزله شکست یا تسلیم می‌شود، مکث کردن نشانه ضعف است. عقب‌نشینی از یک موضع نه‌تنها تسلیم و پذیرش خطا به‌نظر می‌آید، بلکه تلقی می‌شود. مناظره‌کننده به جمله دیده‌گاه‌های دیرینه درباره سیاست عاطفی و غلبه هیجان در رفتار جمعی، اشاره کرد. هیجان جمعی می‌تواند قدرت داوری عقلانی افراد را کاهش دهد و آنها را به واکنش‌های سریع و غیرتأملی سوق دهد.

بنابراین، مسأله فقط اصلاح رفتار مهمانان مناظره نیست؛ مخاطبان نیز باید به یاد بگیرند که در مواجهه با هیجوم به سوژه و عملکرد او را به صرف برسمیای کیفیت بیازی، بلکه به رفتار تعلق و واداری خود ارزیابی می‌کنند. در مناظره ورزشگاهی شده نیز نیز ورزشگاه فقط اصلاح رفتار مهمانان مناظره نیست؛ مخاطبان نیز باید یاد بگیرند که در مواجهه با هیجوم به سوژه و عملکرد او را به صرف برسمیای کیفیت بیازی، بلکه به واکنش‌های خود ارزیابی می‌کنند. در مناظره ورزشگاهی شده نیز نیز ورزش‌گاه فقط اصلاح رفتار مهمانان مناظره نیست؛ مخاطبان نیز باید یاد بگیرند که در مواجهه با هیجوم به سوژه و عملکرد او را به صرف برسمیای کیفیت بیازی، بلکه به واکنش‌های خود ارزیابی می‌کنند.



آرش حیدری:
بحران اصلی مناظره این نیست که آدم‌ها دیگر سخن بگویند؛ بحران این است که دیگر نمی‌خواهند سخن دیگری را در آنها تغییر دهد. و این دقیقاً نقطه پایان مناظره‌ای است که دیگر نه برای اثبات حقانیت خویشتن

مناظره: از اقتصاد نمایش تا سیاست کین‌توزی

جستار

آرش حیدری
جامعه‌شناس

مخاطب بتواند بدون صرف زمان و تحمل دشواری، آن را مصرف کند. این همان جایی است که ساده‌سازی با عوام‌فریبی اشتباه گرفته می‌شود. ساده‌سازی فی‌نفسه نه مذموم است و نه غیرعلمی؛ هر آموزشی مستلزم نوعی صورت‌بندی و قابل‌فهم کردن موضوع است. مسأله از جایی آغاز می‌شود که ساده‌سازی به حذف ساختاری پیچیدگی تبدیل شود؛ جایی که فهمیدن مستلزم کنار گذاشتن همان عناصری می‌شود که مسأله را واقعاً مسأله‌مند می‌کنند. در اینجا علم نه به دلیل آنکه فهمیده شده، بلکه به دلیل آنکه قابلیت مصرف پیدا کرده است، ارزشمند می‌شود. مناظره‌کننده نیز تاگزیر از ایفای نقش در این اقتصاد توجه است. او باید چهره‌ای قابل‌شناسایی داشته باشد، مواضعی نسبتاً ثابت اتخاذ کند، از بیان‌های کوتاه و قاطع بهره بگیرد و بتواند در زمان محدود، حداکثر اثرگذاری عاطفی را ایجاد کند. اینجا همان گسستی رخ می‌دهد که می‌توان آن را تقدم عالم‌نمایی بر خود دانستن نامید. مهارت‌های صوری اقناع، جایگزین گذاشته می‌شوند که چیزی نمی‌گوید که کدام طرف پیروز شده است، بلکه می‌گوید کدام یک بهتر بازی کرده است. این ساده‌سازی است که ضرری عمیق‌تر دارد. زمانی که مناظره به صحنه بازنمایی می‌شود، به چیزی نمی‌گوید که مخاطب را به تأمل وادارد، بلکه می‌گوید که مخاطب چه باید احساس کند. در چنین فضایی، مخاطب نیز به‌تدریج از داور به تماشاگر تبدیل می‌شود. او دیگر نمی‌پرسد که کدام طرف حق دارد، بلکه می‌پرسد که کدام طرف بهتر نقش خود را بازی کرده است. این تغییر پرسش، پیامدهای جدی دارد. وقتی مناظره به صحنه بازنمایی می‌شود، به ابزاری برای تولید محتوا تبدیل می‌شود و منطق تولید محتوا، خود به‌تدریج بر منطق تولید دانش غلبه می‌کند. در این وضعیت، مناظره‌کننده ناچار است به‌گونه‌ای عمل کند که قابل‌توجه باشد، نه لزوماً به‌گونه‌ای که قابل‌اعتماد باشد. او باید تناقض‌های خود را پنهان کند، سریع پاسخ دهد و همواره آماده حمله باشد. در چنین شرایطی، فضیلت‌هایی مانند تأمل، تردید یا اعتراف به نادانی نه‌تنها بی‌فایده، بلکه خطرناک می‌شوند. نتیجه این فرایند، شکل‌گیری نوعی از دانش است که بیشتر برای دیده‌شدن تولید می‌شود تا برای فهم‌شدن. دانشی که در آن، ارزش هر گزاره نه در نسبت آن با واقعیت، بلکه در میزان توجهی که جلب می‌کند سنجیده می‌شود. در چنین وضعیتی، حتی مفاهیم ارزشمند نیز دچار تحریف می‌شوند. مفاهیمی مانند گفت‌وگو، نقد یا حتی حقیقت، در این فضا به شعارهایی تبدیل می‌شوند که بیشتر برای مشروعیت‌بخشی به یک موضع به کار می‌روند تا برای کاوش در آن. در چنین شرایطی، مخاطب نیز به‌تدریج توانایی خود برای تمایز میان گفت‌وگو و نمایش را از دست می‌دهد.

شاید مهم‌ترین پیامد این روند، تغییر رابطه ما با حقیقت باشد. حقیقت دیگر چیزی نیست که باید جست‌وجو شود، بلکه چیزی است که باید ثابت شود. در چنین فضایی، هر بحث به میدانی برای اثبات برتری تبدیل می‌شود و هر مخاطب به داوری که باید امتیاز بدهد. نتیجه این است که جامعه‌ای پر از سخن، اما کم‌تر از گفت‌وگو، پر از اطلاعات، اما کم‌تر از فهم و پر از مناظره، اما کم‌تر از تفکر خواهیم داشت. این وضعیت، نه‌تنها به ضعف رسانه‌ها، بلکه به ضعف کل فرهنگ عمومی منجر می‌شود.

یک- یکی از پیامدهای کم‌توجه‌شدن ادبیات اجتماعی، افزایش تعداد گویندگان و تولیدکنندگان محتواست. امروز به‌سادگی می‌توان با تعداد بسیار زیادی از مخاطبان ارتباط برقرار کرد، بدون آنکه لزوماً هیچ‌گونه آموزش یا آمادگی برای این کار وجود داشته باشد. این امر موجب شده است که بسیاری از افراد، بدون داشتن پیش‌زمینه‌ای در حوزه‌های مختلف، به تولید محتوا بپردازند. در این فضا، کیفیت اغلب تحت‌الشعاع سرعت، تعداد بازدید و میزان تعامل قرار می‌گیرد. در نتیجه، بسیاری از تولیدکنندگان محتوا، برای حفظ جایگاه خود در این فضا، ناچار به تولید مداوم هستند و این امر، فشار زیادی بر آنها وارد می‌کند. این فشار، گاه آنها را به سمت تولید محتوایی سوق می‌دهد که ارزش واقعی ندارد، اما به‌دلیل جذابیت ظاهری، توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند. در چنین شرایطی، کیفیت به‌تدریج به یک عنصر حاشیه‌ای تبدیل می‌شود و معیارهای سنجش ارزش محتوا نیز دچار تغییر می‌شوند.

دو- یکی دیگر از پیامدهای کم‌توجه‌شدن ادبیات اجتماعی، افزایش تعداد گویندگان و تولیدکنندگان محتواست. امروز به‌سادگی می‌توان با تعداد بسیار زیادی از مخاطبان ارتباط برقرار کرد، بدون آنکه لزوماً هیچ‌گونه آموزش یا آمادگی برای این کار وجود داشته باشد. این امر موجب شده است که بسیاری از افراد، بدون داشتن پیش‌زمینه‌ای در حوزه‌های مختلف، به تولید محتوا بپردازند. در این فضا، کیفیت اغلب تحت‌الشعاع سرعت، تعداد بازدید و میزان تعامل قرار می‌گیرد. در نتیجه، بسیاری از تولیدکنندگان محتوا، برای حفظ جایگاه خود در این فضا، ناچار به تولید مداوم هستند و این امر، فشار زیادی بر آنها وارد می‌کند. این فشار، گاه آنها را به سمت تولید محتوایی سوق می‌دهد که ارزش واقعی ندارد، اما به‌دلیل جذابیت ظاهری، توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند. در چنین شرایطی، کیفیت به‌تدریج به یک عنصر حاشیه‌ای تبدیل می‌شود و معیارهای سنجش ارزش محتوا نیز دچار تغییر می‌شوند.

سه- در کشورهای دیگر نیز استفاده سرگرم‌کننده از این رسانه‌ها بسیار گسترده است، اما سرگرم‌کنندگان در این زمینه، تحلیلگران و دانشگاهیان از ابعاد مختلف اظهار نظر می‌کنند و به‌صورت تخصصی در این حوزه‌ها فعالیت می‌کنند. بنابراین، این رسانه‌ها ظرفیت‌های متنوعی دارند. مسأله این است که چه نسبتی میان آنها و نهادهای واقعی تولید و تبادل اندیشه برقرار می‌کنیم.

به نظر می‌رسد در این فرایند، وجه رقیبی و نمایشی مناظره بر وجه نظری و تئوریک آن غلبه می‌کند. یعنی به‌جای آنکه نظریه‌ها و استدلال‌ها موضوع اصلی بحث باشند، شیوه سخن گفتن، جذابیت فردی کنش‌گران و توانایی استفاده از آن کالایی نیست. بیش از هر زمان دیگری به رسانه نیاز داریم تا به‌جای آنکه صرفاً به‌دنبال مخاطب باشیم، به‌دنبال مخاطب آگاه باشیم. رسانه‌ای که بتواند به‌جای تولید هیجان، به تولید فهم کمک کند، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای سطح گفت‌وگوهای عمومی ایفا کند. اما این کار نیازمند تغییر در نگاه ما به رسانه است. ما باید از رسانه‌ها انتظار داشته باشیم که نه‌تنها به‌دنبال مخاطب باشند، بلکه به‌دنبال مخاطب آگاه باشند.

یک- نهمد سال پیش، ابوحامد غزالی، در مقام نقد اخلاقی مناظره برآمد و از آفات آن سخن گفت، مسأله‌ای صرفاً مخالفت با یک شیوه بحث یا انکار ضرورت گفت‌وگو نبود؛ او چیزی را تشخیص داده بود که اهمیتش از صورت ظاهری مناظره فراتر می‌رفت؛ ممکن است عملی به نام علم انجام شود، اما غایبت آن هیچ نسبتی با حقیقت نداشته باشد. غزالی مناظره را به اعتبار میل و غایتی که آن به حرکت درمی‌آورد، موضوع نقد قرار می‌دهد. اهمیت این نمایز در زمانه ما دوچندان شده است؛ زمانه‌ای که در آن مناظره نه‌تنها از میان نرفته، بلکه به یکی از فرم‌های مسلط حضور عمومی تبدیل شده است. گویی هرچه افق معنایی جامعه تیره‌تر و فضا پوچ‌گرایانه‌تر می‌شود، میل به مناظره و تماشای آن افزایش می‌یابد. این تناقض ظاهری، خود نشانه‌ای از یک دگرگونی عمیق‌تر است؛ مناظره از شیوه جست‌وجوی حقیقت به شیوه نمایش موضع، از مواجهه معرفتی به مواجهه عاطفی و از گفت‌وگو به مناسکی برای تولید هیجان جمعی تغییر ماهیت داده است.

دو- تماشاگر به میدان می‌آید تا شاهد پرتاب کلمات به مثابه تیر و گرز باشد؛ تا ببیند چه کسی دیگری را زمینگیر می‌کند، چه کسی در لحظه مناسب ضربه نهایی را وارد می‌آورد و چه کسی در برابر ضربات طرف مقابل تاب می‌آورد. آنچه اهمیت دارد، نه کیفیت استدلال، بلکه کیفیت ضربه است. در چنین شرایطی، فرسایش مخاطب برای تفکر مستقل آغاز گاه آگاهی می‌یابد، نه نقطه پایان آن. مخاطب دیگر نه برای یادگیری، بلکه برای تماشای یک برنامه، صرفاً به هوادار یکی از طرفین تبدیل شود؛ تلاش شد تا هوادار طرف مقابل را به سکوت وادارد و در نهایت، رسانه به نمایش‌دهنده قدرت تبدیل شود. در این وضعیت، حتی اگر مناظره به ظاهر آموزشی یا روشنگرانه باشد، عملاً در خدمت تقویت یک روایت خاص و تثبیت موقعیت برتر یک طرف عمل می‌کند.

سه- در جامعه مصرفی، علم نیز از منطق عمومی کالایی‌شدن مصون نمی‌ماند. دانش، به جای آنکه فرآیندی زمان‌بر برای شکل‌گیری فهم باشد، به بسته‌ای مصرف برای جلب توجه تبدیل شده است. در چنین فضایی، دانشمند یا متخصص نیز ناچار است برای دیده‌شدن، خود را به شکلی متناسب با منطق رسانه عرضه کند. این تغییر، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند علوم اجتماعی و انسانی، پیامدهای جدی دارد. در این حوزه‌ها، مفاهیم اغلب نیازمند زمان، زمینه و بحث‌های تدریجی هستند تا معنا پیدا کنند. اما در فضای رسانه‌ای، این مفاهیم یا ساده‌سازی می‌شوند یا به ابزارهایی برای اثبات یک موضع تبدیل می‌شوند. نتیجه، نوعی از دانش است که بیشتر برای دیده‌شدن تولید می‌شود تا برای فهم‌شدن.

چهار- مسأله کین‌توزی در اینجا محوری است. سوژه کین‌توز پیش از آنکه سوژه کنش باشد، سوژه واکنش است. او در انتظار دیگری است تا موضع بگیرد، سخنی بگوید یا خطایی مرتکب شود و او بتواند با واکنشی متناسب، احساس برتری و احقاق حق کند. مناظره در برابر ضربات طرف مقابل تاب می‌آورد. آنچه اهمیت دارد، نه کیفیت استدلال، بلکه کیفیت ضربه است. در چنین شرایطی، فرسایش مخاطب برای تفکر مستقل آغاز می‌شود، نه نقطه پایان آن. مخاطب دیگر نه برای یادگیری، بلکه برای تماشای یک برنامه، صرفاً به هوادار یکی از طرفین تبدیل می‌شود؛ تلاش می‌کند تا هوادار طرف مقابل را به سکوت وادارد و در نهایت، رسانه به نمایش‌دهنده قدرت تبدیل می‌شود. در این وضعیت، حتی اگر مناظره به ظاهر آموزشی یا روشنگرانه باشد، عملاً در خدمت تقویت یک روایت خاص و تثبیت موقعیت برتر یک طرف عمل می‌کند.

ماشاءالله شمس الواعظین:
ارزش یک مناظره را نباید صرفاً با میزان هیجان، حاشیه یا بازدید آن در فضای مجازی سنجید. معیار اصلی، میزان آگاهی است که یک مناظره منتقل می‌شود. تنها با رعایت این اصول می‌توان مناظره را از سطح جدال‌های معمول فراتر برد و به ابزاری برای تبادل واقعی اندیشه، افزایش آگاهی عمومی و تولید ارزش افزوده کلامی تبدیل کرد

فرهنگ هواداری جای حقیقت‌جویی را گرفته است

یادداشت

حمید ملک زاده
استادیار علوم سیاسی

برای فهم وضعیت مناظره‌ها در جامعه امروز، باید میان سه شکل متفاوت مواجهه میان افراد تمایز قائل شد: گفت‌وگو، مباحثه و مناظره. گفت‌وگو معمولاً با هدف دستیابی به فهمی مشترک شکل می‌گیرد؛ مباحثه عرصه بررسی و ارزیابی ادعاها و استدلال‌های طرفین است و مناظره نوعی مواجهه میان دو طرف دارای اختلاف‌نظر است که در آن هریک از مواضع خود دفاع می‌کند و در معرض نقد دیگری قرار می‌گیرد. هر سه شکل از ارتباط می‌توانند زمینه‌ساز برای آشکار شدن حقیقت باشند و از این منظر واجد ارزش‌های سیاسی نیز هستند.

این وضعیت حتی به مباحث اجتماعی و دانشگاهی نیز راه یافته است. مواجهه فکری به فرهنگی برای جلب مواقف، جذب طرفدار و اثبات برتری خود تبدیل شده و بی‌اعتبار کردن جایگاه دیگری به کارویژه اصلی برخی از این مناظره‌ها تبدیل شده است. در چنین فضایی، کمتر کسی می‌کوشد حقیقت را روشن کند یا حدود ادعایش را توضیح دهد؛ هرطرف بیشتر در پی آن است که برتری خود را نشان دهد و دیگری را شکست خورده جلوه دهد.

خلأیک مرجع معتبر در جامعه

برای توضیح این وضعیت باید به شرایط کلی جامعه ایران اشاره کرد. به نظر می‌رسد امروز میان بیشتر مناظره‌هایی که به پیش‌رفت امکان باهم‌بودن و تعریف روابط اجتماعی را بر عهده دارند، فرسایش رخ داده و از حدّ فروپاشی است. در غیاب چنین مرجع مشترکی، افراد و جریان‌های مختلف به دنبال اقتدار و جهرهای دنبه‌ای می‌گردند تا جایگاه مرجعیت را به دست آورد و حقیقت را از موضع قدرت تعریف کند.

آنچه امروز شاهد هستیم، نتیجه نوعی گذار است: گذار از نظام مباحثی پیشین، بدون آنکه هنوز جایگزینی مشخص و تثبیت شده برای آن شکل گرفته باشد. در چنین شرایطی، افراد برای شکل گرفته باشد. در قدرت و برای اعتبار کردن دیگری متوسل می‌شوند. تا زمانی که این خلأ معرفتی باقی بماند، مواجهه‌های فکری و اجتماعی نیز بیش از آنکه بستری برای کشف حقیقت باشند، به صحنه‌ای برای ک

یگانه بود و هیچ کم نداشت

به یاد آثار ماندگار و دل بی‌شیله‌پیله رضا امیرخانی



قاسمعلی فراست
نویسنده

اگر روزی بخواهم از میان نویسندگان شاخص معاصرمان پنج نام را بر زبان بیاورم، هرگز نمی‌گویم رضا امیرخانی یکی از آن‌هاست یا حتی نفر اول‌شان است؛ با اطمینان تأکید می‌کنم او «یک» این فهرست است. جایگاه کتاب‌های او در داستان‌نویسی امروزمان آن‌چنان رفیع و قابل دفاع است که ترجمه و انتشار کتاب‌هایش به زبان‌های دیگر را بی‌تردید می‌توان در حکم شایسته‌ترین نمایندگان ادبیات داستانی معاصر ایران در جهان به شمار آورد، آثاری که قادرند دل و ذهن مخاطبان فرامرزی را هم به خود جلب کنند. اما چه رازی در کار اوست که خوانندگان گوناگون، از جمله خود من را این‌گونه شیفته، دلبسته و دلداده آثارش کرده است و همچنان می‌کند؟ سوای قدرت قلم کم‌نظیرش، امیرخانی همواره در پی آن بود که نگاهی متفاوت، ابتکاری نو و ساختاری تازه را به عرصه داستان‌نویسی‌مان بیاورد؛ به‌گونه‌ای که مخاطب در مواجهه با نوشته‌های او، حیرت‌زده با خود بگوید چه نگاه زیبایی، چه سبک جدیدی و چه روایت متفاوتی در قیاس با دیگر داستان‌نویسان دارد! وقتی داستان‌هایش را می‌خوانیم، تنها با رویه حاکم بر یک موضوع یا یک قصه صرف روبه‌رو نمی‌شویم؛ امیرخانی با ظرافتی مثال‌زدنی حرف‌هایش را لایه‌لایه در بطن داستان‌ها و رمان‌هایش می‌نشاند تا خواننده، پابه‌پای پیش رفتن داستان، کم‌کم به لایه‌های درونی و پنهان اثر راه پیدا کرده و به آنها دست یابد.

این نگاه چندلایه و عمیق، تنها در شکل و ساختار روایت خلاصه نمی‌شود و در انتخاب و پرداخت مضامین هم خودنمایی می‌کند. او چه وقتی که قرار بود درباره بی‌سوادی بنویسد و چه موقعی که درد فقر یا بی‌عدالتی را روایت می‌کرد هرگز با سطحی‌نگری دست به قلم نمی‌برد؛ مضمون را دقیق برمی‌گزید و چندپهلو و چندلایه به آن می‌پرداخت. حتی در جزئیاتی چون نام‌گذاری شخصیت‌ها نیز همین ظرافت جریان داشت؛ نام‌هایی که برای آدم‌های قصه‌اش انتخاب می‌کرد، سوای معنای ظاهری، بار معنایی باطنی و ایهام داشتند؛ افزون بر این موضوعات داستان‌هایش نیز سرشار از ایهام‌های هنرمندانه‌اند. برای همین من که هر کدام از کتاب‌هایش را بیش از یک بار خوانده‌ام، هرگز نمی‌توانم یکی را بر دیگری ترجیح دهم؛ چرا که تمام کارهایش ساختاری قرص و محکم و پرداختی تمام‌عیار دارند. پشتوانه این پختگی، نگاه تماماً حرفه‌ای او به نوشتن بود. من در عالم ادبیات با هیچ‌کس تعارف ندارم و حتی اگر صمیمی‌ترین دوستم اثری بنویسد، بی‌پرده نظر و پیشنهادم را می‌گویم؛ اما در تمام آثاری که امیرخانی خواندم، هرگز به سطری نرسیدم که با خود بگویم کاش اینجا را طور دیگری نوشته بود! او وسواس و صبری ستودنی داشت؛ وقتی نگارش و بازنویسی‌های متعدد تمام می‌شد و اثر آماده چاپ بود، دست نگه می‌داشت و مدتی، مثلاً یک ماه، آن را کنار می‌گذاشت تا ببیند نکته تازه‌ای به ذهنش می‌رسد یا نه. این رسم تأمل و صبر را من خود از او یاد گرفته‌ام و گاه، تا سه ماه به نوشته‌هایم فرصت می‌دهم تا درست‌تر و پخته‌تر شوند. جالب آنکه در برابر نقد نیز دقیقاً اهل انصاف بود؛ با روی باز و تواضع گوش می‌سپرد، اگر حرفی درست بود بی‌درنگ تشکر می‌کرد و به کار می‌بست و اگر نقدی هم وارد نبود، با آرامش و بدون تندی از کنار آن می‌گذشت. با همه این اوصاف، در پس این قلم توانا و نگاه حرفه‌ای، گوهری نهفته بود که برای من از نگاه داستانی‌اش هم عزیزتر و مهم‌تر بود که همانا شخصیت یگانه رضا امیرخانی است. بیش از بیست سال دوستی، هم‌قدمی، همراهی و همنشینی با او، مرا شیفته پاک‌دلی، پاک‌رفتاری، صداقت و گذشتش کرد.

او به معنای واقعی کلمه انسانی باصفا، بی‌شیله‌پیله، دست‌گیر و دست‌بگیر بود که با همه با مهربانی و صمیمیت رفتار می‌کرد. منش انسانی‌اش را در ارادت بی‌نهایت او به امام حسین(ع)، بیش از هر جای دیگری به چشم می‌آمد. هر سال در ایام اربعین، در خانه‌اش را به روی اهالی کتاب و عاشقان امام حسین(ع) می‌گشود، شخصاً بساط آشپزی مفصلی به راه می‌انداخت و همه را دعوت می‌کرد. حتی در این سال‌های اخیر که شرایط دشوارتر و همه‌چیز گران‌تر شده بود، باز از این رسم عاشقانه دست نکشید و سفره نذری‌اش را برقرار نگه داشته بود. امروز اگرچه جای او در جمع دوستان و بر سر سفره‌های اربعین خالی است، اما من نبودنش را حس نمی‌کنم؛ رضا امیرخانی برای من همچنان زنده است، با من زندگی می‌کند و در قلب من خانه دارد، به قول حافظ «هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق». قیاس نام و یاد رضا امیرخانی ـ هرچند دربرابر بزرگان ادبیات کلاسیک‌مان چون فردوسی، حافظ و سعدی قیاسی مع‌الفارق است ـ اما نام و آثار او نیز، در حافظه ادبیات داستانی ایران و در دل تمام دوستدارانش همواره زنده خواهد ماند.

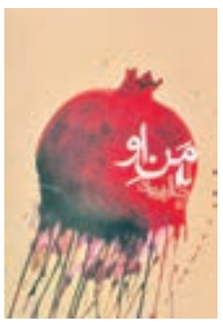
رندانه می‌نوشت و متفاوت بود

به یاد پسر موفرفری حوزه هنری



راضیه تجار
نویسنده

فقط او می‌ماند، ناگهان چه زود دیر می‌شود. بعضی آدم‌ها متفاوت هستند؛ خیلی هم متفاوتند. نخستین بار یکی از نویسندگان از کتاب «ارمیا» گفت و شروع کرد به تعریف از آن. کتاب را گرفتم و خواندم. خوشم آمد؛ مخصوصاً فصل آخر، جایی که به تشییع حضرت امام(ره) اشاره می‌شود. کتاب را برای نقد در جلسه نقد و بررسی داستان «سه‌شنبه‌های عزیز» اعلام کردیم. استاد محمدرضا سرشار کتاب را نقد کرد. بعدها متوجه شدیم که رضا امیرخانی هم آمده بود و همان نزدیکی‌های در نشسته بود؛ آن زمان هنوز نمی‌شناختیمش.



بعدها آمد در حوزه هنری؛ پسر جوانی با موهای فرفری که تند تند سلام می‌کرد و بسیار مؤدب بود. با لبخند و حرکات تند دست و روی پا تلوتلو خوردن. متوجه شدم که تهرانی است و همان جایی ریشه دارد که پدر من و اجدادم و پدر او و اجدادش؛ یعنی قنات‌آباد تهران. یک چیزی ناخواسته ما را به هم پیوند می‌داد. کارت عروسی‌اش را که با خط بچه‌گانه‌ای نوآوری کرده بود و همان‌جور برای چاپ داده بود، برایم آورد و گفت: فقط برای دو نفر از اهالی حوزه هنری آوردم؛ یکی شما.» با وجودی که دوست داشتم بروم، اما نشد. بعدها کتاب‌هایش درآمد؛ یکی، دو تا، سه تا، چهار تا و بیشتر. گاه می‌دیدمش با لپ‌تاپ بزرگی که همراهش بود و تدریجاً کتاب‌هایش و کتاب‌هایش... کتاب «من او» سر و صدا کرد؛ صحبت‌ها و مصاحبه‌هایش بیشتر. با رفقای نویسنده می‌رفت فوتبال، جایی در مؤسسه کیهان. رفقا یک امیرخانی می‌گفتند، ۱۰۰ تا از دهان‌شان می‌ریخت. آقای امیرحسین فردی که خدا رحمتش کند، خیلی خاطرش را می‌خواست. اتفاق نادر این بود که برای نخستین بار برای خرید کتاب یک نویسنده، مردم صف کشیده بودند؛ کتاب «من او». نویسنده‌ای متولد شده بود که سبک خاص خود را داشت؛ جسور و هوشمند که رندانه می‌نوشت و متفاوت بود. طنزی داشت در کلام که گاه با ریشخند توأم می‌شد. او توانسته بود مخاطب خود را بیابد.



رضا امیرخانی از حوزه هنری رفت، از تیم فوتبال کیهان هم، اما از قلب دوستانش نه. کتاب‌هایش درمی‌آمد، سر و صدای خود را داشت. خلبانی می‌دانست و این مرا یاد سنت اگزوپری می‌انداخت و شازده کوچولو. افق پروازش بالا بود. نخواندم، اما شنیدم در شلوغی‌های سال ۱۴۰۱ که پیش آمد، متنی نوشت که عصاره‌اش دل‌هایی را آزرده کرد؛ خیلی‌ها را و من را، اما دیگر فرصت دیدار پیش نیامد.

بعد از شهادت آقای‌مان رفتم سراغ «داستان سیستان؛ ۱۰ روز با رهبری». خواندم و لذت بردم؛ همان روزهایی که امیرخانی جوان در حین پرواز و دست یازیدن به ستاره‌ها سقوط کرده بود و باعث تأسف شدید همگان شده بود. نخبه‌ای بر زمین، ستاره‌ای روی خاک. دعاها کارگر نیفتاد، متأسفانه و امروز این خبر تلخ؛ رضا امیرخانی پر کشید. البته آنچه او به جا گذاشت کم نیست. مانایی‌اش ثابت شده است، اما جای خالی‌اش مثل حدقه خالی یک چشم در ذهن اهالی ادب می‌ماند. گرچه نور آن چشم‌ها در سطور کتاب‌هایش مانده، خدایش بیامرزد.

پرواز آخر نویسنده

رضا امیرخانی یک سال پس از سقوط پاراگلایدرش در ۵۳ سالگی درگذشت

یاد



مونا محمدنژاد
روزنامه‌نگار



تهران، در دل هوای خاکستری و ابری دومین روز از آذرماه ۱۴۰۵، سنگین‌ترین بار خاموشی یکی از صریح‌ترین فرزندان اقلیم واژه و اندیشه را به دوش می‌کشد؛ مردی که قلم در دستش، نه ابزاری برای زینت‌المجالس، که آینه تمام‌نمای دردهای ریشه‌دار این سرزمین بود. رضا امیرخانی (۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ – ۲ آذر ۱۴۰۵)، نویسنده، منتقد ادبی، نظریه‌پرداز و یکی از جریان‌سازترین و تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی و فکری دهه‌های اخیر ایران، چشم از جهان فروبست؛ نویسنده‌ای که نیم‌قرن زیست پرتنش، پُرکتاب، خستگی‌ناپذیر و پرماجرایش را به پای ساختن واژگان، پرسشگری بی‌محابا و روایت عریان، دقیق و دردآشنای بحران‌ها، تضادها و چالش‌های این سرزمین گره زد و کارنامه‌ای پربار و فراموش‌نشدنی از خود به یادگار گذاشت.

نهاد ناآرام رضا

رضا امیرخانی، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۵۲ در تهران و در خانواده‌ای متمول، در محله ۲۵ شهریور تهران چشم به جهان گشود. دوران کودکی و آموزش ابتدایی‌اش را در دبستان بهرستگان سپری کرد و پس از آن، برای طی دوره‌های راهنمایی و دبیرستان، راهی دبیرستان سمپاد (علامه حلی) تهران شد. فضای این دبیرستان و بویژه شرکت در شب‌های شعر انقلاب اسلامی، نخستین جرقه‌های علاقه به ادبیات، شعر و نوشتن را در ذهن مستعد او روشن کرد و از همان دوران نوجوانی و اواخر دبیرستان، مشق قلم را به‌طور جدی آغاز کرد. امیرخانی در سال ۱۳۷۰ وارد دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف شد. تحصیل در رشته مکانیک، ساختار فکری او را بر پایه نظم، استدلال‌های دقیق و نگاه هندسی استوار ساخت. اما ذهن ناآرام و پرانرژی او به چارچوب‌های دانشگاهی محدود نماند؛ امیرخانی در سال ۱۳۷۱ و پیش از آنکه حتی به ۲۰ سالگی برسد، موفق شد گواهینامه خلبانی دریافت کند و به‌عنوان «جوان‌ترین خلبان ایرانی» شناخته شود. او در همان سال‌های جوانی روی یک پروژه تخصصی ساخت هواپیمای دونفره آموزشی کار کرد و به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره مؤسسه خصوصی «هواپویان» فعالیت داشت؛ اما رد شدن این پروژه در یک مزایده داخلی و دولتی او را ناامید ساخت. این اتفاق، مسیر زندگی‌اش را دستخوش تحولی بنیادین کرد و او را بیش از پیش به‌سوی فعالیت‌های فرهنگی، نوشتن و حضور پررنگ در جبهه فرهنگ و ادبیات پرتاب کرد.

آغاز نوشتن با ارمیا

مسیر نویسندگی امیرخانی، روایتی پیوسته از تکامل یک ذهن پرسشگر و طغیانگر است که در سال ۱۳۷۴ با انتشار نخستین رمانش یعنی «ارمیا» کلید خورد. این کتاب، فریادی غریب از جوانی رزمنده بود که پس از پایان جنگ تحمیلی، در دالان‌های خاکستری مدرنیزاسیون شتاب‌زده و بی‌ریشه تهران پس از جنگ سرگردان مانده بود و نمی‌توانست با ارزش‌های مادی و سرد دنیای جدید سازگار شود. «ارمیا» با اینکه بدون طرح پیشین نگاشته شده بود و از برخی ضعف‌های تکنیکی در ساختار رمان‌نویسی رنج می‌برد، به‌دلیل نگاه نو و لحن صریحش توانست به‌عنوان اثر برگزیده جشنواره آثار ۲۰ سال دفاع مقدس شناخته شود و نام نویسنده‌اش را بر سر زبان‌ها بیندازد. او چندی بعد در سال ۱۳۷۸، مجموعه‌داستان «ناصر ارمنی» را روانه بازار کرد که چشم‌اندازی موشکافانه، انسانی و بی‌پرده به حاشیه‌های جنگ، مناطق محروم و زیست آدم‌های کمتر دیده‌شده داشت.

تحسین منتقدان و تأیید مخاطبان

نقطه عطف کارنامه داستانی امیرخانی در همان سال ۱۳۷۸ با خلق اثر جذاب و خواندنی «من او» رقم خورد. امیرخانی برای خلق آن، نزدیک به دو سال از عمر خود را وقف مطالعه و تحقیق عمیق درباره تاریخ، جغرافیا، معماری و فرهنگ تهران قدیم کرد. «من او» با معماری دایره‌ای شگفت‌انگیز، بازی با ساختار راوی و روایت پرشور، استانداردهای رمان‌نویسی را در ایران یکسره دگرگون ساخت. این رمان توانست به یکی از محبوب‌ترین و پرفروش‌ترین داستان‌های دهه ۸۰ تبدیل شود و هم‌زمان تحسین منتقدان و تأیید مخاطبان را برانگیزد.



یکی از جذاب‌ترین و فنی‌ترین ابعاد کاراکتر ادبی و فرهنگی امیرخانی، وسواس‌های سخت‌گیرانه، مداوم و ساختارشکنانه‌اش در حوزه رسم‌الخط بود. اصرار مکرر او بر جدانویسی پسوندها، پیشوندها و اجزای مختلف کلمات سال‌ها ویراستاران را به چالش کشید و بحث‌های دامنه‌داری را برانگیخت

جستار و سفرنامه در کنار داستان

امیرخانی پس از خلق «من او»، از داستان‌نویسی محض فاصله گرفت و قدم به عرصه چالش‌برانگیز جستارنویسی، نقد اجتماعی، روزنامه‌نگاری تحقیقی و سفرنامه‌نگاری گذاشت؛ حوزه‌هایی که در آنها به یک منتقد صریح و نظریه‌پرداز بدل شد. او از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴ سردبیری تارنمای «لوح» را برعهده داشت و به تبیین مبانی ادبیات مقاومت و نقد جریان‌های فرهنگی پرداخت. همچنین کارنامه اجرایی او شامل ریاست هیأت‌مدیره انجمن قلم ایران نیز می‌شد؛ جایگاهی که در آن تلاش کرد صنفی بودن نهادهای ادبی را تقویت کند. گزیده‌ای از یادداشت‌های پراکنده او در تارنمای لوح طی آن سال‌ها، در اسفند ۱۳۸۷ در قالب کتاب «سرلوحه‌ها» ازسوی انتشارات سپیده‌باوران به چاپ رسید. قلم او در این دوران به شکلی بی‌محابا به سراغ مسائل کلان کشور رفت. او با رمان «ازبه» به جهان درونی و پیچیده جانبازان و بازماندگان جنگ سرک کشید. سپس با کتاب «داستان سیستان؛ ده روز با رهبر»، گزارش بی‌پرده و از نزدیک سفر رهبر جمهوری اسلامی به استان سیستان و بلوچستان را روایت کرد که زاویه دید تازه‌ای را به تصویر کشید. در سال ۱۳۸۴، کتاب استعاری «نشت نشا» را منتشر کرد؛ جستاری بلند که با نگاهی کاملاً فیزیکی، پدیده دردناک خروج نخبگان از کشور را به‌مثابه یک نشت مخرب در یک سیستم بسته کالبدشکافی کرد و به چالش کشید. یکی از جنجالی‌ترین رمان‌های او یعنی «بیوَتَن» (۱۳۸۷، نشر علم) که روایتی از مهاجرت و مواجهه هویت ایرانی با فرهنگ آمریکایی و ادامه رمانی درام بود، در اداره کتاب وزارت ارشاد با اشکالات اساسی مواجه شد اما با مداخله شخص وزیر ارشاد وقت، مجوز کتاب صادر شد. امیرخانی در سال ۱۳۸۸ با انتشار جستار تکان‌دهنده و مستند «نَفَحات نفت» (نشر افق) به مسائل اقتصادی پرداخت. او در این کتاب، ساختار رانت‌محور اقتصاد نفتی، وابستگی مرگبار دولت‌ها به درآمدهای زیرزمینی، فرهنگ دولتی اتکا به دلارهای سیاه و مدیران بوروکرات و کاهل سیستم را به رگبار مستدل‌ترین انتقادات بست.

نویسنده خستگی‌ناپذیر

امیرخانی خستگی‌ناپذیر نویسنده‌ای میدانی بود که تن به سفر می‌داد تا واقعیت‌ها را لمس کند. حاصل سفر او به افغانستان، کتاب «جانستان کابلستان» (۱۳۹۰، نشر افق) بود؛ سفرنامه‌ای درخشان، جامعه‌شناختی و عاطفی که تسلط بی‌مانند او بر تاریخ، جغرافیا، مسائل سیاسی و رنج‌های مشترک دو ملت فارسی‌زبان را به زیبایی به رخ کشید. او در سال ۱۳۹۱ با انتشار رمان «قیدار» (نشر افق) که توانست عنوان برگزیده بخش داستان بیست‌ویکمین دوره جایزه کتاب فصل را از آن خود کند، به ادای دین به فرهنگ پهلوانی و مردانگی در تهران قدیم پرداخت و اخلاق فردی را در روزگار زوال معرفت ستود. در سال ۱۳۹۶، شاهکار اجتماعی دیگر او یعنی رمان «رَه‌ش» (نشر افق) منتشر شد؛ اثری که نقد مستند و دردمندانه‌ای بر بحران مسکن، تراکم‌فروشی بی‌رویه شهرداری‌ها، نابودی بافت‌های طبیعی، باغ‌ها، ازبین‌رفتن هویت شهری و توسعه ناپایدار کلان‌شهر تهران نگاشت. این رمان بحق توانست در جشنواره‌های معتبر کشور بدرخشد و جایزه معتبر جلال آل‌احمد و جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۷) را در بخش ادبیات از آن خود کند. او در نهایت با انتشار «نیم‌دانگ پیونگ‌یانگ» (۱۳۹۸، نشر افق)، سفرنامه‌ای جامعه‌شناختی از دو سفر خود به کره شمالی ارائه داد که در آن با مقامات حزب خلق کره دیدار کرده و لایه‌های پنهان فرهنگی و سیاسی آن را با زبانی صریح به تصویر کشید. طبق آمارهای رسمی مندرج در تارنمای شخصی‌اش، برخی از آثار برجسته‌اش به زبان‌های مختلف جهان ترجمه و منتشر شده‌اند.

رسم‌الخط متفاوت

یکی از جذاب‌ترین و فنی‌ترین ابعاد کاراکتر ادبی و فرهنگی امیرخانی، وسواس‌های سخت‌گیرانه، مداوم و ساختارشکنانه‌اش در حوزه رسم‌الخط بود. اصرار مکرر او بر جدانویسی پسوندها، پیشوندها و اجزای مختلف کلمات سال‌ها ویراستاران را به چالش کشید و بحث‌های دامنه‌داری را برانگیخت. نثر او نیز ملغمه‌ای پویا و منحصربه‌فرد بود از اصطلاحات مکانیک، پرواز، بردارها و ریاضیات در هم‌نشینی بی‌نظیر با واژگان اصیل کهن، متون عرفانی و زبان زنده کوچه و بازار تهران که به خلق سبکی متمایز و آهنگین انجامید که امروز بحق می‌توان آن را «سبک تهران» نامید؛ نثری که هم‌زمان از استخوان‌بندی محکم برخوردار بود و از لطافت و عاطفه سرشار سیراب می‌شد.

رضا امیرخانی صراحتاً خود را از نویسندگان متعهد به انقلاب اسلامی می‌دانست و در طول حیات فکری‌اش، بر این موضع پافشاری کرد. روابط حسنه او با رهبر شهید و بیت ایشان، حضور در سفرهای رسمی و ملاقات‌های فرهنگی رهبری و رویکرد انقلابی‌اش همواره مشخص بود. بااین‌حال، او هرگز به تأیید محافل روشنفکری، باندهای ادبی و وابستگی‌های فکری رایج تن نداد و همواره استقلال شخصی و فکری خود را حفظ کرد. او در یادداشتی، با کنایه به تفریحات هوایی‌اش، خود را «فرمانده نیروی هوایی نویسندگان» خوانده بود؛ چراکه معتقد بود وقتی آخر هفته‌ها بیکار می‌شود، چتربال برمی‌دارد و از کوه پایین می‌پرد، پس قطعاً می‌تواند خود را طی حکمی به فرماندهی نیروی هوایی وزارت ارشاد منصوب کند!

سرنوشت نویسنده‌ای که آسمان را با خلبانی و پاراگلایدر تسخیر کرده بود، در نقطه‌ای غریب با تقدیر گره خورد. رضا امیرخانی روز نهم آذر ۱۴۰۴ در جریان یک سانحه سقوط پاراگلایدر در منطقه کوهستانی دماوند، دچار صدمات و شکستگی‌های بسیار شدید از نواحی مختلف بدن شد. او ابتدا در بیمارستان سوم شعبان دماوند و سپس در بخش مراقبت‌های ویژه (ICU) بیمارستان کسری تهران بستری شد. شدت ضربه وارده به سر به قدری سنگین بود که یک سال در حالت کما باقی ماند. روند بهبودی او در این ماه‌ها با افت‌وخیزهای فراوانی همراه بود و سرانجام به تشخیص و تصمیم خانواده، به منزل منتقل شد اما عوارض عمیق ناشی از این سانحه سهمگین مجال نداد و این نویسنده بزرگ سرانجام پس از نزدیک به یک سال، بامداد روز دوشنبه ۲ آذر ۱۴۰۵ در تهران چشم از جهان فروبست و روح ناآرامش به آسمان پرواز کرد. امروز، اثر انگشت انکارناپذیر رضا امیرخانی از دالان‌های پررمزورواز معماری دایره‌ای «من او» تا هشدارهای ساختاری‌اش در «نفحات نفت» و کالبدشکافی دقیق بحران‌های شهری در «رَه‌ش» بر تارک ادبیات معاصر ایران جاودانه حک شده است. آثار گران‌سنگ او اسنادی زنده‌اند از دغدغه‌های نسلی که میان سنت و مدرنیته، ایمان و تکنولوژی، عدالت و توسعه ایستادند، پرسیدند و از پرسشگری و تفکر نهراسیدند. یاد خلبان قلم گرامی و راه پردغدغه و پرشور او تا همیشه تاریخ پررهرو و زنده باد.



مُوزّع خاطره‌ها



محمدحسین بنکدار تهرانی
مدیر مؤسسه فرهنگی همیشه‌درمیان

صبح خبر درگذشت رضا را که خواندم خیلی دمغ شدم ولی نه به اندازه آن روزی که خبر سانحه را شنیدم. آن زمان تا چند روز حالم بد بود. سرگشته بودم. مدام پیام‌های شنیداری و نوشتاری را که ردو بدل کرده بودیم مرور می‌کردم. عکس‌های‌مان را نگاه می‌کردم و در دلم سرزنشش می‌کردم که: مرد! چقدر گفتم با این سن و سال و دو بچه دبیرستانی و زن و زندگی و مسئولیت‌هایی که‌داری دست از ورجه وورجه و این‌ور و آن‌ور پریدن بردار؛ چرا با خودت و ما چنین کردی. هر بار می‌خندید که اضطراب‌هایم را با پرواز فرو می‌نشانم و پاسخش می‌دادم که روزی یک لیوان آدرنالین سربکش و دست از این سرکشی‌ها به آسمان بردار. امروز که خبر آمد دیگر سرگشته نبودم، انگار سرشکسته شدم. مدت‌ها بود به خود باورانده بودیم که به مرور بهتر می‌شود و همین که چشم بازکرده و اندک واکنش‌هایی نشان می‌دهد لابد در دراز مدت به بهبودی تدریجی خواهد رسید. رضا در این سال‌ها دوست ما بود. زمانی مدیر مدرسه فرزندانش بودم و بنا به کارهایی که هر از گاهی پیشامد می‌کرد مشورت‌هایی یا مساعدت‌هایی نسبت به هم روا می‌داشتیم. سه سال پیش هم مصاحبه مفصلی به بهانه پرونده نوروزی رادیو مضمون با او انجام دادیم که منتشر شد و همچنان در پادگیرها در دسترس است و خوب هم شنیده شد. بعد مصاحبه که تنها شدیم پرسید: تو چطور توانسته‌ای این طور آرام و دور از هیاهوها بمانی؟ گفتم: پرهیزکرده‌ام از فضای مجازی و اخبار؛ تو چرا مثل قبل نمی‌نویسی؟ ابراز نارضایتی کرد از روزگاری که در آنیم و گفت: دستم به نوشتن نمی‌رود؛ انگار قلمم خشک شده. گفتم: رضاجان فجازی بلای جانت شده. یک‌باره پَرَر و جانت را خلاص کن! گفت: اراده‌ای پولادین می‌خواهد که ندارم اما قول می‌دهم فکر کنم و از یادم نرود. آنجا چند نکته گفتم که به نظرم از مزیت‌های او بود سوای چیزهایی که دیگران راجع به او می‌گویند و گفتمش که می‌دانی اغلب این حرف‌ها را قبول ندارم و خندید و گفت: بله کتاب‌هایم را هر بار هدیه دادم گوشزد کردم که برای زیر یخچال و تنظیم ارتفاع مبل‌ها پیشکشت می‌کنم!

چند چیز در رضا برجسته بود. یک خاطره باز بودنش. انبانی از خاطرات و کرامات از افراد مختلف در ذهن داشت که بعضاً وارد شخصیت داستان‌هایش یا استدلال‌هایش می‌شد. دوم طنز نفیس و نمکینی داشت که حین اِبراز آن، بدان می‌افزود و با قهقهه‌ای که سرمی‌داد مکمل همان آبزاری می‌شد که با آن قصد داشت مطلبش را برساند. سوم با جمع زیادی از افراد همیشه مرتبط بود که دایره به خاطرسپرده‌هایش را گسترده‌تر می‌کرد و بر چگالی و غِنای آن می‌افزود. نکته‌های فراوانی از عیاران و فَتیان و لوطی‌های امروزینِ هر عرصه‌ای، از سیاستمداران تا کفتربازان و بازرگانان و فرهنگیان در ذهنش رشته شده بود که عندالاقتضا آن را به میانه بحث می‌کشید یا همان طور که نوشتم میان شخصیت‌هایی که می‌پرورد هندسه پیدا می‌کرد. انصافاً هنرمندی فرصت‌طلبانه‌ای هم داشت که چی را کجا به کاربرد تا مخالفش را منکوب کند یا بر همدلی موافقش بیفزاید. بنا به موقعیت خانوادگی، چه دایی‌ها و چه مرحوم پدرش، موقعیت آموزشی، همشاگردی‌ها و دوستانی که در مدرسه حلی و دانشگاه شریف داشت و چه موقعیت کاری و اجتماعی مثل حوزه هنری و انجمن قلم و این در و آن در، بیشتر حکایت و خاطره جمع می‌کرد و پخش می‌کرد. مُوزّع خاطره‌ها بود. خواه‌ناخواه همین ابرازها و ابزارها بیشتر راه را پیش پایش می‌گشود و کارش چنان بالا گرفت که مدت‌ها در محفلی که آیت‌الله خامنه‌ای شهید، خاطرات‌شان را می‌گفتند حضور پیدا کرد و بعضاً نکات جالبی هم از آن دیدارها نقل می‌گفت. این اواخر پرسیدم حالا که به قلم‌خشکی افتادی نمی‌خواهی همین‌هایی که در ذهن‌داری را ولو به قیمت انتشار یادداشت‌های روزانه منتشر کنی و موجی تازه بسازی؟ خنده‌کنان و با استبعاد گفت: نه بابا کسی که یادداشت روزانه و خاطرات منتشر می‌کند یعنی به آخر خط رسیده!

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش در پاسخ به «ایران»:

در بحث صیانت از دانش‌آموزان با کسی تعارف نداریم

گزارش

معصومه غفاری
گروه اجتماعی

علیرضا فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش و پرورش در نشست خبری که روز گذشته برگزار شد، در پاسخ به خبرنگار «ایران» در خصوص روند پیگیری مرگ «سوگند صیادی» دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی گفت: «مرگ ناگوار فرزند عزیزمان سوگند صیادی، جامعه آموزشی کشور را داغدار تأثر عمیقی کرد و امیدوارم دیگر شاهد چنین اتفاق ناگواری برای فرزندانمان نباشیم. ما منتظر هستیم تا جزئیات این پرونده از سوی دستگاه قضایی کشور که معتبرترین مرجع قانونی در این زمینه است استخراج شود؛ آنچنان که مدیر مدرسه محل تحصیل این دانش‌آموز همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد. قطعاً اگر قصور و کوتاهی در این زمینه انجام شده باشد، وزارت آموزش و پرورش مطابق قانون به‌شدت با آن برخورد خواهد کرد؛ چون ما در بحث صیانت از دانش‌آموزان و ایجاد فضای امن برای آنها با کسی تعارف نداریم و بر این باور هستیم که خانه و مدرسه باید فضای ایمن برای فرزندان ما باشد.»


عکس: ایرنا

خطای یک مدیر نباید به حساب همه اولیای مدارس نوشته شود

فرهادی با اشاره به اینکه ما بیش از یک میلیون معلم و فرهنگی فعال در وزارت آموزش و پرورش داریم، اعلام کرد: «بارها شاهد جلوه‌های بسیار زیبایی از ایثارگری‌های معلمان در قبال دانش‌آموزان بوده‌ایم؛ از معلمی که به دل آتش زد و سوخت تا دانش‌آموز خود را نجات دهد، تا معلمی که وسیله نقلیه خود را فروخت تا هزینه درمان دانش‌آموزش را فراهم کند که اینها همه نشان از جلوه‌های بسیار زیبایی از ایثار و فداکاری اولیای مدرسه در قبال دانش‌آموزان دارد. بنابراین ما خطای مدیر یک مدرسه را به حساب تمامی اولیای مدارس نخواهیم گذاشت تا زمینه‌ساز سوءاستفاده دشمن از این موضوع نباشیم. چرا که نظام حکمرانی جمهوری اسلامی ایران مورد اعتماد مردم است و قطعاً جواب اعتماد مردم با بررسی کامل و جزء به جزء این رخداد تلخ داده خواهد شد. بنابراین از شتابزدگی و کارهای هیجانی پرهیز خواهیم کرد. ضمن اینکه منتظر می‌مانیم تا نتیجه دستگاه قضایی به‌روشنی ابلاغ شود و هر قصوری از طرف مدیر یا عوامل مدرسه، تماماً بررسی و برخورد خواهد شد؛ چرا که قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارکنان دولت در خصوص این مهم کاملاً واضح است و مطابق با آن قانون به قصورات مدیر مدرسه مربوطه رسیدگی خواهد شد.»

او در خصوص برنامه‌های پیش‌بینی شده از سوی وزارت آموزش و پرورش در راستای جلوگیری از تکرار رویدادهای تلخی از این دست و مراقبت بیشتر از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، توضیح داد: «اساساً چنین اتفاقاتی در کشور ما نباید اتفاق بیفتند، چرا که ایران کشوری متمدن و متدین است. بنابراین در راستای مراقبت از دانش‌آموزان آسیب‌پذیر، تقویت نهاد امور تربیتی و پرورشی و تمامی عواملی که منجر به کاهش آسیب‌ها شوند و از طرفی تقویت توانمندی مدیران و معلمان با برگزاری آزمون صلاحیت مدیران مدارس در کنار توانمندسازی آنها در زمینه آموزشی، تربیتی و پرورشی؛ از جمله اقداماتی است که در این زمینه عملیاتی شده و در سال جاری ۱۹۷ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته است.»

فرهادی در تشریح سامانه «نماد» اعلام کرد: «سامانه نماد یا همان سامانه نظام مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی نیز به صورت هفتگی با ریاست شخص آقای وزیر برگزار می‌شود و این نشان‌دهنده مهم بودن برگزاری این جلسه برای وزیر آموزش و پرورش است. در تمام جلسات نماد، مدیران کل استان‌ها به صورت برخط به همراه معاونان پرورشی حضور دارند. سامانه ۱۵۷۰ نیز که حدود دو سال از راه‌اندازی آن می‌گذرد، در خدمت دانش‌آموزان و خانواده‌های محترم آنان قرار دارد تا در کنار همکاری فعال با معاونت پیشگیری از وقوع جرم دستگاه قضایی، آسیب‌های اجتماعی به حداقل برسند، چرا که حتی یک اتفاق تلخ این چنینی نیز برای سیستم آموزشی کشور ما زیاد است.»

بهرمندی ۸.۵ میلیون دانش‌آموز از شیر رایگان در سراسر کشور

فرهادی در بخش دیگر نشست درباره اجرای طرح توزیع شیر رایگان در مدارس کشور توضیح داد: «امسال ۱۵ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای اجرای این طرح اختصاص یافته و حدود ۸.۵ میلیون دانش‌آموز از شیر رایگان بهره‌مند می‌شوند. طرح توزیع شیر رایگان در مدارس ابتدایی دولتی، مدارس ابتدایی استثنایی و همچنین مدارس شبانه‌روزی دوره‌های متوسطه اول و دوم اجرا می‌شود و دانش‌آموزان این مدارس نیز تحت پوشش طرح قرار دارند. در خصوص آمار توزیع شیر و تغذیه تکمیلی نیز تا ۲۷ آبان‌ماه، ۷۰ میلیون پاکت شیر و ۳۸ میلیون بسته غذایی تکمیلی میان دانش‌آموزان توزیع شده که در مجموع بیش از ۱۰۸ میلیون واحد شیر و بسته غذایی را شامل می‌شود.»



ما منتظر هستیم تا جزئیات این پرونده از سوی دستگاه قضایی کشور که معتبرترین مرجع قانونی در این زمینه است استخراج شود؛ آنچنان که مدیر مدرسه محل تحصیل این دانش‌آموز همچنان در بازداشت به‌سر می‌برد. قطعاً اگر قصور و کوتاهی در این زمینه انجام شده باشد، وزارت آموزش و پرورش مطابق قانون به‌شدت با آن برخورد خواهد کرد

چالش آلودگی هوا و رد راهکار تعطیلی مدارس

او در پاسخ به سؤال خبرنگاری درباره انتقادات مربوط به عدم تعطیلی مدارس در روزهای آلودگی هوا توضیح داد: «تعطیلی مدارس راهکار حل مشکل آلودگی هوا نیست و آسیب‌های آموزشی و تربیتی آن بسیار فراتر از مزایای احتمالی است. تعطیلی مدارس در روزهای آلودگی، آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی به همراه دارد، ضمن اینکه در روزهای آلودگی، فعالیت‌های هوازی و زنگ ورزش متوقف می‌شود تا سلامت دانش‌آموزان حفظ شود، اما حضور در کلاس درس اولویت اصلی است. در گذشته شاخصی که بر اساس آن مدارس را تعطیل می‌کردیم، از همه کشورها کمتر بود؛ به عنوان مثال بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ بود اما در حال حاضر تا شاخص آلودگی هوا به ۲۰۰ نرسد، مدارس را تعطیل نمی‌کنیم.»

کولیوند از افزایش ظرفیت نیروهای واکنش سریع و سازماندهی میلیون‌ها داوطلب خبر داد

نسل دهه ۷۰ و ۸۰ در خط مقدم امدادرسانی جنگ رمضان

گزارش

گروه اجتماعی

رئیس جمعیت هلال احمر با تشریح ابعاد فعالیت‌های امدادی این جمعیت در جنگ تحمیلی رمضان، از پیوستن یک‌ونیم میلیون داوطلب جدید به شبکه امدادرسانی کشور در جریان این جنگ خبر داد و گفت: «شمار داوطلبان فعال هلال احمر اکنون به بیش از ۶ میلیون نفر رسیده است، نیروهایی عمدتاً جوان که بخش قابل توجهی از آنها متولدین دهه‌های ۷۰ و ۸۰ هستند و با حضور میدانی و سازمان‌یافته، ظرفیت امدادرسانی کشور را در شرایط بحرانی افزایش داده‌اند.» پیرحسین کولیوند روز گذشته در سومین رویداد جام رسانه امید، با اشاره به ظرفیت گسترده داوطلبی در جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد: «به جرأت می‌توان گفت یک‌سوم داوطلبان هلال احمر در سراسر دنیا در ایران فعالیت می‌کنند، چون از مجموع ۱۸ میلیون داوطلب در ۱۹۱ کشور، حدود ۶ میلیون نفر در ایران حضور دارند.» او با بیان اینکه شمار داوطلبان هلال احمر پیش از جنگ رمضان حدود ۴.۵ میلیون نفر بود، گفت: «در جریان جنگ رمضان، یک‌ونیم میلیون داوطلب به جمعیت امدادگران داوطلب کشور اضافه شدند که این افزایش، ظرفیت قابل توجهی برای خدمت‌رسانی در شرایط اضطراری ایجاد کرد.» کولیوند با اشاره به راه‌اندازی و توسعه تیم‌های واکنش سریع در پی تهدیدهای رژیم صهیونیستی و دشمن آمریکایی علیه کشورمان گفت: «۷۰ هزار نفر در قالب تیم‌های واکنش سریع هلال احمر آموزش دیده و سازماندهی شده‌اند و این تیم‌ها می‌توانند در انواع مخاطرات، خدمات مؤثر و امیدبخش ارائه کنند.» او با اشاره به تأکید رهبر شهید ایران بر دو مفهوم ایمان و امید گفت: «اقدامات هلال احمر بازتاب عملی رهنمودهای رهبر شهید است و امدادگران این جمعیت، انسان‌هایی مؤمن و از جنس امید و زندگی هستند.» رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره به درس‌آموخته‌های جنگ تحمیلی ۱۲ روزه و شناسایی کمبودهای لجستیکی در حوزه امدادرسانی گفت: «پس از این جنگ، عملکرد جمعیت را آسیب‌شناسی کردیم و متوجه شدیم برخی انبارهای ما با کمبود تجهیزات و اقلام مورد نیاز مواجه هستند. به همین دلیل با فروش چند ساختمان، منابع لازم برای تکمیل انبارها را تأمین کردیم و هزار دستگاه خودروی نجات و آمبولانس به ناوگان امدادی افزودیم. امروز انبارهای جمعیت خالی نیست و علاوه بر تأمین اقلام مورد نیاز، تجهیز لجستیک هلال احمر نیز در دستور کار قرار گرفته است، چون نیروی واکنش سریع، در کنار مهارت و آموزش، به امکانات و تجهیزات انفرادی و گروهی نیز نیاز دارد.» او با اشاره به تجربه‌های امدادی پس از حادثه بندر شهید رجایی گفت: «پس از این حادثه نیز تمرین جدی و عملیاتی انجام دادیم. همچنین هنگامی که آتش‌سوزی در کالیفرنیای آمریکا رخ داد، نامه‌ای به طرف آمریکایی نوشتم و اعلام کردم که برای کمک‌رسانی آمادگی داریم. اما پاسخ دادند که به نیروی امدادی نیاز ندارند و درخواست کمک مالی کردند. اعلام کردم که برای آنها کمک مالی جمع‌آوری خواهیم کرد، اما پس از آن پاسخی دریافت نکردیم.»


عکس: ایسنا

نگذار تاریخ سکوت شما را قضاوت کند

رئیس جمعیت هلال احمر در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به دیدار با معاون سازمان ملل متحد گفت: «در این دیدار تأکید کردم که در برابر اتفاقاتی که در ایران رخ داده است، به مسئولیت و تکلیف خود عمل کند تا آیندگان سکوت و موضع او را به گونه‌ای دیگر قضاوت نکنند. معاون سازمان ملل در این دیدار گفت که آمریکا تصور می‌کرد ظرف چهار روز می‌تواند کار ایران را تمام کند، اما مردم ایران این معادله را بر هم زدند. به او گفتم فقط به تکلیف خود عمل کن تا بعدها تاریخ درباره سکوت و موضع شما قضاوت نکند.» رئیس جمعیت هلال احمر همچنین با اشاره به حضور رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در ایران گفت: «رئیس این کمیته به صورت زمینی وارد ایران شد و از مناطق مسکونی، دانشگاهی و محله‌های غیرنظامی که هدف حمله قرار گرفته بودند، بازدید کرد. زمانی که در ژنو، مستندات و تصاویر جنایت‌های دشمن متجاوز در حمله به مردم ایران را به نمایندگان صلیب سرخ و سازمان ملل نشان دادم، آنها شروع به عذرخواهی کردند. رئیس صلیب سرخ آمریکا نیز می‌گفت که دولت این جنایت‌ها را به آنها نشان نمی‌دهد.»



به جرأت می‌توان گفت یک‌سوم داوطلبان هلال احمر در سراسر دنیا در ایران فعالیت می‌کنند، چون از مجموع ۱۸ میلیون داوطلب در ۱۹۱ کشور، حدود ۶ میلیون نفر در ایران حضور دارند

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

نوبت دوم

شماره مناقصه: ۲۰۰۵۰۰۳۶۹۹۰۰۰۰۲۹

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان - بندر چابهار در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی پروژه تعمیرات اساسی ۴ دستگاه دیزل ژنراتور اضطراری بندر چابهار را با برآورد اولیه ۱۷۷،۰۵۸،۰۶۰،۰۰۰ ریال از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

• **شرایط الزامی شرکت در مناقصه شامل موارد ذیل می‌باشد:**

۱- دارا بودن حداقل رتبه ۵ در رشته نیرو از سازمان برنامه و بودجه کشور. (مناقصه‌گر باید هم از نظر تعداد و هم از نظر ریالی ظرفیت خالی داشته باشد.)

• **تاریخ انتشار مناقصه در سامانه** ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ می‌باشد.

• **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه ستاد:**

از تاریخ چاپ دومین آگهی در روزنامه کثیرالانتشار از روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز دوشنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۹

• **مهلت زمانی ارسال پیشنهادات:**

از تاریخ اتمام دریافت اسناد از روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۵/۰۹/۲۳

• **تاریخ بازگشایی پاکات:**

ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۴ در محل اتاق کنفرانس طبقه چهارم ساختمان اداری شماره یک بندر شهید بهشتی

■ اصل ضمانت‌نامه بانکی یا فیش واریزی شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۸،۸۵۲،۹۰۳،۰۰۰ ریال در تاریخ مقرر تحویل دبیرخانه بندر شهید بهشتی گردد.

■ **اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها:**

آدرس: چابهار - انتهای خیابان شهید ریگی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان بندر شهید بهشتی- ساختمان شماره یک.

تلفن: ۳۱۲۸۳۰۰۰-۰۵۴

فاکس: ۳۵۳۲۱۴۱۴-۰۵۴

■ **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**

مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱

دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ - ۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

شناسه: ۲۳۳۱۳۰۲-میم الف: ۴۵۴۷

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

نوبت اول

هم‌زمان با ارزیابی کیفی فشرده

۱- **مناقصه‌گزار:** شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی: تهران، میدان جهاد، شماره ۱۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶

۲- **موضوع مناقصه:** حمل و نقل ریلی کالا در ۲ گروه به‌شرح ذیل:

گروه الف		
ردیف	مبداء حمل	ملاحظات
۱	آذربایجان شرقی	
۲	اردبیل	
۳	ایلام	
۴	البرز	
۵	خراسان شمالی	
۶	خوزستان (بجزء بندر امام خمینی)	
۷	فارس	
۸	قم	
۹	تهران	
۱۰	خراسان رضوی	
۱۱	خراسان جنوبی	
۱۲	گیلان	
۱۳	مازندران	
۱۴	کردستان	
۱۵	یزد	
	بنادر جنوبی ۱ (بندر امام خمینی)	
	مقدار (هزارتن)	۱۰۰۰
	سپرده شرکت در مناقصه (میلیون ریال)	۲۹۴،۹۸۰
	برآورد (میلیارد ریال)	۱۸۵۰۰

گروه ب		
ردیف	مبداء حمل	ملاحظات
۱	اصفهان	
۲	آذربایجان غربی	
۳	بوشهر	
۴	چهارمحال و بختیاری	
۵	زنجان	
۶	سیستان و بلوچستان (بجزء چابهار)	
۷	لرستان	
۸	سمنان	
۹	قزوین	
۱۰	گلستان	
۱۱	مرکزی	
۱۲	کرمان	
۱۳	کرمانشاه	
۱۴	کهگیلویه و بویراحمد	
۱۵	هرمزگان (بجزء بندر عباس)	
۱۶	همدان	
	بنادر جنوبی ۲ (بنادر عباس و چابهار)	
	مقدار (هزارتن)	۱۰۰۰
	سپرده شرکت در مناقصه	۲۹۴،۹۸۰
	برآورد (میلیارد ریال)	۱۸۵۰۰

۳- **زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد:** متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی تا مورخ ۱۴۰۵/۹/۱۰ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.

۴- **هزینه تهیه اسناد:** واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به‌شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۴۰۰۵۹۱۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۲۹۴۲۱۰۰۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانکها به‌صورت پایا جهت هر گروه.

۵- **مدت اعتبار پیشنهادها:** سه ماه از تاریخ بازگشایی پیشنهادات مالی می‌باشد.

۶- **مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه:** واریز وجه نقد به‌شرح جدول فوق به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR ۳۹۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط ۳ ماهه با تمدید اعتبار ۳ ماهه دیگر.

۷- **زمان و محل گشایش پیشنهادها:** ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۹/۲۵ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب- شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲)- طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.

۸- **زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه:** مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه شامل پاکات ارزیابی کیفی، الف، ب و ج را تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۹/۲۴ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir درج و بارگذاری و در عین حال فیزیک پاکت الف را تا تاریخ فوق به نشانی تهران- میدان جهاد- شماره ۱۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران - طبقه هفتم - دبیرخانه محرمانه حراست تحویل و رسید دریافت نمایند.

۹- مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی دریافت نمایند.

۱۰- متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۸۴۳۹۹۷۴۲ تماس حاصل نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد.

مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ **دفتر ثبت‌نام:** ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استانها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین‌کننده / مناقصه‌گر» موجود است.

شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

مناقصه عمومی

گروه صنعتی بارز (نوبت دوم)

با شناسه ملی: ۱۰۱۰۰۹۷۷۹۸۳ و شماره ثبت: ۵۲۶۵۳ در نظر دارد در محل کارخانه لاستیک بارز نسبت به **اجرای تغییر سیستم ترانسفرینگ ۳ دستگاه تایرسازی هانج** در سال ۱۴۰۵ به‌صورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای با ارزیابی کیفی و فنی بازرگانی غیر هم‌زمان، با اعمال قیمت تراز شده اقدام نماید. لذا از کلیه شرکت‌های واجد شرایط تقاضا می‌گردد جهت شرکت در مناقصه عمومی دو مرحله‌ای پاکت‌های "الف"(تضامین)، "ب"(اسناد رسمی)، "ج"(پیشنهاد قیمت) را به‌صورت جداگانه، ارائه نمایند.

۱- بابت تضامین شرکت در مناقصه، می‌بایست ضمانت‌نامه بانکی به مبلغ ۴،۵۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا چک صیادی ثبت شده به این مبلغ و رسید ثبت صیادی و گواهی امضای صادرکننده چک از دفترخانه اسناد رسمی به‌همراه پاکت دربسته ارسال گردد.

۲- شرکت‌کنندگان بایستی دارای گواهی صلاحیت پیمانکاری باشند.

۳- شرکت‌کنندگان بایستی دارای گواهی صلاحیت ایمنی در زمان عقد قرارداد باشند در غیر این‌صورت ضمانت‌نامه بانکی برای برنده مناقصه ضبط می‌گردد.

۴- مدت اعتبار پیشنهادات ۶۰ روز کاری از تاریخ بازگشایی پاکت‌ها می‌باشد.

۵- دستگاه مناقصه‌گزار در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است و هیچ‌گونه اعتراضی از سوی شرکت‌کنندگان در مناقصه وارد نمی‌باشد.

۶- شرکت‌کنندگان در مناقصه مطابق با دستورالعمل ارزیابی کیفی، براساس تجربه (سابقه اجرایی)، حسن سابقه و توان اجرایی مورد ارزیابی قرار خواهند گرفت و درصورت احراز شرایط (کسب حداقل ۷۰٪ امتیاز کل) پاکت قیمت آنها گشوده خواهد شد. همچنین لازم به ذکر است که ضریب تأثیر امتیاز کیفی برابر با ۰/۳ در نظر گرفته خواهد شد.

۷- شرکت‌کنندگان باید رزومه کاری مرتبط با زمینه درخواست مناقصه را داشته باشند.

۸- **زمان دریافت، تکمیل و تحویل اسناد:** از تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۳ به مدت ۱۰ روز تقویمی و قابل تمدید.

۹- **محل اجرای پروژه:** کیلومتر ۲۵ جاده کرمان - جوپار کارخانه لاستیک بارز کرمان

۱۰- **محل دریافت اسناد:** کیلومتر ۲۵ جاده کرمان - جوپار کارخانه لاستیک بارز یا وب‌سایت گروه صنعتی بارز به آدرس www.barez.org

۱۱- **محل تحویل اسناد:**

کرمان - کارخانه لاستیک بارز کرمان واقع در کیلومتر ۲۵ جاده کرمان - جوپار دفتر حراست تلفن تماس: ۳۴۰-۳۱۳۴۵۰۰۰

تهران - خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه غربی، پلاک ۱۰۱ آقای بیرانوند دبیرخانه محرمانه کدپستی ۱۵۵۳۶۱۶۳۱۱ تلفن تماس: ۰۲۱۸۶۷۹۶۰۰۰

روابط عمومی گروه صنعتی بارز (مجتمع کرمان)

irannewspaper.ir

سه‌شنبه ۳ آذر ۱۴۰۵ • سال سی‌و دوم • شماره ۹۱۸۳
• اذان ظهر ۱۱/۵۱ • اذان مغرب ۱۷/۱۳ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ • اذان صبح فردا ۵/۲۲ • طلوع آفتاب فردا ۶/۵۰

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
• مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
• سردبیر: هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری
• مدیرعامل: علی متقیان
• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• نشانی: تهران، خیابان خرمشهر غربی، پلاک ۲۰۸ • کد پستی: ۱۵۳۳۷۴۴۵۱۱
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه ایران و مؤسسه جام جم
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارای گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام جعفر صادق(ع):
چنان از خدا بترس که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.
اصول کافی، ج ۳، ص ۱۱۰

سنت؛ زنجیره‌ای پیوسته در موسیقی

نقل قول

موسیقی، چه در ایران و چه در دیگر فرهنگ‌های جهان، ریشه در سنتی زنده و پویا دارد؛ سنتی که نفس می‌کشد و همواره در حال تغییر است. سنت در موسیقی، زنجیره‌ای پیوسته است که همه حلقه‌های آن به یکدیگر متصل‌اند.

بازنشر بخشی از گفت‌وگوی کیهان کلهر با «ایران» در سال ۱۳۹۵، به مناسبت زادروز این کمانچه‌نواز بزرگ





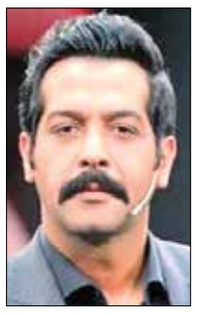
«ماه عسل» با بازی «اکبر عبدی»

سریال طنز «ماه عسل» به کارگردانی منوچهر هادی و با بازی زنده‌یاد اکبر عبدی، قدرت‌الله ایزدی، امیر کاظمی، مریم مؤمن و یوسف تیموری به‌زودی از شبکه سه پخش می‌شود. / میزان



«همایون شجریان» در ساری

تورکنسرت «هرجا که تویی» همایون شجریان، پس از شیراز، اصفهان و کیش، از پنجشنبه پنجم آذر در سالن ماهفروجک ساری برگزار می‌شود. این اجرا با همراهی گروه «سیاوش» روی صحنه می‌رود. / ایران



«کامران تفتی» در «شات آمریکایی»

نمایش «شات آمریکایی» به کارگردانی پویا امینی و با بازی کامران تفتی، ایوب آقاخانی و جمعی دیگر از بازیگران، از سه‌شنبه ۱۰ آذر، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در برج میلاد اجرا می‌شود. این اثر بر اساس نمایشنامه «زوج ناجور» نوشته نیل سایمون است. / ایران

غلامرضا نیکخواه، بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون بر اثر سکته قلبی درگذشت

بدرود با مردی که بی‌ادعا می‌خنداند



خبر روز

گروه فرهنگی/ بعضی خبرها را آدم نمی‌خواهد باور کند. خبر مرگ غلامرضا نیکخواه از همان‌ها بود. ظهر دوشنبه، دوم آذر، وقتی روی شبکه‌های اجتماعی نشست، برخلاف عادت همیشگی که آدم هیجان‌زده برای آشنایان می‌فرستد و خبر را پربازدید می‌کند، خیلی‌ها بازنشرش نکردند. رفتند سراغ اعتبارش. انگار دلشان خوش بود که خبر معتبر نباشد و مثل شایعه‌های قبلی از آب دربیاید. آدم دوست ندارد مرگ کسانی را باور کند که این‌قدر سرشار از زندگی بودند. اما تیتر خبرگزاری‌های رسمی هم همان بود: غلامرضا نیکخواه، بازیگر سینما و تلویزیون، بر اثر سکته قلبی درگذشت. خانه سینما هم خبر را تأیید کرد.

نیکخواه اول فروردین ۱۳۲۷ در بوشهر به دنیا آمد و از سال ۱۳۴۵ با تئاتر همان شهر کارش را شروع کرد. بعدها تلویزیون او را به خانه‌ها برد. در سریال‌های طنز مثل «نوروز ۷۲»، «پرواز ۵۷»، «جنگ ۷۷»، «بزنگاه» و «مرد هزارچهره» بازی کرد و با مهران مدیری و رضا عطاران همکار شد. در سینما هم بود، در «طهران تهران»، «آینه بغل» و «رحمان ۱۴۰۰». نقش‌هایش بیشتر کوتاه بودند. اما برای خیلی از ما اول چهره‌اش می‌آمد و بعد اسمش. یعنی کار خودش را کرده بود.

بازیگر کمدی کمتر پیش می‌آید که تیتر شود. تا وقتی هست، حضورش را مثل هوا می‌گیریم. شاید به همین دلیل بود که شهرتش در سال‌های آخر طعمی دیگر داشت. با «جوکر» نسل تازه‌ای هم با او آشنا شد. تا آنجا متن و قصه بود که مخاطب را می‌خنداند. در «جوکر» دیگر نویسنده‌ای میان او و ما نبود. خودش بود، با شیرینی و طنازی‌ای که نمی‌شد روی کاغذ نوشت. راهی کوتاه‌تر از هر قصه به دل آدم‌ها باز شد و تصویر محکم‌تری در حافظه‌شان نشست.

این روزها «خانم والده» را در اکران داشت و با سریال «مرد سه هزار چهره» روی آنتن بود و سریال «میمون مست» را آماده پخش داشت. یعنی هنوز می‌شود دیدش و با او خندید، در حالی که دیگر نیست. قاب‌های حضور او اما از این پس رنگ دیگری دارند. هربار که چهره‌اش از تلویزیون بگذرد، اول لبخند می‌زنیم. چند لحظه بعد یادمان می‌آید که او دیگر نیست.

او خنده را بی‌ادعا به خانه‌های ما برد. ردپایش هم همان چیزی است که خودش می‌خواست: لبخندی که ناگهان روی صورت آدم می‌نشیند.

خداحافظ، مرد هزار لبخند.

سرخ و سیاه؛ ایده دوست‌داشتنی نامگذاری قسمت‌ها با عناوین کتاب‌ها

اسمی که از قفسه کتاب آمد



گروه فرهنگی ـ نرگس عاشوری/ قسمت دوم سریال «سرخ و سیاه» با نام کتابی آغاز می‌شود که بسیاری از ما می‌شناسیم: «انتری که لوطی‌اش مرده بود». خواننده آثار چوبک همان‌جا مکث می‌کند؛ انتری بی‌صاحب که آزادی پس از مرگ صاحبش هم به کارش نمی‌آید. چند دقیقه بعد، در سریال نیز تصویر مشابهی می‌بینیم: انتری که پس از مرگ صاحبش، خانه و پشت‌بام را ترک نمی‌کند.

هفته گذشته، نام این سریال بیشتر در کنار خبرهای توقیف سریال‌ها مطرح شد؛ اما «سرخ و سیاه» برای دیده‌شدن به سروصدا متکی نیست. این مجموعه با قصه‌ای عاشقانه و تاریخی و هماهنگی تصویر و کارگردانی، مخاطب را همراه می‌کند. پرسش اصلی قصه فقط پیروزی عشق بر موانع نیست؛ بلکه این است که آدم‌ها در مسیر خواسته‌هایشان چه چیزهایی از دست می‌دهند و تا چه اندازه اختیار سرنوشت خود را دارند. یکی از ایده‌های دوست‌داشتنی سریال، نامگذاری قسمت‌ها با عناوین کتاب‌هاست. شش قسمت با شش عنوان نامگذاری شده‌اند؛ از «جان‌شیفته» و «عشق سال‌های وبا» تا «آرزوهای بزرگ»، «زنی که مردش را گم کرد» و «آشفته‌حالان بیداربخت». این عنوان‌ها صرفاً تزئینی نیستند و هرکدام با ماجرای قسمت خود ارتباط دارند؛ گویی کلیدی برای ورود به جهان آن هستند. این توجه به ادبیات را می‌توان در کارنامه آیدا پناهنده نیز جست‌وجو کرد. او پیش از کارگردانی داستان می‌نوشت. اولین داستان کوتاهش، «آنا»، اسفند ۱۳۷۸ در مجله «کارنامه» منتشر شد. بعدها همراه با همسرش، ارسلان امیری، فیلمنامه‌های «ناهید»، «اسرافیل» و «تی‌تی» را نوشت و فیلمنامه «سرخ و سیاه» نیز حاصل همکاری این دو است. انتخاب این عنوان‌ها پلی میان مخاطب و قفسه کتاب‌هاست؛ کسی که کتاب را خوانده، قسمت را با نگاهی تازه می‌بیند و کسی که آن را نمی‌شناسد، شاید به خواندنش ترغیب شود. این دقت در جزئیات، در تصویرپردازی سریال هم دیده می‌شود؛ قاب‌هایی سنجیده که هرکدام به تابلویی دیدنی شباهت دارند. اثر قبلی پناهنده، «در انتهای شب» نیز از آثار شاخص شبکه نمایش خانگی بود. نمی‌توان از بیرون درباره پشتوانه فکری هر انتخاب با قطعیت داوری کرد، اما اثری که برای عنوان‌ها، قاب‌ها و جزئیاتش وقت می‌گذارد، مخاطب را کم‌حوصله و کم‌دانش فرض نکرده است. اگر شبکه نمایش خانگی می‌تواند مخاطب را به کتاب‌خواندن ترغیب کند، چرا باید سازندگان چنین آثاری را با موانع دلسرد کنیم؟

تلنگر

تندیس‌هایی زیر سایه حاشیه‌ها

گروه فرهنگی/ چهارمین جشن تئاتر و موسیقی حافظ با حضور چهره‌های هنری و اهدای جوایز برگزار شد؛ مراسمی پررزق‌وبرق که برخی انتخاب‌های آن بار دیگر پرسش‌هایی درباره معیارهای داوری و تأثیر مناسبات احتمالی پشت صحنه بر جوایز مطرح کرد. مسأله، اعتراض به برنده شدن یک فرد نیست، بلکه نبود شفافیت در روند انتخاب‌هاست؛ موضوعی که می‌تواند اعتبار یک جایزه هنری را زیر سؤال ببرد.

انتخاب‌های بحث‌برانگیز تئاتر

یکی از بحث‌برانگیزترین اتفاقات این دوره، اهدای جایزه بازیگری به خواننده‌ای بود که در آخرین لحظات جایگزین بازیگر اصلی یک نمایش شد و تجربه بازیگری در تئاتر را به دست آورد. ورود چهره‌های غیرتئاتری به این عرصه ایرادی ندارد، اما پرسش این است که آیا کیفیت ملاک انتخاب بوده یا شهرت و مؤلفه‌های دیگر؟ در مقابل، ریما رامین‌فر برای بازی در «آتش‌سوزی‌ها» با وجود تحسین اجرای او، موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر زن نشد. به نظر می‌رسد این انتخاب ضرورت شفافیت درباره معیارهای داوری را برجسته‌تر می‌کند. نامزدی یک بازیگر کودک که با یکی از چهره‌های بانفوذ تئاتر نسبت خانوادگی دارد، در کنار دریافت جایزه توسط آن چهره، پرسش‌هایی درباره احتمال تعارض منافع ایجاد می‌کند. این اتفاق لزوماً نشانه تخلف نیست، اما متولیان باید برای حفظ بنیان این جایزه، استقلال داوری را روشن کنند. در بخش موسیقی نیز انتخاب یکی از خوانندگان مرتبط با تهیه‌کننده‌ای بانفوذ برای دومین سال متوالی، با اعتراض‌هایی همراه شد. واکنش مسعود صادقلو نیز بر حاشیه‌های این انتخاب افزود.

حافظ؛ اعتبار یا زرق‌وبرق؟

چهارمین جشن حافظ در کنار حاشیه‌ها، نقاط مثبتی مانند توجه به آثار کودک و عروسکی، گسترش بخش‌های رقابتی و معرفی استعدادهای تازه داشت. با این حال، نبود شفافیت در داوری، مرزبندی نامشخص میان محبوبیت و کیفیت هنری و محدودیت تنوع ژانرهای موسیقی از ضعف‌های آن بود. جشن حافظ اکنون با یک پرسش اساسی روبه‌رو است: آیا می‌خواهد صرفاً مراسمی پررزق‌وبرق با حضور چهره‌های محبوب باشد یا به جایزه‌ای معتبر و قابل اتکا در تئاتر و موسیقی ایران تبدیل شود؟ میراث فرهنگی علی معلم سرمایه ارزشمندی است، اما حفظ آن به نقدپذیری، شفافیت و استقلال داوری نیاز دارد.



آگهی فراخوان عمومی
جهت ارزیابی کیفی پیمانکاران

نوبت دوم

بیمه ایران

شرکت سهامی بیمه ایران در نظر دارد عملیات اجرایی احداث ساختمان اداری خود واقع در استان زنجان شعبه مرکزی زنجان با زیربنای تقریبی ۴۹۷۱ مترمربع ساختمان اداری (پنج طبقه شامل: زیرزمین، همکف، اول، دوم و سوم) و محوطه‌سازی با متراژ تقریبی ۵۱۳۲ مترمربع و دیوار محوطه ۳۸۰ مترطول. براساس فهرست (طبق فهرست بها سال ۱۴۰۴ سازمان برنامه و بودجه کشور) را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجدشرایط واگذار نماید. مدت زمان اجرای پروژه ۲۴ ماه شمسی می‌باشد.
از شرکت‌های پیمانکاری که دارای سوابق اجرایی مشابه بوده و حداقل در پایه ۳ رشته ابنیه و ۴ رشته تأسیسات و تجهیزات در رسته ساختمان از طرف سازمان برنامه و بودجه کشور تشخیص صلاحیت شده‌اند دعوت می‌گردد جهت دریافت داده الکترونیکی اسناد ارزیابی کیفی به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت مراجعه و پس از تکمیل مدارک و اسناد درخواستی نسبت به ارائه اسناد مطابق شرایط اعلام شده ظرف مدت مقرر تعیین شده در سامانه ستاد پس از چاپ آگهی دوم اقدام و به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا، بلوار شیرازجنوبی، بلوار برزیل غربی - پلاک ۵۱ ضلع شمالی طبقه ششم کمیسیون معاملات شرکت سهامی بیمه ایران طی نامه رسمی ارسال و رسید دریافت نماید.
شماره مناقصه ثبت شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت: ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۸۰۰۰۰۱۴

شرکت سهامی بیمه ایران

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)
شماره مناقصه: RKD-0522578-KM/S-05
نوبت اول
شرح کالای مناقصه خرید: قطعات یدکی IR SOURCE و استپر موتور آنالایزر کوره
مطابق با مشخصات و شرایط کلی مندرج در اسناد مناقصه خرید
۱-نام و نشانی مناقصه گزار: شرکت پالایش نفت کرمانشاه به نشانی کرمانشاه بلوار شهید دکتر بهشتی، مقابل پارک شاهد، مدیریت بازرگانی تلفن: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۵ و فکس: ۰۸۳-۳۱۴۹۷۵۹۶ کدپستی ۶۷۱۴۷۹۹۷۹۴
۲-نوع، کمیت و کیفیت کالا: شرح کامل مناقصه خرید در آدرس اینترنتی WWW.KORC.IR قید شده است.
۳-نوع و مبلغ تضمین: ضمانت‌نامه معتبر بانکی به مبلغ ۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال یا واریز وجه نقد به شماره حساب (شبای) IR420180000000118280546580 این شرکت نزد بانک تجارت شعبه نفت.
۴-محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مدیریت بازرگانی، ۲۰ روز بعد از چاپ آگهی نوبت دوم تاریخ: ۱۴۰۵/۰۹/۲۵
۵-زمان گشایش پیشنهاد فنی تاریخ: ۱۴۰۵/۰۹/۳۰ و زمان گشایش پاکت مالی حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۱۰/۲۸ می‌باشد.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی تجدید فراخوان ارزیابی کیفی
نوبت اول
لیست کوتاه مشاور طراحی نقشه های مرکزداده بانک کشاورزی
شماره فراخوان: ۴/ع/۱۴۰۵ س ت
بانک کشاورزی در نظر دارد ارزیابی کیفی لیست کوتاه مشاور طراحی به‌منظور طراحی نقشه‌های مرکزداده خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
تاریخ انتشار فراخوان در سامانه روز شنبه ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ می‌باشد.
مهلت زمانی دریافت اسناد از سایت: از ساعت ۸:۰۰ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۰۷ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز پنج‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۳.
مهلت زمانی ارسال اسناد ارزیابی کیفی: تا ساعت ۱۶:۰۰ روز پنج‌شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۹.
زمان بازگشایی پاکت های ارزیابی کیفی: ساعت ۸:۰۰ صبح روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۲۱.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد فراخوان و بارگذاری مدارک در سامانه ۰۲۱-۸۸۲۴۵۰۷۱ و شماره نمابر ۰۲۱-۸۴۸۹۶۰۰۱ می‌باشد.
م الف ۲۸۲۰ شناسه ۲۳۳۰۴۰۹
اداره کل مهندسی ساختمان و تأسیسات

آگهی مناقصه عمومی انجام خدمات طراحی، تأمین و ساخت تابلو اتاق برق مدول C واحد آهن‌سازی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
SKS South Kaveh Steel Co. شرکت فولاد کاوه جنوب کیش
آگهی شماره T-1405136577
نوبت اول
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش(سهامی عام) در نظر دارد جهت انجام خدمات طراحی، تأمین و ساخت تابلو DC CHARGER/BATTERY اتاق برق مدولC واحد آهن‌سازی (مطابق موارد مندرج در اسناد) از طریق مناقصه عمومی دومرحله‌ای از پیمانکاران واجد شرایط و توانمند دعوت نماید. متقاضیان می توانند برای اطلاع از شرایط مناقصه و خرید اسناد مناقصه از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ به وب‌سایت شرکت فولاد کاوه جنوب کیش به نشانی WWW.SKSCO.IR (قسمت خرید و فروش بخش مناقصه‌های جاری) مراجعه نمایند. ۱۴۰۵/۲۷۱
جدول زمانی انجام مناقصه:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه
۱۴۰۵/۰۹/۰۳	۱۴۰۵/۰۹/۱۰	۱۴۰۵/۰۹/۱۵

روابط عمومی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)

آگهی مناقصه عمومی تأمین کابل‌های کنترل، فشار ضعیف و فشار متوسط مورد نیاز مدول C شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)
SKS South Kaveh Steel Co. شرکت فولاد کاوه جنوب کیش
آگهی شماره T-1405136804
نوبت اول
شرکت فولاد کاوه جنوب کیش(سهامی عام) در نظر دارد جهت تأمین کابل‌های کنترل، فشار ضعیف و فشار متوسط مورد نیاز مدول C (مطابق موارد مندرج در اسناد) از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای از تأمین‌کنندگان و تولیدکنندگان واجد شرایط و توانمند دعوت نماید. متقاضیان می‌توانند برای اطلاع از شرایط مناقصه و خرید اسناد مناقصه از تاریخ چاپ آگهی تا پایان وقت اداری روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۰ به وب‌سایت شرکت فولاد کاوه جنوب کیش به نشانی WWW.SKSCO.IR (قسمت خرید و فروش بخش مناقصه‌های جاری) مراجعه نمایند. ۱۴۰۵/۲۷۰
جدول زمانی انجام مناقصه:

تاریخ شروع فروش اسناد	تاریخ پایان فروش اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکت‌های مناقصه
۱۴۰۵/۰۹/۰۳	۱۴۰۵/۰۹/۱۰	۱۴۰۵/۰۹/۱۵

روابط عمومی شرکت فولاد کاوه جنوب کیش (سهامی عام)

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای همراه با ارزیابی کیفی
مناقصه شماره WRD-0520050
به‌شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۱۰۳۴۰۰۰۱۱۰
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت و گاز پارس
شرکت نفت و گاز پارس در نظر دارد خرید ۲ دستگاه PowerStore1200TBaseDell مورد نیاز خود را با برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای طبق شرایط زیر از طریق یک شرکت واجد صلاحیت تأمین نماید.
• شرایط و مدارک لازم جهت دریافت استعلام ارزیابی کیفی:
الف) داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع کار
ب) اساسنامه، اظهارنامه ثبت شرکت و آخرین آگهی تغییرات (مندرج در روزنامه رسمی)
ج) ارائه کد اقتصادی، شناسه ملی
د) صورت‌های مالی حسابرسی شده مربوط به حداکثر سه سال گذشته (جهت برآوردهای بیش از ده برابر معاملات متوسط)
از کلیه اشخاص حقوقی واجد شرایط دعوت می‌گردد بلافاصله پس از چاپ آگهی اول و حداکثر ۳ (سه) روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم تا پایان ساعت اداری، به نشانی اینترنتی WWW.SETADIRAN.IR قسمت سامانه مناقصات مراجعه نموده و پس از اخذ کد کاربری و رمز عبور نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام خواهد شد.
لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوت‌نامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
• عطف به شیوه نامه شماره ۱۴۰۴/۵۳۴۶۹۱ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰ معاونت محترم مهندسی و پژوهش و فن‌آوری وزارت نفت درخصوص الزامات استفاده از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی و آزمایشگاه‌های مرجع وزارت نفت، تأمین کالا و تجهیزات تخصصی مورد نیاز کلیه شرکت‌های گستره شمول در کلیه سطوح و انواع روش‌های معاملاتی و تأمین کالای انواع قراردادهای EP، EPD، E&P، EPC، PC، P و سایر انواع قراردادها از فهرست بلند منتشر شده در سامانه "ساخت" (www.sakht.iolv.ir) با رعایت الزامات و ملاحظات مربوطه صورت خواهد پذیرفت.
• آخرین مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی: دو هفته پس از آخرین مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی در سامانه مذکور بارگذاری نمایند.
• تاریخ و محل تحویل اسناد مناقصه: متعاقباً به‌اطلاع واجدین شرایط خواهد رسید.
• آخرین مهلت تحویل پیشنهاد و تاریخ گشایش پیشنهادها: طبق تاریخ‌های مندرج در اسناد مناقصه.
• لازم به ذکر است پیشنهادهای ارائه شده توسط مناقصه‌گران می‌بایست حداقل تا ۳ ماه از تاریخ تحویل پیشنهاد مالی معتبر باشد.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر، متقاضیان می‌توانند با شماره تلفن ۵ و ۰۲۱-۸۳۷۶۲۶۰۴ تماس حاصل نمایند.
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۴
دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
شرکت نفت و گاز پارس - روابط عمومی
شناسه ۲۳۳۱۹۹۴

سناریوی پسر فقیر برای سرقت طلاهای دختر پولدار



گروه حوادث: مرضیه همایونی/ پسر جوان وقتی فهمید دختر مورد علاقه‌اش مقدار زیادی طلا دارد با همدستی پسر خاله‌اش نقشه سرقت طلاها را طراحی و اجرا کرد اما یک پیامک باعث شد راز سرقت‌ها برملا شود.

به گزارش «ایران»، چند روز قبل که بارش‌های سیل‌آسا پایتخت را فرا گرفته و رهگذران را غافلگیر کرده بود و آنها برای در امان ماندن از باران شدید، با عجله به دنبال سرپناهی بودند، به همین خاطر چندان توجهی به اطرافشان نداشتند و در هیاهوی آن روز پاییزی، کسی متوجه دختر و پسر جوانی نبود که داخل یک خودروی مدل بالا حبس شده و با فریادهایشان درخواست کمک می‌کردند. اما دختر و پسر جوان دست از تلاش برنداشته و با لگد، محکم به شیشه خودرو می‌کوبیدند که دقایقی بعد وقتی یک پسربچه مدرسه‌ای همراه مادرش در حال عبور از آن محل بود، متوجه آنها شد و با کمک مادرش و اعلام موضوع به پلیس، دختر و پسر جوان را در حالی که دست‌ها و پاهایشان را بسته بودند، از خودرو بیرون آوردند.

دختر جوان که به‌شدت ترسیده بود به مأموران گفت: «یک موتورسوار با تهدید چاقو ما را در خودرو حبس کرد و طلایم را سرقت کرد.»

وقتی آنها به دادسرا رفتند تا شکایت خود را تکمیل کنند دختر جوان گفت: «مدتی قبل با اشکان آشنا شدم و چند باری با هم به کافی‌شاپ رفتیم و در تماس‌هایی که داشتیم از همدیگر خوشمان آمد. از آنجایی که اشکان مهندس بود و وضع مالی نسبتاً خوبی داشت، در برابر پیشنهاد ازدواجش پاسخ مثبت دادم. در این مدت او به من گفت قیمت طلا رو به کاهش است اگر الان طلاهایم را بفروشم می‌توانم مقدار بیشتری طلا بخرم و گفت که دوست طلافروشی دارد که طلاها را با قیمتی بالاتر از قیمت سایر طلافروشی‌ها خریداری می‌کند و من با پیشنهاد اشکان، روز حادثه طلاهایم را برداشته و سوار بر خودروام شدیم تا به طلافروشی برویم. اشکان به من گفته بود خودش هم چند روز قبل طلاهایش را فروخته است.»

سرقت با تهدید

او ادامه داد: «در مسیر طلافروشی بودیم که ناگهان موتورسواری با ایما و اشاره از ما خواست توقف کنیم. من نمی‌خواستم بایستم اما اشکان اصرار کرد توقف کنم و ببینم چه کار دارد. من هم خودرو را کنار خیابان نگه داشتم. موتورسوار ماسک به صورت و حتی دستکش هم به دست داشت، من چهره‌اش را ندیدم. به محض اینکه شیشه را پایین دادم تا متوجه شوم درخواست مرد موتورسوار چیست، او چاقو را روی گلویم قرار داد و تهدیدم کرد و گفت کیفت را بده. من از ترس جانم هر چه خواست انجام دادم. اشکان با مشاهده این صحنه، در خودرو را باز کرد که کمک بگیرد، اما مرد موتورسوار بلافاصله به سمت او رفت و با تهدید او را داخل خودرو انداخت. بعد دست و پاهای ما را بست و سوئیچ را گرفت و قفل را زد و ما هم حبس شدیم.»

با شکایت زن جوان، اشکان هم اظهارات او را تأیید کرد و مدعی شد مرد سارق، طلاهای او را نیز که یک دستبند و گردنبند بود به سرقت برده است. دختر جوان با شنیدن این حرف تعجب کرد و پرسید مگر تو هم طلا همراهت بود؟ اشکان هم مدعی شد که دستبند و گردنبند همراهش بوده و سرقت شده است.

پرونده این سرقت میلیاردی برای رسیدگی به شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ ارجاع شد. وقتی دختر جوان فاکتور طلاهایش را ضمیمه پرونده کرد، از اشکان هم خواسته شد فاکتور طلاهایش را ارائه دهد اما او مدعی شد فاکتور ندارد و گم شده است.

در حالی که تحقیقات ادامه داشت، دختر جوان بار دیگر به پلیس مراجعه کرد و گفت: «زمانی که اشکان به من گفت طلاهایش با او بوده، من با خودم فکر کردم شاید او درست می‌گوید و من متوجه طلاهایش نشده بودم اما امروز وقتی داشتم عکس‌هایم را نگاه می‌کردم به عکس خودم و اشکان رسیدم که روز حادثه و ساعتی قبل از اینکه مورد سرقت قرار بگیریم، خیلی اتفاقی با هم عکس سلفی انداخته بودیم. با دقت عکس را نگاه کردم و متوجه شدم اشکان هیچ طلایی به همراه نداشته است. نمی‌دانم چرا او این دروغ را مطرح کرده است.»

با برملا شدن این موضوع، بار دیگر تحقیقات از اشکان صورت گرفت و مرد جوان این‌بار مدعی شد: «من طلاهایم را فروخته بودم اما زمانی که دزد به ما زد، با خودم گفتم بگویم طلاهای من هم به سرقت رفته است تا بتوانم پولی از این ماجرا به دست بیاورم.»

وسوسه سرقت

اظهارات متناقض اشکان باعث شد بازپرس امیرحسین شریفی‌وند به او مشکوک شود. در تحقیقات صورت گرفته از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی، مشخص شد اشکان نه‌تنها وضع مالی خوبی، بلکه کار و کاسبی هم ندارد. از سوی دیگر یک پیامک در گوشی او باعث شد پلیس وی را به‌عنوان مظنون به سرقت بازداشت کند.

کارآگاهان پی بردند اشکان روز حادثه و لحظاتی قبل از سوار شدن به خودروی دختر جوان به شخصی پیام ارسال کرده و نوشته است: «موقعیت مکانی آنلاین را برایت ارسال می‌کنم تا بتوانی به‌راحتی ما را پیدا کنی.»

با به دست آمدن این سرنخ و مدارک دیگر، وقتی اشکان برای سومین‌بار مقابل بازپرس دادسرای ویژه سرقت قرار گرفت به سرقت چندین میلیاردی با همدستی پسر خاله‌اش اعتراف کرد. او گفت: «من در یک شرکت کارمند ساده هستم، وضع مالی‌ام هم خوب نیست اما همیشه دلم می‌خواست آدمی پولدار باشم، در صفحه اینستاگرام هم خودم را مهندس معرفی کرده بودم تا اینکه با این دختر آشنا شدم. هر چقدر وضع مالی من بد بود، او پولدار بود. وقتی از این موضوع باخبر شدم، تصمیم گرفتم سناریوی سرقت طلاهایش را طراحی و اجرا کنم.»

مرد جوان ادامه داد: «ماجرا را با پسر خاله‌ام درمیان گذاشتم و او هم قبول کرد کمکم کند. به بهانه اینکه قیمت طلا رو به کاهش است، ملیکا را مجاب کردم تا همه طلاهایش را بفروشد. باور کنید من با پول طلاهای او می‌توانستم یک خانه کوچک در پایین شهر برای خودم بخرم. چون خیلی به من اعتماد داشت، باور کرده بود که من وضع مالی خوبی دارم و می‌خواهم با او ازدواج کنم، قبول کرد طلاهایش را بیاورد. از قبل با پسر خاله‌ام هماهنگ کردم ما را تعقیب و در محلی خلوت راه ما را سد کند. با فروش طلاها وضع مالی‌ام خوب می‌شد و می‌توانستم با او ازدواج کنم یا اینکه بهانه‌ای بیاورم و رابطه‌ام را با او تمام کرده و هر کدام به دنبال زندگی‌مان می‌رفتیم.»

با اعتراف مرد جوان، پسر خاله او نیز بازداشت شد و طلاهای سرقتی قبل از اینکه سارقان فرصت کنند طلاها را بفروشند، به مالباخته برگردانده شد.

تلنگر

خانه پدری پناهگاه امن دختر است

گروه حوادث فرناز قلعه دار/ یک جمله آشنا و قدیمی را شاید بارها همه ما شنیده باشیم اینکه می‌گویند «صبر کن خودت پدر یا مادر بشوی بعد متوجه می‌شوی که...» این جمله را معمولاً از والدینی می‌شنویم که رفتار محبت‌آمیز و نرمش و انعطاف‌پذیری آنها با فرزندانشان در شرایطی خاص مورد نقد افرادی قرار می‌گیرد که خودشان درک درستی از حس پدری یا مادری نسبت به فرزند ندارند. این جمله یعنی تا خودت پدر نشوی نمی‌توانی درک کنی که عشق پدر و مادر به فرزند با هیچ معیار و مقیاسی قابل اندازه‌گیری نیست. پدر یعنی حامی، یعنی تکیه گاه، یعنی از هر جا واماندی مطمئن باشی یک آغوش امن در گوشه‌ای از این دنیا وجود دارد که در بدترین شرایط می‌توانی به آن پناه ببری و احساس امنیت کنی. مادر یعنی از هر کسی بی‌محبتی دیدی نگران نباشی چون عشق مادرت با هیچ عشقی در دنیا قابل قیاس نیست و با وجود عشق پدر و مادرت نیازی به گدایی محبت از کسی نداری.

اما این روزها گاهی با اخباری مواجه می شویم که مفهوم امنیت در خانه را می تواند با چالش همراه کند. دختری که باید و صد البته باید از هر جا بی‌توجهی و آسیب دید آن را در گرمای آغوش پدر و مادرش جبران و فراموش کند به جایی می‌رسد که زیر کتک‌های پدر و مقابل نگاه‌های متعجب دوستانش از درد جسمی و تحقیر و شماتت و خُرد شدن روحش به خود می‌پیچد و هیچ کسی حتی مدیر و معلمی که موظف به حفظ جان و مال بچه‌هایمان در مدرسه هستند فقط در قامت یک نظاره گر شاهد تنش روحی و ضرب وشتم دختر دانش‌آموزشان هستند.

این روزها همه جا صحبت از سوگند است؛ سوگندی که در ۱۶ سالگی به اندازه یک عمر عذاب کشیده بود. مادرش طلاق گرفته و پدرش با زنی دیگر وصلت کرده بود تنها دلخوشی‌اش دفترچه خاطراتی بود که غم‌های بی‌شمار و شادی‌های انگشت شمارش را در آن بنویسد و فقط خودش بداند و خدا. دلش به چند دوست و همکلاسی معدود خوش بود و لحظه‌ای حرف و درددل با دوستانش که آن را هم از سوگند گرفتند. می گویند پدرش قصد تغییر شهر و محل زندگی داشت به خاطر کارش اما سوگند دلش نمی خواست دلخوشی‌های کوچکش را با این مهاجرت اجباری از دست بدهد. اما آن روز شوم پدر با کوهی از مشکلات انباشته در قلبش وقتی با صدای مدیر مدرسه و یک گلایه نابجا از دخترش روبه‌رو شد انگار باروت انباشته در قلب و مغزش که منتظر یک جرقه بود منفجر شد و آتش آن دامن سوگند تنها را گرفت. غرور نوجوانی این دختر زیبا و غمگین مقابل ده‌ها چشم کنجکاو، گریان و شاید هم حسود، خرد شد و مثل خودش بر زمین ریخت.

پدرش می‌گوید سوگند خودکشی کرده است و خودش را از طبقه پنجم خانه‌شان در کرمانشاه به پایین انداخته است اما اگر هم خودکشی کرده باشد بی‌تردید رفتار پدرش در این تصمیم نقش زیادی داشته است. طبق ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی، تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدوم شدن دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

شاید اگر پدر او روز حادثه چنین رفتاری با دختر نوجوانش نداشت این دختر امروز زنده بود. به گفته بستگان و دوستان سوگند او دختری پرازامید به آینده بود. دوست داشت پزشک شود و زندگی مستقلی برای خودش بسازد.

در این ماجرا نباید از رفتار غیر مسئولانه مدیر و معاونان و معلمان مدرسه سوگند نیز چشم‌پوشی کرد. مگر نگفته‌اند مدرسه خانه دوم دانش‌آموزان است؟! مگر زمانی که بچه‌های ما در مدرسه هستند ما به اعتماد و اطمینان مسئولان مدرسه خیالمان از بچه هایمان راحت نیست؟ چرا مدیر مدرسه از وظیفه اصلی خود غفلت کرده است؟ اگر سوگند خطایی هم کرده بود مدیر مدرسه مگر نقش مشاور و راهنما ندارد چرا به جای هشدار، تذکر، راهنمایی و مشاوره او را رها کرد؟

البته جا دارد از اقدام سریع و به موقع آموزش و پرورش در این حادثه قدردانی کرد. چرا که سخنگوی وزارت از پیگیری این حادثه خبر داد و گفت پیگیری ابعاد این پرونده با جدیت ادامه دارد و در صورت احراز هرگونه قصور یا تخلف از سوی عوامل مدرسه، برخورد قانونی صورت خواهد گرفت. سوگند ما برای پاسداری از فرزندان این سرزمین، همچنان پابرجاست.

هر چند با شنیدن خبر بازداشت پدر سوگند و مدیر مدرسه شاید تا حدودی افکار عمومی آرام‌تر شد اما بی‌تردید تا روشن شدن علت واقعی این حادثه تلخ و مجازات قانونی مقصران و مسببان این فاجعه خواب راحت به چشمان هیچ انسان مطالبه گری نخواهد آمد.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۹۱۸۳

جدول عادی

افقی

۱- پرنده نماد رنگ عوض کردن- دبستان
۲- کار نسنجیده- پرنده‌ای خوش گوشت- رایج
۳- تالاب زیبای شهرستان گنبد کاووس- فحوا و معنی- ادویه مخلوط
۴- سگ پاچه‌گیر- واحد مساحت- بیمار- گروهی از اتم‌ها
۵- نفس خسته- اثر سعدی- قابلیت و استحقاق
۶- درخور- میوه یلدایی- عضو تنفسی
۷- نام «امیری» هافبک فولاد خوزستان- همه موجودات جهان- فلز چهره!
۸- جای ورق زدن خاطرات- انصاف، عدل- پاک کننده غلات
۹- توشه- نمایشنامه- ساختگی و دروغین
۱۰- پهلوان- از گازهای بی‌رنگ و بی‌بو- نوعی امتحان
۱۱- تشویق کننده- دستگاه هواساز- اصفهان قدیم
۱۲- متحد- کشتی گیر آماده- خاک مرغوب- جغد
۱۳- اشعه رنتگن- شهر «دریاچه بزنگان» در خراسان رضوی- محل برگزاری جشن عروسی
۱۴- یارو- جنگ و جدال- پرنده خوش خوراک
۱۵- یگانی در آرایش‌های نظامی- مرکبات محصول میناب

عمودی

۱- نواختن درجا و اتفاقی یک قطعه- پیدا کرد
۲- دربه‌در- مباح و روا- واحد وزن
۳- بازی حرام و خانمانسوز- دومین مرکز شهری و تجاری استان یزد- هنر رنگ و لعاب دادن به صورت برای افزایش زیبایی و جذابیت آن
۴- مسابقات سراسری دوره‌ای- خانه عسلی!- غذای نذری- نوع، جنس
۵- آواز خواب- پوشیده و پنهان- کلام تردید
۶- دوستی- خطرپذیری- زنگ بزرگ کلیسا
۷- لطیف- شهر پالایشگاه- گشتزنی
۸- طریقه چاپ کردن با ماشین رتاتیو- همدم- با «تاز» آید
۹- دیگ پایه- شهرکی حومه تهران- آب بُنیان‌گن
۱۰- الهه جنگل- فراوانی- طرز پوشاک
۱۱- موضوع آهنگ- درجات، دفعه‌ها- توقف و وقفه
۱۲- رویه‌ای متقابل میان همسران- طلا- ناحیه و سمت- نقطه ضعف
۱۳- آسودگی، راحتی- نوعی طلاق- مجوز ورود به تماشاخانه
۱۴- پول اروپای متحد- دهمین ماه سال قمری- سنگ‌های قیمتی
۱۵- سوی راست- قناد

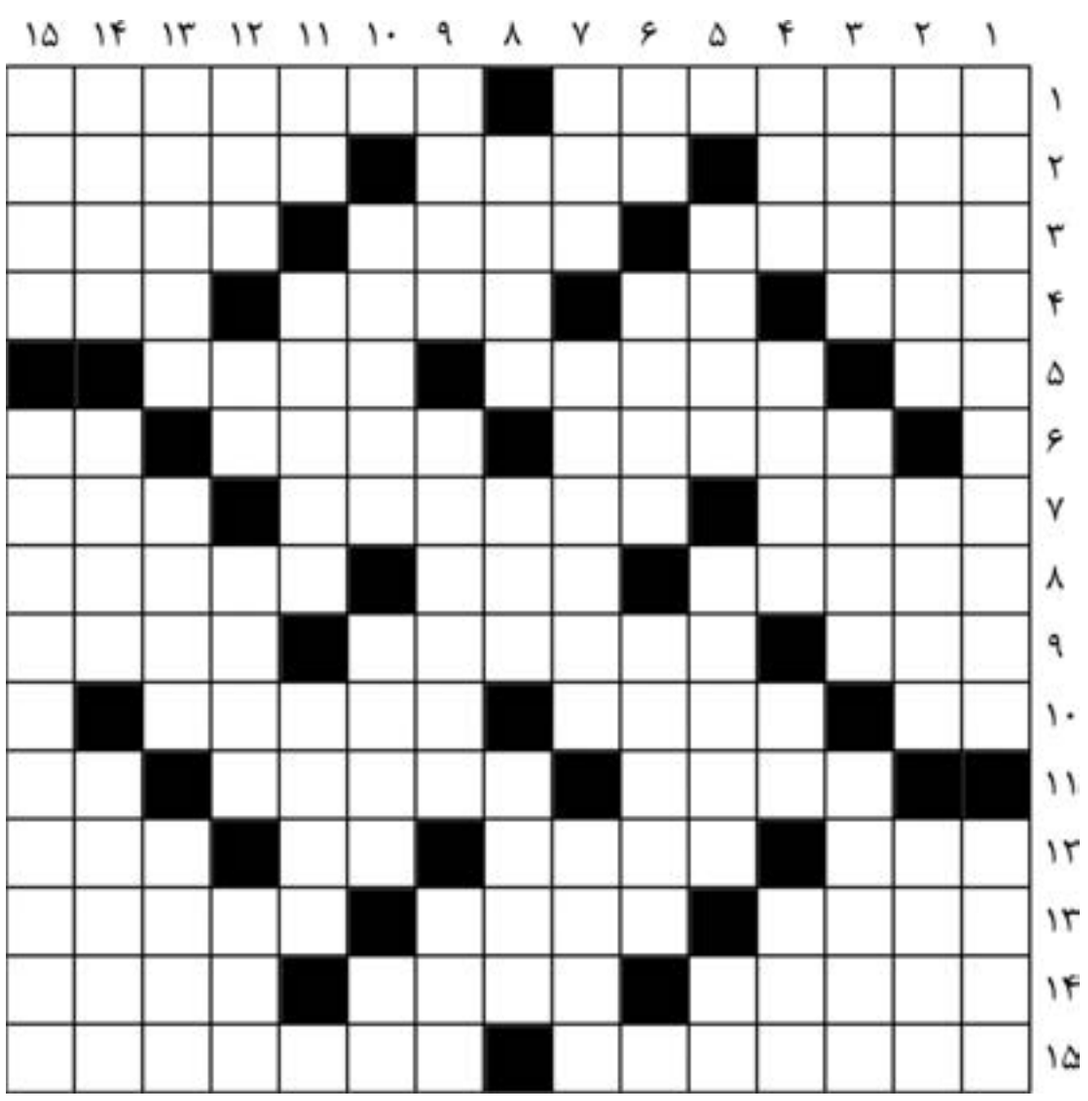
جدول ویژه

افقی

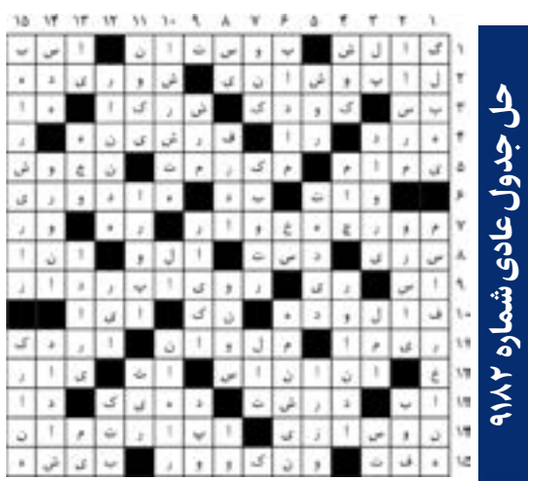
۱- درختچه آپارتمانی- شهر «اسپانیا»
۲- مراجعت کردن- کشور آفریقایی- فیلم مسعود کیمیایی
۳- جمع زاویه- شکل و قیافه- شیرینی لاهیجان
۴- از خود راضی- چاشنی فست‌فودها- ظرف نگهداری و حفظ مواد جامد و مایع- کشت بارانی
۵- پادشاه- موافق- انبار
۶- به زحمت پیدا می‌شود- جنگل شاعرانه- مرز میان دو چیز
۷- صفت نوشیدنی خیلی سرد- قطعه‌ای در ماشین- آینه مقعر
۸- برابر در وزن- فریاد اعلام خبر- نوعی کشتی
۹- با «هوی» آید- درختچه گرمسیری یا استوایی- باریک و نازک
۱۰- یک لحظه- وسیله خنک نگهدارنده- سزاوارتر بودن برای سرپرستی مسلمانان
۱۱- دانه گیاهی پروتئینی و روغنی- مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی- آخرین یک‌رقمی
۱۲- تیغ گل- گذرگاه- مرغ فرنگی- کلامی در مقام فهمیدن
۱۳- اجرای نقش- قدرت- هم‌سن
۱۴- قابل تصور- استخوانی در مچ پا- پاک
۱۵- شهر «روسیه»- پدر شیمی آلی

عمودی

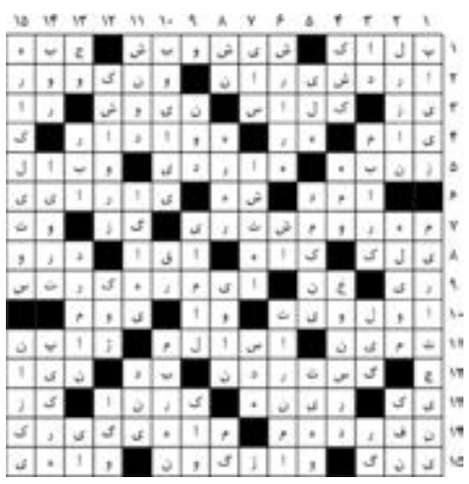
۱- فیلم به‌یاد ماندنی «فتحعلی اویسی» فقید- پنجم عرب
۲- الگو- شک و وهم- پیام‌رسان ایرانی
۳- دیوار- وسیله‌ای که برای گرم شدن در زمستان در خانه‌ها استفاده می‌شود- عنوان
۴- بی‌درنگ- اشاره تأکیدی نزدیک- کجاست؟- کلمه درد
۵- معروف- عنصری کمیاب- حرف نشانه مفعول
۶- پول کشور آفتاب تابان- شهری تاریخی در آذربایجان شرقی- صفت ابروی زیبا
۷- نور دهنده- فیلم هاتف علیمردانی- نبود و نداشتن
۸- قطعی برای کتاب- سرپُر گندم- خروس صحرایی
۹- معادل «آنلاین»- عنصر شیمیایی- زمان بی‌آغاز
۱۰- مرمت- رب‌النوع- بزرگ‌مرد
۱۱- شگرد- تایر زمستانی- مرآت
۱۲- پارچه‌ای از پشم شتر- آفرین- از دست رفته- از انجیل‌ها
۱۳- از رنج رها شدن- شامی کباب- نفوذ ماده حلال
۱۴- زاپاس خودرو- فرمانروا- آخرین
۱۵- نیکوروی- اثری از «آرتور شنیتسلر»



حل جدول عادی شماره ۹۱۸۲



حل جدول ویژه شماره ۹۱۸۲



خبر خودرو

انتقاد عضو کمیسیون صنایع مجلس از افزایش قیمت خودرو



عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، با بیان اینکه فرآیند معقولی در حوزه تأمین خودرو وجود ندارد، گفت: «خودروسازان به بهانه‌های مختلف از جمله افزایش نرخ ارز، تأمین مواد اولیه و نزدیک کردن قیمت کارخانه و بازار به طور مستمر نسبت به گران‌سازی خودروهای داخلی اقدام می‌کنند.»

ابوالقاسم جراره در گفت‌وگو با خانه ملت با بیان اینکه وضعیت بازار خودرو باعث نگرانی مردم شده است، گفت: «خودرو از جمله کالاهایی است که از نیازهای ضروری جامعه محسوب می‌شود و مردم انتظار دارند دولت، مجلس و نهادهای متولی برای ساماندهی این بخش تصمیمی بگیرند که گره از مشکلاتشان بگشاید.»

نماینده مردم تهران، ری، شمیرانات، اسلامشهر و پردیس در مجلس شورای اسلامی، ادامه داد: «هم‌اکنون قیمت‌های سرسام‌آور خودروهای داخلی باعث شده خرید خودرو برای عده‌ای از مردم به آرزو تبدیل شود کما اینکه یک کارمند با حقوق ۲۵ میلیون تومان نمی‌تواند نسبت به خرید خودرو اقدام کند.»

او تصریح کرد: «متأسفانه مسئولان مربوطه نیز تاکنون نتوانسته‌اند به دلایل مختلف، نیاز اقشار کم درآمد جامعه به تأمین خودرو را رفع کنند، کما اینکه شاهد صف‌های طولانی از افرادی هستیم که بیش از دو سال است ثبت‌نام کرده یا خودروهایشان را اسقاط کرده‌اند یا حتی مادرانی که برای دریافت خودرو مشمول قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت هستند اما همچنان در صف تحویل خودرو بلاتکلیف مانده‌اند.»

خودروی داخلی

تارا اتوماتیک V4 سدان خانوادگی بازار ایران



تارا اتوماتیک V4 یکی از خودروهای پرتقاضا در بازار خودروهای داخلی است که در ادامه عرضه نسخه V2 و با تغییراتی در بخش تجهیزات رفاهی و ظاهری به بازار معرفی شد. این خودرو که با پسوند LX نیز شناخته می‌شود، از نظر فنی تفاوت چندانی با نسخه‌های اتوماتیک قبلی ندارد، اما اضافه شدن امکاناتی مانند سانروف، صندلی‌های برقی مجهز به گرمکن، ورود بدون کلید و باز شدن صندوق عقب با حرکت پا، سطح تجهیزات آن را ارتقا داده است. تارا V4 بر پایه پلتفرم PF1 گروه پژو سیتروئن توسعه پیدا کرده و از نظر ابعاد بدنه و فضای کابین در دسته سدان‌های خانوادگی قرار می‌گیرد.

مشخصات فنی و عملکرد

تارا اتوماتیک V4 از پیشرانه چهار سیلندر ۱.۶ لیتری TU5P با حجم دقیق ۱۵۸۷ سی‌سی و ۱۶ سوپاپ بهره می‌برد. این موتور توانایی تولید ۱۱۳ اسب بخار قدرت در دور موتور ۵۸۰۰ و حداکثر گشتاور ۱۴۴ نیوتن‌متر در دور موتور ۴۰۰۰ را دارد. نیروی تولیدی پیشرانه از طریق جعبه‌دنده شش سرعته اتوماتیک به چرخ‌های جلو منتقل می‌شود. شتاب صفر تا ۱۰۰ کیلومتر بر ساعت این سدان حدود ۱۳ ثانیه و حداکثر سرعت آن نزدیک به ۱۹۰ کیلومتر بر ساعت اعلام شده است. مصرف سوخت ترکیبی تارا V4 نیز حدود ۷.۳ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر است. این خودرو با وزن تقریبی ۱۲۳۴ کیلوگرم، به باک سوخت ۵۰ لیتری و صندوق عقب ۶۴۰ لیتری مجهز شده است.

امکانات و تجهیزات

تارا اتوماتیک V4 در مقایسه با نسخه V2 از تجهیزات رفاهی و ایمنی بیشتری برخوردار است. چهار کیسه هوای راننده، سرنشین جلو و جانبی، سیستم کنترل پایداری الکترونیکی، کنترل کشش، سیستم کمکی حرکت در سربالایی، ترمزهای دیسکی چهار چرخ، سیستم پایش فشار باد تایرها و دوربین عقب، از جمله امکانات ایمنی این خودرو هستند. در بخش رفاهی نیز تجهیزاتی مانند سانروف، ورود بدون کلید و استارت دکمه‌ای، کروز کنترل، سنسور نور و باران، آینه‌های جانبی تاشونده برقی، آینه داخلی الکتروکرومیک و سیستم تهویه مطبوع برقی در نظر گرفته شده است. صندلی‌های جلو با تنظیم برقی و گرمکن، فرمان برقی با روکش چرمی، نمایشگر لمسی سیستم مالتی‌مدیا و شیشه‌های برقی مجهز به سیستم آنتی‌ترپ از دیگر امکانات این سدان هستند. یکی از ویژگی‌های قابل توجه تارا V4، قابلیت باز شدن صندوق عقب با حرکت پا در زیر سپر است که در کنار امکان باز کردن صندوق از طریق ریموت، کاربری آن را برای استفاده‌های خانوادگی آسان‌تر می‌کند. از نظر ظاهری نیز چراغ‌های عقب با طرح جدید، رینگ‌های آلومینیومی ۱۶ اینچی و آنتن کوسه‌ای از جمله تفاوت‌های این نسخه با مدل‌های قبلی تارا هستند.

قیمت در بازار

بررسی قیمت‌ها در ۲۹ آبان ۱۴۰۵ نشان می‌دهد تارا اتوماتیک V4 مدل ۱۴۰۵ در بازار آزاد با قیمتی در حدود ۴ میلیارد و ۲۸۰ میلیون تا ۴ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان معامله می‌شود. قیمت کارخانه‌ای این خودرو نیز در بازه ۲ میلیارد و ۴۷۰ میلیون تا ۲ میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان قرار دارد. به این ترتیب، اختلاف قیمت بازار و کارخانه بسته به نرخ عرضه و معاملات روز، از حدود ۱ میلیارد و ۸۱۰ میلیون تا ۲ میلیارد و ۸۰ میلیون تومان متغیر است. این فاصله قیمتی نشان می‌دهد تارا اتوماتیک V4 نیز با وجود تولید داخلی، همچنان تحت تأثیر شکاف میان قیمت کارخانه و بازار آزاد قرار دارد.

رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران»:

آزادسازی قیمت، بساط واسطه‌گری تایر را جمع می‌کند



گزارش

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

سال‌ها فاصله قیمت کارخانه و بازار تایر، خرید این کالا را برای گروهی به فرصتی برای کسب سود تبدیل کرده بود؛ عده‌ای در صف خرید می‌ایستادند و چند قدم آن‌طرف‌تر تایر را با قیمتی بالاتر می‌فروختند. حالا با کنار رفتن قیمت‌گذاری دستوری قرار است این معادله تغییر کند.

تولیدکنندگان می‌گویند اگرچه افزایش هزینه مواد اولیه، ارز و حمل‌ونقل راهی جز اصلاح قیمت‌ها باقی نگذاشته بود، اما آزادسازی قیمت می‌تواند به حذف بازار دونرخی، کاهش واسطه‌گری و رونق تولید کمک کند. جمال میرزایی، رئیس انجمن صنعت تایر در گفت‌وگو با «ایران» تأکید می‌کند: «آرامش بازار بیش از هر چیز به تداوم تولید و افزایش عرضه وابسته است.» هرچند مشکلات تأمین مواد اولیه و انرژی همچنان سایه سنگینی بر آینده این صنعت انداخته است.

با آزادسازی قیمت تایر و واگذاری اختیار تعیین نرخ به تولیدکنندگان، چه اتفاقی در بازار رخ خواهد داد؟ آیا باید منتظر آرامش قیمت‌ها باشیم؟

بله، با این تصمیم بخشی از التهاب بازار کاهش پیدا می‌کند. یکی از مشکلات اصلی بازار تایر، فاصله قیمت کارخانه و بازار آزاد بود. در مقاطعی این اختلاف به ۶۰ تا ۷۰ درصد هم می‌رسید و همین مسأله زمینه سوداگری و واسطه‌گری را فراهم می‌کرد. افرادی تایر را با قیمت مصوب خریداری می‌کردند و چند قدم آن‌طرف‌تر با نرخ بالاتری می‌فروختند. با اصلاح نظام قیمت‌گذاری، این بازار دونرخی به‌تدریج از بین می‌رود و خرید تایر با هدف کسب سود از اختلاف قیمت، جذابیت گذشته را نخواهد داشت. از سویی دیگر، وقتی مصرف‌کننده با قیمت واقعی‌تری روبه‌رو باشد، خرید خود را براساس نیاز انجام می‌دهد، نه با این تصور که ممکن است در آینده تایر کمیاب یا گران‌تر شود. در نتیجه، صف‌های خرید، واسطه‌گری و بخشی از مشکلات نظارتی نیز کاهش پیدا می‌کند. البته هدف این نیست که قیمت‌ها بدون ضابطه افزایش پیدا کنند؛ بلکه باید شرایطی فراهم شود که تولیدکننده با سود معقول به فعالیت ادامه دهد و بازار نیز از التهاب فاصله بگیرد.

با این حال، افزایش حدود ۳۰ درصدی قیمت تایرهای سواری در شرایطی اتفاق افتاد که پیش از این صحبت از تلاش برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها بود. این افزایش با وعده‌های قبلی تولیدکنندگان مغایرت ندارد؟

مسأله این است که هزینه‌های تولید در ماه‌های اخیر تغییر کرده و تولیدکننده نمی‌تواند نسبت به این تغییرات بی‌تفاوت باشد. قیمت ارز افزایش پیدا کرده و برخی مواد اولیه که پیش‌تر با نرخ‌های پایین‌تری تأمین می‌شدند، حالا در گروه‌های کالایی دیگر قرار گرفته‌اند و باید با نرخ‌های بالاتری خریداری شوند. قیمت جهانی برخی مواد اولیه نیز افزایش داشته و هزینه‌های لجستیک و حمل‌ونقل به‌شدت بالا رفته است.

برای نمونه، هزینه حمل هر کانتینر مواد اولیه از چین یا مالزی به ایران به حدود ۲۱ تا ۲۲ هزار دلار رسیده است. از طرف دیگر، بخشی از تخصیص‌های ارزی که پیش‌تر با نرخ حدود ۱۴۰ هزار تومان محاسبه می‌شد، اکنون به حدود ۱۹۰ هزار تومان رسیده است. برخی مواد، قطعات و ماشین‌آلات نیز در گروه‌های کالایی دوم و سوم قرار گرفته‌اند و باید با نرخ‌های بالاتر ارزی مثلاً ۲۶۰ هزار تومان تأمین شوند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت قیمت محصول نهایی ثابت بماند، اما تمام هزینه‌های تولید افزایش پیدا کند. اگر کسی وعده بدهد که با وجود این شرایط هیچ افزایشی در قیمت رخ نمی‌دهد، وعده واقع‌بینانه‌ای نداده است. آنچه باید کنترل شود، افزایش بی‌رویه قیمت، سوداگری و برهم خوردن تعادل بازار است.

آیا افزایش تولید می‌تواند در ادامه به کاهش قیمت‌ها در بازار آزاد منجر شود؟

قطعاً افزایش تولید یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تعادل در بازار است. ما همواره تأکید کرده‌ایم که باید شرایطی فراهم شود تا تولید اقتصادی باشد و بنگاه‌ها در فرآیند تولید متحمل زیان نشوند. وقتی تولیدکننده بتواند با اطمینان بیشتری فعالیت کند، انگیزه لازم برای افزایش تولید نیز به وجود می‌آید. افزایش عرضه، رقابت میان تولیدکنندگان را بیشتر می‌کند و در نهایت می‌تواند به کاهش التهاب و تعدیل قیمت‌ها در بازار آزاد منجر شود.

خوشبختانه در بخش تایرهای سواری، تولید داخلی در ماه‌های اخیر رشد مناسبی داشته است. در مقایسه با چهار ماه ابتدایی سال، حدود ۳۱ درصد افزایش تولید داشته‌ایم و روند رشد همچنان ادامه دارد. هرچه موجودی تایر در بازار بیشتر باشد، امکان سوداگری و ایجاد کمبود مصنوعی کمتر خواهد شد. با وجود این، صنعت تایر همچنان از افزایش هزینه مواد اولیه و مشکلات تأمین آن گلایه دارد.



پیشنهاد ما این است که برای تایر و مواد اولیه مورد نیاز این صنعت، تعرفه‌ای معقول در نظر گرفته شود تا هم تولیدکننده داخلی امکان رقابت داشته باشد و هم واردات کالاهایی که بازار به آنها نیاز دارد، با مانع غیرضروری مواجه نشود

مهم‌ترین مانع تولید در شرایط فعلی چیست؟

یکی از مشکلات جدی ما تأمین مواد اولیه است. قیمت برخی مواد وابسته به مشتقات نفت در همین ماه گذشته تقریباً دو برابر شده است. این مواد سهم قابل توجهی در هزینه تولید تایر دارند. از سوی دیگر، هزینه‌های حمل‌ونقل و تأمین مواد از خارج نیز افزایش پیدا کرده است.

واردات هر یک کیلو مواد اولیه یک دلار و نیم هزینه برای تایرسازان دارد. این رقم در مقایسه با گذشته افزایش قابل توجهی داشته است. برخی مواد اولیه‌ای که امکان تولید آنها در داخل وجود داشت نیز به دلیل مشکلات تأمین با محدودیت مواجه شده‌اند.

در کنار این مسائل، محدودیت‌های انرژی هم می‌تواند تولید تایر را در ماه‌های آینده تحت تأثیر قرار دهد؟

بله، موضوع انرژی یکی از نگرانی‌های جدی صنعت است و باید از همین حالا برای آن برنامه‌ریزی کنیم. بویژه با توجه به احتمال افزایش محدودیت‌های برق در سال آینده، واحدهای تولیدی باید به سمت راهکارهایی مانند ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی حرکت کنند. همچنین تأمین و ذخیره سوخت باید مورد توجه قرار بگیرد.

آیا تولید داخلی اکنون توان پاسخگویی به نیاز بازار تایرهای سواری را دارد یا همچنان به واردات وابسته هستیم؟

در بخش تایر سواری، ظرفیت تولید داخل به سطح قابل قبولی رسیده است. هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت و استانداردهای فنی پیشرفت کرده‌ایم. به جرأت می‌توانم بگویم در بسیاری از سایزهای پرمصرف، دیگر نیازی به واردات نداریم و می‌توانیم نیاز بازار را از طریق تولید داخلی تأمین کنیم.

البته ما با اصل واردات مخالف نیستیم. ممکن است بخشی از مصرف‌کنندگان به دلایل مختلف، از جمله سلیقه یا نوع نیازشان، تایرهای وارداتی را ترجیح دهند. باید این امکان برای آنها وجود داشته باشد، اما واردات نیز باید در چارچوب تعرفه‌ای منطقی انجام شود. پیشنهاد ما این است که برای تایر و مواد اولیه مورد نیاز این صنعت، تعرفه‌ای معقول در نظر گرفته شود تا هم تولیدکننده داخلی امکان رقابت داشته باشد و هم واردات کالاهایی که بازار به آنها نیاز دارد، با مانع غیرضروری مواجه نشود.

شما معتقد به قیمت‌گذاری دستوری هم به تولیدکننده و هم به مصرف‌کننده آسیب زده است. این آسیب چگونه به مصرف‌کننده منتقل می‌شود؟

وقتی تولیدکننده نتواند هزینه‌های خود را پوشش دهد، ناچار به کاهش تولید، استقراض یا محدود کردن سرمایه‌گذاری می‌شود. این اتفاق در نهایت عرضه را کاهش می‌دهد و بازار را با کمبود و اختلاف قیمت مواجه می‌کند. در چنین شرایطی، ممکن است افرادی که توان مالی بیشتری دارند، کالا را در زمان مناسب خریداری و برای فروش در آینده نگهداری کنند. در نتیجه، مصرف‌کننده واقعی به جای آنکه مستقیماً از تولیدکننده خرید کند، ناچار می‌شود محصول را با قیمت بالاتر از بازار آزاد تهیه کند. بنابراین قیمت‌گذاری دستوری لزوماً به معنای حمایت از مصرف‌کننده نیست. بویژه در کالاهایی که بیش از ۷۰ درصد نیاز کشور از طریق تولید داخل تأمین می‌شود، باید در استفاده از این سیاست تجدیدنظر کرد. روش‌های دیگری هم برای کنترل قیمت وجود دارد که یکی از آنها ایجاد امکان واردات با تعرفه مشخص و قابل پیش‌بینی است.

ترجمه

مینی‌ون ۵۱۹ اسب بخاری با فناوری هواوی

استلاتو V8 با قوای محرکه تمام‌برقی و قابلیت‌های پیشرفته رفاهی و ایمنی به بازار چین می‌آید

گروه خودرو



برند استلاتو، زیرمجموعه گروه خودروسازی بایک و عضو ائتلاف HIMA، از جدیدترین محصول پرچمدار خود با نام V8 رونمایی کرد. این مینی‌ون لوکس در ۷ تیپ مختلف و با قوای محرکه تمام‌برقی و برادفزا عرضه می‌شود و از فناوری‌های پیشرفته هواوی در بخش رانندگی هوشمند بهره می‌برد.

شرکت استلاتو در تاریخ ۲۰ نوامبر، مینی‌ون بزرگ و لوکس V8 را به صورت رسمی در بازار چین معرفی کرد. این خودرو که در جایگاه محصول پرچمدار این برند قرار می‌گیرد، با ترکیبی از فناوری‌های ارتباطی، امکانات رفاهی پیشرفته و سامانه‌های هوشمند، قصد دارد سهمی از بازار خودروهای چندمنظوره لوکس را به خود اختصاص دهد. استلاتو V8 در مجموع با ۷ تیپ مختلف عرضه می‌شود و خریداران می‌توانند از میان نسخه‌های تمام‌برقی و برادفزا، همچنین مدل‌های دیفرانسیل عقب و چهارچرخ محرک، گزینه مورد نظر خود را انتخاب کنند.

طراحی بزرگ و جادار

استلاتو V8 از نظر ابعاد، خودرویی بزرگ و جادار محسوب می‌شود. طول این مینی‌ون به ۵,۳۳۵ میلی‌متر، عرض آن به ۲,۰۰۵ میلی‌متر و ارتفاع آن به ۱,۸۰۵ میلی‌متر می‌رسد. فاصله محوری ۳,۲۵۰ میلی‌متری نیز فضای مناسبی برای سرنشینان سه ردیف صندلی فراهم می‌کند. چیدمان کابین به صورت ۲+۲+۳ طراحی شده است و ظرفیت حمل ۷ سرنشین را دارد. در نمای بیرونی، طراحان از زبان طراحی موسوم به «حلقه ستاره‌ای هارمونی» استفاده کرده‌اند. بخش جلویی خودرو نیز با طرحی بسته و الهام‌گرفته از پوزه نهنگ شکل گرفته است. یکی از نکات قابل توجه در طراحی بدنه، ضریب درگ ۰,۲۲۶ است که برای خودرویی با این ابعاد، عدد قابل توجهی به شمار می‌رود. درهای کشویی برقی از دیگر ویژگی‌های کاربردی این مینی‌ون هستند که حداکثر تا ۷۳۰ میلی‌متر باز می‌شوند. ارتفاع ورودی کابین نیز تنها ۳۸۰ میلی‌متر است تا سوار و پیاده شدن سرنشینان، به‌خصوص کودکان و افراد سالمند، آسان‌تر باشد.

کابین هوشمند با نمایشگرهای متعدد

فضای داخلی استلاتو V8 با طراحی یکپارچه و الهام‌گرفته از کابین‌های مدرن خودروهای لوکس شکل گرفته است. در این بخش، مجموعه‌ای از سه نمایشگر، در کنار جدیدترین نسخه سیستم کابین هوشمند HarmonyOS هواوی قرار گرفته‌اند.

ارتباط با تجهیزات خانه هوشمند، امکان تعامل خودرو با سیستم‌های خانگی و حتی اتصال به کنسول بازی نینتندو سوئیچ از جمله قابلیت‌های ارتباطی این خودرو هستند. به این ترتیب، کابین V8 تنها فضایی برای جابه‌جایی سرنشینان نیست و امکاناتی فراتر از یک خودروی معمولی را در اختیار آنها قرار می‌دهد.

سیستم صوتی Huawei Sound با ۲۵ بلندگو و توان خروجی ۲,۰۸۰ وات، وظیفه پخش صدا را برعهده دارد. برای سرنشینان عقب نیز یک نمایشگر ۲۱,۴ اینچی در سقف تعبیه شده است تا امکان تماشای محتوای تصویری در طول سفر فراهم باشد.

تمام صندلی‌ها با چرم ناپا پوشانده شده‌اند. با این حال، بخش اصلی امکانات رفاهی به ردیف دوم اختصاص دارد. صندلی‌های این قسمت از ساختار ۱۶ لایه بهره می‌برند و با طراحی موسوم به Zero Gravity، شرایط مناسبی برای استراحت سرنشینان فراهم می‌کنند.

این صندلی‌ها قابلیت تنظیم در زوایای ۴۵، ۹۰ و ۱۸۰ درجه را دارند و علاوه بر چرخش، می‌توانند در امتداد یک ریل ۱,۰۵۶ میلی‌متری به صورت عرضی جابه‌جا شوند. چنین قابلیتی امکان تغییر چیدمان فضای داخلی و تنظیم موقعیت صندلی‌ها متناسب با نیاز سرنشینان را فراهم می‌کند.

دو نسخه تمام‌برقی و برادفزا

استلاتو V8 در هر دو نسخه تمام‌برقی و برادفزا، از پلتفرم ولتاژ بالای ۸۰۰ ولتی استفاده می‌کند. این معماری علاوه بر بهبود عملکرد سیستم انتقال قدرت، امکان شارژ سریع‌تر باتری را نیز فراهم کرده است.

نسخه تمام‌برقی به باتری لیتیوم سه تایی ۱۲۰ کیلووات‌ساعتی ساخت شرکت CATL مجهز شده و در دو پیکربندی دیفرانسیل عقب و چهارچرخ محرک به فروش می‌رسد.

قدرت خروجی نسخه دیفرانسیل عقب ۲۲۷ کیلووات معادل ۳۰۵ اسب بخار است؛ در حالی که مدل چهارچرخ محرک توان ۳۸۷ کیلووات معادل ۵۱۹ اسب بخار تولید می‌کند. حداکثر برد حرکتی این نسخه طبق استاندارد CLTC به ۸۳۰ کیلومتر می‌رسد. همچنین با استفاده از فناوری شارژ سریع، تنها در ۱۵ دقیقه می‌توان انرژی مورد نیاز برای پیمایش ۴۰۰ کیلومتر را به باتری اضافه کرد.

در مقابل، نسخه برادفزا از یک موتور بنزینی ۱,۵ لیتری توربوشارژ به‌عنوان افزایش‌دهنده برد استفاده می‌کند. برای این مدل دو ظرفیت باتری ۵۶ و ۷۵,۴ کیلووات‌ساعتی در نظر گرفته شده است. حداکثر برد ترکیبی این نسخه طبق استاندارد CLTC به ۱,۴۶۵ کیلومتر می‌رسد که نشان‌دهنده تمرکز استلاتو بر کاهش نگرانی‌های مربوط به پیمایش در سفرهای طولانی است.

رانندگی هوشمند هواوی و آمادگی برای خودران سطح ۳

یکی از مهم‌ترین بخش‌های فنی استلاتو V8، مجموعه سامانه‌های رانندگی هوشمند آن است. این خودرو بر پایه معماری آماده برای رانندگی خودران سطح ۳ توسعه‌یافته و به ۳۸ حسگر پیشرفته مجهز شده است. در میان این تجهیزات، ۴ حسگر لیدار نیز دیده می‌شود که وظیفه شناسایی محیط اطراف و جمع‌آوری اطلاعات دقیق از مسیر را بر عهده دارند. در بخش شاسی نیز استلاتو از پلتفرم Tuling هواوی استفاده کرده است.

سیستم تعلیق جلو از نوع دابل ویشبون و در محور عقب از ساختار مستقل پنج‌اتصالی بهره می‌برد. فنرهای بادی دو محفظه‌ای نیز برای بهبود کیفیت سواری و تنظیم ارتفاع خودرو در نظر گرفته شده‌اند. یکی دیگر از تجهیزات قابل توجه V8، فرمان‌پذیری چرخ‌های عقب است که به صورت استاندارد ارائه می‌شود. این سیستم امکان چرخش چرخ‌های عقب تا ۱۲ درجه در هر دو جهت را فراهم می‌کند. علاوه بر آن، قابلیت حرکت خرچنگی (Crab Walk) نیز در این خودرو وجود دارد که با چرخاندن چرخ‌ها در یک جهت مشخص، امکان حرکت مورب خودرو را فراهم می‌کند؛ قابلیتی که می‌تواند هنگام پارک کردن یا عبور از فضاهای محدود کاربرد داشته باشد. در مجموع، استلاتو V8 را می‌توان نمونه‌ای از تلاش خودروسازان چینی برای ترکیب فضای جادار یک مینی‌ون خانوادگی با فناوری‌های پیشرفته خودروهای برقی و لوکس دانست. حضور سامانه‌های هوشمند هواوی، معماری ۸۰۰ ولتی، برد حرکتی بالا و امکانات رفاهی ردیف دوم، این محصول را به رقیبی قابل توجه در بازار مینی‌ون‌های لوکس چین تبدیل می‌کند.

تاریخچه شرکت‌ها

ایران‌خودرو؛ از پیکان تا تارا

شش دهه فراز و فرود یکی از خودروسازان ایران



گروه خودرو

تاریخ ایران‌خودرو به سال ۱۳۴۱ بازمی‌گردد؛ زمانی که احمد و محمود خیامی با تأسیس شرکت ایران ناسیونال، پایه‌های یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های صنعتی کشور را بنا گذاشتند. فعالیت این شرکت در ابتدا با تولید و مونتاژ اتوبوس و مینی‌بوس آغاز شد، اما هدف بنیان‌گذاران آن فراتر از تولید خودروهای تجاری بود. آنها به دنبال ایجاد یک صنعت خودروسازی داخلی و پاسخگویی به نیاز رو به رشد بازار ایران بودند.

ایران ناسیونال در سال‌های اول با همکاری شرکت‌های خارجی، بویژه در زمینه تولید خودروهای تجاری، فعالیت خود را گسترش داد. نقطه عطف این مسیر در سال ۱۳۴۶ رقم خورد؛ زمانی که تولید خودروی پیکان با همکاری گروه خودروسازی روتس انگلستان آغاز شد. پیکان در مدت کوتاهی به یکی از شناخته‌شده‌ترین خودروهای بازار ایران تبدیل شد و نقش مهمی در شکل‌گیری فرهنگ استفاده از خودروی سواری در کشور داشت.

پیکان؛ آغاز یک صنعت

پیکان در مدل‌های مختلفی از جمله کار، لوکس، جوانان، استیشن و وانت تولید شد. استقبال از این خودرو، زمینه افزایش ظرفیت تولید و توسعه شبکه قطعه‌سازی داخلی را فراهم کرد. ایران ناسیونال در کنار تولید خودروهای سواری، فعالیت در حوزه خودروهای تجاری را نیز ادامه داد و به‌تدریج به یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های صنعتی ایران تبدیل شد. در دهه ۱۳۵۰، توسعه ساخت داخل و افزایش ظرفیت تولید در دستور کار شرکت قرار گرفت. با این حال، پس از انقلاب اسلامی، ساختار مالکیت و مدیریت مجموعه تغییر کرد و نام ایران ناسیونال به ایران‌خودرو تغییر یافت. با وجود شرایط اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از جنگ تحمیلی، فعالیت تولیدی شرکت ادامه پیدا کرد.

ورود پژو و تنوع محصولات

پس از پایان جنگ، توسعه صنعت خودرو و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. همکاری با شرکت پژو فرانسه یکی از مهم‌ترین اتفاقات این دوره بود. تولید پژو ۴۰۵ در اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و این خودرو به سرعت جایگاه قابل توجهی در بازار ایران به دست آورد. در ادامه، پژو پارس در سال ۱۳۷۹ به سبد محصولات شرکت اضافه شد. این خودرو با تکیه بر پلتفرم پژو ۴۰۵ و طراحی متفاوت، به یکی از محصولات پرطرفدار بازار تبدیل شد. تولید پژو ۲۰۶ نیز در همین دوره، تنوع محصولات ایران‌خودرو را افزایش داد. این خودرو به دلیل طراحی، ابعاد و ویژگی‌های فنی، توانست مخاطبان متفاوتی را جذب کند.

رؤیای خودروی ملی

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های ایران‌خودرو، طراحی و تولید خودرویی با هویت ایرانی بود. نتیجه این برنامه در سال ۱۳۸۰ با معرفی سمند نمایان شد. سمند به‌عنوان اولین خودروی ملی معرفی شد و آغازگر مسیری تازه در توسعه محصولات اختصاصی شرکت بود. در سال‌های بعد، خانواده سورن نیز بر پایه همین تجربه توسعه یافت. پس از سمند، محصولات دیگری مانند رانا، دنا و دنا پلاس به سبد تولیدی شرکت اضافه شدند. این محصولات نشان‌دهنده تلاش برای افزایش سهم طراحی و مهندسی داخلی در توسعه خودروهای جدید بودند. در سال‌های بعد نیز تارا به‌عنوان یکی از محصولات جدید ایران‌خودرو معرفی شد که با هدف پاسخگویی به نیازهای بازار در کلاس سدان توسعه پیدا کرد.

تحریم‌ها و تغییر مسیر همکاری‌ها

همکاری‌های بین‌المللی ایران‌خودرو در دهه‌های بعد ادامه یافت. مشارکت با رنو برای تولید تندر ۹۰ و همکاری مجدد با پژو از جمله برنامه‌های مهم شرکت بود. با این حال، بازگشت تحریم‌های بین‌المللی در سال ۱۳۹۷ و خروج برخی شرکای خارجی، روند همکاری‌ها و تأمین قطعات را تحت تأثیر قرار داد. در این شرایط، توسعه توان داخلی و استفاده از ظرفیت قطعه‌سازان کشور اهمیت بیشتری پیدا کرد.

فصل تازه مدیریت

یکی از مهم‌ترین تحولات تاریخ ایران‌خودرو در بهمن‌ماه ۱۴۰۳ اتفاق افتاد؛ زمانی که با تغییر ترکیب هیأت‌مدیره، مدیریت این شرکت به بخش خصوصی منتقل شد. این تحول، فصل تازه‌ای در ساختار مدیریتی بزرگ‌ترین خودروساز کشور رقم زد و موضوعاتی مانند افزایش بهره‌وری، بهبود کیفیت، توسعه محصولات جدید و نوسازی خطوط تولید را در مرکز توجه قرار داد. ایران‌خودرو امروز پس از بیش از شش دهه فعالیت، مجموعه‌ای با تجربه گسترده در تولید خودروهای سواری و تجاری، طراحی و مهندسی و همکاری با شبکه قطعه‌سازی کشور است. مسیر آینده این شرکت به توانایی آن در ارتقای کیفیت، توسعه فناوری، افزایش رقابت‌پذیری و حضور مؤثرتر در بازارهای صادراتی وابسته است؛ مسیری که می‌تواند ادامه‌دهنده تاریخی باشد که با تولید پیکان آغاز شد و به توسعه محصولات جدید رسید.

منبع: دانشنامه ویکیجو، تاریخچه ایران‌خودرو



تورهای بی‌ضابطه، محیط‌زیست و حیات‌وحش را به خطر انداخته‌اند

میهمان ناخوانده در خانه طبیعت

یادداشت

نادر نینوایی
گروه زیست بوم

این روزها تورهای بی‌ضابطه طبیعت‌گردی، بیش از گذشته راه خود را به دل جنگل‌ها، کوهستان‌ها و زیستگاه‌های طبیعی باز کرده‌اند؛ کمپ‌هایی که گاه طبیعت را از پناهگاه خاموش جانداران به صحنه‌ای برای برپایی جشن، پایکوبی، موسیقی‌های بلند و دورهمی‌های پرهیاهو بدل می‌کنند. گروه‌هایی که با هیاهو وارد می‌شوند، آتش می‌افروزند، سفره می‌گسترانند، شاخه می‌شکنند و سرانجام با انبوهی از پسماند، رد چرخ خودروها و خاطره چند ساعت خوشگذرانی، راه بازگشت در پیش می‌گیرند. انگار طبیعت را نه زیستگاهی زنده، بلکه عرصه‌ای بی‌صاحب می‌بینند که می‌توان به آن وارد شد، از مواهبش بهره برد و بی‌اعتنا به آنچه بر سرش آمده، ترکش کرد. اما با رفتن آخرین خودرو، زندگی در طبیعت به سادگی به روال پیشین بازنمی‌گردد.

صدای موسیقی شاید خاموش شود، اما آشفتگی‌ای که در زیستگاه بر جای گذاشته، همچنان ادامه دارد. جانوری که از پناهگاهش گریخته، پرنده‌ای که آرامش فصل زادآوری‌اش برهم خورده و حیوانی که به بوی پسماندهای غذایی به جاده کشیده شده، بخشی از هزینه‌ای هستند که حیات‌وحش برای خوشگذرانی بی‌ملاحظه انسان می‌پردازد. ظرف کنسروی که کنار درخت رها شده، کیسه پلاستیکی مدفون در خاک و آتشی که زیر خاکستر هنوز گرما دارد، یادگارهایی نیستند که طبیعت به آنها نیازی داشته باشد.

تلخ‌تر آنکه گاه نام طبیعت‌گردی بر این رفتارها گذاشته می‌شود؛ حال آنکه میان شناخت طبیعت و به آشوب کشیدن آن فاصله‌ای عمیق وجود دارد. طبیعت نه پس‌زمینه‌ای برای عکس‌های یادگاری ماست و نه حیاط خلوتی برای تکرار هیاهوی زندگی شهری. جنگل، خانه جاندارانی است که در انتخاب همسایگان خود اختیاری ندارند.

طبیعت زیر فشار سفرهای بی‌ضابطه

افزایش سفرهای گروهی و ورود خودروهای شخصی به عرصه‌های طبیعی، بدون رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و ضوابط طبیعت‌گردی، به یکی از تهدیدهای جدی زیستگاه‌های حیات‌وحش تبدیل شده است؛ تهدیدی که به گفته مسئولان محیط‌زیست، آثار آن از تخریب پوشش گیاهی و آلودگی زیستگاه‌ها تا برهم خوردن چرخه زیستی جانوران و افزایش خطر تلفات حیات‌وحش امتداد پیدا می‌کند. در این میان، از یک سو سازمان حفاظت محیط‌زیست نسبت به پیامدهای تورهای بدون ضابطه هشدار می‌دهد و از محدودیت اختیارات خود در بسیاری از عرصه‌های طبیعی سخن می‌گوید و از سوی دیگر، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بر ضرورت تفکیک تورهای مجاز طبیعت‌گردی از سفرهای شخصی و غیرسازمان‌یافته تأکید دارد. اختلاف در تعریف و نحوه مواجهه با این فعالیت‌ها، در کنار دشواری نظارت بر ورود گسترده گردشگران به طبیعت، ضرورت ساماندهی این سفرها را بیش از گذشته آشکار می‌کند.

معصومه صفایی، معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به آسیب‌های ناشی از برگزاری تورهای طبیعت‌گردی بدون ضابطه گفت: «این تورها در بسیاری از عرصه‌های طبیعی بدون انجام مطالعات لازم برای تعیین ظرفیت برد گردشگری برگزار می‌شوند و می‌توانند آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیمی به زیستگاه‌ها و گونه‌های جانوری وارد کنند.» به گفته او، در مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، فعالیت‌های گردشگری بر اساس طرح‌های جامع مدیریت مناطق، زون‌بندی و ظرفیت‌های تعیین‌شده انجام می‌شود، اما بسیاری از زیستگاه‌های حیات‌وحش خارج از این مناطق قرار دارند و در آنها نظارت و برنامه‌ریزی گردشگری با محدودیت‌های دیگری مواجه است.

طبیعت‌گردی بدون محاسبه ظرفیت زیستگاه

صفایی با تفکیک مناطق چهارگانه از سایر عرصه‌های طبیعی اظهار کرد: «در مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، تورهای تخصصی طبیعت‌گردی با مجوز این سازمان برگزار می‌شود. فعالیت‌های تفرجی نیز در قالب طرح‌های مدیریت مناطق و بر اساس زون‌بندی مشخص می‌شود. در این طرح‌ها، عرصه‌هایی که بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده ظرفیت لازم برای بهره‌برداری در قالب طبیعت‌گردی پایدار را دارند، مشخص می‌شوند و تفرج می‌تواند به شکل متمرکز یا گسترده انجام شود. در بسیاری از این مناطق نیز ظرفیت برد گردشگری محاسبه شده است تا تأثیر فعالیت‌ها بر طبیعت به حداقل برسد.»

معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با یادآوری اینکه زیستگاه‌های جانوری به مناطق چهارگانه محدود نمی‌شوند، افزود: «بخش گسترده‌ای از عرصه‌های طبیعی خارج از این مناطق نیز زیستگاه جانوران وحشی هستند. با این حال، در بسیاری از این عرصه‌ها مطالعه‌ای برای تعیین ظرفیت برد گردشگری انجام نشده و برگزاری تورهای بدون ضابطه می‌تواند آسیب‌های جدی به خاک، پوشش گیاهی و حیات‌وحش وارد کند.»



از آلودگی صوتی تا تهدید جانوران

این مقام مسئول با هشدار نسبت به پیامدهای تورهای پرتعداد و همراه با پخش موسیقی‌های بلند و نامتعارف بیان کرد: «آلودگی صوتی و نوری می‌تواند چرخه زیستی جانوران وحشی را مختل کند. برای مثال، در فصل زادآوری گونه‌هایی مانند قرقاول و مرال، صداهای ناهنجار ممکن است فرآیندهای صوتی مرتبط با جلب جفت و قلمروطلبی را دچار اختلال کند. روشن کردن آتش، شکستن شاخه درختان برای تأمین هیزم و رهاسازی زباله نیز از دیگر رفتارهایی است که به زیستگاه‌ها آسیب می‌زند.» او با اشاره به پیامدهای رهاسازی پسماندهای غذایی در طبیعت افزود: «باقی‌مانده مواد غذایی می‌تواند جانوران مختلف، از پرندگان لاشه‌خوار و پسماندخوار تا گونه‌های همه‌چیزخواری مانند روباه، شغال و حتی خرس را به محل تجمع گردشگران جذب کند. این موضوع علاوه بر تغییر رفتار جانوران، آنها را در معرض خطرهای دیگری نیز قرار می‌دهد.» صفایی توضیح داد: «حتی اگر گردشگران ۵۰۰ متر تا دو کیلومتر وارد عرصه طبیعی شوند، فاصله زیادی با جاده ندارند و رهاسازی زباله و مواد غذایی می‌تواند جانوران را به محل بکشاند. نزدیک شدن این حیوانات به جاده‌ها احتمال تصادف و تلفات را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، خوردن کیسه‌های پلاستیکی، سفره‌های یک‌بارمصرف و ظروف باقی‌مانده مواد غذایی می‌تواند مشکلات جدی در دستگاه گوارش آنها ایجاد کند. ظروف کنسرو نیز به دلیل لبه‌های تیز ممکن است هنگام تلاش جانوران برای دسترسی به باقی‌مانده غذا، به پوزه و زبان آنها آسیب بزنند.» معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تأثیر صداهای ناهنجار بر گونه‌هایی مانند خفاش‌ها اظهار کرد: «این جانوران برای شناسایی موقعیت و تشخیص محیط اطراف از بازتاب امواج صوتی استفاده می‌کنند و آلودگی صوتی می‌تواند در عملکرد این سازوکار اختلال ایجاد کند. چنین پیامدهایی به گونه‌های خشکی‌زی محدود نیست و در زیستگاه‌های دریایی نیز صداهای ناشی از فعالیت شناورها و تورهای گردشگری دریایی می‌تواند بر آبزیان و ماهی‌ها اثر بگذارد.»

محدودیت اختیارات محیط‌زیست

صفایی در پاسخ به پرسشی درباره تعامل سازمان حفاظت محیط‌زیست با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برای ساماندهی فعالیت تورها گفت: «در مناطق چهارگانه، فعالیت‌های گردشگری در چارچوب ضوابط سازمان حفاظت محیط‌زیست انجام می‌شود، اما در سایر زیستگاه‌ها، از جمله عرصه‌های تحت اختیار سازمان منابع طبیعی، محیط‌زیست اختیار مستقیم چندانی برای مداخله ندارد.» او با اشاره به پیگیری ملاحظات زیست‌محیطی در کمیته ملی طبیعت‌گردی افزود: «سازمان حفاظت محیط‌زیست بارها ملاحظات و پروتکل‌های موردنظر خود را در این کمیته مطرح کرده و طی مکاتباتی نیز آنها را به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرده است.» با این حال، به گفته صفایی، برخی تورها حتی مجوزهای وزارت میراث فرهنگی را نیز ندارند و مشکل اصلی در بسیاری از موارد، قانون‌گریزی برگزارکنندگان است.

> مدیرکل دفتر حفاظت محیط زیست: آلودگی صوتی و نوری چرخه زیستی حیات‌وحش را مختل می‌کند و در فصل زادآوری، جفت‌یابی و قلمروطلبی گونه‌هایی مانند قرقاول و مرال را برهم می‌زند

هزار خودرو در جنگل و تنها یک تور مجاز

در سوی دیگر این موضوع، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بر ضرورت تفکیک فعالیت تورهای مجاز از سفرهای شخصی و غیرسازمان‌یافته تأکید می‌کند. مصطفی فاطمی، مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در گفت و گو با «ایران» با اشاره به افزایش سفرهای گروهی به عرصه‌های طبیعی گفت: «بخش قابل‌توجهی از سفرهایی که به طبیعت انجام می‌شود، در قالب گروه‌های دوستانه و خانوادگی و بدون استفاده از خدمات راهنمایان گردشگری شکل می‌گیرد. تعداد این سفرها بسیار بالاست و در برخی موارد، ورود خودروهای شخصی به مناطق طبیعی به اندازه‌ای است که کنترل پیامدهای زیست‌محیطی آن دشوار می‌شود.»

فاطمی برای توضیح ابعاد این مسأله به تجربه حضور خود در جنگل فندقلو اشاره کرد و گفت: «در یکی از تعطیلات پایان هفته، بیش از هزار خودرو وارد این جنگل شدند، اما از میان آنها فقط یک تور مجاز وجود داشت. نکته قابل‌توجه اینکه همان گروه گردشگری مجاز، حجم زیادی از زباله‌های رهاشده در طبیعت را جمع‌آوری کرده بود.»

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی با انتقاد از تعمیم آسیب‌های ناشی از سفرهای غیرسازمان‌یافته به تمام فعالان عرصه طبیعت‌گردی اظهار کرد: «بسیاری از مجموعه‌های مجاز دغدغه حفاظت از محیط‌زیست دارند و حتی در مناطق طبیعی با افرادی که بدون ضابطه فعالیت می‌کنند، درگیر می‌شوند. تعداد مجموعه‌هایی که بدون مجوز در عرصه‌های طبیعی تور برگزار می‌کنند، بسیار زیاد است و حجم فعالیت آنها با تورهای مجاز قابل مقایسه نیست.»

> مدیرکل دفتر توسعه گردشگری داخلی: در یکی از تعطیلات پایان هفته، بیش از هزار خودرو وارد جنگل شدند، اما فقط یک تور مجاز وجود داشت

چرا سفرهای شخصی جای تورهای مجاز را می‌گیرند؟

این مقام مسئول با اشاره به دشواری‌های فعالیت قانونی در حوزه طبیعت‌گردی گفت: «کسی که بخواهد به شکل مجاز تور برگزار کند، باید الزامات متعددی از جمله داشتن مدیر فنی، راهنمای آموزش‌دیده طبیعت‌گردی، بیمه و رعایت ملاحظات حرفه‌ای و اخلاقی را رعایت کند. این الزامات هزینه برگزاری تور را افزایش می‌دهد و در نتیجه بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند به‌صورت شخصی یا همراه با خانواده و دوستان به طبیعت سفر کنند.»

او با تأکید بر ضرورت تفکیک سفرهای شخصی از فعالیت تورهای حرفه‌ای افزود: «افرادی که با خودروهای شخصی و در گروه‌های خانوادگی و دوستانه وارد عرصه‌های طبیعی می‌شوند، ممکن است بسیاری از اصول زیست‌محیطی را رعایت نکنند. از نظر گردشگری، گروه‌هایی که بدون راهنمای مجاز و بدون رعایت اصول اولیه حضور در طبیعت فعالیت می‌کنند، خارج از چارچوب ضوابط حرفه‌ای طبیعت‌گردی قرار می‌گیرند. در مقابل، راهنمایان مجاز با نگاه حفاظت‌محور فعالیت می‌کنند و در صورت مشاهده زباله یا آتش خاموش‌نشده، برای پاکسازی و رفع خطر اقدام می‌کنند.» فاطمی با اشاره به آموزش‌های تخصصی راهنمایان طبیعت‌گردی اظهار کرد: «راهنمایان مجاز پس از دریافت آموزش‌های عمومی گردشگری، آموزش تخصصی طبیعت‌گردی را نیز پشت سر می‌گذارند و با ملاحظات زیست‌محیطی آشنا هستند. برای مثال، می‌دانند در فصل زادآوری برخی گونه‌ها نباید به زیستگاه‌های آنها تور ببرند. این ملاحظات بخشی از آموزش‌های تخصصی آنهاست.»

آموزش عمومی و مشارکت جوامع محلی

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی درباره برنامه این وزارتخانه برای ساماندهی فعالیت‌های بدون مجوز گفت: «نشست‌هایی با سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان منابع طبیعی برگزار و آمادگی خود را برای همکاری با مجموعه‌های غیرمجاز و کمک به ساماندهی فعالیت آنها اعلام کرده‌ایم. با این حال، نمی‌توان با بستن عرصه‌های طبیعی یا برخورد با تمام کسانی که به شکل غیرمجاز به طبیعت سفر می‌کنند، مسأله را حل کرد.» او آموزش همگانی را یکی از راهکارهای اصلی دانست و افزود: «مردم باید بدانند در زمان ورود به طبیعت چگونه رفتار کنند. برای مثال، در روز سیزده‌بدر به طبیعت می‌رویم، اما هدف نباید آسیب زدن به محیط طبیعی باشد. این آموزش وظیفه یک دستگاه به‌تنهایی نیست و صداوسیما، رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی نیز باید در آن مشارکت کنند.» فاطمی دومین راهکار را استفاده از ظرفیت جوامع محلی دانست و گفت: «وقتی یک منطقه طبیعی را می‌بندیم، گاهی جوامع محلی در ازای دریافت پول، افراد را از مسیرهای دیگر وارد منطقه می‌کنند یا مانع ورود تورهای مجاز می‌شوند تا از آنها پول بگیرند. بنابراین، صرف محدود کردن دسترسی به عرصه‌های طبیعی راهکار مؤثری نیست. باید با آموزش و ایجاد انگیزه در جوامع محلی، آنها را در حفاظت از این مناطق مشارکت داد.»

وی با تأکید بر اینکه دریافت وجه از سوی دهیاری‌ها برای ورود به محدوده‌های طبیعی پیرامون روستاها لزوماً اشکالی ندارد، افزود: «مهم این است که این درآمد در مسیر حفاظت از محیط زیست منطقه هزینه شود و جوامع محلی بدانند با چه گروه‌هایی باید برخورد کنند و کدام گروه‌ها فعالیت مجاز و حفاظت‌محور دارند.» به گفته مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، ساماندهی جوامع محلی و سهیم کردن آنها در بهره‌برداری حفاظت‌محور از منابع طبیعی، یکی از راه‌حل‌های نجات محیط‌های طبیعی کشور است. او تأکید کرد که نگاه بخشی و محدود کردن مسأله به مسئولیت یک دستگاه، نمی‌تواند ابزار بازدارنده مؤثری برای جلوگیری از آسیب به طبیعت باشد.

تجربه جهان چه می‌گوید؟

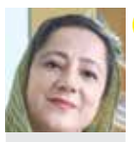
در الگوهای بین‌المللی، طبیعت‌گردی موفق صرفاً به معنای افزایش تعداد گردشگران و درآمد حاصل از سفر نیست؛ بلکه میزان مشارکت گردشگری در حفاظت از زیستگاه‌ها و بهبود معیشت جوامع محلی نیز معیار سنجش موفقیت آن است. شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) در همکاری با سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (UN Tourism) و ائتلاف جهانی هتلداری پایدار، در طرح «گردشگری مثبت برای طبیعت» بر هدف توقف و معکوس کردن روند نابودی تنوع زیستی تا سال ۲۰۳۰ تأکید کرده است. این رویکرد بر کاهش آلودگی، حفاظت از گونه‌ها، مهار مصرف ناپایدار منابع و مشارکت فعال کسب‌وکارهای گردشگری در احیای طبیعت استوار است.

سازمان جهانی گردشگری نیز اکوتوریسم را سفری همراه با آموزش و شناخت طبیعت می‌داند که باید آثار منفی حضور گردشگران را به حداقل برساند و برای جوامع محلی و نهادهای حفاظت از مناطق طبیعی منافع اقتصادی ایجاد کند. اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) و شورای جهانی گردشگری پایدار (GSTC) نیز بر مدیریت جریان بازدیدکنندگان متناسب با ظرفیت و حساسیت زیستگاه، آموزش راهنمایان، تدوین ضوابط رفتاری و پایش مستمر آثار گردشگری تأکید دارند. تجربه کشورهای پیشرو نیز نشان می‌دهد که این اصول قابلیت اجرا دارند. در کاستاریکا، یکی از کشورهای شناخته‌شده در اکوتوریسم، ورود به برخی زیستگاه‌ها با رزرو قبلی، حضور راهنمای محلی و سقف روزانه بازدیدکنندگان انجام می‌شود؛ برای نمونه، در بخشی از پناهگاه حیات‌وحش بارا دل کلرادو، ورود روزانه به ۳۳۰ نفر محدود شده و گروه‌ها نمی‌توانند بیش از ۱۰ نفر باشند. در رواندا نیز ۱۰ درصد درآمد گردشگری پارک‌های ملی به جوامع پیرامونی اختصاص می‌یابد. نیوزیلند هم برای فعالیت‌های تجاری و سازمان‌یافته گردشگری در اراضی تحت حفاظت، مجوز اختصاصی صادر می‌کند و امکان تعلیق یا لغو آن در صورت تخلف را دارد.

برای ایران نیز اول باید میان طبیعت‌گردی مسئولانه و تفریح مخرب تفاوت عملی قائل شد. تعیین ظرفیت برد و سقف ورود گردشگر برای هر زیستگاه، ثبت و رزرو الکترونیکی تورها، الزام به حضور راهنمای آموزش‌دیده، ممنوعیت ورود در فصل‌های حساس زادآوری و اعمال جریمه برای رهاسازی پسماند، آتش‌افروزی و ایجاد آلودگی صوتی باید به بخشی از ضوابط اجرایی تبدیل شود. همچنین بخشی از درآمد تورها و عوارض ورود باید مستقیماً به حفاظت همان زیستگاه و توانمندسازی جوامع محلی اختصاص یابد. مهم‌تر از همه، مسئولیت رعایت این قواعد نباید فقط بر دوش راهنمایان و تورهای مجاز باشد؛ سفرهای شخصی و گروه‌های دوستانه نیز باید تابع مقررات رفتاری متناسب با حساسیت مناطق طبیعی باشند. طبیعت‌گردی زمانی به اکوتوریسم تبدیل می‌شود که حضور انسان نه باری بر دوش طبیعت، بلکه عاملی برای حفاظت از آن باشد.

بوجاق؛ آغوش امن پرندگان، دام چشم‌تنگان

یادداشت



لیلا مسروری
کنشگر محیط زیست گیلان

در میان پهنه‌های طبیعی و ارزشمند وطن‌مان؛ ایران، برخی پهنه‌ها به‌سبب ویژگی‌ها و داشته‌هایشان شناخته‌شده‌ترند. عجبا که به‌جای آنکه این برجستگی و شناخته‌شدن، امنیت بیشتری برایشان به ارمغان بیاورد، گویا آنها را برای چشم‌تنگانِ تیزدندان طبیعت‌خوار، مطبوع‌تر کرده است! پارک ملی خشکی‌دریایی بوجاق، که پیشوند «پارک ملی» عالی‌ترین سطح حفاظت را نوید می‌دهد، یکی از همین لقمه‌های چرب زیر دندان زیاده‌خواهان است.

بوجاق آن‌قدر مشهور است که نیازی به معرفی ندارد؛ نیازی نیست، به سیاق معمول، از وسعتش، مجموعه تالابی‌اش، فون (مجموعه جانوران یک منطقه) و فلورش (مجموعه گیاهان یک منطقه)، پرنده و چرنده و آبزی‌اش، مصب سفیدرود بودنش و میزبانی‌اش از ماهیان خاویاری و مانند آن بگوییم. اشاره به نام بوجاق، خود حجت را بر مخاطب تمام می‌کند. دریغا که بوجاق نیز، مثل تمام عرصه‌ها و پهنه‌های گیلان و شمال، از خوش‌دسترسی‌اش به‌جای نعمت، نقمت نصیب برده است. این روزها اوج حضور پرندگان مهاجر، چه کوچ‌رو و چه عبوری، است؛ پرندگانی که در آسایش بوجاق نفسی تازه می‌کنند و برای ادامه مسیر و رسیدن به مقصد، جانی دوباره می‌گیرند. هرچه هوا در عرض‌های شمالی سردتر شود، حضور انواع پرندگان شکاری، آبزی و کنارآبزی در آغوش گرم و امن بوجاق بیشتر می‌شود؛ و وسوسه وسواسانِ خناس برای زنده‌گیری گونه‌های ارزشمند نیز فزونی می‌گیرد!

به‌خصوص که بوجاق، در مقایسه با بسیاری از مناطق، تاکنون از آفت ساختمان‌های بلند دور مانده است؛ فراخنای آسمانش برای انواع پرندگان، شاهین‌سانان و دیگر پرندگان، مطبوع و پذیراست. در بازدیدی که از منطقه داشتیم، سازه عجیبی دیدیم که همچون شاخه‌ای افقی، لابه‌لای شاخه‌های درخت توسکا جاسازی شده بود؛ با این هدف شوم که به‌محض لحظه‌ای آرام‌گرفتن پرنده، بویژه پرندگان شکاری، آن را به دام بیندازد.

تله‌ای عجیب که احتمال جان‌به‌دربردن پرنده از آن تقریباً صفر است. حلقه‌های نخ و نایلون را چنان ماهرانه و شیطانی به هم بافته بودند که تصورِ گیرکردن پنجه پرنده در آن و بال‌بال‌زدنش برای نجات و رهایی، قلب را می‌فشرد. حالا تصور کنید تماشای چنین صحنه‌ای، اسیرکردن و فروختن پرنده و تقلیل‌دادن آن‌همه شکوه خلقت و نقش ویژه‌اش در شبکه زیستی به بهایی ناچیز، چقدر سنگدلی می‌خواهد!

قصد ندارم از اهمیت درآمدزایی پایدارِ پرنده‌نگری و دستاوردهای زایا و مانای طبیعت‌گردی خردمندانه و اصولی بگویم؛ چراکه تکرار واضحات است. اما بیایید چشم‌هایمان را حساس کنیم و با این جمله که «وظیفه محیطبان است، به من چه؟» از کنار ماجرا عبور نکنیم و نگذریم. این، اشتراک تجربه و تقسیم درس‌آموخته‌ای است:

راهنمای گروه کوچک ما، با همت، تلاش، مهارت و البته عشق به طبیعت، خود را به بالای درخت رساند، این تله منحوس را از درخت جدا کرد و پرنده یا پرندگانی را نجات داد!



از آن جنبش که در نشو نبات است
درختان را و مرغان را حیات است
آیا لازم است باز هم بگوییم: «به درویشی کشد نخجیربانی»؟ و مگر در مالی که از شکار و صید ظالمانه به‌دست می‌آید، برکتی هست؟!
امید که همگی، همان‌گونه که در اصل پنجاهم قانون اساسی ـ یکی از پیشروترین اصول میثاق ملی‌مان ـ آمده است، خود را محافظ طبیعت بدانیم.



فلامینگوهای دریاچه مهارلو

با رو به سردی نهادن هوا و شروع فصل سرما هزاران قطعه فلامینگو با پشت سر گذاشتن مسافت‌های طولانی از مناطق شمالی و از سمت آفریقا راهی مناطق جنوبی و گرمسیر می‌شوند. در مسیر مهاجرت آنها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سواحل مناطق گرم‌تر ایران قرار دارد که دریاچه «مهارلو» در استان فارس یکی از این مناطق است. زیستگاه فلامینگوها را مردابهای ساحلی کم عمق، سواحل گلی، ماندابهای حاصل از طغیان دریاچه‌ها و باتلاق‌ها تشکیل می‌دهند. حضور فلامینگوها در دریاچه مهارلو شیراز، جلوه‌ای زیبا از طبیعت و حیات‌وحش استان فارس را به نمایش گذاشته است. تجمع و پرواز فلامینگوها در کنار آب، تصویری تماشایی از زیبایی‌های طبیعی، غنای زیستی و ظرفیت‌های ارزشمند این دریاچه را به نمایش می‌گذارد.

فلامینگو یا مرغ آتشی از رده پرندگان و راسته لک لک سانان است که دارای پاهای دراز، منقاری منحنی، گردنی بلند و خمیده با بدنی بسیار کشیده و پر و بالی سفید و صورتی است. پرنده نر و ماده همشکلند ولی ماده، کمی کوچکتر است و پرنده نابالغ، قهوه‌ای مایل به خاکستری چرک است فلامینگو از ۹۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر بلندی دارد به آرامی راه می‌رود و در حالیکه سر و منقار خود را در آب کم عمق فرو برده، تغذیه می‌کند.



قطع ۸۰۰۰ درخت خشکیده در بوستان یاس فاطمی

رضا بیانی، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران، به ایسنا گفت: «حدود ۸۰۰۰ اصله درخت خشکیده و آفت‌زده در بوستان یاس فاطمی قطع شده و تاکنون نزدیک به ۱۶۰۰ اصله درخت جایگزین آن کاشته شده است.» به گفته او این درختان همزمان با پارک‌های جنگلی چیتگر و سرخه‌حصار نشانه‌گذاری و «چکش‌زده» شده بودند و شمار درختان قطع‌شده در یاس فاطمی کمتر از آن دو پارک است.

جایگزینی با گونه‌های بومی و کم‌آب‌بر مانند زبان‌گنجشک، اقاقیا و بلوط انجام می‌شود و بر اساس طرحی مصوب، تا پایان سال جاری به پایان می‌رسد. بیانی افزود: «تا پایان سال حدود ۶۰۰۰ اصله درخت دیگر نیز در چیتگر و سرخه‌حصار کاشته و آبیاری آنها تأمین خواهد شد.» این خبر پس از آن منتشر شد که خشکیدگی و قطع درختان اول در جنگل دست‌کاشت چیتگر و سپس در سرخه‌حصار به موضوع رسانه‌ها تبدیل شد. به گفته مقام‌های منابع طبیعی، علت اصلی خشکیدگی، کم‌آبی و آفت‌زدگی است؛ هرچند کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند جایگزینی نهال با درختان کهن، کارکرد بوم‌شناختی جنگل شهری را در کوتاه‌مدت بازنمی‌گرداند و باید به جای درمان پس از مرگ، مدیریت آب و پایش آفات در اولویت باشد.

یادداشت



مجید جلالی
کارشناس فوتبال

جوانگرایی مهمتر از جام ملت‌ها

تغییر نسل در تیم ملی فوتبال ایران، تصمیمی است که نمی‌توان آن را به چند بازی و یک تورنمنت محدود کرد. حضور بازیکنان جوان در رقابت‌های بصره، نشانه‌ای امیدوارکننده از آغاز این مسیر بود، اما جوانگرایی زمانی به پروژه‌ای موفق تبدیل می‌شود که با برنامه‌ریزی بلندمدت، اعتماد مستمر و اصلاح ساختار فنی فوتبال ایران همراه باشد.

تورنمنت بصره را می‌توان دوره‌ای انتقالی برای تیم ملی دانست؛ رقابت‌هایی که در آن گروه خوبی از بازیکنان جوان کنار یکدیگر قرار گرفتند و امیدوارکننده ظاهر شدند. البته عملکرد این نفرات نباید باعث شود از کمبودهای موجود در برخی پست‌ها غافل شویم. تیم ملی همچنان به بررسی بیشتر، آزمایش بازیکنان جدید و بویژه جذب نفراتی خلاق در زمین نیاز دارد. فوتبال ایران برای عبور از شرایط فعلی به بازیکنانی احتیاج دارد که بتوانند در لحظات دشوار جریان بازی را تغییر دهند.

جوانگرایی اخیر حرکت مثبتی بود، اما این مسیر باید از پایه آغاز شود. بازیکنان جوان باید در رده‌های سنی مختلف و مسابقات بین‌المللی مقابل حریفان قدرتمند قرار بگیرند تا به‌تدریج با فشار مسابقه آشنا شوند. اعتماد به جوانان و فرصت دادن به آنها، زمینه شکوفایی استعدادهایی را فراهم می‌کند که آینده فوتبال ایران به توانایی‌هایشان وابسته است.

نکته مهم، تعیین هدف اصلی این پروژه است. آیا نگاه فدراسیون و کادرفنی تنها معطوف به موفقیت در جام ملت‌های آسیاست یا باید جام جهانی ۲۰۳۰ را هدف اصلی قرار داد؟ اگر جام ملت‌ها اولویت مطلق باشد، احتمال عقب‌نشینی از سیاست جوانگرایی و بازگشت به ترکیب‌های باتجربه افزایش می‌یابد؛ تصمیمی که شاید نتیجه کوتاه‌مدتی داشته باشد، اما هزینه آن را فوتبال ایران در سال‌های آینده خواهد پرداخت. هدفگذاری برای جام جهانی ۲۰۳۰، فرصت کافی برای ساختن تیمی جوان و هماهنگ در اختیار کادرفنی قرار می‌دهد.

چنین برنامه‌ای بدون وجود یک مرجع فنی و سیاست‌گذار قدرتمند امکان‌پذیر نیست. فوتبال ایران به نهادی نیاز دارد که با کار کارشناسی، راهبرد آینده را مشخص کند و میان رده‌های سنی مختلف پیوستگی ایجاد کند. توسعه فوتبال پروژه‌ای یکجانبه نیست و تمام ارکان آن، از پایه تا رأس فدراسیون، باید همسو حرکت کنند.

تیم ملی همچنین به حداقل سه یا چهار مسابقه تدارکاتی در سال مقابل تیم‌های بزرگ نیاز دارد. حتی شکست مقابل این حریفان نباید مانع تکرار چنین بازی‌هایی شود، چراکه تجربه بین‌المللی برای رشد بازیکنان جوان ضروری است.

کادرفنی نیز به تقویت نیاز دارد. اضافه شدن مربی بدنساز اسپانیایی اتفاق مثبتی است، اما سایر بخش‌های کادر هم باید بازنگری شوند. الزاماً نیازی به مربی خارجی نیست؛ یک مربی باتجربه با دانش روز می‌تواند در پرورش این نسل نقش مهمی داشته باشد. جوانگرایی باید پروژه‌ای پیوسته باشد، نه تصمیمی مقطعی و نتیجه‌محور.

یادداشت



بهتاش فریبا
بازیکن پیشین تیم ملی فوتبال

تیم ملی در مسیر پوست‌اندازی

تغییر نسل در تیم ملی فوتبال، مسیری زمانبر است که موفقیت در آن به صبر، اعتماد و فرصت بازی نیاز دارد. حضور جوانان در تورنمنت بصره را باید شروع پوست‌اندازی دانست؛ تصمیمی که اگر با برنامه‌ریزی و افزایش تدریجی سهم بازیکنان جوان همراه شود، می‌تواند آینده متفاوتی برای فوتبال ایران بسازد.

بازیکنان جوان در کنار نفرات باتجربه‌ای مانند سردار آزمون و سعید عزت‌اللهی می‌توانند در جام ملت‌های آسیا نقش مؤثری داشته باشند. نکته مهم این است که فدراسیون و کادرفنی باید سیاست جوانگرایی را ادامه دهند و طبق برنامه، سرعت این تغییر نسل را افزایش دهند. تعویق یک‌ساله جام ملت‌ها نیز فرصت ارزشمندی برای تجربه‌اندوزی نسل جدید فراهم کرده است. اگرچه تعدادی از بازیکنان دعوت شده لژیونر هستند و برخی دیگر در باشگاه‌های خود جایگاه ثابتی دارند، حضور در تیم ملی به تجربه بیشتری نیاز دارد. آنها باید مقابل حریفان قدرتمندتری قرار گیرند تا فشار مسابقات بین‌المللی را تجربه کنند و برای رقابت‌های بزرگ آماده شوند. عملکرد تیم ملی در بازی اخیر نیز نشان داد این نسل هنوز به زمان نیاز دارد. دریافت گل در دقایق ابتدایی و از دست دادن پنج موقعیت گل، نقاط ضعفی بود که با گلزنی در لحظات پایانی تا حدودی جبران شد. بازیکنانی مانند جواد حسین‌نژاد، حسین گودرزی، افشین صادقی و محمدمهدی محبی نشانه‌های امیدوارکننده‌ای داشتند، اما برای رسیدن به پختگی باید فرصت بیشتری پیدا کنند. انتظار از بازیکنان باتجربه‌ای مانند علی نعمتی، محمد محبی، سردار آزمون و سعید عزت‌اللهی نیز بالاتر است. با وجود ضعف‌ها و کمبودهای موجود، نباید درباره اصل جوانگرایی تردید کرد. بازیکنان جوان در کنار باتجربه‌ها می‌توانند در جام ملت‌ها ترکیب مؤثری بسازند. البته انتخاب نفرات باتجربه باید با دقت انجام شود؛ بازیکنانی در محدوده سنی ۳۰ تا ۳۱ سال که همچنان توانایی بدنی و فنی لازم برای همراهی تیم را داشته باشند. در کنار پوست‌اندازی ترکیب تیم، کادرفنی نیز به تقویت نیاز دارد. با توجه به نبود آندو تیموریان و هومن افاضلی، حضور دو مربی باتجربه و برخوردار از دانش روز می‌تواند به ارتقای کیفیت فنی تیم کمک کند. جوانگرایی زمانی به نتیجه می‌رسد که هم بازیکنان و هم کادرفنی متناسب با اهداف آینده تغییر کنند.

«ایران» ضرورت تداوم جوانگرایی و بازسازی کادر فنی تیم ملی فوتبال را بررسی می‌کند

آسیا با نسخه دیروز فتح نمی‌شود

سینا حسینی/ تورنمنت چهارجانبه بصره در فیفادی نوامبر ۲۰۲۶ فرصتی برای ارزیابی یکی از ضرورت‌های دیرینه فوتبال ایران بود؛ جوانگرایی و عبور تدریجی از نسلی که بخش مهمی از دوران ملی خود را پشت سر گذاشته است. پیروزی دو بر صفر مقابل فلسطین در اولین مسابقه و تساوی برابر عراق در دیدار دوم، در شرایطی رقم خورد که تیم ملی با ترکیبی جوان‌تر به میدان رفت و در پایان نیز عنوان قهرمانی را به دست آورد. این نتایج اگرچه به‌تنهایی معیار قضاوت درباره کیفیت فنی تیم ملی نیست، اما نشانه‌ای امیدوارکننده از ظرفیت نسل جدید فوتبال ایران است؛ نسلی که برای اثبات توانایی‌های خود بیش از هر چیز به اعتماد و فرصت نیاز دارد.

امیر قلعه‌نویی اکنون باید تکلیف خود را با سیاست جوانگرایی روشن کند. دیگر نمی‌توان با اتکا به تجربه گذشته و نام‌های آشنا، فرصت حضور در تیم ملی را همچنان در اختیار بازیکنانی قرار داد که از نظر سنی و شرایط بدنی به سال‌های پایانی دوران حرفه‌ای خود نزدیک شده‌اند. قلعه‌نویی نباید دوباره به سراغ نسل پا به سن گذاشته‌ها برود و با دعوت‌های تکراری، مسیر ورود استعدادهای جوان را مسدود کند. تیم ملی برای حضور قدرتمند در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۸ به بازیکنانی نیاز دارد که علاوه بر توانایی فنی، از انگیزه، آمادگی جسمانی و ظرفیت پیشرفت برخوردار باشند. نمی‌توان از آینده فوتبال ایران سخن گفت، اما همچنان در انتخاب بازیکنان به گذشته تکیه کرد.

جوانگرایی با چند دعوت مقطعی و حضور در تورنمنت‌های دوستانه محقق نمی‌شود. کادر فنی باید به بازیکنان جوان فرصت واقعی بازی بدهد و در مسابقات دشوار نیز به آنها اعتماد کند. اگر قرار باشد با کوچک‌ترین اشتباه، جوان‌ها از ترکیب خارج شوند و جای خود را دوباره به بازیکنان باتجربه اما کم‌تحرک بدهند، سیاست جوانگرایی خیلی زود به شعاری بی‌اثر تبدیل خواهد شد. تیم ملی برای عبور از این مسیر به شجاعت تصمیم‌گیری و ثبات در انتخاب‌ها نیاز دارد. در کنار این ضرورت، تقویت کادر فنی نیز باید در دستور کار قرار بگیرد. فاصله زمانی باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۸ فرصتی ارزشمند است که نباید با آزمون و خطاهای تکراری از دست برود. تیم ملی برای شناسایی و برطرف کردن نقاط ضعف خود به دستیاران متخصص، آنالیزورهای توانمند و نیروهای فنی آشنا با دانش روز فوتبال نیاز دارد. ضعف‌های ساختاری در خط دفاع، کیفیت انتقال توپ، تنوع تاکتیکی و هماهنگی خطوط باید با ارزیابی دقیق شناسایی شوند و برای اصلاح آنها برنامه‌ریزی شود. موفقیت در جام ملت‌ها با تکیه بر نام سرمربی یا توانایی فردی چند بازیکن به دست نمی‌آید؛ بلکه حاصل یک مجموعه فنی منسجم و برنامه‌ریزی‌شده است. سرمربی حال حاضر هنوز فرصت دارد تیمی متفاوت و متناسب با نیازهای فوتبال امروز آسیا بسازد، اما این فرصت نباید با محافظه‌کاری و بازگشت به انتخاب‌های گذشته هدر برود. تورنمنت بصره می‌تواند نقطه آغاز یک تغییر جدی باشد؛ تغییری که در آن جوانگرایی نه یک انتخاب مقطعی، بلکه سیاستی ثابت و غیرقابل بازگشت باشد. فوتبال ایران برای موفقیت در ۲۰۲۸ به نسلی تازه، کادر فنی تقویت‌شده و جسارت عبور از گذشته نیاز دارد.

جلال چراغپور، سرمربی پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

جوانگرایی تیم ملی تیغ دولبه است

مهری رنجبر/ قهرمانی تیم ملی فوتبال ایران در تورنمنت چهارجانبه بصره و میدان دادن به بازیکنان جوان، اولین گام برای تغییر نسل در آستانه جام ملت‌های آسیاست؛ اتفاقی که در نگاه اول می‌تواند امیدوارکننده باشد، اما کیفیت حریفان و عملکرد فنی ملی‌پوشان، ارزیابی این دستاورد را با تردیدهایی جدی مواجه می‌کند. جلال چراغپور، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران» معتقد است تیم ملی حتی با حضور بازیکنان جوان نیز همان فوتبال بدون مهارت و فاقد ساختار مشخص گذشته را به نمایش گذاشت و نتایج بصره نمی‌تواند ملاک مناسبی برای قضاوت درباره آینده این تیم باشد. او با هشدار درباره حذف شتاب‌زده بازیکنان باتجربه، بر ضرورت به‌روزرسانی دانش کادر فنی و برگزاری مسابقات تدارکاتی با حریفان قدرتمند تأکید دارد.



منبع: فدراسیون فوتبال ایران

قهرمانی تیم ملی با حضور بازیکنان جوان در تورنمنت بصره را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این مسابقات توانست تصویر روشنی از آینده تیم ملی ارائه دهد؟

برای ارزیابی دقیق این تورنمنت باید چند متغیر را در نظر بگیریم که به نظرم در تحلیل‌های اولیه چندان به آنها توجه نشد. اولین موضوع، کیفیت حریفان تیم ملی بود. باید ببینیم مقابل چه تیم‌هایی بازی کردیم و این تیم‌ها چه سطحی از فوتبال را ارائه می‌دادند. حریف اول ما فلسطین بود که یک بازیکن اخراجی هم داشت. کیفیت فوتبال این تیم در سطحی نبود که بتوانیم از این مسابقه ارزیابی فنی دقیقی داشته باشیم. تا پیش از اخراج بازیکن فلسطین، نتیجه صفر بر صفر بود و تیم ملی هم تعویض‌های خود را انجام داد. به اعتقاد من، اگرچه دو تیم در زمین حضور داشتند، اما فوتبال چندان قابل توجهی ندیدیم. در بازی دوم مقابل عراق نیز باید به جزئیات توجه کنیم. تیم ملی در همان دقیقه اول گل خورد؛ اتفاقی که خودش نیازمند تحلیل است. بازیکنان عراق بیش از سه بار با دروازه‌بان ما تک‌به‌تک شدند. این آمار را نمی‌توان در ارزیابی خط دفاعی نادیده گرفت. دفاع ایران اشکالات جدی دارد و به کار بیشتری نیازمند است. گل تیم ملی هم از روی ضربه کرنر به ثمر رسید و حتی مدافع میانی ما گلزنی کرد. وقتی تحلیل را عمیق‌تر و علمی‌تر انجام می‌دهیم، باید تعداد شوت‌های حریف، مهارهای دروازه‌بان، موقعیت‌های تک‌به‌تک و دفعات عبور مهاجمان از خط دفاعی را بررسی کنیم. با چنین شاخص‌هایی، تیم ملی در دو مسابقه بصره نمره قبولی نمی‌گیرد. البته اگر با نگاه عمومی و نتیجه‌محور به مسابقات نگاه کنیم، می‌توان گفت این تورنمنت برای شروع بد نبود و فرصت شناخت تعدادی از بازیکنان جوان فراهم شد. اما آیا شکل و شمایل بازی تیم ملی تغییر کرده است؟ خیر. ساختار تیمی ما همچنان مشخص نیست. تیم در زمین مانند ابری حرکت می‌کند که شکل ثابتی ندارد. برنامه تاکتیکی و الگوی مشخصی برای حمله نمی‌بینیم. در بعضی پست‌ها هم عملکرد بازیکنان نگران‌کننده است. برای مثال، دفاع راست تیم ملی عملکرد خوبی نداشت. حردانی گاهی تصور می‌کند یک وینگر راست است، در حالی که ابتدا باید وظایف یک فول‌بک را انجام دهد و مراقب فضای پشت سرش باشد. چندین بار توپ به او رسید و سانترهایش به جای ایجاد موقعیت، به پاس‌های رو به عقب و بیرون تبدیل شد. اگر بخواهم جمع‌بندی فنی داشته باشم، تیم ملی همان فوتبال همیشگی را بازی کرد؛ با این تفاوت که بازیکنان قدیمی مهارت بیشتری داشتند و بازیکنان جوان فعلی از نظر مهارتی فاصله محسوسی با آنها دارند.

با توجه به عملکرد جوانان، آیا می‌توان به این بازیکنان اعتماد کرد و امیدوار بود تا جام ملت‌های آسیا شرایط تیم بهتر شود؟

این بازیکنان به چکش‌کاری و کسب تجربه نیاز دارند تا به یک تیم واقعی تبدیل شوند. چکش‌کاری هم با تمرینات معمولی اتفاق نمی‌افتد؛ آنها باید مسابقات تدارکاتی مناسبی داشته باشند؛ البته منظورم هر مسابقه‌ای نیست. حریف تدارکاتی باید از سطح استانداردی برخوردار باشد تا بازیکنان بتوانند توانایی‌های خود را در برابر یک تیم قدرتمند محک بزنند. وقتی حریف ما در اندازه فوتبال محلات باشد، پیروزی مقابل آن امتیاز فنی چندانی برای تیم ملی ندارد. در کشتی، حریف تمرینی باید از نظر وزن و توانایی متناسب با کشتی‌گیر باشد. نمی‌توان کسی را که اختلاف سطح زیادی با کشتی‌گیر دارد، ملاک ارزیابی قرار داد؛ در فوتبال هم همین قاعده وجود دارد.

تیم‌های بزرگ دنیا مقابل برزیل و دیگر قدرت‌های فوتبال بازی می‌کنند، اما ما به سراغ حریفان سطح پایین می‌رویم و تازه مقابل همان تیم‌ها هم ضعف داریم. باید از آمار و نتیجه فاصله بگیریم و کیفیت واقعی بازی تیم ملی را ملاک قرار دهیم. اگر می‌خواهیم جوانان پیشرفت کنند، باید آنها را در شرایط مسابقه‌ای دشوار قرار دهیم.

به نظر شما کادر فنی باید مسیر جوانگرایی را ادامه دهد یا احتمال بازگشت به بازیکنان باتجربه وجود دارد؟

احساس من این است که در بعضی از پست‌ها ناچار به بازگشت بازیکنان قدیمی خواهیم شد. بهتر است آنها را به‌طور کامل از دست ندهیم. در برخی پست‌ها فاصله میان بازیکنان باتجربه و نفرات جایگزین بسیار زیاد است و این موضوع خطرناک به نظر می‌رسد. برای مثال، جایگزین علیرضا جهانبخش در ابتدایی‌ترین مهارت‌ها، از جمله زمان‌بندی پاس، کیفیت سانتر، ارسال پاس رو به جلو، دوندگی و توپ‌گیری، فاصله زیادی با او دارد. در بعضی پست‌ها نیز شرایط مشابهی داریم. بازیکنانی مانند قدوس و قلی‌زاده تجربه و توانایی‌هایی دارند که جایگزین‌های فعلی هنوز به آنها نزدیک نشده‌اند. نمی‌توانیم بازیکنی را که ۸۰ درصد توانایی یک بازیکن باتجربه را دارد کنار بگذاریم و فردی را جایگزین کنیم که تنها ۲۵ درصد آن کیفیت را ارائه می‌دهد. قرار نیست با دو یا سه مسابقه چنین فاصله‌ای جبران شود. تعداد بازیکنانی که از نظر مهارتی در سطح ۲۵ درصدی قرار دارند، در تیم ملی کم نیست. کادر فنی باید برای این مسأله فکر اساسی کند. راهکار هم برگزاری مسابقات تدارکاتی بیشتر و حفظ تعادل میان جوانگرایی و استفاده از بازیکنان باتجربه است.

با جدایی آندو تیموریان و هومن افاضلی، آیا کادر فنی تیم ملی به تقویت و تغییرات بیشتری نیاز دارد؟

به اعتقاد من، دکتر را باید دکتر برد! شاید حالا که فرصت داریم، فدراسیون فوتبال بتواند اعضای کادر فنی را در دوره‌های بین‌المللی فیفا در آلمان یا هلند شرکت دهد. وقتی کارشناسان داخلی درباره ضعف‌های فوتبال ایران صحبت می‌کنند، گاهی به آنها اتهام غرض‌ورزی می‌زنند یا می‌گویند بیرون گود نشسته‌اند و انتقاد می‌کنند. راه بهتر این است که مربیان خودمان در دوره‌های معتبر شرکت کنند و ببینند فوتبال روز دنیا چگونه تحلیل و آموزش داده می‌شود. باید بدانند فوتبال مدرن چه تعریفی دارد، فوتبال هیجانی چیست و موقعیت‌های بازی چگونه شکل می‌گیرند. وقتی بازیکنی مانند سعید عزت‌اللهی با قد ۱۹۰ سانتی‌متر، در یک درگیری هوایی روی زمین می‌افتد و پایش را می‌گیرد، باید درباره نوع نگاه و آموزش فوتبال در تیم ملی پرسش کرد. مربیان ما باید فوتبال آلمان و هلند را ببینند و تفاوت‌های آن را با فوتبال خودمان درک کنند. اگر آن فوتبال استاندارد است، باید بپرسیم فوتبال ما چه جایگاهی دارد؟

همه اتفاقات همیشه به سود ما پیش نمی‌رود. نمی‌توان با تکیه بر چنین نتایجی تصور کرد مشکلات تیم ملی برطرف شده است. جوانگرایی لازم است، اما بدون برنامه آموزش مسابقات تدارکاتی و استاندارد و حفظ تجربه ممکن است به جای تقویت تیم ملی فاصله‌های تازه‌ای در آن ایجاد کند



بنابراین به‌روزرسانی دانش مربیان را یکی از ضرورت‌های اصلی فوتبال ایران می‌دانید؟

قطعاً. بسیاری از مربیان فعلی تیم ملی در حدود ۴۰ سال پیش فوتبال بازی می‌کردند. فوتبال ایران در آن زمان شرایط بهتری داشت، چون این اندازه از فوتبال روز دنیا عقب نبودیم. آن روزها تیم ملی برزیل به تهران می‌آمد و بازیکنانی مانند پله را در ورزشگاه می‌دیدیم. امروز اما فاصله فوتبال ما با دنیا بسیار زیاد شده است. تیم‌های پایه، امید و بزرگسالان ما از نظر فنی و آموزشی عقب افتاده‌اند. حتی کمیته آموزش فدراسیون هم باید خودش را به‌روز کند. زمانی مدرسان بین‌المللی در کشورهای مختلف دوره برگزار می‌کردند و نوبت ایران هم می‌رسید. امروز که چنین دوره‌هایی کمتر در کشور برگزار می‌شود، چه اشکالی دارد مربیان ما در کلاس‌های معتبر خارجی شرکت کنند؟ این دوره‌ها می‌تواند نگاه آنها به فوتبال را تغییر دهد و دانش تازه‌ای در اختیارشان بگذارد.

با توجه به فرصت باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا، آیا زمان کافی برای بازسازی تیم ملی وجود دارد؟

فرصت یک ساله باقی‌مانده تا جام ملت‌های آسیا برای فوتبال ایران یک پارادوکس است؛ هم نکته مثبت دارد و هم منفی. نکته مثبت، فرصت زمانی برای آماده‌سازی و اصلاح ایرادهای تیم است. نکته منفی این است که وقتی فشار مسابقات و رقابت‌ها کمتر می‌شود، ممکن است تیم‌ها از نظر آمادگی و کیفیت بازی دچار افت شوند. با اینکه همه تیم‌ها در این فاصله به فکر جوانسازی می‌افتند و این روند می‌تواند یک تیغ دولبه باشد.

ما تیم ملی را از نو نساخته‌ایم، بلکه آن را ترمیم کرده‌ایم؛ این دو با هم تفاوت دارند. تصور کنید ساختمانی داریم که بخشی از آن را تخریب می‌کنیم و قسمت جدیدی می‌سازیم. ممکن است بافت قدیمی و جدید با یکدیگر هماهنگ نشوند و ساختمان از همان نقطه آسیب ببیند. تیم ملی هم شرایط مشابهی دارد؛ وقتی بخشی از ساختار قبلی را کنار می‌گذاریم و بازیکنان جوان را جایگزین می‌کنیم، باید مطمئن باشیم که این دو نسل می‌توانند در کنار هم یک مجموعه هماهنگ بسازند. برای مثال، وقتی مهدی طارمی در خط حمله حضور ندارد، جایگزین او هنوز چند سطح با کیفیت و توانایی‌هایش فاصله دارد. با این کیفیت مسابقات تدارکاتی، نمی‌توانیم چنین فاصله‌ای را جبران کنیم و تیم را به شرایط مطلوب برسانیم. به اعتقاد من دو اقدام ضروری است؛ اول اینکه کادر فنی باید دانش خود را با حضور در دوره‌های معتبر بین‌المللی به‌روز کند تا بتواند فوتبال مدرن را به بازیکنان آموزش دهد. دوم اینکه نباید بازیکنان باتجربه را بی‌محابا کنار بگذاریم. باید آنها را حفظ کنیم تا اگر طرح جوانسازی به نتیجه نرسید، تیم ملی بدون پشتوانه نماند.

نباید فراموش کنیم که در تورنمنت بصره هم چند اتفاق به کمک تیم ملی آمد. اگر نیازمند آن موقعیت‌های تک‌به‌تک را مهار نمی‌کرد یا اتفاق مربوط به پنالتی حردانی به شکل دیگری رقم می‌خورد، ممکن بود نتیجه بازی عراق متفاوت باشد. همه اتفاقات همیشه به سود ما پیش نمی‌رود. نمی‌توان با تکیه بر چنین نتایجی تصور کرد مشکلات تیم ملی برطرف شده است. جوانگرایی لازم است، اما بدون برنامه، آموزش، مسابقات تدارکاتی استاندارد و حفظ تجربه، ممکن است به جای تقویت تیم ملی، فاصله‌های تازه‌ای در آن ایجاد کند.

مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

دیگر هیچ کس در تیم ملی حاشیه امن ندارد



پریسا غفاری/ قهرمانی در تورنمنت بصره، برای تیم ملی فوتبال ایران فراتر از بالا بردن یک جام، فرصتی برای نمایش ظرفیت نسل تازه‌ای بود که حالا در کنار ستاره‌ها و بازیکنان باتجربه به دنبال تثبیت جایگاه خود است. نمایش ملی‌پوشان در این رقابت‌ها، بویژه ترکیب جوانی و تجربه در زمین مسابقه، نشانه‌هایی امیدوارکننده از آینده فوتبال ایران داشت؛ هرچند برای تداوم این روند، اعتماد به استعدادهای جوان و فراهم کردن فرصت حضور در مسابقات مهم ضروری است. مهدی پاشازاده، مدافع پیشین تیم ملی، معتقد است اتفاقی که در بصره رقم خورد، می‌تواند نقطه شروع تغییرات مثبتی در فوتبال ملی باشد.

مهدی پاشازاده در گفت‌وگو با «ایران» با تمجید از عملکرد ملی‌پوشان در این تورنمنت می‌گوید: «۱۰ سال بود که چنین بازی خوبی از تیم ملی ندیده بودم. بازی مستقیم و جذابی را شاهد بودیم و حضور بازیکنان جوانی مثل امیرمحمد رزاقی‌نیا، محمدجواد حسین‌نژاد، گودرزی و حسین‌زاده نشان داد این استعدادها در کنار بازیکنان باتجربه و تشنه موفقیتی مثل سردار آزمون، چقدر خوب می‌توانند بازی کنند. به نظرم روح تازه‌ای به تیم ملی دمیده شد.» مدافع پیشین تیم ملی اعتقاد دارد ارزش قهرمانی ایران را نباید با نام و اعتبار حریفان سنجید و آنچه اهمیت دارد، تصویری است که از آینده فوتبال کشور ارائه شد: «کوچک بودن نام حریفان را نمی‌توان دلیلی بر بی‌ارزش بودن این تورنمنت دانست. نکته مهم، ترکیبی از تجربه، انگیزه و استعداد بود که می‌تواند پشتوانه تیم ملی در روزهای بزرگ پیش رو باشد. بصره برای فوتبال ایران فقط محل برگزاری یک تورنمنت نبود، بلکه فرصتی برای معرفی نسلی تازه بود که می‌خواهد در کنار بزرگان، آینده تیم ملی را بسازد.»

مهدی پاشازاده تعویق اجباری جام ملت‌های آسیا و فاصله ۱۳ تا ۱۴ ماهه پیش رو را فرصتی برای ارزیابی و آماده‌سازی جوانان می‌داند؛ فرصتی که باید با برنامه‌ریزی درست همراه باشد: «حضور در فهرست تیم ملی به معنای جوانگرایی نیست. بازیکن جوان باید فرصت حضور در مسابقه را پیدا کند، نقش مشخصی داشته باشد و در موقعیت‌هایی قرار گیرد که توانایی‌هایش ارزیابی شود. بازیکنی که فقط برای تکمیل فهرست دعوت می‌شود، فرصت چندانی برای اثبات خودش ندارد. فوتبال ایران از نظر استعداد کمبودی ندارد؛ مسأله اصلی شناسایی این بازیکنان و فراهم کردن فرصت کافی برای رشد آنهاست.»

او در ادامه به ضرورت تقویت کادرفنی تیم ملی اشاره می‌کند و اعتقاد دارد قلعه‌نویی برای حضور قدرتمندتر در مسابقات پیش رو باید از مجموعه‌ای قوی‌تر در کنار خود استفاده کند: «اینکه چه کسانی با امیر قلعه‌نویی همکاری کنند تصمیم خودش است، اما به نظرم کادر فنی باید قوی‌تر شود. اگر امکان استفاده از مربی خارجی وجود ندارد، نباید سراغ دستیارانی رفت که سال‌ها رنگ موفقیت را ندیده‌اند. تیم ملی جای تجربه کردن نیست؛ جای بهترین‌هاست.»

حمید درخشان، کارشناس فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

قلعه‌نویی نباید از جوانگرایی عقب‌نشینی کند



گروه ورزشی/ قهرمانی در تورنمنت بصره شاید دستاوردی تعیین‌کننده در کارنامه تیم ملی فوتبال ایران نباشد، اما فرصتی فراهم کرد تا امیر قلعه‌نویی پس از مدت‌ها به نسل جوان اعتماد کند و ترکیبی متفاوت را به میدان بفرستد. این تغییر رویکرد می‌تواند مقدمه‌ای برای پوست‌اندازی تیم ملی باشد؛ اتفاقی که تحقق آن به زمان، برنامه‌ریزی و استمرار اعتماد به استعدادهای تازه نیاز دارد. حمید درخشان، کارشناس فوتبال معتقد است نباید با تغییر اسامی در فهرست تیم ملی محدود شود. به اعتقاد او، باشگاه‌ها و آکادمی‌ها نقش مهمی در پرورش نسل جدید دارند و باید شرایطی فراهم کنند تا استعدادهای جوان فرصت حضور مستمر در مسابقات را به دست آورند. بازیکنی که در باشگاه نیمکت‌نشین است، نمی‌تواند تنها با چند روز تمرین در اردوی تیم ملی به مهره‌ای آماده برای رقابت‌های بین‌المللی تبدیل شود.

درخشان بر ضرورت هماهنگی میان کادرهای فنی باشگاهی و ملی تأکید دارد. شناسایی استعدادها، ارزیابی مستمر عملکرد و اعتماد به بازیکنان جوان باید بخشی از یک برنامه مشخص باشد. تیم ملی نمی‌تواند به‌تنهایی بار این تغییر نسل را بر دوش بکشد و باشگاه‌ها باید سهم خود را در این فرآیند ایفا کنند.

موضوع دیگر از نگاه درخشان، تقویت کادرفنی تیم ملی است. او با اشاره به جدایی آندرانیک تیموریان و هومن افاضلی می‌گوید: «به نظرم نیازی به تغییر سایر نفرات نیست و باید به جای آن، کادر فنی تقویت شود. البته تصمیم نهایی با امیر قلعه‌نویی است. اضافه شدن بازیکنان جوان نیز به انرژی تازه و انگیزه بیشتری از سوی مربیان تیم ملی نیاز دارد.»

او همچنین تأکید می‌کند قلعه‌نویی نباید با نخستین ناکامی احتمالی از مسیر جوانگرایی عقب‌نشینی کند. بازگشت به ترکیب گذشته و کنار گذاشتن استعدادهای تازه می‌تواند این برنامه را متوقف کند. البته جوانگرایی نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن ضعف‌های فنی باشد. این مسیر به صبر، فرصت و استمرار نیاز دارد و قهرمانی بصره زمانی ارزشمند خواهد بود که آغاز یک تغییر ماندگار در فوتبال ایران باشد.